

# اسناد نفث

و

نطق‌ها و نامه‌های تاریخی



دکتر محمد مصدق





11/1/55

[www.CheBayadKard.com](http://www.CheBayadKard.com)

این کتاب که با کمک اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت خارجه تهیه شده و اسناد مربوط به نفت را تا روز ۲۰ مرداد ۱۳۳۰ دارا است دلائل زنده‌های از یک مبارزه خورد کننده و خستگی ناپذیر می‌باشد و نه تنها برای مردم جهان امروز مرجع مورد استفاده است بلکه موجب افتخار نسل آینده میهن ما می‌باشد و فرزندان ما با مطالعه این اسناد پی خواهند برد که پدران و مادران‌شان با چه خون دلی شالوده ایران نو و جوان را ریختند و این چیز است که در میان این همه مشکلات و موانع تنها تسلی تهیه کنندگان این مجموعه است.

# اسناد نقت و نطق‌ها و نامه‌های تاریخی

دکتر محمد مصدق

## مقدمه

به اعتباری تاریخ صدساله اخیر ایران با نفت آلوده است که در ابتدا روابط و مسائل مربوط به آن رقیق و دور از مردمی و خارج از دسترس همگان و اکنون غلیظ و در پیش روی مردمان قرار دارد.

چگونه است که این ماده بدبو و به اصطلاح به اوج رسانندگانش، طلای سیاه، هم می تواند باعث ذلت و هم رفعت شود؟ چگونه شد که آنچه که بمثل قاتق نان ملت ایران می توانست باشد قاتل جاننش شد، و چرا ایران و ایرانی تا خشک شدن این رگ حیاتی در زحمت است و بعد را هم کسی نمیداند؟

ماجرای نفت و دخالت مردم درگیر و دار مبارزهای عظیم برای برداشتن یوغ کمپانیها و کشورهای استعمارگر که در تحت لوای جبهه گیرانه شرق و غرب بودند همانند آتش زیر خاکستر از همان ابتدای برهه دادن منابع ملی با توجه به اکثریت ناآگاه، و اقلیت ذینفع و آگاه بمعنی وطن فروش باقی بود. دکتر محمد مصدق با سیاست ماهرانه خود مملکت را بتدریج از اسارت شرکت استعماری خارجی نجات داد و توانست رل بسیار مهمی را در پیشرفت نظریات ملت برحق ایران ایفا نماید. قیام ملت قهرمان ایران به رهبری دکتر مصدق مشت محکمی بردهان این شرکت دسیسه باز که پای دولتی نفع طلب و استعمارگر را هم در اختلافات ناجوانمردانه و ادعاهای بیشرمانه بمیان کشیده بود، کوبید.

اسنادی که در این کتاب می آید شرح لحظه به لحظه ملی شدن نفت و در واقع بیانگر روشهای ناجوانمردانه شرکت استعماری خارجی و دولت حامی اوست که در مقابل نمونههای گویائی از فعالیت های دولت وقت را در راه حصول بیک آینده آل ملی با شرکت تمام افراد ملت از کوچک و بزرگ و پیر و جوان و زن و مرد در بر میگیرد.

راهی که آنها رفته اند اکنون سنگفرشی شده است جهت دار. که وطن پرستان فعلی آنرا دنبال میکنند اما آگاهی از آنچه که رفته است و دستهایی که در کار موافقت و مخالفت با نهضت بوده اند فرض بر هر ایرانی میهن پرست بشمار می آید.

من قرارداد داری  
که در تاریخ ۹ مهر ۱۳۹۹ قمری در  
کاخ صاحبزانیته با امضاء رسیده است

### امتیاز نامچه نفت و موم طبیعی معدنی

ما بین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی از یکطرف و ویلیام کنکس داری رانیه شهر لندن نمره ۴۲ گرس ونر ( من بعد در تمام امتیاز نامه بجای اسامی و محل توقف و غیره مختصرأ صاحب امتیاز قید خواهد شد ) از طرف دیگر موافق این امتیاز نامه تفصیل ذیل مقرر شده است .

فصل اول — دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران بموجب این امتیاز نامه اجازه مخصوصه بجهت تقش و تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی باشد در تمام وسعت ممالک ایران در مدت شصت سال از تاریخ امروز اعطاء مینماید .

فصل دوم — صاحب این امتیاز دارای حق بالانحصار کشیدن لوله های لازمه

از سرچشمه‌های نفت و فیروغیره تا خلیج فارس و کذالك شعبات لازمه لوله‌های فوق بجهت توزیع و تقسیم نفت بجا‌های دیگر خواهد بود و کذالك حق بنای چاههای نفت و حوض‌ها و معمل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و غیره از هرچه که لازم باشد خواهد داشت .

فصل سوم - دولت علیه ایران اراضی بایرۀ خود را در جائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهت بنا و تأسیس کار هائیکه در فوق مذکور است لازم بدانند مجاناً بصاحب امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایر باشند صاحب امتیاز باید آنها را از دولت بقیمتی عادلۀ خریداری نماید و دولت علیه بصاحب امتیاز نیز حق میدهد که اراضی و املاک لازمه را بجهت اجرای این امتیاز از صاحبان ملك برضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین ملك مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه در حوض و حوض تجاوز نمایند .

جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دائره که دو بیست ذرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنی هستند .

فصل چهارم - چون معادن نفت شوشتر و قصر شیرین و واکلی بندر بوشهر که بالفعل دایر و مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی دارند و متعلق بدیوان همیون اعلی میباشند شرط شد که آنها را نیز دولت بموجب فصل اول بصاحب امتیاز واگذار نماید مشروط بر اینکه علاوه بر صدی شانزده مذکور در فصل دهم که باید به دولت برسد صاحب امتیاز سه ساله دو هزار تومان جمع حالیه معادن مذکوره را نیز به دولت کار-سازی دارد .

فصل پنجم - طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله‌ها بتوسط مهندسین صاحب امتیاز و با خود او خواهد بود .

فصل ششم - قطع نظر از آنچه در فوق ذکر شده این امتیاز شامل ولایات آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و استرآباد نخواهد بود ولی بشرطی که دولت علیه بهیچ کس اجازه ندهند که لوله‌های نفت بطرف رودخانه‌ها و سواحل جنوبی ایران تأسیس نمایند .

فصل هفتم - تمام اراضی که بصاحب امتیاز واگذار شده و همچنین اراضی که صاحب امتیاز بموجب فصل سوم استملاک خواهد کرد و همچنین تمام محصولات آنها که بخارجۀ حمل شود از هر نوع مالیات و عوارض در مدت این امتیاز نامه مءاف خواهد بود و تمام اسباب و آلات لازمه برای تفتیش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها و



كذلك بجهت تأسيس لوله‌ها در وقت دخول بايران بهيچوجه من الوجوه حقوق گمرک را نخواهند پرداخت .

فصل هشتم - صاحب امتياز نامه مكلف است كه بدون تعلل و تاخير به خرج خود يك يا چند نفر را از اهل خبره بايران بجهت تفتيش صفحاتي كه صاحب امتياز احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها ميبرد بفرستد و در صورتی كه راپورتهاي آن اشخاص خبره بيقيده صاحب امتياز كافي باشد صاحب امتياز مكلف است كه بدون تاخير و به خرج خود اجزای علمی لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج بجهت تعميق و كندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد .

فصل نهم - دولت عليه ايران بصاحب امتياز اجازه ميدهد كه يك يا چند شركت بجهت انتفاع از آن امتياز تأسيس نمايد اسامي و نظام نامه سرمايه آن شركتها بتوسط صاحب امتياز معين خواهد شد مشروط بز اينكه در ايجاد هر شركتي صاحب امتياز آن ايجاد را رسماً بتوسط كميسر بدولت اطلاع بدهد و نظام نامه آن شركت را با تعيين محلي كه شركت مزبور بايد در آنجا كار كند بدولت اظهار دارد و مدير هاي شركتها نيز بتوسط او انتخاب خواهند شد اين شركت با آن شركتها تمام حقوق صاحب امتياز را خواهند داشت ولي از طرف ديگر آنها بايد تمام تعهدات و مسؤوليت صاحب امتياز را نيز در عهده خود گيرند .

فصل دهم - بين صاحب امتياز از يكطرف و شركتي كه تشكيل كند از طرف ديگر قرارداد خواهد شد كه يكماه بعد از تاريخ تأسيس رسمي شركت اول صاحب امتياز مكلف است مبلغ بيست هزار ليره انگليسي قداً و بيست هزار ليره ديگر سهام پرداخته شده بدولت عليه بدهد علاوه بر آن آن شركت و تمام شركت هائي كه تأسيس خواهند شد مكلف خواهند بود كه از منافع خالص ساليانه خود صدی شانزده بدولت عليه ساز سال كار سازي نمايند .

فصل يازدهم - دولت عليه مختار است كه بكنفر كميسر معين نمايد كه آن كميسر طرف شور صاحب امتياز و مدير آن شركتها خواهد بود و محض خير اين تأسيس هر گونه اطلاعات مفيد داشته باشد بآنها داده همه نوع راه نمائي بآنها خواهد كرد و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتياز هر گونه تفتيش كه مفيد بداند بعمل خواهد آورد حقوق و مشاغل كميسر دولتي صريحاً در نظام نامه شركتي كه تشكيل شود معين خواهد گرديد صاحب امتياز همه ساله ابتدا از تاريخ تشكيل شركت اول مبلغ هزار ليره انگليسي بكميسر دولتي حق خواهد داد .

فصل دوازدهم - عمه و فمله كه در تأسيسات فوق كار مي كنند بايد رعيه اعليحضرت

شاهنشاه باشند با استثنای اجرای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عماد و مباشرین .

فصل سیزدهم - در تمام جاهاییکه مدلل شود که اهالی محلیه حالا از نفت آنجا منتفع می‌شدند شرکت باید بآنها مجاناً همین مقدار نفت را که اهالی سابقاً جمع میکردند حالا هم بدهد این مقدار باظهار خود آنها و بتصدیق حکومتی محلیه معین خواهد شد .

فصل چهاردهم - دولت علیه متمهد میشود که اقدامات لازمه در حفظ امنیت و اجرای مقصد این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکوره در فوق بصل آورد و کذا لک نماینده‌ها و اجزای علمی و وکلای شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود گیرند و چون دولت علیه این تکالیف خود را اداء کرد صاحب امتیاز و شرکتهای تشکیل شده دیگر بهیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت از دولت علیه ندارند .

فصل پانزدهم - بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکتی بجهت استخراج و انتفاع معادن متعلق بدولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچگونه غرامت از این بابت نخواهد داشت .

فصل شانزدهم - اگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیاز نامه صاحب امتیاز نتواند شرکت اولی مذکوره در فصل هشتم را تأسیس نماید این امتیاز از درجه اعتبار بکلی ساقط است .

فصل هفدهم - در صورتیکه مابین طرفین متماهدین منازعه و اختلافی در تأویل و ترجمه این امتیاز نامه و کذا لک در باب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره اتفاق افتد مشکل و مسئله در نهران بدو حکم رجوع خواهد شد و آن دو حکم بتوسط طرفین معین خواهند شد و نیز آن دو حکم قبل از مبادرت برافعه حکم ثالث رامعین خواهند کرد حکم آن دو حکم و یا در صورتیکه حکمین مزبورین متفق نشوند حکم حکم ثالث قطعی خواهد بود .

فصل هیجدهم - این امتیاز نامه در دو نسخه بفرانسه نوشته شده و بهمان مضمون بفرسی ترجمه شده است . و اگر اختلافی در مضمون این امتیاز نامه مابین دو زبان حاصل شود متن فرانسه اولویت دارد و بآن متن باید رجوع کرد .

ملاحظه شد. صحیح است فی شهر صفر اودنیل در صاحبقرانیه ۱۳۱۹

امتیاز نامه چه موم و نفت طبیعی معدنی است که بشرف امضای مقدس سرکار بندگان اعلی حضرت اقدس هاپون شاهنشاهی رسیده است - علی اصغر محل مهر اتابک اعظم .

این امتیاز نامه موم و نفت معدنی که بشرف امضای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه رسیده است در وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت شد در سال ۸۹۲ فی ۹ شهر صفر المظفر اودئیل محل مهر مشیر الدوله .

این امتیاز نامه که در دو نسخه بفرانسه نوشته و بفارسی ترجمه شده و مبادله گردیده است هر دو بدستخط مبارک شاهنشاهی روحنا فداه موشح و بدستخط و مهر حضرت اشرف اتابک اعظم و خط و مهر جناب مشیر الدوله وزیر امور خارجه مزین شده اند فی ۹ شهر صفر المظفر اودئیل ۱۳۱۹ نظام الدین وزیر معادن محل مهر و امضاء ملاحظه شد صحیح است فی شهر صفر اودئیل در صاحبقرانیه ۱۳۱۹ .

. امتیاز نامه موم و نفت طبیعی معدنی که بشرف امضاء سرکار بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی رسیده است . علی اصغر - اتابک اعظم .

این امتیاز نامه موم و نفت معدنی که بشرف امضای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه رسیده است در وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت شده و در سنه ۸۹۲ فی ۹ شهر صفر المظفر اودئیل ۱۳۱۹ - نصر الله مشیر الدوله .

این امتیاز نامه که در دو نسخه بفرانسه نوشته و بفارسی ترجمه شده و مبادله گردیده است هر دو بدستخط مبارک شاهنشاهی روحنا فداه موشح و بدستخط و مهر حضرت اشرف اتابک اعظم و خط و مهر جناب مشیر الدوله وزیر امور خارجه مزین شده اند فی ۹ شهر صفر المظفر اودئیل ۱۳۱۹ نظام الدین وزیر معادن -

رو نوشت برابر اصل است

( متن قرار داد نصیبتی ۱۹۳۳ که در تاریخ  
 ۷ مرداد ۱۳۱۲ بین شرکت سابق نفت  
 و دولت ایران بشعوب رسیده )

#### مقدمه

بقصد برقرار کردن امتیاز جدیدی بجای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام نکس داریسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود آنرا قبول مینماید .  
 روابط طرفین مذکور در فوق در آتیه برطبق این قرار داد خواهد بود .

#### تعاریفات

بمعنی اصطلاحات مستعمله در این قرار داد قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه در موارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعریفات ذیل معنی خواهد شد .

## دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران .

## کوپانی

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن .

## شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود .

## شرکت تابعه

یعنی هر شرکتی که در آن کوپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً یا غیر مستقیم داشته باشد و یا آنکه کوپانی در آن شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم مالک یک مقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رأی در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کوپانی تضمین نماید .

## نفت

یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها ( اسفالتها ) و مومهای طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکوره حاصل میشود و یا بوسیله اختلاط و امتزاج این مواد بخواهد دیگری بدست میآید .

## عملیات کوپانی در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری و فنی که کوپانی منحصرأً برای اجرای این امتیاز انجام میدهد .

## ماده اول

دولت برطبق مقررات این امتیاز حق مانع للغير تفحص و استخراج نفت رادر حدود حوزه امتیاز به کوپانی اعطاء میکند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی رادر نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت . خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران بکوپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آنرا؛ اعطاء مینماید .

## ماده دوم

الف - حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از

حوزه که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه که ضرفین امضاء کرده و منضم بقرارداد است رسم شده است .

ب - کمپانی باید منتهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق بک باچندین قطعه زمین را بهر شکل و وسعتی و در هر قطعه که مقتضی میدانند انتخاب نماید . مجموع سطح بک یا چند قطعه که انتخاب شده باشد نباید از یکصد هزارمیل مربع انگلیسی ( ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع ) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است با یک هزار و شصت و نه متر .

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن بک قطعه یا قطعانی را که به طریق فوق انتخاب کرده کتیباً بدولت اطلاع خواهد داد .  
بهر اطلاعننامه نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تحدید قطعه با فصحات منتخبه از طرف کمپانی ضمیمه خواهد شد .

ج - بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کمپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعانی که مطابق ( Paragraphe ) (ب) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعانی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آن ها نیز بترتیب مذکور در فوق به دولت اطلاع داده شده باشد .

### ماده سوم

کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله های حمل نفت را خواهد داشت . کمپانی در تعیین محل سیر لوله های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است .

### ماده چهارم

الف - هر زمین بایر منطبق بدولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای معاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً بکمپانی واگذار خواهد شد ، طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل خواهد بود :

هر وقت قطعه از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی بک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت مالیه ارسال بدارد .

دولت در صورتیکه اعتراضی نداشته باشد متعهد میشود که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد .

ب - اراضی دائر متعلق بدولت را که کمپانی احتیاج میداند بطریقی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایر بفروش آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتیکه دولت اعتراضی و احتیاجی با اراضی مزبوره نداشته باشد .

قیمت این اراضی را کمیانی تأدیه خواهد کرد - قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید .

ج - در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش‌بینی شده در جزوهای Alinèa (الفوب) مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضای مزبور کمیانی تذکر نامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد چنانچه بتذکر نامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد گردید .

د - اراضی را که متعلق به دولت نیست و برای کمیانی لازم باشد بانوافق با صاحبان اراضی مزبور و باتوسط دولت کمیانی تحصیل خواهد کرد در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطابیه نمایند . برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمیانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمیشود .

ه - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محلهائی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دوست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند .

و - کمیانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه جای دیگر و از هر زمین بابر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید .

مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمیانی جبران خسارات ذوی الحقوق را بنماید .

### ماده پنجم

عملیات کمیانی در ایران بطریق ذیل محدود میشود :

۱ - ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موقوف به حصول موافقت قبلی بین دولت و کمیانی خواهد بود .

۲ - اگر کمیانی توسعه ارتباط تلفونی و تلگرافی و تلگراف بی سیم و هواپیمائی فعلی خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمیتواند بکند .

اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع پیش آمدهای فوق العاده دیگری احتیاج بوسائلی نقلیه و وسائل ارتباطیه کمیانی پیدا کند تمهید مینماید حتی الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمیانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمیانی میگردد بطور حقانیت جبران نماید .

### ماده ششم

الف - کمیانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نود و حقوق گمرکی و مالیاتهای معموله حین ورود را پردازد . کمیانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخصی غیر مستخدمین خودش فروخته و یا واگذار نگردد .

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریضخانها و مطب های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشیاء و اجناس مذکور در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

ج - بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید .

د - صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

الف - کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهند بود .  
ب - دولت در حدود قوانین و مقررات ملکیتی همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات کمپانی مبذول خواهد داشت .

ج - هر گاه دولت در حوزه امتیازیه باشخاص دیگری امتیازاتی برای بکار انداختن سایر معادن اعطا کند باید و اذار نماید که احتیاطات لازمه را بعمل آورند که عملیات آنها بوسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد .

د - کمپانی مکلف است منطقه را که برای ساختن خانه و کاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبقاً و از سکونت در آن محل منع نماید .

### ماده هشتم

کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فرش صادرات خود را بیول ایرانی تبدیل نماید .

### ماده نهم

کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که بوسیله يك کمپانی فرعی استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید .

### ماده دهم

I - مبالغی که بر حسب این قرارداد از طرف کمپانی باید بدولت تأدیه شود ( علاوه بر مبالغی که در مواد دیگر پیش بینی شده ) بشرح ذیل تعیین میگردد :

الف - حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود ببلنچ چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود .

ب - پرداخت مبلغی معادل نایست در صد ۲۰ آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره بصاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع میگردد خواه این توزیع بعنوان سهم منافع ( Dividende ) یکی از سنوات بسوده یا از وجوه ذخیره همان کمپانی که اضافه بر ذخائری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ بموجب دفاتر خود موجود داشته باشد .



ج - مجموع مبالغی که برای هر سال مسجی بر حسب جزء های ( الف ) و (ب) از طرف کمپانی بدولت ایران تأدیه میشود نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ ) کمتر باشد .

II - تأدیه وجوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی بطریق ذیل بعمل خواهد آمد :

الف - ۳۱ مارس و ۳۰ ژون و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یکصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینگ ( تأدیه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد بعمل خواهد آمد ) .

ب - در تاریخ بیست و هشتم نوریه ۱۹۳۴ و منبعت در همین تاریخ در هر سال حق الامتیاز مربوط بسال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء ( I الف ) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ که مطابق جزء ( II الف ) قبلاً تأدیه گردیده است .

ج - مبالغ لازم التأدیه بدولت بر حسب جزء ( I ب ) این ماده در موقع تقسیم منافع سهام عادی پرداخته خواهد شد .

III - در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف کمپانی مطابق ماده ( ۲۵ ) کمپانی مبلغی مساوی بیست درصد ( ۲۰٪ ) از بابت های ذیل را بدولت ایران تأدیه خواهد کرد .

الف - از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری ( General reserve ) که کمپانی وقت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء و یا ترك امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است .

ب - از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کمپانی وقت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز بحساب منقول میشود و موجودیهای که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف کمپانی مزبور بحساب منقول گردیده است .

پرداخت وجوه لازم التأدیه بدولت بر حسب این جزء یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که پس از انقضای یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت .

IV - دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط بجزو ( I الف ) را که منتهی تا ۲۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده میشود تفیش و رسیدگی نماید .

V - برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت دره وقوع ترقی و نازل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل توافق حاصل نمودند :

الف - هر گاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ ( ۶ لیره استرلینگ ) در مقابل يك اونس تروی ( Ounce troy ) تجاوز نماید برای هر پنی ( Penny ) که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل يك اونس تروی ( Ounce troy ) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التأدیه بدولت از طرف کمپانی بموجب این قرارداد ( باستثنای مبالغی که بر حسب جزوهای I . ب و III . الف ب ) این ماده و جزو ( I الف )

از ماده ۲۳ باید بدولت برسد) میزان يك پك هزار و چهار صد و چهلم ( $\frac{1}{1111}$ ) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید .

ب - هر گاه موقعی دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست و طریق تأدیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم نمی نماید طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده ۲۲ بحکمیت ارجاع خواهد شد و شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آنرا نیز معلوم خواهد نمود .

۷۱ - هر گاه در پرداخت مبالغ لازم التادیه بدولت مطابق تاریخ های مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه کمپانی تأخیر بعمل آید برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد ۰/۵ در سال فرع وجوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت .

### ماده یازدهم

I - کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که برفع دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتی وضع میشود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را بدولت تأدیه خواهد نمود :

الف - در مدت پانزده سال اول این قرارداد بتاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴ نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن (۶,۰۰۰,۰۰۰ تن) نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو (I الف) از ماده (۱۰) میگردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود .

ب - کمپانی تأمین میکند مبالغی را که بر طبق جزوهای فوق الذکر تأدیه مینماید هیچوقت از مبلغ دو بیست و پنج هزار لیره استرلینگ (۲۲۵۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد .

ج - در مدت پانزده سال بعد يك شلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن (۶,۰۰۰,۰۰۰ تن) نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو (I الف) از ماده (۱۰) میگردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود .

د - کمپانی تضمین میکند مبالغی را که بر طبق جزو (ج) ماقبل تأدیه مینماید هیچوقت از سیصد هزار لیره استرلینگ (۳۰۰,۰۰۰ استرلینگ) کمتر نباشد .

II - قبل از سه ۱۹۶۳ راجع میزان مبالغی که کمپانی در ازای مافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی برفع دولت و یا ادارات محلی در مدت

سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۹۳ میشود بساید پردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود .

### ماده دوازدهم

الف - کپانی راجع بعملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران مینماید جمع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جویی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود بطرزیکه مطابق آخرین ترقیاتی علمی وقت باشد بکار خواهد برد .

ب - هر گاه در حوزه امتیاز غیر از نفت سایر مواد معدنی و یسه ها و جنگلهای متعلق بدولت موجود باشد کپانی نمیتواند آنها را بکار انداخته و استفاده نماید و یا مانع عملیات و استفاده دیگران بشود (مشرط بر اینکه مقررات جزو (ج) از ماده (۷) رعایت شود)

ولی در صورتیکه مواد معدنی یسه و جنگلهای مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت .

ج - کلیه حفریاتی که منجر بکشف نفت نگشته و آب و یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا میشود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کپانی دولت را از کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممکن باشد بکپانی تمایل خود را نسبت بتصرف حفریات مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کپانی نشود .

### ماده سیزدهم

کپانی تعهد مینماید که بخرج خود و در يك مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا میکند سوادهای صحیح از تمام طرحها و نقشه ها و رسم ها و سایر مدارك و اسناد راجع بوضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفر چاهها مربوط بحوزه امتیازیه که موجود دارد بوزارت مالیه بدهد .

بعلاوه در تمام مدت امتیاز کپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران بدست آورده بدولت ارسال خواهد داشت .  
تمام اسناد و مدارك مزبوره را دولت بعنوان محرمانه تلقی خواهد نمود .

### ماده چهاردهم

الف - دولت بپیل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تفتیش عملیات فنی کپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خبره و متخصصین فنی مأمورین بگمارد .

ب - کپبانی تمام مدارك و اسناد مربوط بااطلاعات علمی وقتی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نطق را در دست رس مامورین خیره و متخصصین دولت خواهد گذارد و بهلاوه مامورین مزبور در تمام ادارات کپبانی و در تمام خاک ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعی را خواهند داشت .

### ماده پانزدهم

دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور ( مأمور دولت شاهنشاهی ) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت :

۱ - اطلاعی را که در حدود حق صاحبان سهام کپبانی است از کپبانی تحصیل نماید .  
۲ - در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و کپبانی تشکیل شده باشد حضور بهرساند .

۳ - کمیته را که کپبانی بقصد توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل میدهد بعنوان رسمی و باحق رأی قاطع ریاست نماید .

۴ - تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره هر وقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد مینماید تشکیل گردد جلسات مزبوره در مدت بانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی به منشی کپبانی تشکیل خواهد شد .  
کپبانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالیانه دوهزار لیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت .

دولت کتباً کپبانی را از تعیین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت

### ماده شانزدهم

I - طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد میباشد آنست که در منافع طرفین حفظ حد اعلائی منتج بودن و صرفه جوئی در اداره و عملیات کپبانی در ایران ضرورت عالی دارد .

II - مسلم است که کپبانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را باندازه که اشخاص ذی صلاحیت و باتجربه در ایران یافت شود از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کپبانی منحصرأ از اتباع ایران خواهند بود .

III - طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند .

IV - کپبانی سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علاوه و قنون مربوط به صنعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهد داد . اعتبار مذکور

بوسیله يك كميته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید .

### ماده هفدهم

کپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفیش و اداره و سائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدید ترین طریقه حفظ الصحه معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء و عملجات خود که در حوزه امتیاز به کار میکنند بعهده میگیرد .

### ماده هیجدهم

هروقت کپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه میدهد باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آنرا در همان موقع که در سایر نقاط شروع میشود در تهران نیز برقرار نماید.

### ماده نوزدهم

کپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آنجمله احتیاجات دولت بنزین ( Motor Spirit ) و نفت لامپ ( Kerosene ) و مازوت ( Fuel oil ) که از نفت ایران حاصل میشود بر اساس ذیل خواهد فروخت :

الف - در اول ژوئن هر سال کپانی معدل قیمتهای ( فوب ) رومانی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت های ( فوب ) خلیج مکزبک را راجع به يك از مواد مذکوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد - نازلترین معدلهای مذکور اختیار و « اساس قیمت ها » برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود .

قیمت های اساسی بنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد .

ب - کپانی بنزین و نفت لامپ و مازوت را بترتیب ذیل خواهد فروخت :

۱ - بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران مطابق « قیمت های اساسی » مذکور در جزو ( الف ) فوق باتخفیف بیست و پنج درصد ( ۲۵ . ر. )

۲ - سایر مصرف کنندگان مطابق همان ( قیمت های اساسی ) با تخفیف ۱۰ درصد ( ۱۰ . ر. )

ج - کپانی حق دارد که قیمت های اساسی مذکور در جزء ( الف ) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید .

د - دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کپانی فروخته است قدغن خواهد کرد .

### ماده بیستم

I - ( الف ) در مدت ده سال آخر امتیاز و یاد فاصله دو سال پس از اطلاع

قبلی که راجع بترك امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده میشود کمیانی جز شرکت های تابع خود حق فروش یا انتقال يك یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد. در مدت های مذکور نیز کمیانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد، مگر آنکه اشیاء مزبوره از حیز انتفاع افتاده باشد.

ب - در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از اراضی را که کمیانی همچنانا از ادوات تحصیل کرده است نمیتواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال منقول خود را نیز باستثنای آنچه غیر مفید و یا اینکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمیانی در ایران نیست نمیتواند خارج نماید.

II در موقع ختم امتیاز خواه این ختم بواسطه انقضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارائی کمیانی در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مغایر و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد.

III - جمله (تمام دارائی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه ها و ساختمانها و چاهها و سدهای دریائی و راهها و لوله های حمل نفت و پلها و رشته قنبرهای فاضل آب و وسایل توزیع آب و ماشینها و مؤسسات و تجهیزات (از آن جمله آلات و ادوات ازهر قبیل و تمام وسائط قایه (مثلا از قبیل اتومبیل و گاری و آترویلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیائی که کمیانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده مینماید.

### ماده بیست و یکم

طرفین متعهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد.

کمیانی صریحاً تعهد مینماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آئیه بوسیله هیچ قانون عموماً و خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرایی قابل تغییر نخواهد بود.

### ماده بیست و دوم

الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیت های مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع و نصل خواهد شد.

ب - طرفی که تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر يك يك حکم مینموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت يك حکم

ثالثی انتخاب خواهند کرد - هر گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور را بتقاضای یکی از طرفین، رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی تعیین خواهد نمود - چنانچه رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزو (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد.

ج - حکم ثالث باید ملت ایران یا انگلیس نباشد و بملاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق بیکی از مستملکات یا ممالک تحت الحمایه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومیت و ممالکی که بوسیله یکی از ملکین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد.

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکایت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی (یا از نایب رئیس در صورتیکه مطابق قسمت اخیر جزو (ب) پیش بینی گردید) تقاضا نماید که یک حکم منفرد غیر صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در اینصورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید.

ه - اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داوری دائمی بین المللی معمول و مجری است.

وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد، حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (د) معین خواهد کرد.

و - حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان داوری دائمی بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود.

ز - مخارج حکمیت پنحو یکه در رأی حکمیت معین میشود تأدیه خواهد گردید.

### ماده بیست و سوم

۱ - از برای تحفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرار داد (باستثنای آنچه مربوط به البانهای ایران است) گویایی بشرح ذیل اقدام میکند.

الف - بفاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ پنت میلیون لیره استرلینگ (۱,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) خواهد پرداخت و بملاوه.

ب - مبالغ لازم التأدیه بدولت را بابت عمل کرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز داریسی پس از وضع دو بیست هزار لیره استرلینگ (۲۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) که برسم مساعدت در ظرف سه ۱۹۳۲

بابت حق الامتیاز پرداخته و یکصد و سیزده هزار و چهار صد و سه لیره و سه شلینگ و ده پنس (۱۰-۳-۱۱۳،۴۰۳ لیره) که باختیار دولت قبلا ودیعه گذارده شده تصفیه و تأدیه خواهد کرد.

۲- در همان مدت مذکور در فوق در مقابل دعاوی دولت بابت مالیات گذشته از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی بر حسب مبنای مذکور در جزو (الف) از بند (۱) ماده ۱۱ محاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور در جزو (ب) از بند مزبور بدولت تأدیه خواهد نمود.

### ماده بیست و چهارم

هرگاه بنسبست الغای امتیاز داری نسبت بقرارداد های اجاره که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه که امتیاز مزبور اجازه میداده است منعقد گردیده اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیریه ذیل فیصله خواهد یافت.

الف - اگر قرارداد بر حسب مدلول خود در آخر امتیاز داری باید خاتمه بیابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغای امتیاز مزبور باعتبار خود باقی خواهد ماند  
ب - هرگاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز داری در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید میشود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند.

### ماده بیست و پنجم

در آسرها سال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترك نماید مشروط بر اینکه دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد  
در خانه مدت فوق الذکر دارائی کمپانی در ایران (بطوریکه در قسمت ۳ ماده ۲۰ تصریح شده) مجاناً و بدون هیچ قیدی بطور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هر گونه تمهیدی بری خواهد بود  
چنانچه نسبت به تعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود بطریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد

### ماده بیست و ششم

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتیکه کمپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترك کند و با آنکه محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تغلفی از طرف کمپانی نسبت باجرای مقررات این قرار داد ابضال آنرا اعلام بدارد

تغلف یعنی مذکور در فوق منحصر بموارد ذیل است:



الف - هرگاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید بدولت بر داخه شود تا یکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد .  
ب - هرگاه تصمیم بر انحلال اختیاری و یا اجباری کمپانی گرفته شود در مورد سایر تخلفاتی که نسبت بمقررات این قرار داد از هر يك از طرفین ناشی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آنرا تعیین خواهد نمود.  
هر نوع انتقال امتیاز مشروط بتصویب دولت خواهد بود .

### ماده بیست و هفتم

این قرار داد پس از تصویب مجلس و توشیح آن از طرف اعلیحضرت همایونی قابل اجرا میگردد . در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در طهران منعقد گردید . این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون  
ممنوعیت دولت از مذاکره و مله قرارداد  
راجع به اکتشاف نفت با خارجی ها  
مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳

ماده اول - هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتوانند راجع به امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولت مجاور و غیر مجاور و بانمایندگان شرکت های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند .

ماده دوم - نخست وزیر - و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند .

ماده سوم - متعلقین از ماده اول بحسب مجرده از ماده نهم هشت سال و انقضای دائم از خدمات دولتی ، محکوم خواهند شد .

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه یازدهم آذرماه یک هزار و سیصد و بیست و سه بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رأی مجلس شورای ملی ... همه ساری طباطبائی

## توسیم قانونی

دائر به ایاز بودن موافقتنامه مورخ ۱۵

فروردین ۲۵ راجع با ایجاد شرکت

مختلط نفت ایران و شوروی مصوب

۳۰ بهمن ۱۳۳۰

ماده واحده - الف - نظر باینکه آقای نخست وزیر با حسن نیت و در نتیجه استنباط از مفاد ماده دوم قانون یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ اقدام بنذاکره و تنظیم موافقتنامه مورخ یازدهم فروردین ماه ۱۳۲۵ در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نموده اند و نظر باینکه مجلس شورای ملی ایران استنباط مزبور را منطبق با مدلول و مفهوم واقعی قانون سابق الذکر تشخیص نمیدهد مذاکرات و موافقتنامه فوق را بلا اثر و کان لم یکن میداند - ماده سوم ابلاغیه مورخه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ کان لم یکن میباشد .

ب - دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را بمنظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورده و در ظرف مدت پنجاه سال نقشه های کامل فنی و علمی مناطق نفت خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت به میزان کافی بتواند ترتیب بهره برداری بازرگانی از این ثروت ملی را بوسیله تصویب

فوائین لازم تعیین کند .

ج - واگذاری هر گونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن بخارجیها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجیها در آن بوجهی از وجوه سهام باشند مطلقاً ممنوع است .

د - در صورتیکه بعد از تفحصات فنی مذکور در بند (ب) وجود نفت بمقدار قابل استفاده بازرگانی در واحی شمال ایران مسلم گردد دولت مجاز است در باب فروش محصولات آن به اتحاد جماهیر شوروی با آن دولت وارد مذاکره شود و نتیجه را با اطلاع مجلس شورای ملی برساند .

ه - دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت بمنافع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع به نفت جنوب بمنظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد .

تصمیم بالا در جلسه شب پنجشنبه سی و یکم مهر ماه یکهزار و سیصد و بیست و شش مجلس شورای ملی اتخاذ شده است .

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

کتابخانه مجلس شورای اسلامی - کتبخانه  
تاریخ: ۲۶ بهمن ۱۳۲۸  
دوره پانزدهم قانونگذاری

### مجلس شورای ملی

در اجرای قانون سی ام مهرماه ۱۳۲۶ و در نتیجه مذاکرات مفصلی که در ظرف هشت ماه اخیر بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران بعمل آمده موافقتنامه نسبت به تغییرات بعضی از مواد امتیازنامه بین دولت شاهنشاهی و شرکت مزبور حاصل گردیده و اینک متن موافقتنامه که بصورت الحاقی ضمیمه قرارداد اصلی خواهد بود بضمیمه ماده واحده زیر بقید یک فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میگردد :

**ماده واحده** - مجلس شورای ملی قرارداد الحاقی را که مشتمل بر یازده ماده است و جزء قانون اعطاء امتیاز نفت شرکت نفت ایران و انگلیس محدود می باشد تصویب و بتولت اجازه مبادله آنرا میدهد .

وزیر دارایی  
گلشایان

نخست وزیر  
محمد ساعد

قرارداد آلمانی بین دولت شاهنشاهی  
ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران  
محدود - تهران - روزنامه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹  
برابر با ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸

نظر بر قرارداد ( که در این قرارداد قرارداد اصلی نامیده میشود) منعقد در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که بموجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر باینکه متعاقب مذاکرات کامل و دوستانه دولت و کمپانی موافقت نموده اند که بملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی بدولت تعلق میگردد بایستی به میزان و به ترتیب آتی الذکر افزایش یابد .

و نظر باینکه طرفین برای تأمین این منظور موافقت نموده اند که قرارداد الحاقی منعقد نمایند علیهذا بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود بشرح زیر موافقت میشود :

۱- این قرارداد قرارداد الحاقی است و جزء لاینفک قرارداد اصلی محسوب می‌شود .  
 ۲- هر عبارتی که در این قرارداد استعمال می‌شود و در قرارداد اصلی تعریف آن عبارت بعمل آمده است همان معنی مصطلحه در قرارداد اصلی را خواهد داشت با استنای کلیه عبارات مستعمله در قرارداد اصلی به عنوان پرس و پرسان و دولت شاهنشاهی پرس و کمپانی انگلیس و پرسان محدود که از لحاظ این قرارداد منظور از عبارات مزبور به ترتیب ایران - ایرانی - دولت شاهنشاهی ایران - کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود خواهد بود و همچنین دیوان داوری دائمی بین‌المللی ذکر شده است منظور از آن دیوان دادگستری بین‌المللی می‌باشد که از طرف ملل متحد تأسیس شده است .

۳- الف - برای سال مسیحی که به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ منتهی گردیده و از آن به بعد میزان حق الامتیاز سالیانه که بموجب جزء (۱- الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بدولت تعلق می‌گیرد از چهار شلینگ به شش شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود ترقی داده خواهد شد .

ب- در اجرای تغییر مقرر در بند الف ماده ۳ این قرارداد بطور عطف بما سبق که شامل سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ می‌گردد و با منظور داشتن مقررات جزء (۷- الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرارداد مبلغ سه میلیون و سیصد و شصت و چهار هزار و چهارصد و پنجاه و نه لیره استرلینگ (۳۳۶۴۴۵۹ لیره استرلینگ) بدولت خواهد پرداخت .

۴- الفی - برای اینکه استفاده بیشتر و مطمئن‌تر و ذوری تر نسبت با آنچه در جزء (۱) ب و جزء (۳) الف ماده ۱۰ قرارداد اصلی پیش‌بینی شده عاید دولت گردد کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از محل وجوهی که بحساب «ذخیره عمومی» می‌گذارد برای هر دوره مالی که حسابهای کمپانی برای آن دوره تنظیم می‌گردد (شروع آن از دوره مالی خواهد بود که به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ ختم گردید) مابقی معادل ۲۰ درصد از رقمی را بدولت خواهد پرداخت که از افزایش مبلغ منظور بحساب «ذخیره عمومی» (طبق حسابهای منتشره دوره مالی مربوطه) متناسب موجود بین بیست شلینگ و تفاضل بیست شلینگ و نرخ استاندارد مالیات بر درآمد انگلستان در تاریخ مربوطه حاصل می‌گردد .

تاریخ مربوطه عبارت خواهد بود از تساریخ آخرین توزیع سود بدو زندگان سهام عادی بابت دوره مالی مورد بحث یا در صورتیکه چنین توزیعی در بین نباشد عبارت خواهد بود از تاریخ یکماه بعد از تاریخ مجمع عمومی که حسابهای مورد بحث در آن مطرح شده باشد .

برای اجرای اصل معینه در بند الف فوق‌مآلهای بین طرفین این قرارداد مورد موافقت قرار گرفته و در ضمیمه این قرارداد درج گردیده است .

ب- چنانکه بابت هر دوره مالی که برای آن حسابهای کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود (از تاریخ دوره مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸) تنظیم شده جمع مبلغی

که کمپانی باید طبق بند الف ماده ۴ قرارداد فعلی و جزء (ب) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بدولت بپردازد حیثاً از چهار میلیون لیره استرلینگ (۴۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر بشود کمپانی مابه‌التفاوت جمع مبلغ مزبور و چهار میلیون لیره استرلینگ (۴۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) را بدولت خواهد پرداخت .

معمداً مقرر است که چنانکه در طی یکی از دوره های مالی مذکور کمپانی بر اثر حوادثی که خارج از اختیار او باشد نتواند نقت از ایران صادر نماید از میزان مبلغی که کمپانی باید بابت چنین دوره طبق مقررات سابق الذکر جزء (ب فرعی) قرارداد فعلی به دولت بپردازد باید مبلغی کسر گردد که نسبت آن با میزان مبلغ سابق الذکر همان نسبتی را دارا باشد که بین مدت این تعطیل و دوره مالی مذکور وجود دارد .

ج - کلیه مطالب لازم‌التأدیة بدولت ایران بابت هر دوره مالی طبق بند الف و بند ب ماده ۴ این قرارداد در تاریخ مربوطه آن دوره مالی پرداخت خواهد شد .

د - مقررات جزء (۵) ماده ۱۰ قرارداد اصلی در مورد هیچک از وجوهی که کمپانی طبق بند الف و ب ماده ۴ این قرارداد بدولت پرداخته قابل اجراء نمیباشد .  
 ۵ - الف - نسبت ب مبلغ چهارده میلیون لیره استرلینگ (۱۴,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) که در ترازنامه کمپانی نقت انگلیس و ایران بتاريخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۷ بعنوان تشکیل «ذخیره عمومی» کمپانی مزبور منظور شده است کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرارداد مبلغ پنج میلیون و نود هزار و نهصد و نه لیره استرلینگ (۵,۰۹۰,۹۰۹ لیره استرلینگ) بدولت خواهد پرداخت .

ب - مقررات جزء (۵) ماده ۱۰ قرارداد اصلی در مورد پرداختی که کمپانی باید طبق بند الف ماده ۴ فعلی بعمل آورد قابل اجراء نمیباشد .

۶ - وجوهی که کمپانی باید بموجب ۴ و ۵ این قرارداد بپردازد بجای مبلغ زیر پرداخته شده و قائم مقام آنها خواهد بود .

۱ - هر پرداخت بدون طبق جزء (ب) ماده ۱۰ قرارداد اصلی بابت هر گونه توزیع مربوطه به «ذخیره عمومی» کمپانی .

۲ - هر مبلغی که طبق جزء (III - الف) ماده ۱۰ قرارداد اصلی در اقتضای امتیاز و یا در صورت ترك آن از طرف کمپانی طبق ماده ۲۵ قرارداد اصلی ممکن بود . بابت «ذخیره عمومی» از طرف کمپانی بدولت لازم‌التأدیة گردد .

۷ - الف - برای سال مسیحی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ و سنوات بعدی نرخ مبالغی که کمپانی باید طبق جزء (I - ج) ماده ۱۱ قرارداد اصلی بدولت بپردازد و مر بوط است بوجود لازم‌التأدیة بابت مازاد ۶/۰۰۰/۰۰۰ فن از نه بنس به يك شلینگ ترقی داده خواهد شد .

ب - بمنظور اجرای تغییری که در بند الف ماده ۷ این قرارداد تصریح شده بصورت عطف به سابق که شامل سال مسیحی منتهی ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ میگردد و با رعایت



مقررات بند ۷ ماده ۱۰ قرار داد اصلی کمپانی در ظرف سی روز از تاریخ اجرای این قرار داد مبلغ سیصد و دوازده هزار و نهصد لیره استرلینک (۳۱۲۹۰۰ لیره استرلینک) بدولت خواهد پرداخت

۸- الف- در آخر بند الف ماده ۱۹ قرار داد اصلی عبارت زیر اضافه خواهد شد . هر گاه موقعی یکی از طرفین تصور نماید که قیمت‌های رومانی و باقیمت‌های خلیج مکزیک دیگر مبنای مناسبی برای تمیین «قیمت‌های اساسی» نباشد قیمت‌های اساسی با توافق طرفین و در صورت عدم توافق طبق ماده ۲۲ از طریق حکمت تعیین خواهد شد «قیمت‌های اساسی» که باین نحو تعیین میگردد بوسیله موافقتی که با تبادل نامه بین دولت (که صلاحیت لازم برای موافقت مزبور دارد) و کمپانی بعمل خواهد آمد برای طرفین لازم‌الرعایه خواهد بود .

ب- از تاریخ اول ژوئن ۱۹۰۹ بهائی که کمپانی بنزین و نفت و مازوت محصول نفت ایران را بصرف کنندگان غیر از دولت برای مصرف داخلی ایران خواهد فروخت عبارت خواهد بود از «قیمت‌های اساسی» با کسریست و پنج درصد (۰/۲۵) بجای کرده در صد (۰/۱۰) که در بند (ب) ماده ۱۹ قرار داد اصلی پیش بینی شده است .

ماده ۹- در مقابل پرداخت مبالغ مزبور از طرف کمپانی دولت و کمپانی موافقت مینمایند که کلیه تمهیداتی که یکی از آنها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ نسبت بدیگری در مورد بند (الف) و بند (ب) ماده ۱۰ و نسبت به ماده ۱۱ قرارداد اصلی و همچنین آنچه مربوط به «ذخیره عمومی» میباشد کاملاً انجام یافته است

ماده ۱۰- با رعایت مقررات این قرار داد مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند

ماده ۱۱- این قرار داد بعد از تصویب مجلس شورای ملی و از تاریخ صحه ملوکانه بموقع اجراء گذاشته خواهد شد دولت متعهد میشود که این قرار داد را هر چه زودتر ممکن شود برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم دارد .

تهران بتاريخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹ - ۲۶ نیرماه ۱۳۲۸

از طرف کمپانی نفت ایران و انگلیس محدود

از طرف دولت شاهنشاهی ایران

در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۲۹ از  
ضرف مجلس شورای ملی کمیسیونی  
بنام کمیون مخصوص نفت از نمایندگان  
مجلس شورای ملی برای تهیه طرحی جهت  
استیفای حقوق ملت ایران و مطالعه در  
لابحه الحاقی کس گلهائیان انتخاب شد  
و پس از خواستن پرونده های مربوط  
از وزارت دارائی و مطالعه آنها در  
۲۵ جلسه کمیسیون در تاریخ ۱۲۲-۱۳۲۹  
۱۳۲۹ گزارش ملی شدن صنعت نفت  
به مجلس شورای ملی تقدیم شد.

( در ۲۲ اسفند ماه اردو کمیسیون نفت  
 مجلس شورای اسلامی گزارشی: بر ۱۰۱ جلسه  
 شورای عالی ارسال گردید )

### مجلس مقدس شورای عالی

کمیسیون مخصوص نفت که طبق تصمیم قانونی در جلسه پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده است منبأ یاد آوری بعرض مجلس شورای ملی میرساند :

#### تصمیم قانونی

مجلس شورای عالی باتائید و تصویب گزارش کمیسیون دائر بر اینکه (لایحه ساعد کس) کافی برای استیفای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ بآن کمیسیون مأموریت میدهد که باتوجه پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب بمجلس شورای عالی تقدیم نماید .  
 آقایان نمایندگان میتوانند در ظرف دو هفته هرگونه پیشنهادی که دارند به

کمیسیون تقدیم نمایند .

از تاریخ نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ الی تاریخ پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ دوازده جلسه تشکیل داده و غالب جلسات طولانی و در جلسه چند ساعت مشغول مطالعه جوانب و اطراف موضوع بود و از احاطه سیاسی و اقتصادی و قضائی و غیره مدافعه کامل بعمل آورده که عیناً چگونگی مذاکرات در صورت جلسات منعکس است

بالاخره در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون بانفاق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی میگردد .

مجلس شورای ملی . نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد می شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجایی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید .

دکتر معتمد مصدق - جمال امامی - دکتر شایگان - صالح - بهبهانی -  
حائری زاده - گنجینه - حسین مکی - سر تیمی زاده - پالیزی - دکتر علوی - قشقائی -  
ناصر ذوالفقاری - دکتر کاسی - دکتر هدایتی - فقیه زاده - عامری - فرامرزی .

بند بر این ماده واحده ذیل را برای تسویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .  
ماده واحده - مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۲/۱۷/۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت مینماید .

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - جناب آقای

( از طرف سعید کبیر انگلستان این )  
یادداشت در ۲۳ اسفند ۱۳۲۹ آقای  
( ملاء نخست وزیر وقت تسلیم شد )

چنانچه خاطر آنجناب آگاهست دولت شاهنشاهی انگلستان اهمیت خاصی برای روابط دوستانه و حسن اعتماد در کلیه امور بین ملت و دولت ایران و دولت انگلستان قائل است و دولت پادشاهی انگلستان باعلاقه دوستانه ناظر طرحهای دولت شاهنشاهی بمنظور اصلاحات اداری و تأمین بهبود سطح زندگی ملت ایران بوده است و از همین لحاظ دولت پادشاهی انگلستان عقد قرارداد ۱۹۴۹ را بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران بمنظور افزایش پرداختهای سالیانه شرکت بدولت ایران با رعایت خاطر در نظر میگرفت زیرا این قرارداد نسبت به مرتبه درآمد بیشتر از آنچه عاید هر دولت دیگری در خاور میانه میشود برای دولت ایران تأمین مینمود و دولت شاهنشاهی ایران را قادر با اجرای طرحهای خود میکرد .

اسباب تأسف دولت شاهنشاهی انگلستان گردید وقتی دید که دولت شاهنشاهی

ایران نمیتواند این قرارداد را در نتیجه اشکالاتیکه در تصویب آن از طرف مجلس پیش آمد به اجرا درآورد ولی در عین حال چنانچه آن جناب اطلاع دارند دولت پادشاهی انگلستان مدتی در این فکر بوده که از چه راهی میتوان بدولت شاهنشاهی ایران در مشکلات اقتصادی ناشیه از عدم اجرای این قرارداد کمک نماید .

بنا بر این برای دولت پادشاهی انگلستان مایه خوشوقتی بود وقتی اطلاع حاصل کرد که شرکت نفت انگلیس و ایران اخیراً داوطلبانه و علی‌رغم استرداد پیمان العاقی از مجلس پیشنهاد کرده است که حق الامتیاز سالیانه دولت شاهنشاهی ایران را افزایش دهد که در نتیجه پرداخت کل شرکت در سال ۱۹۵۱ در حدود بیست و هفت میلیون ونیم لیره ترقی مینماید این مبلغ افزایش قابل ملاحظه ای است بر مبلغ پرداختی شرکت که دولت شاهنشاهی ایران طبق پیمان ۱۹۳۳ برای همان سال میبایستی دریافت نماید دولت شاهنشاهی ایران این پیشنهاد را قبول کرد و قسط اول آنهم پرداخت شد .

دولت پادشاهی انگلستان نمیتواند نسبت بامور شرکت نفت انگلیس و ایران که یک مؤسسه مهم انگلیسی و حتی بین‌المللی است بی‌علاقه بماند و بنا بر این دولت پادشاهی انگلستان بانگرانی اطلاع حاصل کرده که کمیسیون نفت مجلس در نظر گرفته است این مؤسسه را قبل از پایان مدت امتیاز شرکت ملی کند .

۱ - در باب ملی کردن نفت ملاحظاتی باید رعایت شود که دولت پادشاهی انگلستان توجه فوری دولت شاهنشاهی ایران را بدان جلب میکند دو وهله اول باید تفاوتی بین اصل ملی کردن و سلب مالکیت خصوصی از شرکتی که بر اساس تضمین یک پیمانیکه با مذاکرات آزاد منعقد گردیده و اساساً ۱۹۹۳ معتبر است و باطمینان این تضمین با کمال حسن نیت مبالغ در پیشرفت این صنعت خرج کرده است قائل شد .

۲ - بدولت پادشاهی انگلستان توصیه شده است که بر طبق فرار دادی که شرکت نفت انگلیس و ایران در دست دارند با تصمیم ملی کردن نفت نمیتوان به عملیات شرکت خانه داد .

۳ - طبق ماده ۲۲ این فرار داد دولت پادشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران موافقت کرده‌اند که در صورت بروز اختلاف اگر ارجاع آن بحکومت صلاح دیده شود این اختلاف را برنیس یا نایب رئیس دیوان داوری بین‌المللی برای تعیین یک نفر حکم و با سر حکم مراجعه کنند این ماده بر طبق نامه های مشابهی که از طرف دولت پادشاهی انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران در هفتم اوت ۱۹۳۳ بدیوان بین‌المللی ارسال گردید رعایت گردید .

۴ - چنانچه دولت شاهنشاهی ایران مسبوق است شرکت خود را حاضر کرده است دو باب قرارداد جدیدی بر اساس تقسیم متساوی منافع داخل مذاکره گردد ولی شرکت میتواند چنین پیشنهادی را ب فکر خود راه دهد تا ضمن نگرند که قراردادی که در دست دارد تا افضای مدت در اعتبار خود باقی خواهد بود .

دولت پادشاهی انگلستان باید اظهار تأسف کند از اینکه اطلاعات کافی و صحیح در باره عملیات شرکت و مقاصد آن در اختیار افکار عمومی گذاشته نشده است .  
حقیقت اینست که بطوریکه دولت اینجانب اطلاع دارد شرکت هیچ منظوری جز داد و ستد قانونی با دولت ایران ندارد دولت پادشاهی انگلستان بنوبه خود از ابتکار شرکت که در سال ۱۹۴۸ پیشنهاد کرد حق الامتياز و سایر مزایای ایران را افزایش دهد تقدر نمود ولی متأسفانه مزایای قراردادی که بر پایه این پیشنهاد منعقد گردیده چگاه با افکار عمومی ایران توضیح داده نشد . مجلس هم در باره آن بحث کافی نکرد و مذاکرات مجلس در باره نفت متوجه خارج از حدود این قرارداد بود .

چنین تصور شد که قرارداد الحاقی دلالت بر تمديد پیمان سال ۱۹۳۳ دارد و یا تمهداتی بر دولت شاهنشاهی ایران تحمیل میکند در صورتیکه چنانچه آن جناب اطلاع دارند حقیقت این نبود این قرارداد الحاقی حاوی منافع قابل ملاحظه ای برای ایران باشد و بیچوجه تأثیری چه در مدت قرارداد ۱۹۳۳ و چه در اعتبار آن نداشت . صرف نظر از عدم قدردانی که تاکنون از مقاصد شرکت نفت انگلیس و ایران نسبت بدولت شاهنشاهی ایران و ملت ایران ابراز گردیده دولت پادشاهی انگلستان با جلب توجه دولت آنجناب باین نکات مشروحه میل دارد عقیده ثابت خود را باینکه همکاری مداوم شرکت نفت بدولت ایران بصلاح دولت و ملت ایران است ابراز دارد و دولت پادشاهی انگلستان امیدوار است که مذاکرات آینده در باب نفت بر پایه عادلانه و با روح مودت انجام خواهد گرفت .

این گزارش به شرح زیر در ۲۸ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس ( تصویب نامی در مجلس شورای عالی )

نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصلی باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می نماید .

ماده واحد - مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت مینماید .

بصره ۱ - کمیسیون نفت مجاز است از کارشناسان داخلی و خارجی در صورت لزوم دعوت نماید و مورد استفاده قرار دهد .

بصره ۲ - آقایان نمایندگان حق دارند تا پانزده روز بعد از تشکیل کمیسیون حق حضور داشته باشند .

این قانون که مشتمل بر یکماده و دو تبصره و تصمیم متخذه کمیسیون نفت می باشد در جلسه بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و بیست و نه بتصویب مجلس شورای ملی رسید .



( هیئت وزیران در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰  
شماره ۱۵۶۱ رسماً حکومت نظامی  
تهران را ملغی نمود )

اخیراً حدوث وقایع چندی در مرکز برخی شهرستانها تشویش خاطر اهالی را فراهم آورده و اضطراب و نگرانی ناشیه از اتفاقات مذکور سبب شد که دولت حکومت نظامی را اعلام نماید اینک که بعمدالله تا درجای رفع نگرانی شده و اوضاع قرین امنیت است دولت بقای حکومت نظامی را در مرکز غیر لازم تشخیص داده و از تاریخ هیجدهم فروردین ماه ۱۳۳۰ مقررات حکومت نظامی در تهران و حومه لغو میشود باید خاطر هموطنان گرامی مستحضر باشد که اقدامات دولت همواره معطوف ایجاد آسایش و حفظ امنیت در تمام کشور است و همانطور که هیئت دولت بانهایت حسن نیت در این زمینه مساعی لازمه را بکار میبرد انتظار دارد که عموم طبقات نیز بوظیفه خود عمل کرده از هر گونه اقدام و رویه که ممکن است امنیت و آسایش عمومی را مختل نماید خود داری نمابند اینجانب از قاطبه هموطنان عزیز تقاضا دارم با کمال صمیمیت

و روح یگانگی این وظیفه ملی را همواره مطمح نظر قرار داده و در حفظ امنیت از همکاری صادقانه دریغ نفرمایند.

مسئله افرادی که برخلاف منظور دولت و علی‌رغم نیت عموم مردم اقدام باخلال نظم و آسایش در هر نقطه از کشور بنمایند بوسیله قوای انتظامی و طبق قوانین موجود مورد تعقیب قرار گرفته و بسختی مجازات خواهند شد.

بکلیه نیروی تأمینیه دستورات اکید صادر شده است که ضمن انجام وظایف مرجوعه با قاطبه اهالی کشور نهایت حسن سلوک را مرعی داشته در احترام اشخاص و رعایت قوانین و مقررات کمال اهتمام را بعمل بیاورند از آنجائی که نتیجه امنیت و انتظامات مستقیماً عاید عموم افراد مملکت میشود و کلیه اشخاص از وجود نظم و آسایش بهره‌مند میگردند بدیهی است فرد فرد آنان نیز باید در راه حفظ امنیت و آسایش و کمک بمامورین انتظامی و قوای تأمینیه از هر گونه مساعدنهای ممکنه مضایقه نمایند.

همچنین از معرفی عوامل فساد بمامورین انتظامی خود داری نگرده شرکت مؤثر خود را در نظم و آسایش مردم عملاتاً ثابت نمایند.

روز ۱۸ فروردین ماه یادداشت زیر در جواب  
 یادداشت دولت انگلستان آقای سوزر کپور  
 آن کشور در تهران تسلیم شد

وصول یادداشت شماره ۳۰ مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۲۹ آن جناب را احتراماً اشعار  
 داشته مراتب زیر را با اطلاع عالی میرسانم :

دولت شاهنشاهی ایران بنوبه خود سبب بحفظ و تشیید روابط دوستانه و اعتماد  
 در کلیه امور بین ملت و دولت ایران زملت و دولت انگلیس کمال علاقه دارد .

در امور مربوط به نفت بطوریکه آن جناب مسبوقند سرو کار دولت ایران با  
 شرکت نفت انگلیس و ایران است و از طرف آن شرکت افتتاح مطلبی و اظهاراتی شده  
 معینا چون صلاح دانسته اید وارد این موضوع شوید مقتضی نمیدانم یادداشت آن جناب بی  
 جواب بماند و نکات ذیل را لزوماً متذکر می گردد :

۱- با وجود تغییراتی که در اوضاع جهان بطور کلی و در زندگی اجتماعی و  
 افکار عامه ایرانیان بخصوص رخ داده است و با وجود آگاهی که در ملاقات روز ۱۷  
 خرداد ۱۳۲۹ در موقع تصدی وزارت خارجه از طرف دوستانه آن جناب داده شد شرکت  
 بدعاوی حقه ایران توجهی نکرد و همان طرح قرار داد الحاقی را حد اکثر گذشت ممکنه  
 قلمداد نمود در صورتی که جریان امر روشن ساخته بود که افکار عمومی این کشور آن  
 لایحه را کافی برای استیفای حقوق ملت ایران نمی دانست .

۲- بطوریکه استحضار دارند وضع حاضر این است که اصل ملی شدن صنعت  
 نفت را مجلسین با اتفاق آراء قبول کرده اند و حال کمیسیون مخصوص نفت طبقه عملی  
 ندن آنرا مطالعه مینماید که پیشنهاد خود را برای تصمیم نهائی بمجلسین تسلیم نماید .  
 فعلا دولت وظیفه دیگری ندارد جز اینکه منتظر نتیجه مطالعه کمیسیون باشد .

نامه ۳۰۲،۱۹ آقای نفست وزیر به  
 مجلس شورای ملی در باب برقراری حکومت  
 نظامی مناطق نفت خیز

---

### مجلس شورای ملی

در روز های اول فروردین گزارشهای تلگرافی از مامورین کشوری و مسئولین  
 انتظامی رسید که از يك سلسله تظاهرات در مناطق نفت خیز حکایت میکرد عده ای از  
 دانشجویان دانشکده فنی آبادان در انتظار انجام تقاضاهاییکه راجع بوضع تحصیلی خود  
 داشتند باحال اعتصاب از حضور در جلسات درس خودداری نموده بودند و مقارن همان  
 اوقات عده ای از کارگران تحت عنوان مطالبه مدد معاش و فوق العاده سختی معیشت دست  
 بااعتصاب زده بود؛

در خلال این احوال پیش از آنکه بدولت فرصت رسیدگی داده شود اطلاع رسید  
 که اعتصابات صورت ساده و طبیعی ندارد و تحریکاتی در جریان است و بیم آن میرود  
 که بر اثر کافی نبودن قوای انتظامی حوادثی پیش آمد کند و خساراتی بمنطق نفت خیز

وارد گردد که بالمال بزیران کشور تمام شود حتی تهر بیع شده بود که اعتصاب کنندگان یکم هفته استمهال مقامات دولتی را هم که آقایان پیشنهاد نموده بودند پذیرفته اند چون از طرفی رسیدگی بتقاضای کارگران و تامین رفاه آنان منلزم اعزام هیئتی بجنوب بود و از طرف دیگر وضع مناطق نفت خیز ایجاب میکرد که قبل از هر چیز برای حفظ نظم و آرامش و تامینی امنیت آن نقاط اقدام شود هیئت دولت بسا مذاقه پیشنهادها و گزارشهای واحل و باتوجه بماده واحده مربوط بقرارات اعلان حکومت نظامی مصوب مجلسین شورایی و سندر جلسه ۵ فروردین ۱۳۳۰ تصویب نمودند که برای مدت دو ماه فقط در نقاط آبادان - گچساران - آغاچاری - لالی - بندر معشور - هفتگل و مسجد سلیمان حکومت نظامی اعلام شود و در اجراء ماده واحده مزبور مراتب در تاریخ ۷ فروردین باستحضاره مجلسین شورایی و سنا نیز رسانید.

بطوریکه ملاحظه میفرمائید این عمل فقط برای حفظ آرامش در مناطق نفت خیز و بمنظور جلوگیری فوری از پیش آمده های غیر منتظر و تحریکات و خرابکاری انجام گردیده و بهیچوجه دولت در نظر نداشته است که در تمام خوزستان حکومت نظامی اعلام شود چنانکه در اهواز و شهرهای دیگر خوزستان اعلام نشده است برای رسیدگی باظهارات اعتصاب کنندگان هم بطوریکه استحضار دارند هیئتی بجنوب اعزام گردیده و تا بحال نتیجه کار هیئت رضایت بخش بوده و امید کامل میرود بارسیدگی های دقیقی که بعمل خواهد آمد ترضیه خاطر کارگران فراهم خواهد شد.

البته اقداماتی هم برای تامین حوائج کارگران و اینکه در هر حال بایستی وسایل آسایش آنان فراهم شود در مرکز بعمل آمده است بنا بجهات و دلایل مذکوره باستناد ماده واحده موافقت بابرقراری حکومت نظامی که شرح داده شد درخواست مینماید

ساجه تلگرافی آقای علاء نخت وزیر  
با کنگر اوری اسموت مدیر پیش اوروپائی  
خبرگزاری استر شنال نیور سردیس که  
در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۳۰ خبرگزاری تابنده  
مشاره شده است

آقای حسین علاء نخت وزیر ایران و سفیر کبیر سابق آن دولت در آمریکا  
برای نخستین بار از آغاز زمامداری خود مطالبی برای بخش در مطبوعات جهان اظهار  
داشته اند که در آن امید های ایشان نسبت به آینده ایران و همچنین پیام مخصوص برای  
مردم آمریکا مندرج است .

با وضع بر آشوب ایران که قتل اخیر دونن از زمامداران کشور نمونه ای از آن  
است و با ورود ناوهای انگلیسی بخلیج فارس که برای حفظ منافع نفتی انگلستان در ایران  
آماده اند اظهارات آقای علاء اهمیت مخصوصی دارد .

آقای علاء در پاسخ به نخستین پرسش من که در باره امیدهای ایشان نسبت بآینده  
ایران بود چنین اظهار داشته اند .

د کوشش عظیمی که در نحت تریجات شاهنشاه بعد رضاشاه پهلوی برای ساز گرداندن این ملت کهن به منزلت رفیع پیشین آن بعمل میآمد بر این اساس بود که با وجود حفظ شایسته ترین رسوم باستانی و گنجینه های فرهنگی فستی از شیوه های اجتماعی و اقتصادی ملل ماخر را که با زندگی ملی ما مناسبت دارد برگزیده شد . امیدوارم اوضاع جهانی با اجازه دهد تا این برنامه با عنایات کنونی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ادامه یابد .

د خرابیهای جنگ گذشته که کشور ما را پنج سال در زیر بوغ اشغال قوای خارجی قرارداد و حیات اقتصادی ایران را نلخ ساخت هنوز ما را با موامی مواجه میسازد که بسیاری دیگر از کشورهای جنگ کشیده رفع آنها را بدون کمک خارجی غیر ممکن یافته اند اگر چه ما این خوشبختی را نداشته ایم که از این کمک هاسهمی ببریم ولی در خاک کشور مادر روحیه مردمش عالیترین ایده آل های مسا و در اراده معصم پادشاه ما ذخائری وجود دارد که چنانچه از ویرانیهای جنگ دیگری در امان مانیم ما را بسوی نرفی و پیشرفت و بطرف سرنوشتی که از آن ماست سوق خواهد داد .  
داگر بنا باشد ما خود بنهایی به اتکای کوششهای خود از عهده این کار بر آیم پیشرفت ما کندتر ولی بهمان قطعیت پیشین خواهد بود .  
رجاء وائق دارم که در آینده شومی که در انتظار جهان است مهلت کافی در اختیار ما گذاشته شود .

دومین برش من چنین بود :

آیا امیدوارید که ایران بتواند روابط حسنه خود را با تمام کشورهای که استقلال و تمامیت ارضی آنرا محترم می شمارند ادامه دهد ؟  
آقای علاء در پاسخ چنین نوشته است .

فقط زمانی ما میتوانیم توجه کامل خود را بتجدید بنای کشور معطوف داریم و بنفع مردم اقدام کنیم که از دخالت کشورهای خارجی از تهدیدات خصم آمیز و غیر دوستانه و از خود جنگ در امان باشیم بنابراین در موضوع امور خارجی مساطالب چیزی جز احترام منشور ملل متحد و ادامه روابط دوستانه با کلیه کشورها نیستیم البته چنین دوستی با تهدیداتی که با استقلال یا تمامیت ارضی ما لطمه وارد سازد سازش پذیر نیست من از صمیم قلب امیدوارم که روابط دوستانه کنونی ما با ملل دیگر هرگز با چنین پیش آمدهای نامطلوبی از هم ننگد .

نخست وزیر ایران در پاسخ باین سؤال که اگر ایران از صلح و آرامش برخوردار باشد آینده اقتصادی کشور خود را چگونه می بینید گفته است .  
برای آنکه ملت ما بطور روز افزونی از سطح زندگی بهتری برخوردار شود لازم است بهر زمان تولید هر تن از افراد کشور بمقدار قابل توجهی افزوده گردد

البته بهمان اندازه مورد لزوم ماست که همه مردم بطور یگسان از ثمره این تولید بیشتر بهره ور گردند .

شاهنشاه ما برای نیل بدین هدف های ابتدائی اجرای برنامه ۷ ساله ای را که متضمن پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی اصلاحات کشاورزی تقاضای رضی خالصه بدهقانان و اقدامات اصلاحی مهم دیگری است تحت توجهات مخصوص خود قرار داده اند .  
برای آنکه این برنامه جامه عمل بپوشد بایستی تحولات و تغییرات کامل چندی در جنبه وسیعی صورت گیرد که البته برای انجام آنها نه تنها به زمان و پشتکار صبورانه احتیاج داریم بلکه سرمایه های نسبتاً زیادی نیز برای تهیه لوازم ابتدائی این شیوه های کار و زندگی نو نیاز مندیم .

يك بهره عادلانه و شایسته از ذخایر بیکران نفتی ملت در آینده بعواند ما (از این منبع که تا بحال بمصرف بودجه عادی کشور رسیده است) بمقدار قابلی خواهد افزود این مبلغ اضافی بما اجازه خواهد داد تا سال به سال سرمایه نوآیندی کشور که شالوده اقتصادیات جدید است بیفزائیم .

بدون هیچگونه استفاده از وامهای خارجی ، سرمایه های یگانه و یا هرگونه کمک دیگری راهی را که در پیش داریم ممکن است زیاد طولانی باشد . ما تنها میتوانیم امیدوار باشیم که وقایع جهانی مهلت کافی در اختیار ما خواهد نهاد تا با کوششهای مداوم خود که برای بهبود شرایط زندگی گامی ملت هیجده میلیونی ایران لازم است سطح زندگی را بیابا اینکه با اصول آزادی و رفاه فردی که مورد علاقه اعلیحضرت پادشاه ماست وفق دهد برسانیم

چنانچه فرصت کافی در اختیار داشته باشیم آینده ایران شایسته گذشته بر عظمت آن خواهد بود.

در پاسخ باخبرین سوال من که آیا میل دارید پیام مخصوصی برای ملت امریکا بفرستید تخت وزیر ایران چنین جواب داده است :

«من بشما مردم امریکا می گویم که ایران همیشه در مقابل مشکلات روحیه تسخیر ناپذیری که در ۲۵۰۰ سال تاریخ گذشته آن مایه قویت ملت بوده است نشان داده و در آینده نیز نشان خواهد داد.

هدف های اجتماعی و اقتصادی ما بر اساس اصول حقوق بشری و آزادی فردی که شاید شما مردم آمریکا بیش از هر ملت دیگری با آنها آشنا باشید قرار گرفته است .  
معمداً مشکلاتیکه ما در اجرای این مقاصد با آنها روبرو هستیم شاید برای کشور ما آن فعال شما کمتر از سایر کشورها قابل درک باشد .

چون مشکلات مسائل ملت کهنسالی است که ریشه های زنده آن در اعماق

گذشته جای دارد



مشکلات داخلی ما چنین هستند اما اگر ابران را چون بخشی از جهان مشترک در نظر بیاوریم بایستی در مشکلات مشترک آن نیز که هیچ ملتی از آنها در امان نیست سهمی باشیم  
ما سهم خود را با همه تعهداتی که در بر دارد ورهائی از آنها به نیروی ما وابسته است می‌پذیریم  
تا آنجا که ما خود می‌توانیم از عهده برآئیم از دیگران تقاضای کمک نمی‌کنیم  
اگر آنچه از ما ساخته است کافی و بوقوع نباشد ممکن است برای همه ما باقیمت کزافی تمام شود

دارادتمند-جهن ولاء

تذکار به دولت آمریکا در ۲۵ و ۳۰ اردیبهشت  
 بایران مسئله نفت ایران باید وسیله  
 مقامات ذی‌بنتج حل شود

در اثر اقدامات جدی آقای نصرالله انتظام سفیر کبیر شاهنشاهی در واشنگتن بعلمت  
 شایعه مذاکرات بین انگلیس و امریکا راجع به نفت ایران نمودند دولت امریکا اخیراً  
 تذکار به ای بسفیر کبیر ایران در واشنگتن تسلیم نموده است که مفاد آن ذیلاً باطلاع  
 عموم میرسد :

«نظر باخبار بی اساسی که راجع بمذاکرات جاریه بین نمایندگان انگلیس  
 و آمریکا در واشنگتن ، در جراید منتشر شده است وزارت امور خارجه آمریکا مایل  
 است برای سفارت کبیرای شاهنشاهی ایران روشن سازد که مذاکرات بی‌بچوجه دارای  
 جنبه فوق‌العاده غیر عادی نیست بلکه عقیده داریم مسئولیت جهانی که دولت انگلیس  
 و آمریکا دارند پیوسته راجع به مسائل مختلف مربوط به بسیاری از نقاط دنیا که در  
 آن ذی نفع هستیم با یکدیگر مشاوره میکنند . مذاکرات فعلی ما هم جزئی از آن  
 طرح کلی است . وزارت امور خارجه آمریکا مایل است دولت ایران را مطمئن سازد  
 که کاملاً متوجه است که مسئله نفت ایران فقط بوسیله مقاماتی که ذی علاقه میباشند  
 باید حل شود »

وزیر خارجه آمریکا در بیانیه خود که  
در تاریخ ۲۵ و ۳۰ ر ۱۳۰۱ منتشر کرد اظهار  
داشت دولت ایران بطوری در ملی کردن  
صنعت نفت مشغول اقدام است که پالشگاه  
بزرگ آبادان را به توقف شدن تهدید میکند

من در هفته گذشته درباره تحولات ایران اظهار نمودم با آنچه که در ظرف چند روز گذشته در آن کشور بوقوع رسیده افزایش یافته است متأسفم که اظهار دارم دولت ایران بطرزی در ملی کردن صنعت نفت مشغول اقدام است که پالشگاه بزرگ آبادان را به متوقف شدن تهدید میکند و این امر عدم ثبات وضع ایران و مشکلات اقتصادی آن را موجب گردیده و برای مردم ایران هم اثرات سوئی را در بر خواهد داشت - آمریکا کراراً و علناً همدردی خود را نسبت بآمال مردم ایران برای تسلط یافتن بر منابع طبیعی خود اظهار داشته است معیناً قویاً تأکید نموده که هرگونه تغییراتی در مناسبات بین دولت ایران و مؤسسات ذینفع انگلیس بر اساسی که موافق با مسئولیت های بین المللی هر دو کشور باشد فراهم گردد عقیده راسخ امریکا این است که میتوان اساس را برای موافقت پیدا کرد . بنابراین ما مایوس شدیم از اینکه پیشنهاد اخیر انگلیس بایران که

اصل ملی شدن را قبول نمود و نظریات پیشنهادی مساعدی را نیز دربر داشته غفلتاً و بدون مطالعه و تشخیص اینکه آیا ممکن خواهد بود آن پیشنهاد اساس مذاکرات بیشتری واقع گردد از طرف دولت ایران رد شد محیط فعلی ایران ظاهراً طوری است که اداره کردن دستگاه وسیع تولید و تصفیه نفت را برای کارشناسان انگلیسی و یا کارشناسان هر کشور دیگری بی نهایت مشکل ساخته است - این محیط پیم و تهدید که ناشی از اقدامات عجولانه ایست برای اجبار همکاری در اجرای قانون ملی کردن نفت نتیجه دربر نخواهد داشت مگر اینکه روحیه کارمندان و بالتوجه تمایل آنها را بدانند در ایران سخت متاثر سازد علاوه وقفه فعلی که در محمولات نفتی حاصل شده وابستگی این صنعت را به وسائل حمل و کشتی رانی و فرورش در بازارهای خارجی نشان میدهد بدیهی است در صورتیکه ترتیباتی سریعاً بعمل نیاید که حل مجدد نفت را به کشتی های نفت کش که حالیه متوقف شده اند اجازه دهد وسایل ذخیره نفت پر خواهد شد و بالشگاه دوچار وقفه خواهد گردید حاجت با آن نیست که بتانخ و اثراتی را که این کار متضمن خواهد بود مورد تاکید قرار دهد هم نظریه خطرات بزرگی که وضع کنونی ایران در بردارد و بتابعلاقه شدید امریکاییان مشاهده نماید که ملیت ایران بدون درخطر انداختن اقتصادیات و جامعه خود به آمال ملی خود نائل گردد قویا امیدوارم که ایران در اقدامات کنونی خود تجدید نظر نموده و طریق را اتخاذ خواهد کرد که از مخاطرات خط مشی فعلی احتراز و ادامه عمل صنعت نفت را ممکن سازد و در صورتی که در حال حاضر حصول توافق بريك اساس دامنه دار نثرينك مساعی شایسته امکان پذیر نباشد صمیمانه امیدوارم پاره ترتیبات موقتی بعمل آید که بموقعیت طرفین لطمه وارد نسازد بلکه بکارشناسان انگلیسی اجازه دهد که در ایران باقی بمانند و مسئله تولید و حمل نفت بدون وقفه ادامه یابد تا اینکه بعداً ترتیبات دیگر که جنبه ثابت تری داشته باشد فراهم گردد .

گزارش کمیسیون مخصوص نفت در  
( ۳۰، ۱۲۷ مجلس شورای ملی )

کمیسیون مخصوص نفت که طبق قانون ۲۹ و ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ مامور تهیه طرح اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تشکیل گردیده بود پس از تشکیل چند جلسه بالاخره در جلسه ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ که در حدود پنج ساعت بطول انجامید فعلا نسبت بمعادن نفت مورد بهره برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران باتفاق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینک گزارش آن را برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

ماده ۱- بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخه ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی باتنخاب رهبریک از مجلسین و وزیر دارائی

وقت با قائم مقام او و یک نفر دیگر با انتخاب دولت تشکیل میشود .

ماده ۲- دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری بنظر وجود ادعائی بر دولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان صدی ۲۵ از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تامین مدعا به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی - الطرفین دیگر ودیعه گذارد .

ماده ۳ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بمطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گذارش دهد و پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذارده شود .

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمدهای نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تاتمین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارت مختلطی از منحصمین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب مجلسین پیشنهاد کند .

ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی منحصمین خارجی بمنحصمین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوطه بمنایع نفت بکشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد .

مخارج تحصیل این محصلین از عوائد نفت بردارنده خواهد شد .

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بیهوده برخ عاده بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت .

ماده ۸ - کلیه پیشنهاد های هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورایی تهیه میشود باید قبلاً بکمیسیون مخصوص مجلس شورایی تسلیم و در صورت موافقت کمیسیون گذارش بمجلس شورایی تقدیم گردد .

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد بازکر دلائل موجه درخواست تمدید نماید .

مسابقه آقای دکتر انصاری رئیس اداره  
اطلاعات وزارت امور خارجه باخبر نگاران خارجی  
در وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰

آقایان - شما از اطراف و اکناف دنیای بکشور ما آمده اید تا مشکلات کار ما را از نزدیک مشاهده نموده و افکار عمومی کشورهای خود را در خصوص مسائل ایران روشن کنید . جهانیان امروز با نهایت دقت با آنچه در این کشور میگردد نظاره می کنند و انتظار دارند که شما آقایان با نهایت بی طرفی و بی غرضی و مطالعه کامل و توجه بمسائل مخصوص کشور ما اطلاعات مربوطه را در اختیار آقایان بگذارید تا بتوانند از جریان حقیقی اوضاع و تحولات بومی آن نتایج لازمه را اخذ کنند .  
البته با اطلاع آقایان قطعا رسیده است که جریانات اخیر کشور ما در بعضی از روزنامه ها و مجلات و رادیوهای کشورهای خارجه مورد تعبیرات و تفسیرات گوناگون قرار گرفته که متأسفانه تمام آن ها با حقیقت امر وفق نمی دهد و برای ایجاد يك محیط حسن تفاهم بین المللی کمک نمیکند .

اگر خدای نکرده نخواهیم این جریان را بر سوءنیت عده‌ای تعبیر کنیم بایستی قطعاً آنرا نتیجه عدم اطلاع و تحقیق کافی از حقایق اوضاع بدانیم .

مثلاً در خصوص ملی کردن صنعت نفت در این کشور در بعضی از روز نامه ها و اخبار خارجی ملاحظه شد که این امر را بر اثر تحریکات خارجی و یا فشار دستجات افراطی در ایران قلمداد نموده اند در صورتیکه خود آقایان که اوضاع واحوال را از نزدیک دیده و روحیات و افکار عمومی مردم این سرزمین بی برده‌اند تصدیق میفرمایند که اتخاذ این تصمیم با اتفاق آراء مجلسین شورای ملی و سنا کاملاً يك امر ملی بوده که از تمایلات و آرزو های ملت ایران سرچشمه گرفته است و هیچگونه ارتباطی با عوامل خارجی و یا فشارهای داخلی نداشته است

این تصمیم مجلس و ملت ایران بر طبق موازین و اصول منشور ملل متحد است که بطوریکه آقایان اطلاع دارند یکی از ارکان سیاست دولت شاهنشاهی را تشکیل میدهد .

آقایان ، ما ایمان داریم که اگر این اصول از طرف کلیه کشورهای جهان گماهی رعايت شود و منافع خصوصی دسته بخصوصی مانع از اجرای آن از طرف بعضی از کشورها نگردد صلح و رفاه بین‌المللی برقرار و عدالت اجتماعی در تمام کشورها پدیدار خواهد شد .

همچنین در خصوص اعتصابات اخیر در نواحی نفت خیز جنوب تعبیرات و تفسیرات مختلف در مضبوطات و رادیوهای کشورهای خارجه شده است ، در صورتیکه بطوریکه آقایان عزیز اطلاع دارند اعتصاب کارگران در تمام نقاط دنیا يك امر عادی و داخلی است و دولت شاهنشاهی با جدیت و مراقبت کامل طبق قوانین و مقررات داخلی در رفع آن اقدام و بنفای بی حقه کارگران رسیده و خواهد کرد .

البته آقایان از علل حقیقی اعتصاب در نقاط مذکور اطلاع حاصل نموده و استحضار دارند که موجبات اصلی پیش آمد وقایع مزبور عمل شرکت نفت در تقلیل کمک هزینه کارگران بوده که بر اثر عدم توجه بروجه کارگران و عدم رعایت مقتضیات وقت باین کار دست زده و در نتیجه اشکالات مذکور را ایجاد نموده اند و طبق گزارش های واصله بقامات مربوط دولت شاهنشاهی در داخل خود شرکت عوامل مختلفه وجود داشته که در توسعه و بسط و تشویق و تحریک اعتصاب کنندگان دخالت داشته اند و حتی اوراق مختلفه که برای تحریک اعتصاب کنندگان بین کارگران توزیع شده در چاپخانه شرکت نفت بطبع رسیده است .

علاوه بر آن طرفه و مسامحه شرکت پذیر قبول باره از تقاضا های مشروع کارگران و با امتناع آنها از توزیع آذوقه و وسائل زندگانی کارگران و امثال آنها نیز بنوبه خود مؤید اعمال محرکین بوده و اثرات بسیار نامطلوبی در ادامه اختلافات مزبور داشته است و باین ترتیب مساعی و جدیت متصدیان مربوط که بنا بر دستور دولت برای فوج اختلافات و ایجاد آرایش اقدام نموده اند آنطور که باید و شاید در موقع خود به



نتیجه مطلوبه نرسیده است .

با وجود این دولت شاهنشاهی امید وار است باتدائیری که تاکنون اتخاذ شده شرکت نفت هم باحسن نیت و حسن تفاهم با مامورین مربوط همکاری و تشریک مساعی نموده و هرچه زودتر اغتشاشات مذکور خاتمه یافته و وضع عادی بر قرار گردد بنابراین تمنای مخصوص من از آقایان عزیز اینستکه با مطالعه کامل بطلل و موجبات وقایع و پیش آمدها و توجه با نمکاسات آن اخبار و گزارشهای خود را تنظیم و بجا های مربوط ارسال فرمایند .

من یقین دارم هیچکس بهتر از آقایان نمی تواند با ارسال اخبار صحیح و توجه بطلل اصلی و حقیقی پیش آمدها در بهبود اوضاع جهان و حسن تفاهم بین المللی و ایجاد یک محیط صلح و صفا در دنیا کمک کند .

امید دارم عرایض من مورد توجه آقایان قرار گرفته و از اینکه از صبر و حوصله آقایان عزیز سوء استفاده نموده ام بنده را معفو فرمایند .

ساحبه آقای سبیلی سفیر کبیر ایران  
 دو لندن با خبر نگاران جراید  
 خبر گوارهای خارجی دو تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۰

در تعقیب دستور مؤکدی که بنمایند گیهای سیاسی ایران در کشورهای خارجه داده شده بود تا با تشکیل کنفرانسها و مصاحبه ها و انتشار اعلامیه ها ، اذهان عمومی جهانیان را نسبت بمسئله ملی کردن صنعت نفت در ایران و اوضاع اخیر کشور روشن نمایند و انتشارات خلاف واقع مطبوعات خارجه را درین باره تکذیب کنند آقای سبیلی سفیر کبیر ایران در انگلستان جلسه مصاحبه ای در عمارت سفارت ایران در لندن با حضور خبر نگاران جراید و خبر گزاری های خارجی تشکیل داده و در باره ملی کردن صنعت نفت در ایران که در باره ای از جراید انگلیسی مورد تفسیرهای ناروا و غرض آلوده قرار گرفته و در نتیجه موجب انحراف انکار عمومی از حقیقت امر شده.

بود بیاناتی ایراد داشت و پیرشهای خبرنگاران در باره مسائل مختلف پاسخ داده است

### متن مصاحبه

اول - با توجه به سهم حیاتی که نفت ایران در حیات بازرگانی و اقتصادی و صنعتی انگلستان بازی کرده و سهم عظیمی که نفت ایران در پیشرفت نیات انگلستان در طی جنگ جهانی ایفاء نموده و منافع هنگفتی که از راه استخراج نفت ایران بشرکت نفت عاید شده است ایران با هیچ معیاری نصیب عادلانه و منطقی از منافع وسیع نفت خود نبرده است باید توجه داشت که نفت از مهمترین ثروت ملی ایران بشمار میرود و نفتی که از ایران استخراج میشود در حقیقت خیلی بیش از طلا یا دلار ارزش دارد.

مساعی مکرر از طرف ایران در ظرف چند سال اخیر برای تحصیل سهم عادلانه از منافع نفت و شرکت مساوی و شراقتندانه در نظارت و اداره این مؤسسات که برای ایران اهمیت حیاتی دارد، با روح مشارکت و همکاری که برای حسن اداره چنین دستگاه ملی و با عظمت لازم است روبرو نشد ایرانیان نه تنها در جنوب، بلکه در سرتاسر ایران، نفتی را که از آن کشور استخراج میشود میراث ملی خود دانسته و بحق متوقع اند که از آن متمتع و از نامین اجتماعی آن بهره مند شوند.

بنابراین فوق مجلس ایران بانعکاس منویات ملی و آرزوهای قاطبه ملت ایران در پانزدهم مارس باتفاق آراء لایحه ملی شدن صنعت نفت را در ایران بتصویب رسانید و پنج روز بعد مجلس سنا نیز باتفاق آراء تصویب قانونی ملی شدن نفت را تایید نمود.

دوم - اسناد و انتساب دسیسه و تحریک کمونیستی بنهضت ملی ایران از حقیقت بارز چشم پوشیدن و تلاش برای پیدا کردن مفری از مواجه شدن به نتیجه يك تحول اجتماعی است که بر پایه اصول استدلال عقلی استوار میباشد.

سوم - اغتشاشات اخیر جنوب ایران موجب نهایت تأسف و مورد انزجار عموم ایرانیان است و دولت ایران با عزم راسخ و تصمیم قاطع کوشش کرده است که نظم و آرامش را مجددا بر سراسر کشور برقرار نماید و اکنون اوضاع تحت نظارت قرارداد معرکین محلی که معولا در اینگونه موارد سعی می کنند از آب گل آلوده ماهی بگیرند نباید بادت قوی دسیسه کنندگان خارجی اشتباه کرد گزارشات اغراق آمیز و شایعات مهیج راجع با انقلاباتیکه پرورده دست کمونیزم است تنها آثاری که می بخشد ایجاد اشتباه و اختلال در يك مصالح آشکار و روشن است

چهارم - مذاکرات مقدماتی و اکتشافی راجع بنفت که بین نمایندگان انگلیس و امریکا در واشنگتن صورت می گیرد بیچوجه برای ایران اعتباری ندارد و از طرف ایرانیان بعنوان مداخله در امورشان تلقی میشود

پنجم - روابط ایران با انگلستان اساسا دوستانه بوده و از آزمایش زمانه و از کیفیات نا مساعد روسفید درآمده است اما ایرانیان مشتاقند رشته های مودت و تشریک

مسابی دو جانبه بین دولت و ملت ایران و دولت و ملت انگلیس مستحکم و متقابل باشد .  
 ملی کردن صنعت نفت در ایران نیز مطلقاً يك امر داخلی بوده و موضوعی است  
 بین ایران و شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران . ایران نه قصد آن دارد که نفت خود  
 را بدولت دیگر بدهد و نه آنکه انگلستان را از مصرف آن محروم سازد  
 پس از پایان بیانات آقای سهیلی ، سؤال شد، نظر دولت نسبت به این اظهارات  
 چیست ؟ سفیر کبیر ایران در جواب اظهار داشت : آنچه گفته شده نظر ملت ایران است  
 دولت ایران هم نظر دیگر ندارد .

سؤال شد اگر بین انگلیس و امریکا در باب کمک بامور اقتصادی ایران  
 مذاکرتی شود ، چه ایراد است ؟ آقای سهیلی در پاسخ گفت : اگر راجع بامور اقتصادی  
 کشور نالتی بین دو کشور مذاکرات شود . باید نماینده آن دولت هم حضور داشته باشد  
 تا احتیاجات و نظریات خود را اظهار دارد ولی مذاکرات بین آن دو دولت مربوط نیست  
 است که امری است بین ایران و شرکت و علاوه بخاطر دارم که مرحوم بوین این  
 موضوع را در مجلس مبعوثان یاد آور شده بود

سؤال شد : میتوانی بگوئید دولت چه نحو میخواهد ملی شدن نفت را  
 اجرا کند ؟

جواب داده شد : این امر تحت مطالعه کمیسیون مجلس است تا نظریات کمیسیون  
 معلوم نشود نمیتوانم چیزی بگویم . سؤال شد : اگر دولت انگلیس بنا قوای خود  
 بخواهد انتظامات را در نقاط امتیازی نفت برقرار کند ، چه نائیری در افکار عامه  
 ایران خواهد کرد آقای سهیلی جواب داد . بسیار بد . بدولت انگلیس چه مربوط است که  
 بخواهد انتظامات برقرار کند ؟ چنین قصدی برخلاف حقوق حاکمیت ایران و قوانین  
 بین المللی است حفظ انتظامات بر عهده دولت ایران است علاوه اغتصاب در همه جا رخ  
 میدهد قتلحائنی هم واقع می شود یقین دارم با توجه خاصی که ایران در این امر دارد  
 انتظامات برقرار خواهد شد و این جریانات خاتمه خواهد یافت

جواب سوال و کلامی مجلس مرام انگلیس  
راجع به اختتام آبادان که در تاریخ  
۳۰/۲/۴۱ از طرف وزیر مشاور آنکسور  
در مجلس مرام قرائت گردید

وزیر مشاور انگلیس دیروز بیانیه زیر را در پاسخ نمایندگان مجلس عامه انگلیس که تقاضا کرده بودند دولت نتیجه اقدامات خود را نزد دولت ایران در مورد اغتشاشات آبادان و تهدیدی که متوجه جان اتباع انگلیسی در آن منطقه است با اطلاع مجلس برحاند قرائت نمود .

در تاریخ ۱۴ آوریل سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلیس بنا بدستور وزیر امور خارجه به نخست وزیر ایران اطلاع داد که دولت انگلیس دولت ایران را مسئول هرگونه خسارت و یا تلفاتی که باتباع انگلیس و اموال آنها در ایران وارد آید می دادند .

نخست وزیر ایران از اینکه چند نفر انگلیسی در آبادان کشته شده اند فوق العاده اظهار تاسف کرده و علاوه نمود دولت ایران وضع را جدی تلقی میکند و برای برقراری نظم و آرامش اقدامات سریع و جدی بعمل خواهد آورد و نیرو های انتظامی ایران

به آبادان اعزام خواهد شد. یک ژنرال ایرانی نیز برای اداره امور نظامی و کشوری بشهر مذکور اعزام گردیده است.

این اقدام دولت ایران وضع را بهبود بخشید و اکثر کارگرانی که در آبادان اعتصاب کرده بودند بکارهای خود مراجعت کردند. مع الوصف هنوز تهدید هائی نسبت بآنها بعمل می آید و بهمین جهت وزیر امور خارجه به سفیر کبیر انگلیس در تهران دستور داد که در تاریخ ۲ آوریل در این خصوص ناخست وزیر ایران ملاقات و نگرانی وزیر امور خارجه را نسبت به عدم موفقیت ظاهری نیروهای انتظامی ایران در برقراری کامل و فوری نظم و آرامش در آبادان به وی گوشزد کند. نخست وزیر ایران در پاسخ به سفیر انگلیس اطمینان خاطر داده است که دولت کاملاً بر اوضاع مسلط بوده و محرکین از طرف مامورین انتظامی توقیف میگرددند.

وزیر خارجه انگلیس از اطمینانی که دولت ایران داده حسن استقبال میکنند و آخرین گزارش رسیده از آبادان حاکیست که وضع در آنجا قرین آرامش است و اعتصاب در سایر نقاط نفت خیز نیز خاتمه پیدا کرده است.

السلامه وزارت کار  
ایمان احتساب کارگران خوزستان

---

با کمال مسرت وزارت کار جموع هم نیهنانه گرامی اطلاع میدهند که احتساب  
نگارگران درسراسرخوزستان خاتمه یافته و نظم و آرامش در آن منطقه کاملاً حکم فرماست  
مسلم است دولت با رعایت کامل مقررات و قانون با نهایت شفقت بستمدهیات کارگران  
خوزستان رشیدگی کرده و خواهد کرد .  
وزارت کار

مهر کبیر انگلوس در تهران طی مساجله در  
حضور مخبرین برابره و خبر گزاریهای  
داخلی و خارجی اعلامیه زیر در تاریخ  
۳۰/۲/۶ قرائت نمود

اظهارات اخیر آقای نخست وزیر ایران که ضمن آن این نکته را تأکید نموده اند که دولت ایران برای دوستی و اطمینان بین ایران و بریتانیای کبیر اهمیت قائل اند با خشنودی تلقی گردیده است حال که اعتصاب در آبادان و نواحی نفت خیز بخوبی رو بنحافه است اینجانب امیدوار بودم که روابط انگلیس و ایران بطور کلی بوضع بهتر و طبیعی تر درآید .

بین دولت ایران و انگلیس احساسات دوستی و مودت ریشه داری که متکی بر تجربیات طولانی و مصالح مشترک است وجود دارد این تصور کهنه که هنوز هم ظاهراً در ایران زیاد شیوع داشته و مبنی بر اینست که بریتانیای کبیر یک کشور امپریالیستی و دارای نقشه های خودخواهانه در ایران میباشد مورد ندارد . دولت بریتانیا بود که نهضت مشروطه را در ابتدای این قرن تشویق نمود قرارداد عقیم ۱۹۱۹ به نفع یک برنامه ۷ ساله



ولی بر اساس محدودتری استوار بود گو اینکه شاید موقع آن سی سال زود بود بریتانیای کبیر همواره از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران حمایت و پشتیبانی نموده است . بعد از جنگ دوم جهانی قشون انگلیس کاملاً طبق تعهدات قرارداد از خاک ایران خارج و بعداً هم مبلغ هشت میلیون و نیم لیره بابت اسفاده ای که از راه آهن ایران شده بود پرداخت گردید . قرارداد ۱۹۳۳ راجع به نفت را که تحت نظر جامعه ملل و بسا وساطت بکنفر دمکرات بزرگ یعنی مرحوم دکتر بنش بطور آزاد مورد مذاکره و موافقت واقع شده است نمیتوان بکطرفه لغو نمود امضای این قرارداد بطوریکه اغلب نسبت میدهند در تحت فشار و اجبار نبوده بلکه اولین قرارداد شرکتی بوده که در طی چندین سال در خاور میانه منعقد گردیده است . قرارداد الحاقی برای دولت ایران تقریباً پنجاه درصد منافع منظور میداشت ولیکن مفاد این قرارداد را هرگز مورد نظر قرار نداده و برای ملت ایران توضیح نداده اند . با وجود این موقه ای که قرارداد الحاقی را دولت از مجلس مترد داشت شرکت موافقت نمود که در سال ۱۹۵۱ مبالغی بالغ بر بیست و هشت میلیون و نیم لیره که شاید کمی کمتر از پنجاه درصد منافع پیش بینی شده سال مزبور باشد پرداخت نماید و منظور از این اقدام آن بود که دولت ایران بتواند به اقدامات اصلاحی خود بماند . اکنون مؤسسات انگلیسی در تهران و مشهد و اصفهان و شیراز مشغول نصب کارخانه های برق و آبیاری و تأسیسات تغذیه میباشند مامورین فنی انگلیسی نیز بکارگماشته شده اند و انگلستان تا حدود پنجاه هزار لیره بصورت کار و مواد جهت مبارزه ضد ملخ کمک نموده است و بعلاوه وسائلی را که شرکت نفت در خوزستان و فارس در این مورد فراهم نموده میکند بالغ بر ۵۰ هزار لیره گردد .

اینها دلایل و شواهد صحیح دایر بمساعدت و دوستی دولت انگلیس و تمایل شرکت نفت بهمکاری و مشارکت دوستانه با دولت ایران است . متر مورسون وزیر امور خارجه انگلیس در تاریخ دوم آوریل (۱۹ فروردین) در طی نطقی چنین اظهار داشته است (ما تصمیم داریم که به پیشرفت خیر و سعادت ملل خاور میانه کمک نموده و برای حفظ امنیت آن ناحیه کوشش نمائیم و تصمیم خود را نیز عملاً نشان داده ایم . استقرار صلح و سعادت در این خطه که کاملاً متکی بر عدالت اجتماعی و وجود دواتی باشد که نماینده ملت بوده باشد مورد توجه و علاقه عموم افراد مملکت و کشورهای مشترک المنافع انگلیس میباشد . توجه و علاقه ما بتمامیت ارضی یونان و ترکیه و ایران بکرات در این چند ساله اخیر تائید گردیده است . مشارکت ما با کاپه این مانتها در گذشته ایام دارای اثرات نیکو و رو بترقی و فزونی بوده است و تردیدی ندارم که با حسن نیت متقابل در آتیه نیز بهمین منوال ادامه خواهد یافت . )

اگرچه اخیراً سوء تعبیرات و تهمت های ناروای زیادی نسبت به شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت بریتانیا بطور کلی بعمل آمده ولی امیدوارم که مات ایران باین نکات توجه داشته و مجلس اقدام یکطرفه و عجولانه ای راجع بنفت بعمل نخواهد آورد که باب مذاکرات را مسدود و نتایج وخیم و دامنه داری بیار آورد .

متن اعتراض شرکت سابق نفت ایران  
وانگلوس بدولت ایران در ۸ اردیبهشت  
۱۳۳۰

جناب آقای نخست وزیر - سرویلیام فریزر رئیس هیئت مدیره این شرکت  
باینجانب دستور تلگرافی داده اند که مطالب زیر را از جانب ایشان بغوریت باستحضار  
آنجناب برسانم . .

اعتراض مذکور بشرح ذیل است :  
این شرکت نسبت بامکان چنین تقض قرارداد امتیازی منعقدہ بین دولت شاهنشاهی  
و شرکت رسماً معترض میباشد .

ماده ۲۱ قرارداد مزبور مقرر میدارد که اجرای قرارداد باید مبنی بر اصول  
متقابل حسن نیت و صداقت باشد و اقدامی برای لغو قرارداد نشود و مفاد مقررات آن به  
وسیله هیچ قانونی یا هیچ یک از مقررات اداری یا اجرائی تغییر داده نشود .  
این شرکت بانکاه همان تعهد قطعی و رسمی که از طرف مجلس تصویب و جزو

قوانین کشور ایران گردیده مدت هیجده سال زحمت کشید تا صنعت نفت را در ایران توسعه دهد و ملت ایران را در پیشرفت های اقتصادی کمک نمود و اکنون نمی تواند باور نماید که عدم رعایت تعهد قطعی مزبور امکان پذیر باشد.

با اعتراض رسمی نسبت بقصد تغییر شرایط عملیات شرکت در ایران بصورت طرفه، بدینوسیله متذکر میگردد که شرکت هیچگاه استنکاف نداشته و ندارد از اینکه تغییر شرایط مزبور را با مذاکره و انضاد قراردادی که بر اصول حسن نیت و صداقت منقذ و قابل اجرا گردد مورد توجه قرار دهد چه اصول مزبور اساس همکاری دولت شاهنشاهی و شرکت بوده است.

تبصره - ماده ۲۱ قرارداد امتیازی بشرح ذیل است.

### ماده بیست و یکم

طرفین متعهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد:

کمپانی صرفاً تعهد مینماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به پیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آئیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامان اجراییه قابل تغییر نخواهد بود.

۸ اردیبهشت ۱۳۴۰

( اولین پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
 بعثت ایران در ساعت دوازده و سی دقیقه روز  
 نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ )

---

### هموطنان عزیز

هیچ تصور نمیشد موقعی پیش آید که بعنوان نخست وزیر بوسیله رادیو باشما صحبت کنم و هیچوقت تصور نمیکردم باضعف مزاجی که دارم مسئولیت چنین کار خطیری را قبول نمایم .

قتضیه نفت سبب شد که من این بار گران را بدوش بکشم و اکنون تنها خدا میداند تا کی بتوانم آنرا تحمل کنم .

هموطنان عزیز رأی بی سابقه و بی شائبه همکاران عزیزم نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اظهار تمایل آنها بزمامداری اینجالب سبب شد که از نظر فرضه ملی از قبول زمامداری خودداری نکنم و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در تشکیل دولت اطاعت نمایم .

هموطنان عزیز تردید ندارم که برای قبول این کار و بار گرانی که بدوش گرفته ام از بین میروم چون مزاج من متناسب با قبول چنین وظیفه مهمی نیست ولی در راه شما جان چیز قابلی نیست و از صمیم قلب راضی هستم که آنرا هدای آسایش شما کنم. در اینجا از دودسته از هموطنان عزیزم درخواستی دارم که ناچارم آنرا عرض کنم و از حضورشان تقاضا نمایم با قبول آن بامن کمک کنند.

تقاضای اول من از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه نگاران است که از آزادی سوء استفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند. زیرا هیچوقت نمیخواهم ترتیبی پیش آید که آنها بتوانند منویات خود را اظهار کنند ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تاحدی باشد که با آزادی دیگران و حقوق مشروع آنها و با امنیت مملکت خللی وارد نکنند.

تقاضای دوم من از هموطنان عزیزم کارگران است که من آنها را مثل فرزند حقیقی خود دوست دارم و میدانم آنها زحمت میکشند و نان میخورند از کار دیگران سوء استفاده نمی نمایند.

امیدوارم فردا که بمناسبت روز اول ماه مه که عید کارگران دنیاست و آنها هم بالطبع در آن جشن بزرگ شرکت میکنند طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش آنها برای دیگران سرمشق شود کارگران ارجمند و عزیز ما میدانید که جبهه ملی از ابتدای تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تأمین آزادی و مخصوصاً برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرده و راه نجات ملت ستمدیده ایران و وصول باین مقاصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر صنایع تروت ملی تشخیص داده است.

اینک که بخواست خداوند متعال و بهمت نمایندگان مجلیسین بزرگترین صنایع تروت ملی بملت بازگشته همگی یقین داریم که اگر درست از آن تروت سرشار استفاده شود ملت ما خواهد توانست در آتیه بانهایت رفاه و آسایش بسر برد و دوش بدوش ملل راقیه و وظیفه خود را در کمک بتبدن عالم بانجام رساند ولی واضح است که اگر تفرقه و نفاق و اغتشاش در میان ما پیدا شود تمام زحمات ملت ایران نقش بر آب خواهد شد زیرا باهرج و مرج و بی نظمی قوای ملی باید مبارزه با اغتشاش کند و ناچار از بهره داری از منابع نفت و هرگونه فعالیت برای آبادی کشور خود باز بماند. ولی اطمینان دارم کارگران هوشیار ما با حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را هم از دست دشمنان خواهند گرفت و بدینا ثابت خواهند کرد که ملت ایران راه را از چاه تشخیص میدهد و اینک که می بینند شب تیره کشور رنج دیده آنها بسحر نزدیک شده و عنقریب انشاءاله آفتاب سعادت ملت ایران طالع میشود و بدولتی که جز خدمت بآنها هیچ گونه منظور و مقصودی ندارد مجال خواهند داد تا با فراغ بال بوظیفه خطیر ملی خود که تقویت استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی کشور است عمل نموده و عدالت اجتماعی و رفاه آسایش عموم طبقات مملکت را انشاءاله فراهم کند.

شمارا بغداد میسپاریم و از باری تعالی مسئلت دارم که مرا در مقابل هموطنان عزیز شرمسار نکند.

متن قانون اجرای ملزمتدن نفت که در تاریخ ( )  
 هم اردیبهشت ۱۳۳۰ تصویب مجلسین رسیده است

- ماده (۱) - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی با انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او تشکیل میشود .
- ماده (۲) - دولت مکلف است بانضارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند چنانچه شرکت برای تحویل فوری بعذر وجود ادعائی بدولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تامین مدعا به احتمالی شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد .
- ماده (۳) - دولت مکلف است بانضارت هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی

حقوق دولت و همچنین بدعاوی حق شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش بدهند که پس از تصویب مجلسین به وقوع اجرا گذاشته شود .

ماده (۴) - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه در آمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است بانصارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید .

ماده (۵) - هیئت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب بمجلس پیشنهاد کند .

ماده (۶) - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمنخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای معصل بطریق مسابقه در هر سال برای فراگرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوطه بصنایع نفت بکشور های خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد .  
مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد .

ماده (۷) - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این پیمد نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار سالیانه خریداری نماید و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت .

ماده (۸) - کلیه پیشنهادات هیئت مختلط که برای تصویب بمجلس شورایی ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد بکمیسیون مخصوص نفت ارجاع میگردد .

ماده (۹) - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید تا زمانیکه تمدید مدت بپهر جبهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط میتواند بکار ادامه دهد .

( متن در قانون مربوط به نفت  
 که در ۲۲، ۳۰ ماده ملوکانه موضح شد )

صبح سه شنبه آقای نخست وزیر دو نامه زیر را که اولی مربوط به تصمصیم قانونی  
 دائر بلی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و دوماه تمدید به کمیسیون نفت و دیسگری  
 راجع به چگونگی اجرای آنست با دو قانون مزبور برای توشیح به صحنه اعلیحضرت همایونی  
 بدفتر مخصوص شاهنشاهی فرستاد .

#### نامه اول - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

تصمیم قانونی دائر بلی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و دوماه تمدید  
 بکمیسیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصمصیم متخذه کمیسیون نفت  
 که در جنبه بیست و چهارم اسفندماه یکهزار و سیصد و بیست و نه به تصویب مجلس  
 شورایی و بتایید مجلس سنا رسیده است برای توشیح به صحنه مبارک ملوکانه نلوا  
 ایفاد میگردد .  
 « نخست وزیر »



### نامه دوم - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

قانون دایر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بتصویب مجلس شورای ملی و در جلسه عصر دوشنبه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ بتصویب مجلس سنا رسیده است برای توشیح بصفحه مبارک ملوکانه تلوا ایفاد میگردد « نخست وزیر » و دو قانون مزبور دیروز سه بعد از ظهر از طرف اعلیحضرت همایونی صحه شد و ساعت شش بعد از ظهر بدفتر نخست وزیری ارسال گردید و آقای نخست وزیر متن دو قانون مزبور را بلافاصله بوزارتخانه های مربوط ابلاغ کردند .

اینک متن دو قانون که بصفحه ملوکانه رسیده است :

### با تأییدات خداوند متعال

۱۰

### پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم :  
ماده اول - تصیم قانونی دایر بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و دو ماه تمدید بکمسیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصیم متغذه کمسیون نفت که در جلسه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ بتصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بوقع اجرا گذاشته شود .  
ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

بتاریخ دهم اردی بهشت ماه ۱۳۳۰

### با تأییدات خداوند متعال

۱۱

### پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم :  
ماده اول - طرح قانونی دایر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در جلسه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بوقع اجرا گذاشته شود .  
ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند .

بتاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

( برنامه دولت آقای دکتر مصدق که  
در تاریخ ۳۰، ۲، ۱۱، ۳۰، ۱۹۱۱، تقدیم  
مجلس گردید شهر ابدلی )

«دولت فعلی بدون اینکه وعده های دور و دراز بدهد عجالتا با وضعیت فعلی کشور برنامه خود را منحصر بدو موضوع ذیل می نماید :

۱ - اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورخه نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و تخصیص عوائد حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی

۲ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهر دار بهالایته نظریات اصلاحی دولت منحصر باین دو ماده نیست و عجالتا از ذکر جزئیات صرف نظر و در موقع خود لوایح ضروری را برای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسیار ممنون و خوشوقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا راهنما تئها و هدایت های لازم ببولت برای اصلاحات بفرمایند .

اساس سیاست خارجی دولت هم مبتنی بر منشور ملل متحد و تقویت این سازمان بین المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت بهمه ملل می باشد .»

جواب دولت ایران به پیام وزیر  
امور خارجه انگلستان آقای موريسون  
که در تاريخ ۳۰/۲/۱۶ توسط  
سفیر کبير ايران در لندن تسليم گردید

### جناب آقای سهیلی سفیر کبير

آقای موريسون وزير امور خارجه انگلستان پیام جنابعالی را توسط سفیر کبير ايران دریافت داشتم اينجانب نیز کمال علاقه را بحسن روابط و تشييد مباني مودت بادولت انگلستان دارم و لازم میدانم باره سوءتفاهمات بکلی رفع شود یکی از علل سوءتفاهمات عمليات و رفتار شرکت سابق نفت انگليس و ايران بود که باعث عدم رضایت ملت ايران شده بود و غالباً آنها از چشم مأمورين دولت انگليس میدیدند و يقين حاصل است بعد از اجرای قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور اين موجبات عدم رضایت از بين خواهد رفت زیرا تشييد و استحکام دوستی ايران و انگلستان نه فقط در خير و صلاح اين دو کشور میباشد بلکه بخير و صلاح کلیه دولدمکراسی و برفع صلح عمومی جهان خواهد بود

مقصود از ملی کردن صنعت نفت کاملاً روشن است.

ملت ایران میخواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره برداری از منابع نفت را خود بعهده داشته باشد و جز اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مقصودی ندارد و بر طبق مواد ۲ و ۳ آن قانون (سفارتکبرای ایران نسخه از ترجمه قانون را بجناب عالی خواهد داد) حاضر است بدعاوی شرکت سابق نفت رسیدگی کند و این امر با عمل کمونیستی که امارداشته ابد بیچوجه قابل مقایسه و تطبیق نیست و نیز بر طبق ماده ۷ قانون مزبور حاضر است بهشتریهای سابق طرح عادلانه بین المللی نفت بفروشد ملی کردن صنایع حق حاکمیت هر ملتی است و بر فرض اینکه قرار دادها یا امتیازاتی با اشخاص و شرکتهای خصوصی نسبت بآن صنایع منعقدشده باشد که از جمیع جهات حقوقی هم فرض صحت آن شود چنین قرار دادها یا امتیازات مانع از اعمال حق حاکمیت ملی نخواهد بود و هیچ مقام بین المللی هم صلاحیت رسیدگی بچنین امری را ندارد.

دولت ایران میخواهد با استفاده از حق حاکمیت خود از عواید نفت بیه اقتصادی کشور خود را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم و بفقیر و فلاکت و نارضایتی عمومی خاتمه دهد و این امر مایه آبادی و آرامش ایران و موجب جاوگیری از هر گونه اختلال و آشوب خواهد بود.

در اصل موضوع هم چون بموجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی از سنا و مجلس شواری ملی باید انتخاب شوند و اینکار هم همین چند روزه انجام خواهد شد بعضی که این هیئت تشکیل شود از شرکت سابق نفت برای ترتیب کار و اجرای قانون دعوت بعمل خواهد آمد

**دکتر مصدق نخست وزیر**

## مصاحبه مطبوعاتی آقای دکتر انصاری

کفیل اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه  
با خبرنگاران خارجی و داخلی

در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۰

نظر باینکه در بعضی از جراید راجع بقانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مطالبی بر خلاف واقع از قبیل مصادره اموال شرکت سابق نفت انگلیس و ایران مشاهده گردیده و این انتشارات خلاف حقیقت موجبات گمراهی افکار عامه نسبت به تصمیمات پارلمان ایران فراهم مینماید علیهذا مراتب زیر را باستحضار میرساند تا در معرض افکار عامه قرار دهند .

» بطوریکه از متن قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بخوبی مستفاد میگردد مواد قانون مزبور بهیچ وجه ناظر بر مصادره اموال صاحب امتیاز سابق نبوده بلکه منظور کلیه دارائی و تاسیسات صاحب امتیاز سابق و اداره امر بهره برداری از منافع نفت کشور بدولت ایران در مقابل جبران مطالباتی که در نتیجه رسیدگی بدعاوی حقه شرکت ثابت گردد میباشد و بدین منظور ماده ۲ قانون مزبور مقرر گردیده که ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت پس از وضع مخارج بهره برداری برای تامین مدعی به احتمالی امتیاز سابق در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر بودیه گذارده شود و به همین طور بموجب ماده ۳ هیئتی که برای نظارت در اجرای ملی شدن صنعت نفت تشکیل خواهد گردید موظف است بدعاوی حقه شرکت سابق رسیدگی نموده و نظریات خود را بپارلمان ایران گزارش دهد تا پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شود و با این توضیحات واضح است که تصمیمات پارلمان ایران کاملاً منطبق با اصول حق و عدالت میباشد فقط بموجب ماده ۷ قانون مزبور مقرر گردیده است کلیه خریداران سابق محصولات معادن نفت ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال میخی ۱۹۴۸ تا تاریخ تصویب قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور « بیستم مارس ۱۹۵۱ » از صاحب امتیاز سابق ضالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بیه هم بنرخ عادل بین المللی همان مقدار سالیانه را خریداری نمایند و برای ما زاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط خرید حق تقدم خواهد داشت بنا بر این علاقه کامل پارلمان ایران باینکه محصول نفت ایران بنرخ عادل بین المللی در دسترس مصرف کنندگان سابق گذارده شود مسلم و مشهود میباشد از لحاظ استعمال مواد نفتی و اداره فنی و مالی صنعت مزبور دولت ایران وسائل لازم را در اختیار داشته و مطمئن است که در استعمال آن مواد وقفه و با تقلیلی حاصل نخواهد گردید . «

## تقاضای داوری شرکت سابق نفت

در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

### جناب آقای نخست وزیر

قوانینی که اخیر در ایران در موضوع صنعت نفت گذشته است بطور وضوح دارای یکی از منظوره‌های ذیل است .

با خاتمه دادن بامتیازی که شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران در دست دارد یا انقضاء امتیاز مزبور قبل از تاریخی که برای پایان یافتن آن در امتیازنامه مقرر گردیده است بوسیله عمل یک‌جانبه دولت شاهنشاهی ایران با تقض مواد ۲۶ و ۲۱ قرارداد امتیاز و با تعبیر یک‌جانبه شرایط مندرج در آن با تقض مواد ۲۱ قرارداد مزبور .

بنا بر این اینجانب از طرف شرکت و برطبق حقوقی که مواد ۲۶ و ۲۲ قرار داد امتیاز برای شرکت محفوظ داشته است محترماً بدولت ابلاغ مینمایم که شرکت بمنظور تشخیص اینکه آیا عمل مزبور دولت در اقدام بالقاء یا خاتمه دادن بامتیاز یا تغییر قرارداد امتیازی منطبق با شرایط قرارداد بوده است یا خیر و نیز بمنظور تعیین مسئولیت و تشخیص عواقب تقض مذکور در فوق تقاضای داوری دارد .

همچنین احتراماً اشعار میدارد که شرکت جناب لرد رد کلیف

The Right Honorable Radcliffe G. B. P.

را بسمت داور خود تعیین نموده و ایشان نیز سمت داوری را قبول کرده‌اند .  
درخاتمه نظر باینکه قوانین فوق‌الذکر وضیعت وخیمی را ایجاد نموده است شرکت امیدوار است که دولت در اسرع اوقات داور خود را تعیین خواهد نمود .

## بنشنامه

وزارت خانه ها - ادارات مستقل - بانکها

تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

در اینموقع که قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت و طرز العمل آن بتصویب مجلسین شورای ملی و منا رسید و فرامین ملوکانه در اجراء و قوانین مزبور صادر و ابلاغ گردید لازم است بقسمتهای تابعه دستور فرمائید که در مکاتبه با شرکت سابق نفت انگلیس و ایران همانطور که در ماده ۲ و ماده ۷ قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور نیز « شرکت سابق » ذکر شده است . بعنوان « شرکت سابق نفت انگلیس و ایران » مکاتبه و کلمه سابق را قید نمائید

نخست وزیر دکتر مصدق

## بیانیه دولت امریکا راجع بنفت ایران

در تاریخ ۲۸ ر ۴ ر ۴۰

کشورهای متحد امریکادر باره اختلاف دولتین ایران و بریتانیای کبیر راجع بنفت ایران نگرانی عمیق دارد . هم با ایران و هم بریتانیای کبیر ما دوستی استوار داریم نسبت بغير هر دو مملکت صیما نه علاقمندیم . کشورهای متحد امریکامیخواهند این اختلاف بطور دوستانه حل شود زیرا این اختلاف نه تنها برای دو طرفی که مستقیماً ذینفع هستد بلکه برای تمام دنیای آزاد نیز خطیر است .

ما از نزدیک مراقب جریان امر بوده ایم و نظر خود را بهر دو کشور گفته ایم نظراتی که اظهار داشته ایم مربوط بجنبه های کلی این مسئله بوده است و برای ما مقتضی نبوده است که در باره شرایط خاص و ترتیباتی که ممکن است برای حل موضوع در نظر گرفته شود اظهار نظری کنیم .

از آنجا که در باره روش کشورهای متحد امریکا گفتگوهای شده است مصلحت



چنین است سیاستی را که در مذاکرات خود با نمایندگان ایران و بریتانیای کبیر اتخاذ کرده ایم تشریح نمائیم .

لزوم حل اختلاف را بطریق دوستانه و از راه مذاکرات و همچنین لزوم احترام از تخویف و تهدید با اقدام يك جانبه را بهر دو دولت تأکید کرده ایم .

هنگام مذاکره خود با دولت بریتانیای کبیر این عقیده را اظهار کرده ایم که با ایرانیان ترتیباتی بدهند که کنترل بیشتری در اداره امور نفت و منافع بیشتری از استخراج منابع نفت خودشان داشته باشند و تمایلی را که ایرانیان در این باب اظهار نموده اند شناخته شود .

در عین اینکه کشورهای متحد امریکادر مورد هیچیک از شرایط پیشنهادی انگلستان نظر موافق یا مخالفی نداده است خوشوقت است از اینکه انگلستان صادقانه مایل است درباره همه مسائل معوقه مورد اختلاف با ایرانیان مذاکره نماید .

ما حقوق حاکمیت ایران را کاملاً می شناسیم و نسبت به تمایل ایرانیان باینکه منافع بیشتری از نفت عاید این کشور گردد همدردی میکنیم .

در مذاکرات خود با دولت ایران اثرات خصمیری را که در نتیجه الغاء بیطرفی روابط دوستی که بر قرارداد مترتب است و کشورهای متحد امریکا قویا مخالف آن خواهد بود تذکر داده ایم .

ما اهمیت رسیدن ایرانیان را بهدفعهای مشروع خودشان از راه مذاکرات دوستانه با طرف دیگر بطوریکه با مستوایت های بین المللی ایرانیان وفق دهد تأکید کرده ایم .

فایده اتخاذ این طریق اینست که در آینده اطمینان بمعونیت سرمایه هائی که در ایران بکار انداخته میشود ادامه خواهد یافت بلکه فی الحقیقه در سراسر جهان موجب ادامه اعتبار قرارداد های این نوع خواهد شد .

از ایران جداً تقاضا شده است که بیش از اقدام نهائی جنبه های عملی مسئله را با دقت تجزیه و تحلیل کند .

در این خصوص ما این موضوع را پیش آوردیم که آیا خلق ید از شرکت مستقره انگلیسی میتواند در واقع موجب تأمین حداکثر منافع ممکنه برای ایران باشد یا خیر . ما شرح داده ایم که عمل تولید و تصفیه کفایتمدانه نفت ایران نه فقط شامل داشتن معلومات فنی و سرمایه کافی است مستلزم داشتن وسایلی است برای حمل و نقل و عرضه و فروش نفت که فعلا شرکت نفت در اختیار دارد .

همچنین بدین نکته اشاره نموده ایم که در آینده عدم اطمینان بحصول نفت ایران شاید موجب نگرانی مشتریان شود و آنها ممکن است احتیاجات خود را از منابع دیگر بدست آورند که در آنصورت درآمد ایران کاهش خواهد یافت .

شرکت های امریکائی که از همه بهتر مجهز بوسایل بهره برداری از منافع

مهم و بزرگ و غامض نفت مانند آنکه در ایران موجود است میباشد بدولت آمریکا؛ اظهار داشته اند که نظر اقدام يك جانبه دولت ایران بر ضد شرکت انگلیسی مایل نیستند که بهره برداری از معادن نفت ایران را بعهده بگیرند .

علاوه بر این متخصصین نفت چه از حیث کفایت و چه از نظر تعدادی که لازم است بجای متخصصینی که اکنون در ایران مشغول هستند گمارده شوند بعلمت کمیایی متخصصین در رشته مخصوص نه در امریکا عاید میشوند و نه در کشورهای دیگر .

عقیده ممالک متحده امریکا بر اینست که ایران و انگلستان دارای اشتراك . منافی چنان قوی هستند که باید از طریق مذاکرات دوستانه راه حلی یابند و (خواهند یافت) تا دوباره روابطی را برقرار سازند که بر اساس آن هر يك از طرفین نقش کامل خود را در نیل به آن هدف مشترك بخوبی ایفا نماید چنین بنظر میرسد که از طریق این نوع مذاکره آمال و منافع ایران تأمین گردد و منافع انگلستان محفوظ بماند و تهیه مهم و لازم نفت ایران پیازارهای جهان آزاد کماکان ادامه یابد .

ممالک متحده امریکا کراً علاقه شدید و مفرط خود را بتأمین استقلال و تمامیت ارضی ایران اظهار داشته و عملاً این علاقه را بنفع ظهور رسانیده و خواهد رسانید .

## تذکار به دولت انگلستان

که دو تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ تسلیم دولت ایران گردید

بوسیله سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در لندن پاسخ جنابعالی را به نیامی که در تاریخ ۲ می ۱۹۵۱ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) بنوسط ایشان ارسال داشته بود دریافت شد

متأسفانه در پاسخ مزبور پیشنهاد دوستدار که بعداً نیز منتشر و نائید گردید رعایت نشده است پیشنهاد مزبور مبنی بر این بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایلست که موضوع عملیات آینده شرکت نفت انگلیس و ایران در کشور ایران بوسیله مذاکره فیصله یابد ولیکن در عوض ضمن پاسخ مزبور ظاهراً چنین عنوان شده است که دولت شاهنشاهی حق دارد با اقدام یکجانب خود خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران بنماید.

۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کابلاً متوجه آرزوی دولت ایران که

مبنی بر تقویت بنیان اقتصادی کشور و تأمین رفاه و آسایش عمومی ملت ایرانست بوده و نسبت باین آرزو نظر مساعد دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همواره عملاً نشان داده است که هدفهای مزبور علاوه کامل آندولت نیز میباشد با این حال دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور نمیکند که اقدام بکجانبه‌نی‌را که دولت ایران در نظر دارند عملی نمایند بتواند بانجام منظورهای فوق کمک نماید .

۳- علاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه میل و نه قصد آنرا دارد که ایراد باج‌رای هرگونه حق حاکمیتی بنماید که کشور ایران بتواند بطور مشروع از آن استفاده کند ولی تصور مینماید که اقدامی که علیه شرکت حال در نظر گرفته شده است استفاده مشروع از حق نامبرده نبیباشد .

قرارداد ۱۹۳۳ قرار دادی است بین دولت ایران و یک شرکت خارجی که در تحت نظر جامعه ملل تنظیم گردیده و انعقاد آن پس از موقعی بوده است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نظر بکوشش ایران در محروم کردن شرکت از حقوقی که بموجب امتیاز نامه قبل مقرر بوده است موضوع را در جامعه ملل مطرح میکنند علاوه قرارداد مزبور به تصویب مجلس هم‌رسید و بصورت قانون درمیآید گذشته از این در قرار داد مزبور دو موضوع بسیار مهم تصریح شده که باین قرار مییباشد .

(الف) وضعیت شرکت بموجب قرارداد منعقد هرگز با اقدام دولت شاهنشاهی و یا حتی با وضع قانون تغییر نخواهد یافت (ماده ۲۱) مگر در نتیجه موافقت دولت ایران و شرکت .

(ب) چنانچه دولت ایران شکایتی علیه شرکت داشته باشد و یا بالعکس و اختلاف را نتوان بنحو دیگری رفع نمود موضوع باید بحکمیت رجوع شود (ماده ۲۲) و محکمه حکمیت باید تحت ریاست حکم نالتی باشد که از طرف خود حکم ها تعیین میشود و در صورت عدم توافق آنها تعیین او با رئیس دیوان داورى بین‌المللی در لاهه خواهد بود .

۴- اصل مطلب این نیست که یک دولت مستقل حق داشته باشد بوسیله وضع قانون مشاغل تجارتي را که در قلمرو کشور انجام میشود ملی نموده و یا چه مقدار غرامت برای آن پردازد در واقع دولت ایران تمهید نموده است که استفاده از چنین حقی ننماید و بنابراین تفاوت موضوع انجام یک عمل خلاف است در موردیکه یک دولت مستقل با قدرت به نظر قرار داد نماید که عالماً عامداً آنرا منعقد نموده است .

۵- هرگاه بطوریکه آنجناب مدعی هستند دولت شاهنشاهی شکایاتی علیه شرکت داشته علاج آن بطوریکه فوقاً متذکر گردید مراجعه بحکمیت بوده ولی - این رویه عمل نشده است برعکس مجلس ایران قانونی وضع نموده که یک تغییر اساسی را در وضع شرکت پیش بینی میکند بنا بر این شرکت ناگزیر بوده از اینکه بدولت ایران اعلاء نماید که قصد دارد کلیه موضوع را بحکمیت رجوع کند .

۶- شرکت نفت انگلیس و ایران یک شرکت انگلیسی است که در کشور متعده انگلیس به ثبت رسیده و علاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان صاحب قسمت بیشتر سهام شرکت می باشد بنا بر این واضح است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملاً حق دارد که منافع آنرا بهر طریق صحیحی که بتواند حفظ نماید .  
حقوق عالیه شرکت که بموجب قرارداد معرزو مسلم است حال بوسیله وضع قانونی در ایران مورد لطمه شدید قرار گرفته در صورتیکه ماده ۲۱ مقرر میدارد که چنین عملی جایز نیست

شرکت حال به بگانه طریقی که برای آن مفتوح است توسل چسب و آن حکمیت بموجب ماده ۲۲ است چنانچه این راه هم از طرف دولت ایران عقیم گذاشته شود و موضوع صورت قضیه ای را بین دو دولت بخود خواهد گرفت بموجب قوانین بین المللی عتق مسلم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینست که در قضیه وارد شده و چنانچه صلاح بداند علیه دولت ایران بدیوان بین المللی داوری لاهه شکایت نماید در آن صورت امیدوار است دولت شاهنشاهی معاضدت خواهند نمود تا دیوان داوری بتواند نظر خود را هر چه زود تر اعلام نماید .

۷- از طرف دیگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس هنوز امیدوار است که موضوع بوسیله مذاکرات برضایت طرفین حل گردد  
منافع دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شرکت نفت انگلیس و ایران در این امر یکسان است و اکنون میخوایم از موقع استفاده نموده بار دیگر تأیید نمایم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر است فوراً هیئت را بهتران اعزام دارد تا نسبت بشرابط یک قرار داد دیگر مذاکره بنمایند .

اینجناب صمیمانه امیدوارم که آن جناب حاضر خواهد شد با این ترتیب موافقت فرموده و بابلک هیئت اعزامی براساس عادلانه و منصفانه مذاکرات را آغاز نمایند

۸- در خاتمه بطوریکه ملاحظه میشود در قبال تمایل بحفظ روابط حسنه و تقویت میانی دوستی بین ایران و کشور متعده انگلیس که از طرف دوستدار ابراز شده بود آن جناب نیز اظهار تمایل متقابل فرموده اند با اینحال چون مایلیم صراحت لهجه بکار برم باید متذکر شوم که امتناع دولت شاهنشاهی از آغاز مذاکره و باهر اقدامی از طرف آن دولت در اجرای قانون اخیر بوسیله عمل یکجانبه ناچار بروابط دوستانه که طرفین مایل بحفظ آن هستیم لطمه شدید وارد نموده و عواقب بسیار وخیمی در بر خواهد داشت .

## پاسخ آقای وزیر دارائی به نامه شرکت سابق نفت در تاریخ ۲۹/۲/۴۰

آقای نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .  
جناب آقای نخست وزیر اینجانب را مامور فرموده اند که بنامه مورخه ۱۷  
اردیبهشت ۱۳۳۰ شماره ۲۱۶۲۹/۲۲ شما بعنوان معظم له جواب ذیل را ابلاغ نمایم .  
بوجب قوانین ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ که نسخه ای از  
آنها با این نامه ایفاد میشود صحت نفت در سراسر کشور ایران ملی شده و دولت شاهنشاهی  
مکلف است اکتشاف و استخراج و تهیه بهره برداری نفت را خود بعهده گیرد شاید محتاج  
بتوضیح نباشد که .

اولا - ملی کردن صنایع ناشی از حق حاکمیت ملل است چنانکه دول دیگر  
از جمله خود دولت انگلستان و دولت مکزیک نیز از همین حق در موارد مختلفه  
استفاده نموده اند .

ثانیاً - قراردادهای خصوصی بر فرض اینکه صحت آنها محرز باشد نمیتواند از اجراء این حق که مبتنی بر اصول مسلمه حقوق بین‌المللی است مانعت کند .  
ثالثاً - امر ملی کردن صنعت نفت که ناشی از اعمال حق حاکمیت ملت ایران است قابل ارجاع به حکمیت نیست و هیچ مقام بین‌المللی صلاحیت رسیدگی باین امر را ندارد. بنا بر این مقدمات دولت ایران در وضع حاضر جز اجراء مواد قوانین مزبور وظیفه‌ای ندارد و بهیچوجه با مدلول شرکت سابق نفت ارباب ارجاع امر به حکمیت موافقت نمیکند .

ضمناً باستحضار میرساند که بر طبق مواد ۲ و ۳ قانون اردیبهشت ۱۳۳۰ دولت ایران حاضر است بدعاوی حقه شرکت سابق نفت رسیدگی کند .  
در خاتمه بموجب این نامه از شرکت سابق نفت دعوت میشود که برای ترتیب کار و اجراء قانون مزبور فوراً نمایندگان خود را معرفی کند تا روز و ساعت و محل حضور آنها اطلاع داده شود .

وزیر دارائی

## تذکاریه دولت ایران بدولت امریکا

در تاریخ ۳۰/۴/۴۰

بیانیه دولت امریکا راجع بنفت ایران با عبارات و جملاتی که در آن ذکر شده در معافل مربوط ایران تأثیرات غیر منتظر و نا مطلوبی ایجاد کرده است . تا دو روز قبل مقامات رسمی امریکا میگفتند در امر نفت بیطرف هستند و ملت ایران انتظار داشت این روش بیطرفی ادامه یابد و اینک جای تعجب است که دولت آمریکا تغییر عقیده داده و میخواهد صلاح اندیشی نماید که موضوع مذاکره حل شود اگر صلاح بین المللی تذکر دوستانه دولت امریکا را ایجاب مینمود صلاح اندیشی دوستانه بایستی طوری میشد که با قانون ملی شوق صنعت نفت در سراسر کشور منافات پیدا نکند اینک که قانون مزبور وضع و دولت موظف و مکلف با اجرای آن میباشد صلاح اندیشی دوستانه بک دولت خارجی بهر عنوان و عبارتی باشد جز مداخله در امور داخلی بجز دیگری نمیتواند تلقی شود آقای نخست وزیر فعلی در یکی از جلسات مجلس شورایی



قبل از ملی شدن صنعت نفت چنین اظهار نمودند «ای کاش نمایندگان نیز مجلس شورای ملی انگلستان بایران میآمدند و به چشم خود میدیدند که شرکت نفت روز مردم این مملکت چه میآورد و چگونه برخلاف حق و انصاف و عدالت عایدات گراف سرخپوشی میرود حق مملکت را غصب کرده است».

رفتار و عملیات شرکت سابق نفت خوری مردم ایران را خصمکین و عصبانی ساخته بود که اراده واقعی ملت ایران بخاتمه دادن بآن اوضاع و ملی شدن صنعت نفت قرار گرفت و اکنون که قانون مزبور از تصویب مجلسین گذشته است دولت غیر از اجرای آن تکلیفی ندارد و اندک تامل و مسامحه در اجرای آن خشم و غضب ملت ایران را جلب میکند.

بنا بر این انتظار این است که ملت بزرگ آزادخواه آمریکا بصوریکه در باره از موارد از لحاظ طرفداری از حق و عدالت کمکهای معنوی باجرای مقاصد حقه ایران نموده اند در این مورد نیز مسانده سابق روش بیطرفانه و دوستانه خود را از دست ندهند.

## پیام آقای نخست وزیر بخبرنگاران داخلی و خارجی

در ۲۰ اردیبهشت ۲۰

آقایان خبرنگاران جراید خارجی

تا چند روز قبل که نماینده مردم و در مجلس در صفاقلیت بودم برای رفع بدبختی آنها غیر از آه و ناله کار دیگری نداشتم ولی بعد که در رأس دولت واقع شدم و باید خود چاره جوئی و رفع بدبختی هارا بکنم دستهای بسته و پاهایم را نیز میخواهند طوری ببندند که حتی یکقدم نتوانم حرکت نمایم .  
من عاردارم که نخست وزیر مملکتی باشم که قسمتی از نفوس آن در خود پایتخت مثل مردمان ما قبل تاریخ زندگی کنند .

در این چند روز که از ملاقات شما خود داری کردم و بواسطه کسالت قرار شد شما همگی سئوالات خود را بنویسید و من یکمرتبه بتام آنها جواب دهم مقصودی جز این نبود که قدمی چند بردارم و بتوانم بگویم که مقدمه هر گونه اصلاحات در این مملکت تهیه شده است ولی متأسفانه دول دوست و خیرخواه ما مشکلاتی ایجاد کرده اند که آن مقدمه مورد انتظار هنوز فراهم نشده است . اکنون تنها میکنم شما شخصاً بروید اوضاع دلخراش آن قسمت از نفوس پایتخت را که بدان اشاره کرده ام ببینید و پس از مشاهده احوال اسف اشتمال ما آنوقت جوابی چنانکه شایسته يك نخست وزیر آزاد و خیرخواه است بسئوالات شما بدهم .

## نامه آقای وزیر دارائی به آقای سدان

نماینده شرکت سابق نفت در تاریخ ۲۲/۳/۳۰ راجع به معرفی نمایندگان شرکت

در تعقیب نامه شماره ۹۴۸۲ مورخ ۲۲/۳/۳۰ چون تاکنون نمایندگان خود را برای ترتیب اجراء قانون ملی شدن نفت معرفی ننموده اید لزوماً اشعار میدارد که این جانب همه روزه در وزارت دارائی منتظر نمایندگان شما می باشد در صورتیکه در ظرف يك هفته یعنی تا آخر روز چهارشنبه هشتم خرداد نمایندگان خود را معرفی و اعزام ننمائید دولت ناگزیر است بوظایف قانونی خود بر طبق قوانین ۲۷ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ عمل نماید.

وزیر دارائی

## مصاحبه مطبوعاتی نجست وزیر در تاریخ ۴۴/۴/۳۰ با مخبرین جراید خارجی و داخلی

در این اوقات از طرف آقایان مخبرین جرائد خارجی مکرر از اینجانب سئوالاتی راجع بنفت و اوضاع عمومی مملکت میشد .  
بسیار میل داشتم جواب سئوالات آقایان را جزء بجزء بدهم ولی از طرفی اشتغال مستمر بکارهای مملکتی و از طرف دیگر بواسطه شباهت تامی که بین سئوالات بود باین مکرر انتادم که جواب همه آقایان را یکجا درضمن بیانیهای عرض برسانم .  
ولی چون دیدم تا آقایان مخبرین جرائد با اوضاع داخلی مخصوصاً فقر و بیچارگی بینهایت مردم واقف نشوند درست بی برابری من نخواهند برد از آقایان خواهش کردم قبلابروند و برای العین وضع زندگانی محنت بار مردم این کشور را مشاهده کنند سپس مصاحبه بعمل آید .

آقایان محترم آنچه را در روز دوشنبه ملاحظه فرمودید نمونه‌ای از زندگانی اکثریت مردم این مملکت است بلکه میتوانم عرض کنم که زندگانی مردم ولایات غالباً از این‌هم ناگوارتر و رقت‌بارتر است .

مردمی که نمونه‌ای از آنها را مشاهده کردید صاحت گنج نهفته‌ای هستند که ناری بر سر آن خفته و آنها را از استفاده از ذخائر سرشار آن محروم ساخته است .  
مردمی که قوت لایسوت و سترعورت ندارند دارای ثروت بی‌پایانی هستند که صرف عیش و نوش بیگانگان میشود و خود آنها با فقر و بیماری و جهل دست‌بگریبان و دردربای مذلت و خواری غوطه‌ورند این وضع قابل دوام نیست زیرا صبر و بردباری هم حدی دارد و روزی که پیمانہ صبر این مردم بدبخت پر شود تنها خدا میداند که شرق میانه و بالتبجہ دنیا بچه وضع هولناکی دچار خواهد شد .

پس از این مقدمه بجواب سئوالات آقایان که دنباله طبیعی همین مقدمه است میپردازم .  
برای نجات ملت ایران که بعقیده من مقدمه لازم برای نجات دنیا از جنگ سوم جهانیست باید باین اوضاع اسف‌بار خاتمه داد .

اینجانب و همکاران من و رجال دلسوز مملکت چاره این بیچارگی‌ها را در فراهم آوردن سرمایه کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت میدانند .

سرمایه کافی یکی از دوراه ممکن است فراهم شود یا بوسیله قرضه از خارج و یا بوسیله عوائد ملی که مهمترین آنها عایدات سرشار نفت جنوب است .  
اما از حیث استقرار خارجی تاکنون مذاکرات چندین ساله ما ب نتیجه نرسیده است .  
و حال آنکه عایدات نفت مال ماست و احدی نمیتواند حق ما را انکار کند از عوائد نفت میتوانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم و بفقر و جهل و بیماری میلیونها مردم زحمتکش این مملکت خاتمه دهیم و بعلاوه با کوتاه کردن دست شرکت سابق نفت کانون انتریک و فساد و مداخله در امور داخلی ما بهم میخورد و ایادی شرکت سابق نفت که در تمام شئون ما مداخلات ناروا قطع خواهد شد و باین ترتیب استقلال اقتصادی و سیاسی ما تأمین خواهد گردید .

باین دلایل است که بعقیده ملیون ایران اول قدم در باب اصلاحات مملکت رفع شر عمال شرکت سابق نفت است که ملتی را فدای مطامع خود کرده‌اند .  
بعضی از آقایان در باب عکس‌العمل بعضی از دول در باب ملی شدن صنعت نفت سئوالاتی کرده‌اند .

شما آقایان محترم باید بملل آزاد جهان اعلام کنید که آخرین سعی ملت ایران برای نجات خود و شرق میانه همین اقدام ملی یعنی مبارزه با مداخلات بیگانه که بزرگترین وسیله آن شرکت سابق نفت است میباشد و ملت ایران برای تسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود ناچار است تا آخرین نفس برای اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قطع ایادی بیگانگان از ثروت ملی و استقلال سیاسی خود مبارزه کند .

ملت ایران امیدوار است در این مبارزه مردانه که شایسته سابقه تاریخی و روح عظیم اوست بعون اله فاتح شود و اگر تقدیر الهی برخلاف این باشد آرزو است که دول غرب باید از شرق میانه حتی از شرق بطور کلی دست بشویند .

مقاومت شرکت سابق نفت در مقابل حق مسلم ملت ایران که جز منافع مادی خود چیزی نمی بیند امری طبیعی است ولی گفتگو های دول دیگر که داعیه آزادی خواهی و طرفداری از حق و عدالت و حمایت از ملل آزاد دادند موجب نهایت تعجب و تأسف است .

آقایان معترم انصاف دهید در چنین موقع خطیری که ملت مظلوم ایران مشغول مبارزه است که حیات و ممات او بدان بستگی دارد آیا شایسته است دول آزاد جهان حقوق چنین ملتی را که حق برستی و آزاد منشی او ثبت تواریخ عالم است از یاد ببرند ؟ آیا سزاوار است حق ملتی که در همین چند سال پیش هنگام جنگ جهانی دوم از خود گذشته گی خود را بدنیای آزاد بشوید رسانده از دل و جان تمام هستی خود را برای برانداختن راه و رسم زورگویی و جبر و عنف در اختیار دول آزاد بخواه عالم گذاشت فراموش شود .

حقیقتاً از اظهار تعجب نمیتوانم خودداری کنم که چطور دولی که داعیه حمایت ملل آزاد را دارند قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قانونی را که ناشی از حق حاکمیت يك ملت است ندیده گرفته بجای اینکه بشرکت نفت توصیه کنند که در مقابل حق ملت ایران تسلیم شود تصویب قانون ملی شدن صنعتی که حق مسلم ایران است و دول دیگر جهان از جمله دولت مکزیک و خود دولت انگلستان از آن حق در موارد مختلفه استفاده کرده اند امری برخلاف اصول جلوه میدهند و میگویند مجلس ایران تعهد کرده است که فلان قرارداد را بهم نزنند نه مجلس ایران و نه هیچ مجلسی در دنیا نمیتواند حق قانونگذاری مجالس بعد را محدود کند .

مجلس ایران هیچوقت تعهد نکرده و نمیتواند هم تعهد کند که حق وضع قوانین و مقرراتی را که بمصالح مملکت خود میداند و جزء حق حاکمیت ملت است از خود سلب کند .

ولی البته اگر قانونی وضع کرد که در نتیجه آن باشخاص اهم از هادی یا اشخاص حقوقی خسارتی وارد شد بر طبق سیره تاریخی خود که همیشه طرفدار حق و عدالت بوده جبران آن خسارت خواهد کرد .

مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت میخواهند در دنیا عمل ملی شدن صنعت نفت را بعنوان مصادره اموال غیر قلمداد کنند و حال آنکه هرگز دولت ایران در صدد مصادره کردن اموال کسی نبوده است .

دولت ایران عمل صنعت نفت را میخواهد خود بعهده گیرد و شرکت سابق نفت جز تحویل مال بصاحب مال چاره ای ندارد .

البته اگر شرکت سابق دعاوی حقه ای داشته باشد دولت و ملت ایران هیچوقت از احقاق حق هیچکس روگردان نبوده و نخواهند بود و پس از رسیدگی حق هر کس را خواهند پرداخت و بهین دلیل است که در ماده دوم قانون اجراء قانون ملی شدن

صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵ درصد عایدات جاری نفت بعنوان وثیقه تعیین گردیده که در بانک مرضی الطرفین بودیبه گذاشته شود .

دیگر اینکه ایادی شرکت نفت در دنیا انتشار داده اند که دولت ایران میخواهد مؤسسات نفت را من غیر حق اشغال کند و متخصصین را جواب گوید و ناچار باین ترتیب دستگاه نفت تعطیل یا متوقف خواهد شد این ادعا کذب محض و محض کذب است زیرا دولت ایران بانهایت حزم احتیاط بخلع ید شرکت نفت اقدام خواهد کرد و ابد ا اقدامی بعمل نخواهد آورد که در صنعت نفت کوچکترین وقفه ای حاصل شود و نیز در نظر ندارد متخصصین فنی را از شرکت بیرون کند .

بنابراین بهیچوجه بمنافع حیاتی دولتی که از نفت جنوب استفاده میکنند لطمه ای وارد نخواهد آمد و اگر آنها خار راه مقاصد ملی ما نشوند همانطور که در ماده هفت قانون پیش شده و من آن ماده را عینا اینجا نقل میکنم .

« ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ ( ۲۰ مارس ۱۹۵۱ ) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بیعه هم بنرخ عادلہ بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مسازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت »

ملت ایران حقوق آنها را محفوظ خواهد داشت ؟

یکی دیگر از شبهاتی که برای مشوب کردن ذهن مردم دنیا ایجاد کرده اند و مکرر در آن بحث میشود چنانکه در فوق هم بآن اشاره کردم راجع بعمل یکجانبه دولت ایران در باب ملی کردن صنعت نفت است .

ملی کردن صنایع حق هرملتی است و عمل یکجانبه است و غیر از این هم نمیتواند باشد آیا انتظار داشتند که ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت خود از دولت دیگری کسب اجازه کند ؟

این عمل چنانکه بارها گفته شده ناشی از حق حاکمیت ملت ایرانست و این حق را هیچ قراردادی نمیتواند محدود کند .

این موضوع را همه مردم دنیا اذعان دارند ولی مخالفین مطالب را طور دیگر طرح میکنند یعنی بجای اینکه منصفانه حکم کنند که ملت ایران حق دارد صنایع را که صلاح میدانند ملی کند چنانکه بجای اینکه ملل دیگر هم کرده اند موضوع را مضکوس جلوه میدهند و چنین وانمود میکنند که ملت ایران قرارداد شرکت سابق نفت را ملتی کرده است .

قطع نظر از اینکه آن قرارداد اکراهی و غیر نافذ و حتی باطل است دولت و ملت ایران اصلا و ابدأ در صحت یا بطلان آن قرارداد وارد نشده است که شرکت سابق نفت و دولت انگلیس بعنوان الغاء یکجانبه قرارداد قیل و قال در دنیا راه بیندازند .  
مجلسین و دولت ایران در باب قرارداد تصیمی نگرفته اند که شرکت سابق نفت

بتواند آنرا بهانه تقاضای حکمیت قرار دهد حکمیت در صورتی است که در باب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد تصمیبی اتخاذ شده باشد و باز عرض میکنم نه مجلس و نه دولت ایران وارد موضوع قرارداد مطلقاً نشده و بنابراین شرکت نفت نمیتواند در خصوص قرارداد اظهار بکند .

البته در نتیجه ملی شدن صنعت نفت شرکت سابق نفت جنوب منحل میشود ولی هر قراردادی اعم از قرارداد های حقوق خصوصی یا عمومی در معرض این نوع قوانین ناشیه از اعمال حق حاکمیت ملل هست و هیچ چیز نمیتواند از آن جلوگیری کند و در این قبیل موارد که دولت بر طبق حق حاکمیت خود تصمیبی اتخاذ میکند تنها کاری که میشود کرد اینست که از چنان دولتی خسارت بخواهند و دولت ایران رسیدگی به خسارات را خود قانوناً پیش بینی کرده است .

خلاصه فلاً قرارداد مغدوش و باطل ۱۹۲۳ موضوع سخن مانست و هر مطلبی که در باب آن بگویند بی مورد است .

در خانه همانطور که از شما آقایان تقاضا کردم بروید اوضاع مردم این مملکت را از نزدیک به بینید از آزاد مردان جهان نیز دعوت میکنم که برای دیدن وضع رقت بار مردم ایران باین مملکت بیایند و نتیجه نیم قرن سیاست شوم استعماری شرکت سابق نفت را برای العین در این مملکت مشاهده کنند زیرا از دیدن اوضاع زندگانی این مملکت بملت بغض و عداوت ملت ایران نسبت بشرکت سابق نفت پی خواهند برد و بوضوح خواهند دید که اگر حال بر همین منوال بماند و دولت انگلیس یا هر دولت دیگری بیپایانه های بی اساس بخواهد در ابقاء شرکت سابق نفت پافشاری کند و زر و وبال آن قریباً دامن گیر دنیای آزاد خواهد شد و هیچ قدرتی دیگر نخواهد توانست جلوسیل حوادثی را که زمینه بروز آن کاملاً مهیاست بگیرد .

ملل آزاد جهان ملت ایران را در این مبارزه مقدس باید یاری کند زیرا کمک آنها نه فقط از سقوط یکی از کهن سالترین ملل عالم جلوگیری خواهد کرد بلکه با بقاء این ملت ممکن است که سرنوشت عالم عوض شود و تمدن غرب از خطر اضمحلال نجات یابد .



## تذکاریه دولت امریکا بدولت ایران در تاریخ ۲۴/۴/۴۰

تذکاریه جناب آقای وزیر امور خارجه ایران که در تاریخ ۲۱ ماه مه ( مطابق باسی ام اردیبهشت ۱۳۳۰ ) به سفیر کبیر امریکا در تهران تسلیم گردید از طرف دولت کشور های متحد امریکا بدقت مورد مطالعه قرار گرفته است .

مایه تاسف است که بیانیه ای که این دولت در تاریخ ۱۸ ماه مه ( مطابق با ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ ) صادر نمود از طرف دولت ایران سوء تعبیر شده و بعنوان مداخله در امور داخلی ایران تلقی گردیده است . کشورهای متحده امریکا مایل است این نکته را روشن کند که نه در آنوقت و نه در حال حاضر قصد مداخله در امور داخلی ایران رانداشته و نه اینکه خواسته است نسبت بحقوق حاکمیت ایران یا تالیاتی که دولت ایران کنترل منابع ثروت ایران اظهار داشته است مخالف نماید .

لیکن این دولت به حل مسئله نفت در ایران حقاً علاقه عمیق دارد و این علاقه را مبنای مشروعی است. اختلاف خطیری بین ایران و بریتانیای کبیر موجود است و این اختلاف ممکن است اساس وحدت دنیای آزاد را واژگون سازد یا بنوعی تضعیف کند. رسته‌های دوستی کشورهای متحده آمریکا با هر دو مملکت قوی است و آمریکا نگرانی صادقانه خود را برای خیر هر دو کشور ثابت نموده است بنابراین این نظر با اهمیت موضوع مسائل مورد اختلاف را بطرفین مورد بحث قرار داده و اصولی را که برای حل این مناقشه مهم دانسته است علناً اظهار داشته است.

کشورهای متحد آمریکا بر عقیده راسخ خود باقی است که یک چنین مسئله مورد اختلافی را میتوان بنحو رضایت بخشی فقط بوسیله مذاکره طرفین مربوط حل نمود. در عین اینکه کشورهای متحد آمریکا لزوم میان‌رویی و اعتدال را به هر دو طرف تاکید کرده است هیچ نظری درباره جزئیات قراری که ممکن است داده شود اتخاذ ننموده ولیکن کشور های متحد آمریکا نظر خود را بار دیگر تأیید نموده است که بلفویک جانپه روابط قراردادی و اقداماتی که جنبه ضبط و توقیف داشته باشد مخالف است.

کشور های متحد آمریکا متقاعد شده است که بوسیله مذاکره میتوان راه حلی یافت که رضای خاطر مردم ایران را برای کنترل منابع ثروت خود فراهم سازد و منافع انگلستان را نیز حفظ کند و جریان بلا انقطاع نفت ایران را به بازارهای خود در دنیا تأمین نماید. بنظر این دولت چنین راه حلی نه تنها برای خیر دو مملکت مربوطه بلکه برای تمام دنیای آزاد حائز مرتبه درجه اهمیت است.

کشورهای متحد آمریکا مایل است علاقه عمیق خود را به خیر مردم ایران و بحفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران که یکی از اصول اساس سیاست کشورهای متحد آمریکا است بار دیگر اظهار نماید.

سفارت کبیرای آمریکا در تهران

تاریخ ۲۶ ماه مه ۱۹۵۱ ( مطابق با چهارم خرداد ۱۳۳۰ )

نامه شماره ۲۳۰۲۹۸۷۰  
شرکت سابق نفت به وزیر دارائی  
مورخ ۵ خرداد ماه ۱۳۳۰

جناب آقای وزیر دارائی - تهران

معترماً معروض میدارد سرویلیام فریزر رئیس هیئت مدیره شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران باینجناب دستور داده اند که مراتب زیر را از جانب ایشان به آنجناب ابلاغ نمایم.

شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران معترماً وصول نامه مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ و همچنین نامه بعدی آنجناب مورخ ۲ خرداد ۱۳۳۰ را اشعار میدارد.  
آنجناب در نامه مورخ ۲۹ اردیبهشت پس از اظهار اینکه دولت ایران در وضع حاضر جز اجراء مواد قوانین ایران مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ در موضوع ملی شدن صنعت نفت وظیفه ای ندارد اشعار داشته اند که دولت ایران به هیچ وجه بامدلول نامه شرکت در باب ارجاع امر بحکمت موافقت نمیکند سپس آنجناب

بموجب نامه خود از شرکت دعوت فرموده اند که بمنظور ترتیب کار و اجرای قوانین ایرانی در موضوع ملی شدن صنعت نفت فوراً نمایندگان خود را معرفی کند تا در جلساتی حضور بهم رسانند و ضمن نامه بعدی بتاريخ ۲ خرداد آنجناب بشرکت اشعار داشته اند که هرگاه در ظرف يك هفته یعنی تا آخر روز هشتم خرداد شرکت نمایندگان خود را معرفی و اعزام ننمایند دولت ناگزیر خواهد بود که بوظائف قانونی خود بر طبق قوانین ایرانی راجع بملی شدن صنعت نفت عمل نماید.

نامه های آنجناب با اداره شرکت در لندن رجوع شد و اینک اینجناب محترماً خاطر جنابعالی را متذکر میسازد که شرکت اقدامی را که دولت ایران در نظر دارد به عنوان تفض امتیازنامه شرکت تلقی میکند و نیز تأکید مینماید که شرکت در همه وقت اظهار نموده است که برای مذاکره و کوشش در پیدا کردن راه حل کلیه مسائل معوقه به وسیله توافق با دولت شاهنشاهی حاضر و آماده میباشد. شرکت از اظهار نظر دولت ایران باین معنی که اختلاف بین شرکت و دولت شاهنشاهی قابل ارجاع بحکیمت نیست متأسف است چون شرکت نمیتواند این نظر را قبول کند لهذا درخواست لازم از رئیس دیوان دآوری بین المللی (International court of Justice) در لاهه مینماید که يك حکم منفرد طبق بند (د) ماده بیست و دوم قرارداد امتیازی تعیین کند. نسبت بدعوتی که از طرف دولت جعل آمده که شرکت نمایندگان بمنظور مذاکره در باب اجرای قوانین ملی شدن صنعت نفت اعزام دارد اینجناب محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر میدارد که از لحاظ رعایت احترام دولت شاهنشاهی و مجلسین ایران نماینده شرکت مسترسان در يك جلسه حاضر خواهد شد ولی از طرف دیگر با توجه بمنظور مذاکرات اینجناب باید اعلام نمایم که نماینده شرکت فقط میتواند اظهاراتی را که بایشان میشود استماع نموده و مفاد آنرا با اطلاع شرکت در لندن برساند.

از آنجناب متنی است که رسید شرح فوق را که از طرف سرویلیام فریزر ابلاغ میگردد اعلام فرمایند.

با تقدیم احترامات از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران.

## سفارت کبیر ای انگلیس در تهران

در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۳۰ نامه زیر را  
بآقای وزیر امور خارجه ایران تسلیم نمود

محترما باستحضار شما میرساند از طرف دولت متبوعه خود دستور یافته ام  
که مراتب ذیل را بجناب عالی ابلاغ نمایم  
(۲) دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باتاسف مشاهده کرده است که از طرف  
دولت شاهنشاهی به تندرکار به ای که در تاریخ ۱۹ مه بجناب عالی تسلیم نمودم جوابی لطف  
نشده است .

درعوض جناب آقای وزیر دارائی نامه ای بتاريخ ۲۰ مه خطاب بر رئیس شرکت  
نفت انگلیس و ایران در تهران ارسال داشته اند و ضمن این نامه تقاضای شرکت را  
برای رجوع بحکیمت طبق ماده ۲۲ امتیازنامه شرکت رد نموده و از شرکت دعوت  
کرده اند نمایندگان را تعیین نماید که با کمیسیون مختلط نفت ملاقات نموده و ترتیب  
اجرای قوانین ملی کردن صنعت نفت را در ایران با آنها بدهند .

بعلاوه وزیر دارایی در تاریخ ۲۴ ماه مه نامه دیگری برپس شرکت تهران بالعنی که بمنزله اولتیماتوم بنظر میرسد، ارسال و تا تاریخ ۳۰ مه به شرکت مهلت داده‌اند که نمایندگان خود را تعیین نمایند و ضمناً اخطار نموده‌اند که در صورت استنکاف از این امر دولت شاهنشاهی با عمل یک جانبه با اجرای قوانین مورد بحث مبادرت خواهد کرد.

۳) بنابراین دولت انگلستان با کمال تأسف خود را ناگزیر دیده به اقدامی که ضمن پیام ۱۹ مه آقای مورین خبر داده شده مبادرت و بر علیه دولت شاهنشاهی در دیوان بین‌المللی لاهه دادخواهی نماید.

ضمن این اقدام قانونی از دیوان نامبرده قاضا خواهد کرد رای دهند که دولت شاهنشاهی بسبب اختلاف خود با شرکت نفت انگلیس و ایران تعهد قانونی برای رجوع به حکمیت دارد و باضافه رای دهند که دولت شاهنشاهی حق تقییر امتیازنامه را ولو اینکه از طریق وضع قانون باشد ندارد مگر از طریق توافق با شرکت (ویا در مورد پیش آمدهای احتمالی دیگری که مربوط بقضیه فعلی نیست و خود امتیازنامه آن را پیش‌بینی نموده است.)

رونوشت قاضانامه ایکه دولت انگلستان روز شنبه ۲۶ مه تسلیم دیوان لاهه نموده، بسوق خود از دیوان لاهه بدولت شاهنشاهی واصل خواهد شد.

۴) اینک با مطلع ساختن جنابعالی از اقدامی که بعمل آمده است دبستور دارم این نکته را مؤکداً اظهار نمایم که چنانچه دولت انگلستان قبلاً اظهار مواقت نموده ترجیح خواهد داد که این اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل گردد و اضافه نموده است که هر گاه دولت شاهنشاهی ابراز تمایل برای مذاکره نماید و در صورتیکه مذاکرات نتیجه بخش گردد مسکن خواهد بود جریانات قانونی را در دیوان بین‌المللی لاهه قبل از صدور حکم متوقف ساخت.

موقع را برای تجدید احترامات خود بجنابعالی متعین می‌شمارد:

در تاریخ جمعه سوم خرداد ماه اظهارات ذیل از طرف یک سخنگوی رسمی در

لندن ایراد گردید:

«چنین مستفاد میشود که نظریه کابینه بر اینست در عین اینکه حق دولت ایران را مبنی بر ملی نمودن صنعت نفت نمی‌توان انکار کرد این امر بایستی فقط ضمن حل و فصل کلی موضوع بنحو رضایت بخشی تسویه شود که وضع شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس را حفظ نموده جریان بلا اقطاع تهیه نفت انگلیس را از این منبع تامین نماید. کابینه انگلیس معتقد است که یکی از طرفین صرفاً بی‌بیل خود نمی‌تواند بقرار داد فعلی نفت با ایران خاتمه دهد.

در قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس که دولت انگلیس در آن دارای

اکثریت سهام میباید نمی توان تغییری داد مگر با موافقت شرکت نفت و باجیروا کراه نمی توان مذاکرات را بجائی رسانید .

از تاریخ ۱۰ اردیبهشت و سخنرانی هربرت مورین در مجلس عوام در وضع دولت انگلیس هیچ گونه تغییری حاصل نشده است . مشارالیه در آن موقع اظهار داشت : «ما مخالف حق دولتی نیستیم که در کشور خود مالی را تملک نماید ولی ما نمی توانیم قبول کنیم که بایک عمل یکجانبه در وضع شرکت در ایران کلاتغییرات اساسی داده شود حال آنکه قرارداد ایران با شرکت نفت که دولت ایران آزادانه آنرا منعقد نموده خلاف چنین عملی را مقرر میدارد »

تعارف واصله  
از دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه  
در تاریخ ۳۰/۴/۳۶

وزارت امور خارجه تهران

۱۳۶۴۷ - طبق بند ۲ از ماده ۴۰ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی  
محترماً مراتب زیر را باطلاع آنجناب میرساند.  
عطف باعلامیه مورخه دوم اکتبر ۱۹۳۰ مصوبه ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ که در  
آن دولت ایران صلاحیت قضائی (Jurisdiction) دیوان دادگستری بین‌المللی را  
پذیرفته است.

و بموجب نص بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه.  
دولت بریتانیای کبیر امروز دادخواستی بمنظور اقامه دعوی بر علیه دولت  
شاهنشاهی ایران بدیوان تسلیم نموده است.  
از دیوان تقاضا شده: اولاً - اعلام دارد که دولت شاهنشاهی ایران موظف



است اختلاف بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود را طبق ماده ۲۲ قرارداد مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود را بدواری واگذار کند و راتی را که در باب این داوری صادر خواهد شد قبول و بپور اجرا گذارد.

و تانیا - متناوباً « یا ( بطور ثانوی ) :

۱ - اعلام دارد که اجرای قانون ملی کردن صنایع نفت در ایران مورخه اول مه ۱۹۵۱ تا آنجائی که باعث الغاء یکجانبه یا تغییر در قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس محدود میگردد و مخالف مواد ۲۱ و ۳۶ آن میباشد عملی خلاف قوانین بین المللی نبوده که دولت شاهنشاهی ایران از لحاظ بین المللی مسئول آن خواهد بود.

۲ ( اعلام دارد که ماده ۲۲ قرار داد مذکور در فوق باعتبار قانونی خود باقی و برای دولت شاهنشاهی ایران لازم الاجرا است و با محروم کردن شرکت نفت انگلیس و ایران محدود از دسترسی به تنها راه قانونی پیش بینی شده در ماده ۲۲ قرارداد مذکور در فوق دولت شاهنشاهی ایران مرتکب يك عمل استنكاف از احقاق حق - Deninal ) ( of Justice ) که خلاف حقوق بین المللی است گردیده .

۳ ( اعلام دارد که دولت ایران قرارداد مذکور در فوق را قانوناً نمیتواند لغو یا شرایط آنرا تغییر دهد مگر در نتیجه موافقت با شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و یا طبق شرایط پیش بینی شده و در ماده ۲۶ قرارداد .

۴ ( رای دهد که دولت شاهنشاهی بایستی رضایت کامل شرکت را جلب و غرامت برای تمام اعمالی که نسبت به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود مرتکب نموده است و مخالف با حقوق بین المللی پیش بینی شده در قرارداد مذکور در فوق میباشد پرداخته و طرز اجرای این ترضیه خاطر و پرداخت غرامت معین نماید .

متن کامل دادخواست هر چه زودتر بروی تان خواهد رسید .

کارنیه کوانیر

معاون منشی دادگاه

دیوان دادگستری بین المللی

## اظهارات و تذکریه وزیر دارائی به نماینده شرکت سابق نفت در تاریخ ۳۰/۴/۹۰

چنانکه مسبوق هستید قانونی در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ دو مجلسین بتصویت رسید. که بموجب آن صنعت نفت در سراسر کشور ایران ملی شد. بعد در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ قانون دیگری گذشت که بموجب آن دولت مأمور شد با نظارت هیئت مختلط منتخب از مجلسین قانون ۲۹ اسفند را بوقع اجرا گذارد. قانون ملی شدن نفت ناشی از حق حاکمیت ملت ایران در انتخاب و تعیین طرز استفاده از صنایع ملی است و دولت ایران از این قانون نظری جز تامین رفاه و آسایش ملت خود ندارد و بهیچ وجه نمیخواهد از آن راه حق کسی تضییع شود، بهمین مناسبت در قوانین مزبور رعایت تمام نکات لازمه برای حفظ حقوق ذوی الحقوق شد از جمله دو موضوع اساسی مورد توجه و دقت لازم قرار گرفته یکی این که ملی شدن صنعت نفت بهیچ وجه بخریداران و مصرف کنندگان سابق لطمه ای وارد نیارد و برای تامین این منظور ماده.

هفت قانون که ذیلاً نقل میشود :

« ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ( ۲۰ مارس ۱۹۵۱ ) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند میتوانند از این بیهوده هم نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت . »

حقوق مشتریان سابق نفت را صریحاً شناخته و تامین آنرا بعهده گرفته است . دیگر اینکه اگر ثبوت برسد که از ملی شدن صنعت نفت بشرکت سابق خسارتی وارد آمده ، دولت ایران جبران آن خسارت را نیز پذیرفته و حاضر شده است برای رفع این خسارت احتمالی تا ۲۵ درصد عایدات خالص نفت را بعنوان تضمین بیانک مرضی الطرفین بپردازد ( ماده ۲ قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ )

بنا بر این مقدمات ملاحظه میشود که دولت ایران مطلقاً در صدد مصادره اموال شرکت سابق نفت نبوده و نیست ابدأ هم قصد ندارد مانع فروش نفت به مشتریان سابق شود پس از این مقدمه که برای تذکر خاطر شما بیان شد مقرراتی را دولت ایران برای اجرای قانون ملی شدن نفت با نظارت هیئت مختلط تهیه کرده با اطلاع شما میرساند .

### مقررات

۱ - برای اجرای ماده ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیئتی مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیره موقت از طرف دولت انتخاب میشوند که با نظارت هیئت مختلط انجاموظیفه نمایند .

۲ - هیئت مزبور دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره‌برداری خواهد بود .

۳ - مادام که اسامنامه شرکت ملی نفت ایران بتصویب نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت سابق نفت (جز آنچه که باقانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) میباشد .

۴ - کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه شرکت سابق نفت کماکان بخدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند .

۵ - هیئت مدیره موقت باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفتی بعمل آورد ، بطوریکه میزان استخراج و بهره‌برداری از میزان فعلی بیشتر شود .

۶ - برای اینکه نرخ عادلانه بین‌المللی تعیین و ضمناً در امر صادرات نفت وقفه و مضیقه‌ای حاصل نشود ، هیئت مدیره موقت مکلف است بعضی ورود بخوزستان اعلانی در ایران و خارجه منتشر نماید بدین مضمون که در ظرف مدت یکماه طبق برنامه موجود شرکت سابق نفت در مقابل اخذ رسید بخریداران سابق مواد نفتی داده خواهد شد .

خریداران در اینصورت مکلفند بدفتر هیئت مدیره موقت مراجعه نموده ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را که درصورت مذکوره برده‌اند بدهند و همچنین برای احراز حقوق مذکوره در ماده هفت قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و ترتیب خرید و فروش نفت در آئیه موافقت هیئت مدیره را جلب نمایند.

هیئت مدیره موقت اصول توافق با خریداران را برای تصویب به هیئت مختلط پیشنهاد خواهد نمود. درخاتمه از ذکر دونکته ناگزیر است:

۱ - مقرراتی که بنظر شما رسید دستورات کلی است که برای اجرای قانون ملی شدن نفت فعلاً بنظر رسید و از آنجا که دولت میل دارد این امر مهم ملی در کمال صحت و اتمام انجام گیرد و از تجارب و اطلاعات شرکت سابق نفت استفاده کند، اگر پیشنهاد هائی از طرف شما بشود که با اصل ملی شدن نفت مبیانت نداشته باشد دولت پیشنهادها را مورد توجه قرار خواهد داد.

۲ - انتظار میرود شرکت سابق نفت پیشنهاد هائی را که در حدود قوانین مزبور دارد در ظرف مدت پنج روز باینجانب تسلیم نماید تا مورد مطالعه و استفاده قرار گیرد چه بموجب قانون دولت مکلف است بلافاصله قانون ملی شدن نفت را بوقوع اجرا گذارد و تأخیر آن موجب مسئولیت خواهد گردید. باین لحاظ اگر پیشنهاد هائی دارند باید در ظرف مدت مزبور فراهم شود.

آقای گریدی سفیر کبیر آمریکا  
پیام اصلی مستر ترومن را بنحست وزیر دکتر مصدق  
در تاریخ ۱۰ ر ۴۰۴ تسلیم کرد

آقای نخست وزیر عزیزم

آقای رئیس جمهوری آمریکا پیام های مشابهی بعنوان جنابعالی و نخست وزیر بریتانیای کبیر ارسال نمودند متأسفانه در ارسال این دو پیام اشتباهی روی داده است و پیامی که به جنابعالی تسلیم شد پیامی بود که بایستی باتلی نخست وزیر انگلستان داده میشد تفاوت مهمی بین دو پیام وجود ندارد و همین امر که برای هر دو نخست وزیر پیام فرستاده شده دلیل اینست که آقای ترومن رئیس جمهوری مایل است که در اختلاف نفت بهر دو طرف ملتجی شود اینک پیامی را که در واقع بنظور جنابعالی تهیه شده بود بضمیمه ایفاد می دارد و همانطور که عرض کردم این پیام با پیامی که دوستدار در آن روز به جنابعالی تسلیم نمودم تفاوت مهمی ندارد با اظهار تأسف از اشتباهی که روی داده است احترامات فائقه را تجدید می نماید .

دوستان شما هنری گریدی سفیر کبیر آمریکا

## پیام اصلی ترومن به آقای دکتر مصدق

در تاریخ ۳۰/۳/۱۰

جناب آقای نخست وزیر این جانب نگرانی شدید دولت کشورهای متحد امریکا را راجع باختلافی که بین ایران و بریتانیای کبیر درباره عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران وجود دارد اظهار میدارم کشورهای متحد امریکا با هر دو مملکت دوست نزدیک است و جدا علاقمند است راه حلی پیدا شود که تمایلات مردم ایران برای ملی کردن منابع خود ارضاء و در عین حال منابع اساسی بریتانیا کبیر را تضمین نماید و ادامه جریان نفت ایران را به مجرای اقتصادی دنیای آزاد تامین سازد -

من معتقدم که دولت ایران و دولت انگلستان هر دو مایلند و علاقه و اشتیاق دارند ترتیبی بدهند که این مقاصد انجام شود این مسئله روشن است که اجرای مقاصد نقطه نظر صورتی ممکن است که دولت ایران حاضر شود همه مسائل موقه مورد اختلاف را با

نایندگان بریتانیا کبیر مورد مذاکره قرار دهند بدون اینکه مذاکرات را صرفاً بجزئیات فنی محدود سازند. صمیمانه امیدوارم در مجاهداتی که دولت ایران برای اجرای برنامه ملی کردن زمین نماید. این اقدامها بوسیله مذاکرات دوستانه بعمل آورد اطمینان دارم جنابعالی توجه دارید چرا این جانب نگرانی عمیق دارم که در موقعیت کنونی اقدامی نشود که مانع تصفیه امر گردد زیرا تصفیه امر برای تمام دنیای آزاد حائز اهمیت بسیار است مطمئنم راه حلی که هم مورد قبول ایران و هم بریتانیای کبیر باشد میتوان پیدا کرد و پیدا خواهد شد صمیمانه امیدوارم که برای رسیدن باین مقصود هر گونه مساعی مبذول گردد.

هاری • س • ترومن

## جواب شرکت سابق نفت به یادداشت وزارت دارائی در تاریخ ۲۰۳۱۶

شرکت سابق نفت آمادگی خود را برای مذاکره با دولت ایران اعلام  
داشت و نمایندگان آن شرکت بزودی بتهران خواهند آمد  
آقای ن . ر . مدان نماینده عمده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران مقیم  
تهران امروز نامه زیر را به آقای وزیر دارائی تسلیم نمود :  
شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران باینجانب دستور داده است که جواب  
یادداشت جنابعالی را که عصر روز ۸ خرداد باینجانب تسلیم فرمودند بشرح زیر بدهم .  
یادداشت آن جناب مورد مطالعه دقیق قرار گرفت شرکت همچنین ( اجازه  
دارم عرض کنم ) دولت انگلستان چنانکه وزیر خارجه انگلیس در ضمن اظهارات خود  
در مجلس عوام در تاریخ ۷ خرداد تصریح نمود همانطور که از ابتدا حاضر بوده حالاهم  
که ملا حاضر است که سعی کند کلیه اینگونه اشکالات بوسیله مذاکره حل شود . بنابراین



شرکت دونکته آخر یادداشت آن جناب را بامسرت مورد توجه قرار داده است . نکته اول این بود که دولت شاهنشاهی مایل است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده کند. نکته دوم در حقیقت عبارت از دعوت شرکت بود باینکه پیشنهادهایی برای مطالعه دولت شاهنشاهی تقدیم نماید .

تنظیم پیشنهادهایی در باب موضوعی که باین درجه پیچیده است در ظرف پنج روز ممکن نیست و بهر صورت شرکت عقیده دارد که مذاکرات حضوری بر مکاتبه ترجیح خواهد داشت بنابراین شرکت با حفظ حقوق قانونی خود هر چه زودتر نمایندگان از لندن بنهران خواهد فرستاد که مذاکرات کامل و صمیمانه ای بادولت شاهنشاهی بنمایند .

تهران ۱۴ خرداد ماه ۱۳۳۰

## آقای موریسون وزیر خارجه انگلیس در مجلس عوام در باره نفت ایران در تاریخ ۲۰-۴-۱۴۲۰ نطقی بشرح زیر ایراد نمود

متر موریسون وزیر خارجه انگلیس دیروز ضمن نطقی که در مجلس عوام در باره نفت ایران ایراد نمود چنین گفت : ازیست ونهم مه به بعد که من در اینجا اظهاراتی کردم پیش آمد نازه ای در این قضیه رخ نداده ، هنوز دولت ایران به یادداشت نوزدهم مه ما پاسخ نداده است و نه در این باب با ما مکاتبه کرده است از طرف دیگر وزیر دارائی ایران در سی ام مه تذکریه ای حاکی از نظریه دولت ایران نسبت به اقداماتی که در اجرای قانون ملی شدن نفت ایران بعمل می آید به رئیس شرکت نفت انگلیس و ایران تسلیم نموده در این تذکریه گفته شده است که دولت ایران میل دارد از تجربیات و معلومات فنی شرکت استفاده نماید و از شرکت دعوت شده است که اگر پیشنهاداتی در حدود قانون ملی کردن نفت دارد به وزارت دارائی تسلیم نماید .

دیروز رئیس شرکت در تهران بنابر دستوری که دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان آنرا تصویب کرده است پاسخی بتذکاریه وزیر دارائی ایران تسلیم نمود دایر براین که شرکت حق قانونی خود را محفوظ میدارد و پیشنهاد میکند که نمایندگان از طرف شرکت با ایران بروند که موضوع نفت را با دولت ایران مورد مذاکره قرار دهند گرچه این کار با در نظر گرفتن اهمیت موضوع در عرض پنج روز میسر نیست. مفاد این دو تذکاریه درجراید انتشار یافته امیدواریم کیفیت تشکیل هیئت نمایندگان شرکت عنقریب معلوم شود.

ضمناً سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنا بردستوری که بوی داده ام بار دیگر صراحتاً بنحمت وزیر ایران گفته است که ما نمیتوانیم استدلال وی را باینکه اختلاف راجع بنفت صرفاً موضوعیست بین دولت ایران و شرکت قبول نماییم، بلکه برعکس بطوری که گراراً آشکار ساخته ایم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حق دارد برای حمایت از این علاقه عظیم انگلستان در ایران دخالت کند، مخصوصاً اینکه اکثریت سهام این شرکت بدولت انگلستان تعلق دارد، فعلاً اوضاع از قرار است که گفتیم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است که نمایندگان شرکت در ضمن این مذاکرات بتوانند اولیای امور ایران را از موضوعهای بفرنجی که باید با آنها مواجه شد واقف گردانند که در نتیجه پایه يك توافق رضایت بخشی گذاشته شود بدیهی است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تمام مدت این جربانات با شرکت تماس نزدیک داشته و اکنون هم دارد. در پاسخ وزیر امور خارجه مستر ایدن گفت اقلیت مخصوصاً خوشنود است از اینکه وزیر امور خارجه علاقه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در این قصبه تصریح نموده اقلیت در این موضوع با دولت موافق است.

در تاریخ ۳۰ ر ۳۱۸ در تهران  
 سفیر کبیر انگلستان بیانیه منتشر و در آن از شرکت  
 سابق نفت دفاع نمود

نظر باینکه اخیراً شرکت نفت انگلیس و ایران نسبتهای ناروای زیادی داده شده است سفارت کبرای انگلستان حال مایهت که بشر این بیانیه مبادرت نماید . نسبت داده شده است که عملیات شرکت مضر بمصالح ایران بوده و شرکت در امور داخلی ایران مداخله نموده است .

باید گفت که بالعکس عملیات شرکت منافع زیاد و روز افزونی را عاید اقتصاد کشور ایران نموده و شرکت از هر نوع اقداماتی که مربوط بکار آن نبوده کاملاً خودداری کرده است .

اگر چه نسبت بیوزان پرداختهایی که بابت حق الامتیاز نفت بعمل آمده عقاید مختلف وجود داشته ولی در حقیقت وجوهی که شرکت در سابق پرداخته بدو آمد ملی کمک خیلی زیادی نموده است در ظرف دو سال اخیر پرداختهای مزبور تقریباً معادل یک

پنجم کلیه درآمد ملی بوده و چنانچه قرارداد اصلاحی که در ۱۹۴۹ مورد موافقت واقع شد بتصویب مجلس رسیده بود پرداخت های مزبور بجزانی خیلی بیشتر بالغ شده بود. از طرف دیگر درآمد ملی و اقتصاد ایران نیز از پرداختهای معتابهی که شرکت از بابت مزد و هزینه های دیگر مربوط بعملیات خود در ایران بعمل میآورد منتفع می گردد.

علاقه و توجه شرکت بپهبود وضع مردم نیز از سطح عالی زندگی که در مناطق نفت خیز و پالنگامها برای مستخدمین خود فراهم کرده است معلوم و آشکار می شود جریان اوضاع زندگی و کار را در مناطق نامبرده دفتر بین المللی کار پس از تحقیقات کامل در سال گذشته بایانی فوق العاده مساعد گزارش داده که مضمون آن چنین است: هیچ بیننده ای نمی تواند از مشاهده تعداد کثیری خانه که با اسلوب جدید بنا شده و اوضاع مطلوبی که با وجود کیفیات نامساعد خاصی شرکت توانسته است در ظرف مدت نسبتاً کوتاهی فراهم کند تحت تاثیر واقع نشود.

هر کس از مناطق عملیات شرکت دین نماید یقیناً مساعی مبذوله شرکت را در تامین وسائل بهداشت و ایجاد سرویسهای پزشکی تصدیق خواهد نمود. در حقیقت این وسائل در همه جا کاملاً مورد استفاده خانواده های کارگران و حتی افرادی که ارتباطی با شرکت ندارند قرار گرفته است.

تنها يك مورد از مناقعی که در نتیجه عملیات شرکت عاید مردم ایران میشود اینستکه مثلاً در سال ۱۹۵۰ از ۱/۵۳۰/۰۰۰ نفر اشخاصی که به سرویسهای پزشکی شرکت مراجعه کرده اند ۱/۰۲۶/۰۰۰ آنها غیر از مستخدمین شرکت بوده اند.

شغل شرکت استخراج و تصفیه و فروش نفت بوده و در طی انجام آن در ایران همواره ساعی بوده است که بامامورین دولت چه در پابنتت و چه در محل کار شرکت که در اجرای امور مربوطه به آن در سراسر کشور دخیل بوده اند روابط بسیار منزه متکی بر کمال هماهنگی داشته باشد.

شرکت مدعی است که رفتار آن مانند رفتار یک فرد خوب کشور يك صاحب کار خوب و يك همسایه خوب بوده و نسبتهایی که خلاف آن داده شده یا از روی بی اطلاعی و با سوء نیت است.

دولت انگلستان از اقدامات شرکت فقط در مواردی حمایت میکند که مشروعاً مربوط بان باشد و یقین دارد که نسبتهایی که بشرکت داده شده مبني بر اینکه بعملیات دیگری مبادرت نموده است بی اساس میباشد.

## جواب دولت ایران به پیام مستر ترومن در تاریخ ۲۰ ر ۴۰

حضرت مستر ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا :  
افتخار دارم از وصول پیام گرامی که بوسیله جناب سفیر کبیر آنحضرت ارسال  
شده بود خالصانه تشکر نمایم -  
ملت و دولت ایران همواره کشورهای متحد امریکارا دوست صمیمی و خیر خواه خود  
میداند و باین دوستی مستظهرند .  
در خصوص ملی شدن صنعت نفت در ایران اطمینان داشته باشید که دولت و مجلسین  
ایران هم مانند آنحضرت علاقمند هستند که از این تصمیم ملی کوچکترین لطمه ای بسالکی  
که تاکنون از آن استفاده کرده اند وارد نیاید لیکن از اینکه نگرانی دولت کشورهای  
متحده را بیان فرموده اید چنین استنباط میشود که مطلب کاملاً بر آنحضرت روشن  
نیست و بنابراین اجازه میخواهم از فرصت استفاده نموده شمه از سوابق قضیه و اقداماتی

که اکنون در جریان است باستحضار برسانم . سالهاست که دولت شاهنشاهی ایران از رفتار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس نا راضی بوده است و اگر دوستدار بخوام تحولات آن شرکت را شرح بدهم و با ذکر سوابق و مدارک متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه با حقیقت مطابقت نداشت و در حساب ظاهری هم سهمی که برای ملت ایران یعنی برای صاحب و مالک معادن نفت منظور میباشند بقدری ناچیز بود که هر منصفی را تحریک میکند موجب تصدیق خاطر محترم خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است . ملت ایران این اوضاع را سالها تحمل کرد و نتیجه آن فقر و بریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است لیکن ادامه این بردباری با اوضاعی که جنگ بین المللی دوم در کشور ما بیار آورده است امکان نداشت .

البته آنحضرت بخاطر دارند که ملت ایران در این جنگ برای پیشرفت حق و عدالت و آزادی در جهان با متفقین همکاری صمیمانه نمود و در این جنگ برای همکاری متحمل چه مشقات و فداکاریهایی گردید . در این کارزار کلیه فعالیت های عمرانی داخلی ما تعطیل و تمام قوای مولده ما شب و روز برای اجراء نقشه های عظیم حمل مهمات و تهیه خواربار و سایر لوازم ارتش متفقین مشغول شده بود . کشیدن این بار سنگین در طی چند سال مالبه و اقتصاد ما را بی اندازه ضعیف و مختل کرد و ما را بایک سلسله مسائل اقتصادی بر وخیم و گوناگونی مواجه نمود و طبقات زحمتکش این کشور که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان کنده بودند با گرانی طاقت فرسا و بیکاری دست بگریبان شد . پس از خاتمه جنگ اگر ما را بحال خود میگذاشتند میتوانستیم رفته رفته اوضاع مولود جنگ را بحال سابق برگردانیم و دهات خودمان را که در نتیجه جاب کشا و رز ان به کارهای زمان جنگ در جاده ها و کارگاه ها و کارخانه ها خالی از سکنه و ویران شده بود احیا کنیم .

اگر به ما هم مانند سایر ملل آسیب دیده زمان جنگ از خارج کمک شده بود با حیا اقتصاد کشور خود زودتر موفق میشدیم ولی بدون این کمک هم اگر طمع کپانی سابق نفت جنوب از یک طرف و دسائس عمال آن از طرف دیگر مجال میداد باز موفق میشدیم . لیکن این کپانی سعی میکرد با محدود کردن در آمد ما را همیشه در فشار مالی نگاهداشته و اراده امور ما را طوری مختل نماید که همیشه مجبور باشیم دست خود را بطرف او دراز کنیم و آنچه بما تحصیل کند تمکین نمایم .

ایادی مرموز شرکت از یکطرف با فشار اقتصادی نهضت اصلاحی ما را فلج کردند و از طرف دیگر باستناد اینکه این مملکت دارای منابع ثروت سرشار و معادن نفت است مانع شدند از کمکهائی که بسایر آسیب دیدگان جنگ شده بود ایران هم بهره مند شود .

از آنحضرت انصاف میخواهم آیا ملت برد بار ایران که با تحمل تمام این شاید و معرومیت های یأس آور تاکنون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی و اعتلایی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست ؟ و آیا

جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده از ثروت خداداد و خانه دادن بکار یک شرکت  
بی انصاف چاره دیگری داشته است ؟

اکنون که مغتصم‌ری از همل تصیم ملی کردن صنعت نفت در ایران باستحضار  
رسیده‌ر گاه بتن قانون توجه فرمابند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع  
این قانون از جاده حق و عدالت بهیچوجه منحرف نشده‌اند این قانون بطوریکه مکررا از  
بشت تریبون مجلسین و در طی مصاحبه‌ها اعلاء گردیده مصادره و تصاحب اموال و ارجویر  
نکرده بلکه بر عکس تادیبه غرامات و خسارات احتمالی را پیش بینی و تامین نموده‌است  
و از طرف دیگر با ادامه معاملات نفت با مالکی که تاکنون از منابع ایران استفاده نموده‌اند  
توجه خاص نموده و نظر مشریان سابق را صریحاً تأمین کرده‌است .

اکنون پیش از یکماه است که قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت  
در سراسر ایران بتصویب مجلسین و توشیح مقام سلطنت رسیده است و بسا اینکه در  
قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران بتصویب مجلسین و توشیح  
مقام سلطنت رسیده است و بسا اینکه در قانون بخلع ید بلا فاصله حکم شده و دولت در  
فشار فوق‌العاده افکار عمومی ایران است که با کمال بیصبری خواهان خلع ید شرکت  
سابق هستند دولت و هیئت مختلط منتخب از مجلسین مطالباتی کرده‌اند که قانون در بهترین  
ترتیبی اجرا کنند که بعمل بهره برداری مؤسسات نفت و صدور آن بخارج هیچگونه خللی  
وارد نشود و بهترین گواه صدق این گفتار و حسن نیت دولت شاهنشاهی مقرراتی است  
که در مورد اجراء خلع ید بنمایند شرکت سابق ابلاغ شده است که اهم آن مقررات  
این است :

۱) مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایران بتصویب مجلسین ایران نرسیده  
است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت  
نفت مغایرت داشته باشد) میباشد .

۲) کارشناسان . کارمندان . و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق نفت کماکان  
بخدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند .

۳) هیئت مدیره باید نهایت دقت و سعی را در اجراء برنامه‌های موجود و افزایش  
محصولات نفت بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود .  
۴- هیئت مدیره مکلف است بوسیله آگهی خریداران سابق نفت را برای

ابراز مدارك معاملات سابق دهوت کند و در عین حال تسهیلاتی نماید که تا آخر صحت  
مدارك آنها و حصول توافق با خریداران در امر صدور نفت وقفه و مضیقه پیش نیاید .  
و بالاخره شرکت سابق مجال داده شده است که پیشنهاداتی که با اصل ملی  
شدن نفت مبابنت نداشته باشد سرچا بدهد و دولت عده کرده است پیشنهاد های او را  
مورد توجه قرار دهد .

منظور دولت ایران و هیئت مختلط از اتخاذ این تصیمات برای اداه جریان  
نفت ایران بطرف کشورهای مصرف کننده نفت جنوب بوده که مورد نظر آنحضرت قرار



گرفته است و میتواند اطمینان داشته باشند که ملت ایران بحفظ دوستی با همیم ملل بخصوص با مللی مانند انگلستان که با ما روابط دیرینه دارد علاقه مند است راجع بعمل خلع ید و تصفیه حساب با شرکت سابق که بر طبق مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیاید چون يك امر داخلی ایرانست البته تصدیق میفرمایند که دولت جز با نمایندگان شرکت سابق نمیتواند با دیگری داخل مذاکره شود .  
دولت انگلیس وقتی میتواند اظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت بشرکت سابق از حدود حق و قانون تجاوز کند و اطمینان داشته باشید که چنین تجاوزی نخواهد شد .

ما همیشه سعی خواهیم بود که روابط دوستی خود را با دولت انگلستان حفظ کنیم هر گونه نگرانی که آن دولت از مسئله رسیدن نفت ایران به نیاز مندیهای انگلستان بر طبق قانون داشته باشد رفع نمائیم و با این ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامه نگرانی دولت و ملت انگلستان در روابط خود با دولت و ملت ایران باقی نخواهد ماند موقع را برای تجدید احترامات صمیمانه خود نسبت بس آن حضرت و آرزوی دوام ترقی و تعالی ملت بزرگ امریکا مفتنم میشمارم .

نخست وزیر ایران

اعلامیه سفارت انگلیس  
در باره ورود نمایندگان اعزامی  
شرکت سابق نفت در تاریخ ۲۰/۴/۴۰

اخیراً پیش از یکنویت آقای نخست وزیر لطفاً اظهار عقیده نموده اند که سفیر کبیر انگلیس نسبت بایران در مورد نفت دارای حسن نیت میباشد اینجانب ازیان این امر خشنود و ما بلم از ورود هیئت نمایندگی اعزامی شرکت نفت انگلیس و ایران اغتنام فرصت نموده و بشبوت رسانم که نه فقط دولت انگلیس بلکه خود شرکت نفت هم در این حسن نیت سهیم و شریک است .

اینجانب فوق العاده امیدوارم که مخصوصاً با توجه باینکه حفظ منافع ایران و صنعت نفت ایران مورد علاقه قلبی طرفین است مذاکرات بین شرکت نفت و دولت در محیطی مشحون از حسن نیت طرفین جریان یابد .

اینجانب بهیچ وجه تردیدی ندارم که لازم است باین موضوع با یک جنبه عملی نزدیک شد قضیه اینست که بین دولتین ایران و انگلیس اختلافی بوجود آمده است و

ملاحظات و اظهاراتی که هر يك از طرفین بر آن متکی می باشند کاملاً واضح و روشن و در اینجامحتاج بشکرار نیست ، نکته عمده اینست که چون ایران و انگلستان از مصالح ممتدنه میباشند بدیهیست طرز عمل صحیح همانا پیدا کردن يك راه حل بوسیله مذاکره دوستانه است و ورود هیئت نمایندگی شرکت فرصتی برای شروع باین طرز عمل بدست خواهد داد .

لازمست بطور قطع اشعار دارم که در رویه دولت انگلیس نسبت باین موضوع و در مورد سیاست عمومی آن نسبت به ایران کوچکترین اثر امپریالیستی وجود ندارد بالعکس در طی سالهای متمادی سیاست دولت انگلیس مبنی بر این بوده است که باستقلال و ترقی و ثبات کشور ایران کمک نماید علاوه لازم میدانم بهمان طور نیز صراحتاً اشعار دارم که شرکت نفت يك شرکت کاملاً تجارتي بوده و در امور سیاسی کشور مداخله ای ندارد . بر اساس این حقایق جریان مذاکرات در يك محیط دوستانه و کم هیجان نری ممکن و میسر خواهد بود و البته این موضوع يك امر اساسی است زیرا که منافع انگلیس و ایران در مورد استخراج و تصفیه و فروش نفت کاملاً بهم آمیخته و صنعت مزبور را نمیتوان جز باتشریک مساعی طرفین به نحو شایسته و مطلوب اداره نمود .

یگانه مبنای این کار يك شرکت دوستانه خواهد بود و حال آنکه تنها فایده حاصله از انعقاد مداوم و عدم اعتماد عاید دشمنان آزادی خواهد شد .

برای سعادت ایران و ادامه روابط دوستانه فیما بین کشورهای طرفین ضرورت فعلی دارد که يك رویه واقع بینی و مثبتی نسبت بمسئله نفت بر پایه اشتراك مساعی و همکاری جهت حفظ منافع دو کشور وجود داشته باشد .

(فرانسوی سپرد)

سفارت کبرای انگلیس — تهران ۲۰ خرداد ۱۳۳۰

## فخستين اعلاميه هيئت مديره موقت نفت در تاريخ ۳۰/۳/۴۰ در آبادان

### بسمه تعالی

هیئت مدیره موقت مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ساعت ۱۲ و نیم روز دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ در دفتر خود واقع در عمارت مرکزی کار شرکت سابق نفت در خرمشهر مستقر و مشغول به کار گردید. هیئت مدیره لازم میدانند ماده ۴ تصویبنامه دولت را که با موافقت هیئت مختلط مجلسین تنظیم و بهیئت دستور داده شده است بشرح ذیل به اطلاع خوانندگان عزیز برسانند:

د کارشناسان و کارمندان و کارگزاران ایرانی و خارجه شرکت سابق نفت  
کماکان به خدمت خود باقی و مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند.  
ضمناً نظر باینکه در تصویب نامه فوق الذکر ماده دیگری بضمون ذیل مندرج  
است د هیئت مدیره موقت باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه های موجود و

افزایش محصولات نفتی بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود»

هیئت مدیره موقت از کلیه کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت انتظار دارد با نهایت علاقمندی در انجام وظایف خود بمنظور ادامه پیشرفت کار و افزایش محصول کوشش نمایند بخصوص از کارمندان و کارگران ایرانی متوقع است در چنین موقع وطن پرستی خود را بمنحبه ظهور رسانیده و در کاری نمایند همچین بکلیه اهالی خوزستان و کارمندان و کارگران توصیه می نماید آرامش و انضباط کامل را رعایت کرده در حسن همکاری و مساعدت با متخمسین خارجی آنچه لازمه مهمان نوازی ایرانی است بشبوت برسانند .

**هیئت مدیره موقت ماهور اجرای  
قانون ملی شدن صنعت نفت**

پیام نخت وزیر  
 بدانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور  
 دوتاریخ ۴۱/۴/۴۰

فرزندان عزیزم - درود قلبی بشما می فرستم و از خدای متعال مسئلت دارم  
 همگان با کامیابی و سر بلندی از علوم و فنون آندیار مرقی بهره ای کافی بستانید و سلامت  
 و سعادت بیپهن مقدس برگردید و مصدر خدمات شایان شوید و حق کشور و ملت ایران  
 را که بگردن شما فرزندان خلف است ادا نمائید .

چون در اکثر نقاط کشور های عظیم متعدد امریکا و سایر ممالک پراکنده  
 هستید و با آن ملت دوست و بزرگ تناس و ارتباط دائمی دارید علاوه مراسلاتی از بعضی  
 از شما راجع بنفت و مربوط بسوء تفاهات در آندبار بین رسیده لازم دانستم شما را  
 از مقاصد ملت ایران در باب ملی شدن صنایع وقت مطلع گردانم تا شما هم بنوبه خود  
 افراد ملت عدالتخواه و حقپرست ممالک مشابه را آگاه سازید و بهره که رسیدید و در هر  
 محفلی حاضر شدید این مقاصد را شرح دهید تا اگر اشخاصی در نتیجه بی خبری یا شاید

در نتیجه افعال عنال مغرض دچار سوء تفاهم شده‌اند از حقیقت مطلع شوند زیرا اطلاع صحیح ملل مترقی و دوستی آنها برای ما بسیار مهم و مفتنم است .

باید متذکر شد که تصویب قانون ملی شدن نفت روی دواصل ذیل بعمل آمده :

۱ - حدود پنجاه سالست شرکت خارجی امتیاز معادن نفت جنوب ایران را داشته و مبالغ سرشار منافع از آن برده است و الان وقت آن رسیده است خود ملت ایران که صاحب آن معادن است و در نهایت فقر و مسکنت زندگی میکند آن منافع را ببرد تا بتواند اوضاع میشت مردم را بهبود بخشد و کشور را از خطر انقلاب و زیر و روشن نجات دهد .

۲ - ملی شدن صنایع نفت از حقوق مسلم حاکمیت ملی است و هیچ قراردادی حقا یا باطلا نمی‌تواند این حق اساسی را ازین ببرد و ملت ایران تصمیم دارد از حقوق مسلم خویش استفاده کند .

جد از تصویب این قانون شایعاتی زیاد و اخبار تحریک آمیز در مطبوعات و رادیو های خارجی حتی در مطبوعات امریکا برآه افتاد که گویا ملت ایران میخواهد اموال و تأسیسات شرکت سابق نفت را بعتف غصب نماید یا اینکه کار استخراج نفت را بخواهاند . از این قبیل شایعات بی اساس زیاد بروز کرده و هنوز هم بروز میکند ولی حقیقت امر اینست که کلیه آنها دروغ است و بطرز عمل و نیات ملت و دولت ایران بواسطه توضیحات و مصاحبه های رسمی شخصی رئیس دولت و رئیس هیئت مختلط و اشخاص ذیصلاحیت و مراسلات رسمی با شرکت سابق بوجه مشروح بیان و عیان شده است و اینک یکبار دیگر بچوانان کشور بطور خلاصه میگویم که آگاه باشید و دیگر آتراهم آگاه کنید

(الف) - ملی شدن صنایع نفت حق قطعی ملت ایرانست و بک امر حیاتی است که هیچکس نمیتواند آنرا انکار کند .

(ب) - ملت و دولت ایران بپیچوجه قصد غصب غیر قانونی اموال و متعلقات و تأسیسات شرکت سابق را ندارد و بموجب قانون ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (۳۰ آوریل ۱۹۵۱) باید بحسابهای شرکت سابق رسیدگی نمود و هر نوع دعاوی حقه شرکت سابق مورد توجه قرار بگیرد و احقاق حق آن بشود .

(۳) - دولت ایران در توسعه استخراج نفت حد اهلائی کوشش را خواهد کرد و برای این منظور از مؤسسات و کارمندان و کارشناسان شرکت سابق استفاده خواهد نمود حتی تا تعیین اساسنامه جدید از مقررات شرکت سابق باستثنای آنچه باقانون ملی شدن صنایع نفت منافات داشته باشد پیروی خواهد نمود و ابدأ عملی نخواهد کرد که تشکیلات سابق بهم خورد و محدودیتهای فنی بوجود آید و در استخراج نفت کسر و نقصانی وارد شود .

(۴) - کلیه نفت استخراج شده باستثنای مصرف داخلی کمافی السابق در اختیار خریداران سابق نفت گذاشته خواهد شد و مصارف انگلیس که دوست دیرین ماست کمافی السابق تأمین خواهد شد .

(۵) - دولت ایران برای عملی کردن این مقاصد حاضر است که بر طبق قوانین

فوق‌الاشعار با اولیای شرکت نفت وارد مذاکره بشود و در راه حل هر نوع مشکلات بکوشد و آنچه در عهده دارد برای حل مسألت آمیز قضیه و آرزوی تمام ملل بخصوص مورد توجیح خاصی حضرت رئیس جمهوری ممالک متحده امریکاست سعی و همکاری نماید.

بنابراین چنانچه ملاحظه میکنید هیچیک از مطالبی که مبنای تبلیغات زهر آکین شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و ایادی آن در هر اسرجهان و بخصوص در امریکامیباشد حقیقت نداشته و این نهضتی که ظرف سه سال اخیر در کشور ما بوجود آمده و در نتیجه آن قرارداد العاقی که مبلغ ناقابلی بمنافع ایران می‌افزود در گردید و سبب در اثر سختی و لجاج شرکت سابق نفت در قبول قرارداد منصفانه و دنیا پسندی ملت ایران به منظور قطع ایادی این شرکت که چنانچه میدانید تمام ناراحتی های اجتماعی و اقتصادی مازائیده تحریکات و تیرنگ ها و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم ایادی آن بوده است با استفاده از حق حاکمیت ملی صنایع نفت را ملی اعلام نموده و در نتیجه ضمن راندن آن شرکت از ایران و قطع ایادی آن تمام عواید حاصله از این منبع سرشار را که بجای ۱۵ میلیون لیره بالغ بر ۱۲۰ میلیون لیره یعنی اقلهشت برابر خواهد گردید بملت ایران اختصاص یابد و با استفاده از آن رفع بدبختی و فلاکت فعلی ملت مستبدینه ایران بشود.

البته با اجرای این اصل علاوه بر قطع نفوذ خائنان بر اندازی که مانع پیشرفت ملت ایران بوده است.

سرمایه داران و دولت انگلیس از عواید سرشاری که من بعد بصاحب اصلی آن یعنی ملت ایران خواهد رسید محروم گردیده و دولت انگلیس نیز از خرید نفت مصرفی دریا داری و هوایمائی خود بشن بخش محروم گردیده و محرومیت های بالا که با جلوگیری از بمنای ثروت این کشور برای خارجیان ایجاد خواهد گردید در حقیقت محرك و موجب اصلی انتشار اینهمه اکاذیب و تبلیغات ناروا بوده و بر شما فرزندان این آب و خاک است که با استفاده از جنیغ و سائلی که در دست دارید مردم آزاده آن سامان را از حقایق مطلع ساخته و وظیفه خطیر ملی خود را در این موقعیت دشوار ایران بفتح کشور باستانی خود و بر اساس حق و حقیقت انجام دهید.

با این توضیحات پیام خود را به پایان میرسانم و شما جوانان دانشجو و خلاقند به همین عزیز را بخدا می‌سپارم.



این پیام از طرف  
آقای نخست وزیر خطاب بکارمندان  
و کارگران مناطق نفت خیز در تاریخ ۲۲/۴/۴۰ فرستاده شد

در این موقع که بحمدالله صنعت نفت ملی شده و نتیجه کار کارمندان و کارگران شرکت سابق نفت مستقیماً باید به مملکت می شود مناسب دیدم آن برادران عزیز را مطمئن کنم که از وجود آنها استفاده کامل بعمل خواهد آمد و دولت هم در فراهم نمودن اسباب ترقی مادی و معنوی آن ها از هیچ چیز دریغ نخواهد نمود .  
انتظار ملت و دولت از آنها این است که بدست توانای آن ها صنعت نفت روز بروز ترقی کند و بدینوسیله مملکت از نتیجه زحمات آن ها بهره مند شود و برای مصرف کنندگان نفت بهیچ وجه نگرانی پیش نیاید .

دکتر محمد مصدق

## مصاحبه مطبوعاتی سفیر کبیر انگلیس با منجبرین جراید خارجی در تاریخ ۲۴ ر ۴۰ در سفارت انگلیس

(( مقارن ساعت ۱۱ بامداد چهارشنبه ۲۲ خرداد خیر نگاران انگلیسی و امریکائی مقیم تهران برای مصاحبه با آقای شیرد سفیر کبیر انگلیس در سفارت کبرای انگلیس در تهران حضور بهم رساندند .

ز سر فرانسیس شیرد سفیر کبیر در مصاحبه کوتاهی اظهار داشت که اخیراً طی ملاقاتی که با آقای دکتر مهدق نعت وزیر حمل آورده خاطر نشان ساختام تبلیغاتی که فعلا در ایران علیه خارجیها شروع شده است احتمالاً در آبدان اوضاعی را بوجود خواهد آورد که نتایج وخیمی در بر داشته باشد .

وی سپس اضافه کرد دولت انگلیس همانطور که بکرات اعلام نموده دولت ایران را مسئول مال و جان اتباع خارجی در ایران میدانند و مسلماً مأمور حفظ آنها ارتش شاهنشاهی میباشد مع الوصف مانیز برای جلوگیری از حوادث غیر مترقبه اقدامات احتیاطی بعمل آورده ایم .

در این هنگام چند تن از خیر نگاران از مشارالیه سوال کردند دولت انگلیس چه اقدام احتیاطی بعمل آورده است

سفیر کبیر انگلیس در پاسخ گفت فعلا در آبهای اطراف خلیج فارس سه رزمناو و یک ناوشکن انگلیسی متوقف هستند .))

## آگهی فروش مواد نفتی

در تاریخ ۲۲/۳/۴۰

این آگهی از طرف هیئت مدیره موقت مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت انتشار یافته است :

تاریخ ۲۲ خرداد

هیئت مدیره موقت

شماره ۵

مامور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

با اطلاع کلیه خریداران مواد نفتی برای فروش خارج میسرمانند که در ظرف یکماه از تاریخ این آگهی میتوانند مواد نفتی مورد نیاز خود را با دادن رسید اخذ نمایند ولی باید در ظرف یکماه از تاریخ این آگهی به هیئت مدیره مراجعه و قیمت آن را طبق نرخ عادلانه بین المللی بپردازند .

قیمت فروش پس از افضای یک ماه بالا نسبت بمقداری که خریداران شرکت سابق از اول سال میسعی ۱۹۴۸ تا ۳۰ مارس ۱۹۵۱ می خریده اند نرخ عادل بین المللی میباشد و برای مازاد آن مقدار در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهد داشت .

هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران

اولین هیئت نمایندگان  
اعزامی شرکت سابق نفت که عبارت  
بودند از آقایان د. د. ر. جاکن -  
ز. ن. ا. کس. ا. ح. ا. الکنگتن  
- سر توماس کاردینر در روز ۲۰ خرداد  
۱۳۳۰ به تهران وارد شده و پس از تشکیل  
سه جلسه و تسلیم پیشنهادی شیبه پیشنهاد  
الحاقی به نمایندگان ایران و چون آن  
پیشنهادها با اصل ملی شدن نفت مغایرت  
داشت دولت ایران آن پیشنهادها را  
رد و نمایندگان شرکت سابق نفت بدون  
نتیجه خاک ایران را ترک کردند.

## تلگراف آقای نخست وزیر به هیئت اعزامی

در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۴۰

بوسیله جناب آقای امیرعلانی . جنابان آقایان نمایندگان محترم کمیسیون مختلط  
و هیئت محترم مدیره موقت شرکت نفت ملی ایران وصول گزارشهای مبسوط از اقدامات  
بسیار مؤثر و مفید آن جنابان بی نهایت موجب مسرت و تشکر است  
دولت و همچنین کمیسیون مختلط از این موفقیت و پیشرفتی که تاکنون حاصل شده  
امتنان کامل دارند و توفیق نهائی آن جنابان را آرزو مندیم

دکتر همدق

## تلگراف تشکر آمیز آقای نخست وزیر بنماینده فرق العاده دولت در خوزستان در تاریخ ۲۱/۴/۴۰

تلگراف. زیر پریشب از طرف آقای دکتر مصدق نخست وزیر به آقای امیر علامی  
نماینده فوق العاده دولت در خوزستان مغایره شده است :  
«جناب آقای امیر علامی ، از مراقبت و توجه مخصوصی که در این موقع خطیر  
در انجام امور محوله مبذول فرمودید، اینجانب کمال امتنان و تشکر خود را ابراز  
میدارم و توفیق پایان این خدمت مهم ملی را برای جنابعالی آرزو مندم  
دکتر مصدق

نامه آقای سهیلی از لندن در باره  
فقط وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس عوام  
در تاریخ ۲۵ ر ۴۰

وزیر خارجه انگلستان در ۲۵ خرداد ۱۳۳۰ در مجلس عوام اظهار داشت نمایندگان شرکت نفت ملاقات های مقدماتی با وزیر دارائی و سایر نمایندگان ایران سوده اند ولی متاسفانه بدون حصول نتیجه مذاکرات با نمایندگان شرکت در تهران هیتی متشکل از سه نفر از نمایندگان ایران در آبادان اعلامیه صادر کرده که کلیه کارمندان شرکت کارمندان دولت ایران هستند و تقاضاهائی از رئیس شرکت در آبادان نموده است این تقاضاها عبارت از تحویل دفاتر شرکت و صورت فروش از تاریخ تصویب قانون ملی شدن وهفتادوپنج درصد درآمد شرکت در ایران و در لندن از بابت فروش نفت از دوازدهم ژوئن میباشد رئیس شرکت خواهش کرده که این تقاضاها کتبا اعلام شود تا بلندن مراجعه کند . سفیر کبیر انگلیس در تهران توجه دولت ایران را بامکان بروز افتشاشات جدی در نواحی چاه های نفت در نتیجه تبلیغات رادبوی تهران معطوف داشته و اکنون ضد عملیات هیئت سه نفره که موجب نگرانیهای انگلستان است اعتراض خواهد نمود واضح است مذاکرات در تهران پیشرفت نخواهد نمود اگر که محیط در اثر عمل عجولانه درچاه های نفت فاسد میشود . آقای ایدن پرسید آیا پاسخی بتذکرات نسبت به تبلیغات از دولت ایران رسیده و آیا وزیر خارجه دولت ایران را متذکر نیسازد که برای هرشرکتی غیر ممکن است که مذاکرات را ادامه دهد اگر بنا است که یک سلسله بدگویی و ناسزائی که هیچ حقیقت ندارد آن را احاطه نموده باشد . وزیر خارجه اظهار داشت پاسخ قسمت اول منفی است و نسبت ب قسمت دوم کاملاً موافقم .

## آقای گریبی در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۴۰ طی يك مصاحبه مطبوعاتی گفت دولت ایران بهتر است چهل و هشت ساعت دیگر به نمایندگان شرکت سابق نفت مهلت بدهد

آقای گریبی، سفیر کبیر امریکا روز ۲۵ ر ۳۰ در يك مصاحبه مطبوعاتی که با خبرنگاران خارجی در تهران بعمل آورد مراتب خرسندی خود را از ملاقات و مذاکراتی که امروز با آفای دکتر مصدق نخست وزیر بعمل آورده بود ابراز نمود.

وی در باره علت خوشوقتی اظهار داشت که امروز طی ملاقاتی که با آقای دکتر مصدق بعمل آوردم بابشان توصیه نمودم که چون چهل و هشت ساعت مهلت برای نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت جهت کسب دستور از لندن مدت کوتاهی است لذا بهتر است این مدت قدری تمدید شود.

آقای سفیر کبیر در ملاقات خویش با آقای دکتر مصدق مخصوصاً خاطر نشان ساخته است که اصرار دولت ایران در مورد چهل و هشت ساعت مهلت ممکن است احیاناً خطر این را داشته باشد که اصولاً کنفرانس تهران دچار تعویق یا وقفه شود و بدیهی



است مصلحت نیست که فقط بر سر موضوع استمهال مذاکرات تهران دستخوش وقفه شود .  
آقای دکتر مصدق اقدام صلح جویانه و بی طرفی سفیر کبیر امریکا را مورد  
قدردانی قرار داده و قول دادند توصیه وی را مورد قبول قرار دهند امروز بامداد  
سخنگوی نمایندگان شرکت سابق نفت در تهران اظهار داشته بود تمديد چهل و هشت  
ساعت ضرب الاجل برای آنها مدت کافی خواهد بود که دستورات جدیدی برای ادامه  
مذاکرات از لندن دریافت نمایند .

همان سخنگو اضافه کرد که نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت امیدوار است که در  
مذاکرات آینده خویش پاره ای پیشنهادات مفید و قابل توجهی بدولت ایران بدهند و این خبر ،  
گزارشات واصله را مبنی بر اینکه نمایندگان مزبور پیشنهاداتی برای ارائه بدولت ایران  
بتهران آورده اند تأیید میکند

یکی از ناظرین امور امروز اظهار عقیده کرد شاید یکی از این پیشنهادات این  
باشد که مبلغی شرکت سابق نفت بدولت ایران بپردازد تا در مضيقه مالی دولت گشایشی  
حاصل شود .

آقای گریبی در مصاحبه امروز خویش اضافه کرد که پس از ملاقات آقای دکتر مصدق  
با شپرد سفیر کبیر انگلیس در تهران نیز مذاکره کرده و موضوع موافقت نخست وزیر  
ایران را بتمديد ۴۸ ساعت با اطلاع وی رسانیده است همچنین مترجم کسوف سخنگوی هیئت  
نمایندگی شرکت سابق نیز با تلفن با وی گفتگو کرده است

آقای گریبی در پایان یکبار دیگر از روح رافت و عدالتخواهی آقای دکتر مصدق  
در قبول توصیه وی سپاسگزاری نمود .

## ملاقات آقای سهیلی سفیر کبیر ایران در لندن با وزیر مشاور انگلیس در تاریخ ۲۶ ر ۴۰۳۳

آقای لی سهیلی سفیر کبیر ایران در لندن بنا بر تقاضای مستر « کت یانکر » وزیر مشاور انگلیس در کاخ وزارت خارجه حاضر شده و با وی ملاقات و مدتی مذاکره نمود. مورین وزیر خارجه انگلیس که تا امروز با مداد در « یورکشایر » بود دیروز نتوانست با آقای سهیلی ملاقات نماید لیکن مستر یانکر که در غیاب وی عهده دار مشاغل میباشد با سفیر کبیر ایران مذاکره نمود.

خبر مکار آسوشتد برس از لندن اطلاع میدهد که بقرار اظهار یک منبع مطلع کویامستر یانکر از آقای سهیلی تقاضا کرده که وی از دولت ایران تقاضای تمدید ۴۸ ساعت مدتی که دولت ایران بعنوان اتمام حجت برای تحویل تأسیسات شرکت نفت انگلیس و ایران بآن شرکت داده بکند سهیلی در پاسخ اظهار داشته است که وی بعنوان نماینده دولت ایران در یک کشور خارجی صلاحیت آن را ندارد که چنین تقاضائی را از قوه مجریه ایران بکند چون کار نفت بطور کلی مربوط بخود دولت ایرانست و وی در این زمینه کوچکترین اختیاری ندارد.

یک منبع دیگر گفت ممکنست سفیر کبیر انگلیس در تهران بهمنور وزارت خارجه مستقیماً با دکتر مصدق ملاقات و تقاضای تمدید مدت مزبور را بکند.

نامه آقای سفیر کبیر آمریکا  
به آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۳۰

لازم میدانند از فرصت استفاده کرده از نقطه نظر رعایت منافع ایران مطالبی را که روز گذشته در ملاقات و مذاکرات خویش اظهار داشته ام تکرار نمایم بدین معنی که جنابمالی و مشاورینتان توجه بیشتری نسبت به پیشنهادات اخیر انگلستان مبذول داشته تا در نتیجه از قطع رشته مذاکرات فعلی بین دولت شما و نمایندگان شرکت نفت خودداری شود .

بنظر این جانب پیشنهادات اخیر بریتانیا از نقطه نظر اصل ملی کردن نفت اساسی برای اجرای مقاصد و تقاضاهای دولت ایران میباشد .

نطق آقای موریس وزیر خارجه انگلیس  
در پیرامون حواشی جاری ایران  
در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۴۰

در بیاناتی که در روز ۲۹ و ۳۰ در مجلس نمودم بطور اختصار گفتم که چه تقاضاهایی از هیئت نمایندگی شرکت نفت انگلیس و ایران که اکنون در تهران است بعمل آمده است و وعده دادم که در اولین فرصت از جریان اوضاع مجلس را آگاه نمایم .

دیروز عصر وقتی نمایندگان شرکت با نمایندگان ایران ملاقات کردند پیشنهاداتی بآنها نمودند که نه تنها احتیاج فوری دولت ایران را به پول رفع میکند بلکه ترتیبی مینهد که حسن جریان صنعت نفت محفوظ بماند و در عین حال با اصول ملی کردن این صنعت منافات نداشته باشد گرچه متن این پیشنهادات منتشر خواهد شد معینا بد نیست که من خلاصه آنرا در اینجا بیان کنم .

بطور اختصار این پیشنهادات از اینقرار بود:

۱ - شرکت حاضر است ده میلیون لیره بطور پیش پرداخت از بابت هر مبلغی که در اثر یک قرارداد پمپی طلب دولت ایران باشد در اختیار دولت ایران بگذارد مشروط بر اینکه مادام که مذاکرات در جریان است دخالتی از طرف دولت ایران در کار شرکت بعمل نیاید.

۲ - شرکت ماهیانه ۳ میلیون لیره که شروع آن در ماه ژوئیه خواهد بود تا وقتی که درباره قرارداد موافقت شود بدولت ایران پرداخت خواهد نمود.

۳ - برای اساس توافق شرکت پیشنهاد میکند که دارائی شرکت یک شرکت ملی نفت ایرانی تفویض شود در ازای آن واگذاری شرکت ملی نفت استفاده از این دارائی را یک شرکت تازه ای که از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود تفویض نماید. عده ای از ایرانیان در هیئت مدیره این شرکت عضویت خواهند داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران انجام وظیفه خواهند نمود.

عملیات پنخس در ایران بشرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارائی بآن شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت.

۴ - راجع بتقاضای دولت ایران که شرکت مجموع در آمد فروش نفت را منهای هزینه بدولت ایران تحویل دهد و ۲۵ درصد آن در یک بانک مرضی الطرفین برای پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد چنین پیشنهادی قابل قبول نیست.

هیئت برای مذاکره به تهران رفته است و یک چنین تقاضائی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع شود عمل غیر موجهی است. بعلاوه نمایندگان شرکت مطمئن اند که وقتی ضمن مذاکرات آینده طرز جریسان کار بفرنج شرکت توضیح داده شد نمایندگان دولت ایران درخواست خواهند یافت که چنین تقاضائی نه از لحاظ تجارتمسکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است. لزومی ندارد که در باره پیشنهاد شرکت نفت انگلیس و ایران بدولت ایران باطاله کلام بپردازم.

در این پیشنهاد از پرداخت پول برای رفع حوائج ضروری ایران همچنین قبول اصل ملی شدن نفت و نیز مشارکت بطرز نمر بخش پیش بینی شده است.

دولت پادشاهی انگلستان معتقد است که کلیه مردمان منصف این پیشنهادات شرکت را منصفانه و منطقی تلقی مینمایند.

متأسفانه هیئت نمایندگی ایران فقط نیم ساعت طرف وقت برای بررسی در این پیشنهاد نموده و اظهار نظر روی آن نمود.

این هیئت اعلام داشت که پیشنهادات شرکت مبنای با قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران دارد و اظهار تمجب نموده که هیئت نمایندگی شرکت تقاضای امهال و تعویق تشکیل جلسه ای را نمود که قرار بود در تاریخ ۱۷ ژوئن منعقد شود برای اینکه چنین پیشنهادی را تسلیم نماید هیئت نمایندگی ایران در خاتمه بیانات خود چنین نتیجه گرفت که این هیئت اجازه عدول از مقررات قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران را ندارد و بالتیجه معتقد بود که با این وضع مذاکرات قطع شده است.

رئیس هیئت نمایندگی شرکت در پاسخ اظهار داشت حتی اگر این پیشنهادات منطبق با قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران نمی باشد ( آنهم قانونی که مورد قبول شرکت نفت انگلیس و ایران واقع نشده) با اصل ملی شدن تطبیق می نماید و بلاشک با تفسیر منصفانه قانون جور درمی آید. از فتوای کلام هیئت نمایندگی اینطور استنباط می شد که انتظار داشتند نمایندگان شرکت بدون بحث و گفتگو کاملاً تسلیم نظر آنها بشوند و با کمال تأسف ملاحظه شد که تصمیم ایرانیها بر این بود که مذاکرات قطع شود و چاره و علاج منحصر بفرد این باشد که رئیس هیئت نمایندگی شرکت برای اخذ دستور و تصیبات بلندن مراجعه نماید دولت پادشاهی انگلستان نه فقط از لحاظ آینده شرکت نفت ایران و انگلیس احتیاجات دنیای آزاد نفت بلکه برای خاطر خود ایران هم باهلاقه این پیش آمد را تلقی کرده است.

در حوزه امتیازات شرکت ثروت طبیعی آن ناحیه در دسترس اهالی ایران گذارده شده است.

نیروی کار ایران توأم با مهارت فنی و سرمایه مالی شرکت و سازمانهای معظم اداری و مهندسی موجب شده که یک صنعت بزرگی در ایران بوجود آمده است. در نتیجه این همکاری دولت ایران هم از یک منبع مستمر و روزافزون درآمد بهره مند گردید و همین منبع درآمد را هم خود کمپانی پیشنهاد کرد که به قدر زیادتری اضافه نماید.

و نیز در نتیجه توسعه این صنعت ده ها هزار نفر کارگران ایرانی در حال حاضر از شرایط مساعد منزل و تسهیلات فرهنگی و بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی بهره مند است که کارگران ایرانی در هیچیک از نقاط ایران از آن بهره مند نمی شوند.

حقیقتی در گزارش اداره کار بین المللی تحت عنوان «شرایط و اوضاع زندگانی کارگران در حوزه نفت ایران» دو سال گذشته در ژنو طبع و نشر شده است.

شرکت نفت ایران و انگلیس ماسی جیبله مبذول داشته و هم اکنون بذل جهد مناسب که سطح زندگانی را در ایران بالا ببرد.

در واقع برنامه ۷ ساله ایران که ابراز امیدواری زیساد بدان در ایران میشد ظاهراً حالبه متوقف شده است يك منبع درآمد حقیقی داشت که آنهم درآمد حاصله از نفت بابت سهم دولت ایران بود که اکنون شرکت بر میزان پرداخت خود بابت حق الامتیاز و مقدار تولید و فروش افزوده است. اینطور معلوم میشود که هیئت حاکمه فعلی ایران چشم بصیرت برای درک احتیاجات و نیازمندیهای کشور خود ندارد.

باعضای هیئت نمایندگی شرکت دستور لازم داده میشود بکشور انگلیس مراجعت نمایند و در ضمن در نظر داریم عرض عالی را که بسدیوان دادگستری بین المللی داده ایم دنبال کنیم و عرض حال دیگری بدهیم که مادام که تصمیم لازم در خصوص اهمیت و کفایت دعوی شرکت اتخاذ نشده است ترتیبی برای انجام اقدامات موقت در نظر گرفته شود تا حقوق کشور پادشاهی انگلیس محفوظ بماند.

ما بسهم خود هنوز هم مایلیم که کشور ایران کشوری مستقل و قرین ثبات و

آسایش و رفاه باشد و درین زمینه هیچگونه تغییری در احساسات ما حاصل نشده و نخواهد شد .

دانشکالائی که در تهران بمیان آمده هرگز نباید ولو برای يك لحظه هم که شده مشکلات اتباع مارا در آبادان و معادن نفت تحت النعاع قرار بدهد من مایلیم که همه آنان بدانند که در اینجا مانسبت بفشار و نگرانی و زحمتی که در مدت نسبتا مدیدی توام با کار آنان بوده است توجه کامل داریم و میدانیم که بروز اغتشاشات و توهین و سوء تمبیر و عدم اطمینان خاطر نسبت بآینده اوضاع کار و زندگی را برای آنان بسیار مشکل گردانیده است .

خود آنان خیلی بهتر از ما باید بدانند که فقط يك انحراف و اشتباه کوچک در کارهای دقیق و ماهرانه آنان کفایت میکند که باعث صدمات جبران ناپذیری گردد و فاجعه ای را سبب شود که نه تنها زندگی و جان مردم مقیم موسسات نفت را که تحت مسئولیت آنهاست بخطر بیاندازد بلکه بااحتمال قوی در سرتاسر شهرستان های مجاور نیز صدماتی تولید نماید .

اما مادام که کسان مادر آنجا عهده دار انجام عملیات هستند کمال اطمینان را دارم که چنین اشتباهی روی نخواهد داد و آنان بانجام وظایف خود ادامه خواهند داد. همانطوری که مکرر باستحضار پارلمان رسانده ام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در صورتیکه جان اتباع انگلیس در معرض خطر باشد بهیچوجه حاضر نخواهد بود که دست روی دست بگذارد و بیکار بماند دولت ایران مسئول حفظ نظم و آرامش است و باید تمام کسانی را که در سرحدات ایران هستند از تعرض و تعدی مضمون و محفوظ نگاه دارد اما در صورتیکه دولت ایران نتواند از عهده این مسئولیت برآید بدیهی است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس نیز بپیمان اندازه مسئول و موظف بحفظ و حمایت اتباع خود خواهد بود .

اعلامیه هیئت مدیره وقت  
شرکت ملی نفت ایران  
در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۴۰ در آبادان

۱- بموجب امر دولت بکلیه کارمندان ایرانی و خارجی شرکت سابق ابلاغ میشود که کارشناسان، کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق بموجب بنده ۴ مقررات راجع به نفت مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند - کلیه حقوق و مزایا و حقوق بازنشستگی آنها عینا مانند سابق از طرف شرکت ملی نفت ایران پرداخته میشود و اشخاصی که نخواهند بخدمت خود ادامه دهند باید کتبا بشرکت ملی نفت اطلاع دهند تا در ظرف یکماه ترتیب خاتمه آنها داده شود .

۲- با اینکه از طرف هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران هیچگونه ممانعتی برای صدور مواد نفتی نمیشود و فقط اخذ رسید از کشتیهائی که نفت تحویل میکنند مطالبه شده است کشتی ها از دادن رسید امتناع میکنند و میخواهند نفت ایران را بدون گونه هیچ سندی ببرند دبروز کشتی ها میخواهند ذیل قبض این عبارت را مضحك را قید



کنند که «قبض رسید بهیچ وجه دلالت بر ملی شدن نفت ایران و برسمیت شناختن شرکت ملی نفت ایران نمیکند و تحویل گیرنده تعهدی برای پرداخت بهای نفت تحویل شده اندرد.»

لذا هیئت مدیره تصمیم گرفت هر کشتی که ازدادن قبض بطور مطلق خودداری کند حق حرکت ندارد و درعین حال اکیداً دستور داده شده است که از جریان نفت و تحویل دادن بهیچوجه جلوگیری نشود.

۳ - نظر باینکه اداره اطلاعات شرکت سابق طبق دستور دولت منحل شده است اداره انتشارات آبادان که ناشر روزنامه های محلی میباشد و سابقاً تابع اداره نامبرده بوده است زیر نظر هیئت مدیره موقت اداره خواهد شد.

**هیئت مدیره موقت شرکت های نفت ایران**

گزارش آقای نخست وزیر بهجانب شورایمپلی  
 راجع به مذاکره بانمایندگان اعزامی دولت انگلستان  
 در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۴۰

پس از آنکه بر حسب تمایل نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و مجلس سنا  
 مامور تشکیل دولت شدم از آنجا که علت اساسی تشکیل دولت این جانب اجراء قانون  
 ملی شدن صنعت نفت بود تمام هم دولت صرف اجراء همین قانون شد و بسا دشوار  
 که اصلاح آن نیز باید مورد نظر دولت باشد بواسطه اشتغال باین امر مهم و فوریت  
 آن مجال نشد آن طور که باید توجه شود.

آقایان محترم توجه میفرمایند که تصرف مؤسسات عظیم نفت و خلع ید شرکت  
 سابق کار کوچکی نبود که در ظرف چند روز بانجام رسد بخصوص که دولت و هیئت  
 مختلط میخواست این وظیفه خطیر را بنحوی انجام دهد که اولاً بجرایان کار استخراج  
 و تصفیه و توزیع و بهره برداری لطمه ای وارد نیاید و ثانیاً با اولیاء شرکت سابق در  
 مسائل مختلفه از جمله ترتیب خلع ید مذاکره نماید.

شاید بعضی از آقایان نمایندگان محترم و سایر هموطنان عزیز بواسطه اشتیاقی که باجراه قوری قوانین راجع به نفت دارند و یا به علت آنکه از آفات تاخیر سخت بیناک هستند صریحاً یا با اشاره و کنایه بدولت ایراد دارند که چرا فوراً از شرکت سابق خلع ید نشده و یا بچه دلیل دولت بانمایندگان شرکت سابق نفت حاضر بندا کرده گردیده است برای رفع نگرانی هموطنان عزیز باید عرض کنم که :

اولادولت اینجانب بلافاصله شروع باجراه قانون نموده و با کمک هیئت مختلط که از ابتدای تشکیل هر روز يك يادو بار تشکیل جلسه داده وغالب جلسات آن بیش از چهار پنج ساعت بطول انجامیده پیوسته هم خود را صرف اجراء قوانین نفت نموده است ولی واضح است که اجراء قوانین و خلع ید شرکت سابق مثل تخلیه يك خانه اجاره ای یا تصرف يك دکه بزازي نیست اجراء این قوانین محتاج به تهیه مقدمات فراوان بود و اگر بیم اطاله کلام نمی رفت جزئیات مشکلات کار و رفع آن را يك يك بمرض آقایان می رسانم تا بر آقایان معلوم شود که دولت ممکن نبود بتواند سریع تر از آنچه کرده است عمل نماید .

اما در باب مذاکره بانمایندگان شرکت سابق نفت دولت بموجب قانون نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ در موارد مختلفه ناچار بندا کرده بود .

برطبق ماده ۲ قانون مزبور که می گوید « دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل قوری و عذر وجود ادعائی بردولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان ۲۵ درصد از هایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به احتمالی شرکت در بانك ملی ایران یا بانك مرضی الطرفینی دیگر ودیعه گذارد » امور مختلفی را که در این ماده مخصوصاً ذکر شده میبایست بامذاکره با شرکت فیصله دهد و یا برطبق ماده ۷ همان قانون که می گوید « کلیه خریداران محصولات معادن استخراجی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار قتی را که از اول سال مسیعی تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بعهده هم بنرخ عادلہ بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت » لازم بود از شرکت سابق نفت تحقیقات بعمل آورده بلاوه چون سعی دولت و هیئت مختلط در این بود که اجراء قوانین نفت و عمل خلع ید را حتی الامکان بامواقت شرکت سابق نفت انجام دهد و باین نحو از هر گونه پیش آمدی که ممکن بود بکار رفت لطمه وارد آورد جلوگیری کند از مذاکره بانمایندگان گزیری نداشت .

باین دلایل وقتی که از طرف شرکت سابق اظهار تمایل برای افتتاح باب مذاکرات دولت تقاضای آنها را رد نکرد ولی بر اینکه باب هر قسم سوء تفاهمی مندرج شود در یادداشت هشتم خرداد ۱۳۳۰ که بنمایند شرکت سابق نفت نوشت صریحاً قید نمود که دولت ایران بشرطی حاضر بندا کرده است که ملی شدن نفت برطبق قوانین موضوعه

مورد قبول شرکت سابق باشد و مذاکرات فقط در حدود همان قانون انجام گیرد.  
پس از فرستادن این نامه اطلاع حاصل شد که شرکت نمایندگان بهمین منظور  
بظهران میفرستد.

دولت هیئت نمایندگان شرکت سابق نفت را پذیرفت و هیئت نمایندگان ایران  
در سه جلسه با آنها مذاکره پرداخت خلاصه این مذاکرات منتشر شده.  
در این مذاکرات نمایندگان دولت و هیئت مختلط منتهای سعی را بعمل آوردند  
که با موافقت شرکت قانون را بموقع اجراء گذارند.  
هیئت نمایندگان شرکت سابق کار را با امروز و فردا می انداخت. تاخیر جواب  
از طرف آنها تا حدی که معقول به نظر می آمد پذیرفته شد و چند بار با استمهال  
موافقت گردید.

هیئت نمایندگان شرکت سابق با وجود اینکه صرف حاضر شدن آنها در تهران  
قبول ضمنی قانون ملی شدن نفت بود و علاوه بر چنین مذاکرات هم چندین بار چنانکه  
صورت جلسات نشان میدهد بقبول ملی شدن صنعت نفت نیز اشاره نموده بودند پس از  
چندین بار استمهال و تعدید مدت مهلت در جلسه ای که در ساعت ۸ بعد از ظهر روز سه شنبه  
۲۸ خرداد در کاخ نعلبند نشست وزیری دراز کننده تشکیل گردید اظهارات غیر منتظری بود  
که بصورت یادداشت تسلیم هیئت نمایندگان ایران شد.  
این یادداشت جرش آقایان نمایندگان رسیده و از ضحوی آن اطلاع حاصل  
فرموده اند مع ذلک برای جلب توجه آقایان در اینجا قرائت میشود.

### عین یادداشت

در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارائی روز هشتم خرداد بنمایند عمده شرکت  
در طهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل  
است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده نماید و حضرات پیشنهادی را که شرکت تقدیم  
کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافعی با اصل ملی شدن نفت نباشد.  
اینک شرکت میخواهد بلا درنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده  
بدین وسیله ثابت کند که مایل است هر چه زودتر یک ترتیب عملی داده شود که طبق آن  
دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید. بنا بر این هیئت نمایندگان از طرف شرکت  
اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد این مبلغ مساعده ای خواهد بود  
از بابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهائی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد شد و  
با این تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع  
عملیات شرکت نشود.

همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژوئیه به بعد هر ماه مبلغ ۳ میلیون لیره تا وقتیکه  
ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم در جلسه قبل اینجانب اظهار کردم که ما با حفظ  
کامل کلیه حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان محترم طرفه رضایت

بخشی پیدا کنیم که حسن اداره صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد بنظر شرکت چنین می‌رسد که ممکن است بر اساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود.

دارائی ایرانی شرکت به یک شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور درازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبور را بشرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده‌ای مدیر ایرانی در هیئت‌مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد.

حلیات بخش در ایران بشرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارائی موجود بان شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آن را بعنوان یکقدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید.

ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارائی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند مورد توجه کامل قرار داده ایم، اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان این بود که از تاریخ ۲۹ اسفند شرکت بایستی مجموع درآمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرضی الطرفینی برای پرداخت مطالبات احتمالی تودیع گردد، مابقی چنین پیشنهادی را نمیتوانیم قبول کنیم هیئت برای مذاکره با ایران آمده است و بقیه ما عنوان یک چنین تقاضایی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیر موجهی است، بعلاوه ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شد که یک چنین تقاضایی نه از لحاظ تجارتمی ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.

نمایندگان دولت و هیئت مختلط جز اینکه با داشتن را رد کنند چاره‌ای نداشتند (صحیح است) زیرا چنانکه ملاحظه فرمودید مضمون آن کاملاً با قوانین راجع بملی شدن صنعت نفت مابینت دارد (صحیح است) و صریحاً اجراء قانون را رد کرده اند و بعلاوه پیشنهاد های آنها از قبیل انتقال دارائی ایرانی شرکت سابق ملی نفت ایران و واگذاری حق استفاده از این دارائی بشرکت جدید نائمی که از طرف شرکت سهامی سابق نفت تشکیل شود علاوه بر اینکه با قوانین راجع بملی شدن نفت متناقض است بیشتر بیازبیهای کودکانه برای اسکات طرف شباهت دارد.

اینک دولت در باب مذاکره با نمایندگان شرکت سابق بوظیفه قانونی عمل کرده و چون با مواقت آنها اجراء کامل قانون صورت پذیرفت باید مستقلاً اجراء نام و تمام قانون را پایان برساند.

در این زمینه دیروز دستورات لازمه بهیئت مدیره موقت و نمایندگان هیئت مختلط در خوزستان صادر و دستور اقدامات اجرایی دیگر نیز داده شده و اکنون دولت

در تمام قسمت‌ها مشغول تکمیل اقدامات اجراییست

چون کار اجراء قوانین نفت وارد مرحله جدیدی شده و دولت جز با پشتیبانی نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و مجلس سنا ممکن نیست بتواند این امر خطیر را پایان برساند لازم دید یکبار دیگر از ساحت مقدس مجلس شورای ملی تقاضای رأی اعتماد کند تا هم بتواند با مستهظار نمایندگان محترم بهر تکلیف قانونی خود عمل نماید و باره‌ای شبهات که بوسیله ابادی شرکت سابق نفت برای مشوب نمودن افهام بوجود آمده رفع شود. (صحیح است)

در خانه باستحضار آقایان نمایندگان محترم میرسانم که نظر دولت این بود که این خلع پد یک صورت دوستانه‌ای بشود اما قطعاً از شرکت این تقاضا را کردیم که شرکت صورت هایدات یومیه را هر شب بدهد و بانک مرضی الطرفین را تعیین کند که ۲۵ در صد هایدات در آن بانک ودیعه بشود و اینکار که بشود مذاکرات را جمیع مسئله دعاوی احتمالی دولت و شرکت بیان می‌آید و کار دعاوی احتمالی دولت و شرکت نیز بنحویں خانه یابد ولی بانهایت جدیت سعی که خود اینجانب بعمل آوردم شرکت تقاضاست این پیشنهاد را قبول بکند و دولت مجبور شد که دیروز با نظریات هیئت مختلط که نمایندگان مجلسین هستند ماده ۳ قانون را که مقدماتش شروع شده بود بنحو تمام بطور قطعی در تأسیسات شرکت بموقع اجرا بگذارد (احسن) اکنون گزارش‌های من بساخر رسیده امیدوارم که نمایندگان مجلس شورای عمیده خود را در باره رفتار دولت در این مدت بوسیله دادن رأی بملت ابران اظهار فرمایند. (احسن)

پیام آقای نخست وزیر بملات ایران  
در ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۳۰ خرداد ۱۳۳۰  
بوسیله رادیو تهران

هموطنان عزیز : درود فراوان و سلام صمیمانه خود را از بستر بیماری برای  
شما میفرستم .

بختوی می دانید که در تاریخ حیات ملت‌ها نادراً روزهای درخشان و پر مسئولیت  
و افتخار و موفقیت پیدامی شود . ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن  
ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه‌اش را در برابر وطن ، پرچم و تاریخ مملکت ادا کند  
بیشتر از دیگران قدرت اخلاقی و عظمت روحی از خود نشان داده است .

امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان می‌توانید صفحه جدید و مقدسی  
در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از ۵۰ سال که از استقلال و آزادی  
سیاسی نامی ما پیش باقی نمانده بود دوره نوینی را در برابر نژاد معاصر و نسل آینده  
بوجود بیاورید رشد و نبوغ سیاسی شما می‌تواند امروز را مبدع تحول و نهضت اصلاحی

آینده قرار نهد یا خدای نساگرده موجب سرشکستگی و خجالت و انفعال بشود بیودن این دو راه اکنون در اختیار عزم و اراده و همت شاست من تردید ندارم که شاهموطنان عزیزم آن طریق را انتخاب خواهند کرد که با شرافت ایرانیت و با فرور ملی واحساسات وطنی مطابقت دارد باید یکبار دیگر بدنیاییکه چشم دقت بسوی ما دوخته است نشان بدهیم که لیاقت حفظ مواریث گرانبها و پرهظمت نیاکان خود را داریم و می خواهیم کاملاً آزاد و فارغ از تحریکات و دسپس این و آن زندگانی قرین عزت و احترام و سربلندی را در پیش بگیریم .

آوازه همت و عزم خلل نابذیر شما در گستن زنجیر های استعمار اقتصادی به گوش جهانیان رسیده است و خواهد رسید همه خواهند دانست که روح ایرانی از ماورای تساریخ کهن چندین هزار ساله اش از نو درخشیدن گرفته و روز های زبونی وضمت و ناتوانی خویش را اینک پشت سر گذاشته است - هیچ چیز جز اراده آهنین شمانیتوانست این زنجیر های جان فرسا و گران را از میان بردارد . قویت واحساسات صمیمانه موطنان عزیزم کار نفت را بدانجا کشانید که قوه قانونگذاری مملکت بتشابهت از افکار عمومی ملی شدن صنعت نفت وقانون اجرای آن را با تفاق آراء تصویب کردو آن قانون بتوشیح اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید و ماموریت انجام این امر خطیر بسن معول گردید . قبول این مسئولیت برای کسی که بضمف مزاج مبتلا است و هر خود را در بستر می گذراند جزیمیت از لراده ملت و امر شاهنشاه هیچ چیز دیگر نبود من افتخار خدمتگزاری مردم را بالاترین و بر قیمت ترین افتخارات حیات خود معسوب داشته و میدارم و بنیر از اطاعت و امتثال فرمان موطنان محبوب چاره دیگر ندارم .

از روز اول زمامداری تمام سعی و مجاهدت اینجانب بعل مسالمت آمیز قضیه معطوف گردید و در تمام مکاتبات و مذاکرات با نمایندگان و وابستگان کمپانی سابق مکرر تذکر دادم که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت برای اینست که ملت ایران از بکطرف بند های سیاسی را از گردن خود بردارد و از طرف دیگر به ضرر و بدبختی غلبه کند . آنچه توانستم تسهیلات فراهم آوردیم و طرق حل مشکلات را پیش بینی کردیم و دست خریداران سابق نفت را برای خرید آن باز گذاشتیم ومواقت کردیم آنان همچنان گردش چرخ صنایع مملکت خویش را بسا نفت خوزستان تامین کنند ولی ناچار بودیم قانون را اجرا کنیم .

شرکت سابق در جواب اظهار خلع ید که از طرف دولت ایران باو ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهادهایی در زمینه قانون ملی شدن صنعت نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطالب بنهران اعزام میدارد دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیت و حتی ندیدی را که خواست بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه برده از روی پیشپا های آنها برداشته شد معلوم گردید که زبان ما را نخواستند بگشند . من مکرر چه در مجلس وجه در یادداشتها و بیانه ها و مصاحبه ها اعلام کرده بودم که بهیچوجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است نمیتوانم تصور و مسامحه بکار



برم . گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفته اند و راه ادامه مذاکرات را بر ما بستند بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و تأخیر و وقفه‌ای در کارروزی ندهد صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط و هیئت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود .

اکنون بشا هموطنان عزیز که در تهران و ولایات پراکنده‌اید این پیام مخلصانه و صمیمانه را می‌فرستم و از تقویت و حمایتی که در همه حال از دولت برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت نموده و می‌نمائید قبلاً تشکر میکنم و تمنی دارم با آراهش دوران‌دیشی بیشتری که شان و شایسته ملت تاریخی ایران است مراقب اوضاع باشید و صف آهنین وحدت و یگانگی خود را حفظ کنید و نگذارید عوامل و ایادی حریف کپنه کار بر قدرت روحی و نیروی ایمان شما هجوم آورد . شرکت سابق نفت میخواست بدون توجه بحق مسلم حاکمیت ملی و قانون مصوب مجلسین ما را با دادن چند میلیون لیره علی‌الحساب گرم مذاکرات دور و دراز نگاهدارد غافل از اینکه من اطمینان دارم فرد فرد شما بادیه و کاسه‌ای را که در خانه دارید حاضرید همه را در راه نجات وطن در اختیار حکومت خدمتگذار خود بگذارید و گلیم زیر پای خویش را در گذرها بفروش برسانید .

در پایان این پیام حاجت‌تذکار نیست که هوشمندی و شرافت کارمندان و کارگران ایرانی مخصوصاً در منطقه نفت‌خیز در پیشرفت و انجام این مضمون ملی تاکنون بی‌نهایت مؤثر بوده و یقین دارم این متانت و خونسردی قابل تحسین ناپایان کار کاملاً حفظ خواهد شد و ما را هر روز بقصود نهایی نزدیکتر خواهد ساخت . عرایض خود را یاد رود قنبری بشما و با اتکاء بحول و قوه الهی و با امید موقبت ملت لایق و رشید ایران با بان می‌دهم .

## نامه آقای سدان باقاي وزير دارائي در تاريخ ۲۰ تيرماه ۱۳۳۰

جناب آقای محمد علی وارسته وزير دارائي  
بنابر اطلاعي که از متر دريك رسیده از طرف هيئت مديره شرکت ملي نفت  
نامه ای بشاراليه نوشته شده که حاوی نکات سه گانه ذیل ميباشد .  
۱- متر دريك کتباً اطلاع دهد که آیا حاضر است برای شرکت ملي نفت خدمت  
کند ياخير ؟

۲- از متر دريك تقاضا شده است که بطور بغيثنامه بکليه کارمندان درمراکز  
اخطاربه ای فرستاده شده آن قسمت (۱) تصويبنامه هيئت وزيران را که در ۲۹/۳/۵  
اعلان گردیده بااطلاع آنها برساند .

۳ - بهيچيك از کارمندان فعلا اجازه مرخصي داده نشود .  
اينک وظيفه عاجل خود ميدانم خاطر آنجناب را متذکر دارم که اقدامات مذکور

فوق متضمن احتمال قوی بر استعفای دست جمعی کارمندان بوده و بالتبجه منجر بتعطیل  
هلیات تولید و تحفیه و بارگیری نفت در کشتیهای نفت کش خواهد گردید.

بنابراین از لحاظ جان افراد و معافله دستگامها تقاضا دارم که چنانچه چنین  
وضعیتی پیش آید با اعضای هیئت مدیره شرکت ملی نفت دستور داده شود که در کلبه  
مواقیمکه دستگامها تعطیل میشود حضور داشته باشند.

حلت تقاضای ما این است که اجرای تعطیل احتمالی خطر فوق العاده دارد و محتاج  
بعمل متخصصین بدون هیچگونه مداخله خارج خواهد بود.

حضور اعضای هیئت مدیره برای این منظور تقاضا میشود که مراقبت شود هیچ  
نوع مداخله ای صورت نگیرد.

با تجدید احترامات فائده - از طرفی شرکت نفت انگلیس و ایران \*

خرداد ۱۳۴۰

**پاسخ آقای وزیر دارائی**  
**به نامه آقای سدان نماینده شرکت سابق نفت**  
**در تاریخ اول تیرماه ۱۳۳۰**

نامه شماره ۳۰۲۲۱ مورخ ۳۰ خرداد و اصل از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید اینکه نگاشته اید مندرنامه هیئت مدیره شرکت سابق نفت بعنوان متر دریک و ابلاغ نکات سه گانه مندرج در نامه مزبور ممکن است احتمالات موجب استغای دسته-جمعی کارمندان و بالتجبه تعطیل عملیات تولید و تصفیه و بارگیری نفت گردد باعث تعجب گردید زیرا در مواد یک و دو نامه هیئت مدیره هیچ مطلب و موضوعی که استغای دسته-جمعی مستخدمین شرکت سابق را ایجاب نماید مشاهده نگردید. نسبت برخصی موضوع ماده سه نیز تحقیق و معلوم شد مقصود بهیچوجه جلوگیری از برخصی هائی عادی که بازعایت نظامات داده میشود نبوده بلکه فقط برخصی هائی است که بدون رعایت تأمین حسن جریان کاری در غیرموقع لزوم درخواست شده باشد.

بطوری که کار را تذکر داده شده دوات شاهنشاهی علامند است که عملیات

تاسیسات نفت دچار کوچکترین وقفه نگردد . بهمین جهت موافقت خود را برای قبول ادامه خدمت مستخدمین مورد بحث قبلا با اطلاع رسانیده است حالا هم يك بار دیگر این نظر را تأیید و تقاضا میکند بامورین مذکور ابلاغ نمایند کما فی السابق بخدمت خود ادامه دهند و مطمئن باشند که در مقابل انجام صادقانه خدمات معوله از کلیه حقوق و مزایایی که تا کنون استفاده میکرده اند در آتی هم بهره مند خواهند بود با وجود این اگر باز هم مستخدمین مذکور نخواهند بخدمت خود ادامه دهند اقتضا دارد کناره گیری آنان تدریجی و با اطلاع قبلی صورت بگیرد تا دولت شاهنشاهی بتواند مستخدمین فنی دیگر بجای آنها انتخاب نماید .

بنا بر این مذکور دولت شاهنشاهی انتظار دارد در این موضوع مصلحت عمومی را در نظر گرفته و از مبادرت با اقدامی که ممکن است برای استفاده کنندگان از نفت ایجاد زحمت و خسارت نماید اجتناب ورزند .  
وزیر دارائی

## متن اظهارات آقای صالح رئیس هیئت مختلط نظارت

بخبیر نگاران خارجی

در تاریخ اول خرداد ۱۳۴۰

چون در بعضی اخبار خارجی جته و گریخته مطالبی تصادف میشود که ممکن است در نتیجه غلیان احساسات ملت ایران آسیبی بمال و جان اتباع انگلیسی متوجه بشود و باوقفدای در امر تولید و صادرات نفت حاصل گردد و در خصوص این اخبار سئوالاتی از هیئت مختلط بعمل آمده لازم میدانم بگویم که اینگونه اخبار یا معلول سوء تفاهم و بی اطلاعی نشر دهندگان آنست و یا نتیجه سوء نیت آنها - امر ملی کردن صناعت نفت که حق خاکبیت ملی ایران است از تباطلی بمال و جان اتباع انگلیسی ندارد .

آنچه دولت و ملت ایران از شرکت نفت سابق درخواست میکنند اینست که حق مسلم ما را بخودمان واگذار کند و جز این مرامی و هدفی ندارد و مال و جان اتباع انگلیسی و کلیه اتباع خارجه در کشور ما مصون است و دولت ایران در همه حال کاملاً مسلط بر اوضاع است و اجازه نخواهد داد نسبت بمال و جان احدی اندک تجاوزی بعمل آید .

در حقیقت اینگونه اخبار بی اساس است که مردم را تحریک میکند و نگرانی بوجود می آورد همچنین در اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت ایران اقدامی که موجب ایجاد وقفه در وصول نفت بمالک غربی باشد بعقل نخواهد آمد و اینکه از طرف معانف شرکت نفت گفتگوی تهدیدآمیز استعفای دستجمعی مامورین و متخصصین انگلیسی بمیان آمده باید بگوئیم که دولت و ملت ایران راضی نبوده و نیست حتی يك ساعت وقفه در امر استخراج و صدور نفت روی دهد زیرا در نتیجه هم ایران و هم خریداران سابق متضرر خواهد گردید .

روی همین موضوع مهم است که ما پیشنهاد کرده ایم کلیه مستخدمین شرکت سابق نفت اعم از ایرانی و خارجی با همان حقوق و مزایا و حقوق قاعد در خدمت دولت ایران باقی بمانند و وظایف خود را انجام دهند تا هیچگونه وقفه در امور بهره برداری حاصل نشود .

حد اکثر کوشش را میکنیم : ما انتظار داشته و داریم که کارمندان شرکت سابق نفت با رعایت مصالح ملل آزاد این نظر دولت را بحسن قبول تلقی نمایند و بنا خودداری از ادامه کار موجب ایجاد وقفه در وصول نفت بمالک غربی نشوند هر گاه بر خلاف انتظار و آمال ملت ایران کارشناسان دست از ادامه خدمت بردارند دولت ایران حد اکثر کوشش را خواهد نمود تا میزان تولید را با توجه به توانائی فنی خود نگاهدارد ولی اگر عملاً انجام این هدف غیر ممکن گردد دولت ایران بهیچوجه مسئول معیقه‌هاییکه از این راه برای ملل غربی و مصرف کنندگان سابق نفت حاصل شود نخواهد بود و برای رسیدن بامستقلال کامل اقتصادی و تأمین حاکمیت ملی خود حاضر است هر گونه محر و هیتی را که از این پیش آمد حاصل شود تحمیل کند .

اختلاف ما با شرکت سابق بر سر ملی شدن نفت نباید سبب و بهانه شود که شرکت سابق بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحریکاتی بکند که نتیجه اش ایجاد وقفه در امر تولید مواد نفتی باشد و نسبت به کشور ما و تمام خریداران سابق حتی بخود انگلستان موجب خسارت جبران ناپذیر نگردد . با این ترتیب دولت ایران حاضر است در حدود قساون هر گونه تسهیلات را بعمل آورد تا آنکه تأخیر یا نقصانی در امر استخراج و توزیع روی ندهد . البته اگر شرکت سابق نفت بخواهد تثبیت بوسائلی کند که منجر به تعطیل کار گردد سبب خسارتی خواهد بود که از وقفه محصول بوجود میاید دولت برای جلوگیری از هر گونه پیش آمد که موجب وقفه جریان نفت باشد یگبار دیگر بمديران شرکت سابق اعلام داشت که مستخدمین انگلیسی یا همان حقوق و مزایا و حقوق قاعد خدمت خود را ادامه دهند تا قصائی در امور بهره برداری روی ندهد . امید ما اینست که این تصمیم که بنفع همه است مورد توجه خاص واقع گردد .

بدیهی است اگر کار به بن بست رسید و هیچگونه مساعدت و تفاهم مشهود نگردد دولت مجبور خواهد شد چاره جوئی های دیگر بکند و از متخصصین دیگر استفاده نماید .

دنیا باید بداند دولت ایران بهیچوجه نمیخواهد مشکلی بر سر راه بهره‌برداری چه از لحاظ اداری و چه از لحاظ فنی ایجاد کند بلکه درست و برعکس هر گونه تسهیلات و تشویقات را برای تأمین حسن جریان امور بعمل آورده و می‌آورد.

درخاتمه عین دستور هائی را که تاکنون برای تأمین این منظور ابلاغ و منتشر شده است مجدداً برای اطلاع عامه نقل میکنم :

#### عین دستورات

- اول - ماده ۲ مقررات هیئت مختلط معسوب جلسه پنجشنبه ۲۶ - ۳ - ۱۳۳۰ عین ماده . کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه شرکت سابق نفت کماکان بخدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند .
- دوم - اعلامیه هیئت مدیره موقت مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۰
- ماده ۲ - کلیه کارمندان و کارگران شرکت سابق اعم از ایرانی و خارجیانیکه صمیمانه حاضر باشند زیر نظر هیئت مدیره ایرانی وظایف خود را انجام دهند مستخدم دولت ایران و همکار ارجمند ما معسوب شده میتوانند مطمئن باشند در صورت خدمت صادقانه در حقوق و مزایا و حیثیات آنها کوچکترین خللی وارد نخواهد شد .
- ماده ۳ - کارمندان و کارگران خارجی که در سرپستهای خود باقی بمانند و صادقانه خدمت نمایند مورد احترام و محبت ایرانیان قرار خواهند گرفت و لازمست کارمندان و کارگران ایرانی آنها را همکار صمیمی خود و مستخدم دولت ایران شناخته از مهربانی و مهمان نوازی چیزی فروگذار ننمایند .
- ماده ۴ - نسبت بکارمندان و کارگران خارجی که مایل باشند ایران را ترک نمایند هیچگونه اکراه و آزاری بعمل نیآمده با حسن مشایبت و وسائل عزیمت و تصفیه حسابشان بعمل خواهد آمد .



## متن تلگراف دیوان لاهه بوزارت خارجه ایران

در تاریخ ۲ تیر ۱۳۴۰

وزیر امور خارجه - تهران - ایران

۱۳۹۱۵ عطف به نامه مورخ ۲۶ مه اینجانب در اجتمع بموضوع شرکت نفت انگلیس و ایران توقیراً با اطلاع آنجناب میرساند که دولت بریتانیا امروز تقاضائی تسلیم داشته است مبنی بر اینکه بموجب ماده ۴۱ اساسنامه و ماده ۶۱ نظامنامه اقدامات نامینبه بعمل آید . تقاضای مزبور از ایترار است .

اول - دولت ایران بایستی شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس و کارکنان و نمایندگان آن اجازه اکتشاف . استخراج . حمل . تصفیه . یا عمل دیگری برای فردشو صدور نفت و ادامه عملیاتیکه قبل از اول ماه مه بعمل میآمده بدهد دولت ایران و کارکنان و نمایندگان و کپته و کیسیونیکه از طرف آن تعیین شده نباید در امور کپانی مداخله کرده و مانع عملیات شرکت شود یا آن عملیات را در معرض مخاطره قرار دهد .

دوم - دولت ایران بوسیله اعمال اجرایی یا قانونگذاری یا قضائی نباید مانع عملیات شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس یا مستخدمین یا نمایندگان آن شده یا از ادامه عملیات آن جلوگیری بعمل آورد .

سوم - دولت ایران نبایستی بوسیله عملیات اجرایی یا قانونگذاری یا قضائی شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس را توقیف یا قبضه نموده و یا سعی در قبضه و توقیف آن نماید و این تصمیم بدون تعصب شامل اموالی است که دولت ایران قصد ملی کردن یا مصادره نموده آنرا دارد .

چهارم - دولت ایران نبایستی بواسطه عملیات اجرایی یا قانونگذاری یا قضائی وجوه حاصله بوسیله شرکت یا در تملک و اختیار شرکت و همچنین وجوهی که دولت ایران قصد ملی کردن یا مصادره نمودن آنرا دارد یا وجوهی که بوسیله اموال ملی شده شرکت بدست آمدن قبضه یا توقیف یا سعی در توقیف و قبضه آن نماید .

پنجم - دولت ایران نبایستی بوسیله عملیات اجرایی یا قانونگذاری یا عملیات قضائی بغیر از طبق مفاد قرارداد ۱۹۳۳ یا اقداماتی که بوسیله دیوان تعیین شود شرکت را ملزم یا سعی در الزام استرداد وجوه مزبور نماید .

ششم - دولت ایران باید مراقبت نماید که هیچ اقدام دیگری بعمل نیآورد که موجب شود حق دولت انگلیس در صورتیکه رای دیوان بر له آن دولت باشد تضییع گردد .

هفتم - دولتین ایران و انگلیس بایستی مراقبت نمایند هیچ اقدامی که موجب تشدید یا بسط اختلافی که بدیوان تسلیم شده است بعمل نیاید خلاصه دولت ایران بایستی از تبلیقاتی که باعث تهییج افکار و عقاید بر ضد شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس و دولت متحد انگلستان گردد خودداری نماید .

امروز متن تقاضا را بوسیله هواپیما برای آنجناب ارسال میدارم و از هر اقدامی که نسبت بان بعمل خواهد آمد آنجناب را فوراً متحضر خواهند ساخت .

**کارنیه گواهی که مکمل منشی دادگاهها**

متن تلگراف دیوان داوری لاهه به  
وزارت امور خارجه ایران  
در تا. بیخ ۴ ایر ماه ۱۳۳۰

ژوراس ۵۹ د ل ن ۲۱۹۱ اس سکر اون هاك ۲۴۶ ۲۳ ۱۹۱۵ کشور  
شاهنشاهی وزیر امور خارجه ایران - تهران  
۱۳۹۲۶ بازگشت به تلگراف خود بشماره ۱۳۹۱۵ راجع به موضوع انگلیس  
و ایران و تقاضای اقدامات تأمینیه احتراماً متن پیامیکه دیوان بین المللی داوری به آنجناب  
وجناب نعمت وزیر ایران بشرح زیر میفرستد باستحضار عالی میرسانم اقدامات اولیه  
جهت احضار چون دیوان میبایستی تشکیل جلسه داده و به تقاضای تعیین اقدامات تأمینیه  
که در تاریخ ۲۲ ژوئن (۳۱ خردادماه ۱۳۳۰) از طرف نماینده دولت پادشاهی انگلستان  
تسلیم شده است رسیدگی بعمل آورد بموجب ماده ۶۱ نظامنامه اینجناب باید اقدامات  
که بنظر ضروری میرسد بموقع اجرا بگذارم تا دیوان بتواند بنحو مقتضی تصمیم بگیرد.  
بدین منظور احتراماً توجه آن جنابان را باین نکته جلب مینمایم که دولت شاهنشاهی

یادارات تابعه امر دهند که از اتخاذ هر تصمیمی که مانع اجراء عمل دستوری را که دیوان ممکن است صادر نماید یا در اجراء آن تولید مشکلات کند خودداری نمایند. و مراقب باشند اقدامی بعمل نیاورند تا اختلاف را که بدیوان مراجعه شده شدیدتر نمایند. ترتیبی که دولت شاهنشاهی در این زمینه خواهد داد به هیچوجه مانعی در پیشرفت مقاصد و تنظیم دلائل و اظهار نظر که دولت شاهنشاهی مقتضی بداند بدیوان تسلیم نماید یا در جریان محاکمه مربوطه اظهار بدارد نمیباشد راجع به تقاضای اقدامات تأمینیه هر طرف نسبت بآن میتواند در جلسه ۳۰ ژوئن (شنبه ۸ تیر) با بعدا راجع بوضع حال ۲۶ مه (۴ خرداد) که از طرف دولت پادشاهی انگلستان که برئیس دیوان داورى بین المللی برای اخطار بطرف تسلیم شود اظهار نظر نماید.

**کارلیه گوانیه کهک منشی**

## تلگراف از دیوان لاهه به وزارت خارجه در تاریخ ۲ تیرماه ۱۳۳۰

اس ۵۲ دل ن ۲۱۸۲ اس سکران ها که ۴۶ ۲۳ ۱۷۱۵ کشور  
شاهنشاهی وزارت امور خارجه تهران  
۱۳۹۱۹ در تحقیق تلگراف خود بشماره ۱۳۹۱۵ احتراماً باطلاع آنجناب  
میرسانم که دیوان در تاریخ شنبه ۸ تیرماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئن ۱۹۵۱) ساعت ده و نیم  
صبح تشکیل جلسه خواهد داد تا طرفین بتوانند ایرادات خود را نسبت به تقاضای اقدامات  
تامینیه که از طرف انگلستان بعمل آمده اظهار نمایند.  
کاریه جوانیه کمک منشی بین دادگاه ها

## قبض رسید بارگیری

این قبض را بدست که شرکت ملی نفت ایران  
 تهیه نموده و نا کشتیها آفرامان نکند ، اجاره  
 شرکت نموده اند .

### رسید بارگیری

شرکت ملی نفت ایران  
 رسید بارگیری فرآوردهای نفتی  
 اینجانب ناخدای کشتی ... دارای شناسنامه شماره ... بموجب  
 بارنامه شماره ... متن تحویل مقصد ... بندر ... بارگیری کردم  
 امضاء

## اظهارات آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان در باره وضع ایران در مجلس عوام انگلستان در تاریخ ۴ تیر ۱۳۴۰

» من باید بنمایندگان اطلاع دهم که پیش آمد های اخیر در قضیه نفت ایران خیلی ناگوار و جدی است .

هیئت مدیره موقت اصرار داشته که تمام کشتی های نفت کش که برای بارگیری نفت باآبادان می آیند باید رسیدی حاکی از تصدیق اینکه نفت متعلق بشرکت ملی نفت ایران است امضای نمایند و بکشتی هائیکه از امضای این رسید استکاف کنند یا بخواهند مطلبی بآن بنظور حفظ حقوق قانونی شرکت نفت انگلیس و ایران اضافه کنند از طرف کمربك اجازه حرکت داده نخواهد شد .

هیچیک از ناخدایان این کشتیها حاضر نشده اند این رسید را بدون قید و شرط

امضاء کنند و چند فروند از این کشتی ها که بعضی از آنها بارگیری کرده اند و بعضی دیگر در انتظار بارگیری هستند در بندر آبادان بلا تکلیف مانده اند .

باید اضافه کنیم که آنچه شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت های فرعی آن مربوط است ناخدایان این کشتی ها بهیچوجه چنین رسیدی را امضاء نخواهند کرد .  
کوشش نمایندگان شرکت در تبدیل این روش بجائی نرسیده است بنا بر این شرکت با موافقت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بتمام کشتیهای نفت کش دستور داده است که از آبادان خارج شوند حتی اگر لازم باشد نفتی که بارگیری کرده اند تخلیه نمایند .  
پیش آمد نامطلوب دیگر اینست که در تاریخ ۲۱ ژوئن لایحه ای به مجلس ایران تسلیم شد حاکی از اینکه هر کس نسبت بعملیات مربوط بنفت قصد سوئی داشته باشد و بخرابکاری از قبیل قطع لوله نفت یا از کار انداختن پالشگاه یا وسائل نقلیه دست زند در محاکم نظامی دادرسی شده و بمجازات هائی نامجازات اعدام محکوم خواهد شد این لایحه هنوز در مجلس تصویب نشده است .

اگر این لایحه بصورت قانون درآید دولت ایران گناه هر حادثه ای را در در مناطق نفت خیز که از عدم شایستگی یا دخالت دیگران پیش بیاید بر گردن کارمندان شرکت خواهد اداخت و آنها را بدادگاههای نظامی خواهد کشاند و در نتیجه کارمندان شرکت در مناطق نفت خیز در موقعیت غیر قابل تحمیلی قرار خواهند گرفت .

در حقیقت هم اکنون هیئت مدیره موقت کانگدی به مستر دریگ رئیس شرکت درآبادان نوشته و گفته است عمل وی در جاوگیری از امضای رسید از طرف ناخدایان کشتی صادرات نفت را طبع میکند و از این نظر این عمل خرابکاری محسوب می شود با در نظر گرفتن این اتهام بی اساس و اولتیماتو می که بوی داده شده که امور شرکت را شرکت ایران تحویل بدهد با موافقت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به مستر دریگ دستور داده شد که به بهره برود و در آنجا همچنان ریاست امور شرکت را

در ایران و عراق در دست گیرد بجای وی مستر مین پست نمایندگی شرکت در ایران تعیین شده که در اموری که تماس با هیئت مدیره موقت را ایجاب نماید انجام وظیفه کند .  
دو باره اتهام و خراب کاری که ایرانیها بمستر دریگ چسبانده اند مکرر بدولت

ایران در باره خطرات جانی که میکنند در اثر دخالت در کار این صنعت بفرنج پیش آید اخطار شده است اگر این قبیل حوادث پیش آید قطعا گناه کارمندان شرکت نخواهد بود زیرا این کارمندان ثابت کرده اند که در کار خود مجرب و متخصص اند و بآنها دستور داده شده است که از هر اقدامی که ممکن است عملیات شرکت را بخطر اندازد اجتناب نمایند . بنا بر این من از جلا جدا چنین تصویری را که اگر حادثه ای رخ دهد در اثر خرابکاری کارمندان انگلیسی باید دانست رد میکنم اگر دولت ایران در این رویه پشیمانی کند شرکت علاجی نخواهد داشت مگر اینکه در عرض چند روز بعملیات خود در آبادان پایان دهد .

وسعت انبار های نفت خیلی محدود است و پالایشگاه هم نمیتواند کار کند مگر



اینکه کشتی های نفت کش نفت را صادر کنند .

بلاشك مكنت وضع و خیمی در جنوب ایران یش آبد که مسئولیت آن بر عهده دولت ایران خواهد بود نخت وزیر ایران و دولت وی باید بداتند که بر طبق قوانین بین المللی مسؤل حفظ جان و مال اتباع انگلیسی در ایران می باشد و اگر نتوانند این وظیفه را انجام دهند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود آن را به عهده خواهد گرفت و برای انجام این منظور وسائل لازم را بکار خواهد برد . مجلس میتواند مطمئن باشد که ما تهیه این کار را دیده ایم و میتوانیم سر بها اقدام کنیم البته مجلس انتظار نخواهد داشت که چگونگی این امر را بتفصیل شرح دهیم ولی من می توانم بنمایندگان اطلاع دهم که برزمنه و موریشوس فرمان داده شده است که فوراً بحومه آبادان عزیمت نماید . ما هنوز هم مانند همیشه حاضریم در باره حل دوستانه موضوع عملیات آینده شرکت نفت انگلیس و ایران با دولت ایران مذاکره کنیم بقیده ما تنها راه ادامه صادرات نفت ایران بیازار های طبیعی آن حل این موضوع است و جای بسی تاسف است که دولت ایران دست با قدمانی بزند که نتیجه مصیبت آمیزی برای سعادت آینده کشور ایران بار آورد .

## پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر بکارمندان و کارگران خارجی مناطق نفت خیز در تاریخ سه شنبه ۴ تیرماه ۱۳۳۰

آقایان محترم از تاریخیکه قانون ملی شدن صنایع نفت و طرز اجرای آن اعلام گردیده دوات و ملت ایران باتمام علاقه مایل بوده اند از کلیه کارشناسان و کارمندان و کارگران خارجی که در شعب مختلف صنعت نفت بخدمت مشغول میباشند کفایتی السابق استفاده کامل بعمل آید و استخدام آنان با همان حقوق و مزایا و حقوق تعاعد ادامه یابند و سائل هر گونه تشویق آنان فراهم گردد تا آنان بتوانند بارفاه و اطمینان عمل بهره داری نفت را که برای دول غریبی و خود ایران اهمیت حیاتی دارد حتی بهتر از سابق ادامه دهند با کمال تأسف از قراریکه شنیده میشود صحبت استغفای دسته جمعی آقایان بیسار آمده در صورتیکه هیچگونه مجوزی برای این کار نیست و چنین اقدامی نه فقط برای دولت ساهنشاهی ایران مستلزم ضرر است بلکه برای دول مصرف کننده نفت ایران هم متضمن ضرر هنگفت خواهد بود .

- آقایان بدانند که برخلاف شایعات تحریک آمیز هیچگونه نگرانی نسبت به مال و جان و رفاه و آسایش شماها قابل تصور نیست اگر شما بخواهید با صداقت و خیر خواهی فعالیت منبر خود را در کار نفت ادامه دهید البته کشور ما شمارا با نهایت گرمی مانند اینکه در خانه خودتان هستید خواهد پذیرفت و کنتراتی که شرکت سابق نفت انگلیس و ایران با شما امضاء کرده بقوت خود باقی و کلبه حقوق و مزایا و حقوق تقاعد و مرخصی شما را مرعی و محترم خواهد داشت دولت شاهنشاهی امیدوار است که این دعوت را صادقانه تلقی نمایند و با صداقت بپذیرند و با اعتماد و دلگرمی مشغول کار و خدمت مهم خود باشید .

**نصحت وزیر ایران - دکتر محمد مصدق**

## بیانیه وزیر امور خارجه امریکا در باره ایران در تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۳۰

مگرانی که من در هفته گذشته در باره تحولات ایران اظهار نمودم با آنچه که در ظرف چند روز گذشته در آن کشور بوقوع رسیده افزایش یافته است. مناسفم که اظهاردارم دولت ایران بطرزی درملی کردن صنعت نفت مشغول اقدام است که بالشکاه بزرگ آبادان را به متوقف شدن تهدید میکند و این امر عدم ثبات وضع ایران و مشکلات اقتصادی آن را موجب گردیده و برای مردم ایران هم اثرات سوئی را در بر خواهد داشت - آمریکا کراراً و علناً همدردی خود را نسبت به آمال مردم ایران برای تسلط یافتن بر منابع طبیعی خود اظهار داشته است. مهمفاً قویاً تأکید نموده که هر گونه تغییراتی در مناسبات بین دولت ایران و مؤسسات ذینفع انگلیس بر اساسی که موافق با مسئولیت های بین المللی هر دو کشور باشد فراهم گردد عقیده راسخ آمریکا این است که میتوان اساس را برای موافقت پیدا کرد. بنا بر این ما، آبوس شدیم از اینکه پیشنهاد آخر انگلیس به

ایران که اصل ملی شدن را قبول نموده و نظریات پیشنهادی مساعدی را نیز در برداشت غفلتاً و بدون مطالعه و تشخیص اینکه آیا ممکن خواهد بود آن پیشنهاد اساس مذاکرات بیشتری واقع گردد از طرف دولت ایران رد شد محیط فعلی ایران ظاهراً طوری است که اجازه کردن دستگاه وسیع تولید و تصفیه نفت را برای کارشناسان انگلیسی و باکارشناسان هر کشور دیگری بی نهایت مشکل ساخته است - این محیط بیم و تهدید که ناشی از اقدامات هجولانه است برای اجبار همکاری در اجرای قانون ملی کردن نفت نتیجه در بر نخواهد داشت مگر اینکه روحیه کارمندان و بالنتیجه تسایل آنها را پماندن در ایران سخت متاثر سازد بعلاوه وقفه فعلی که در محصولات نفتی حاصل شده وابستگی این صنعت را به وسائل حمل و کشتی رانی و فروش در بازارهای خارجی نشان میدهد بدیهی است در صورتی که ترتیباتی سریعاً بعمل نیاید که حمل مجدد نفت را بکشتی های نفت کش که حالیه متوقف شده اند اجازه دهد و سایل ذخیره نفت پر خواهد شد و پالشگاه دوچار وقفه خواهد گردید حاجت به آن نیست که نتایج و اثراتی را این کار که متضمن خواهد بود تا کید قرار دهم نظریه خطرات بزرگی که وضع کنونی ایران در بر دارد ر بنا به ملاحظه شدید آمریکا پانکه مشاهده نماید که ملیت ایران بدون درخطر انداختن اقتصادات و جامعه خود به آمال ملی خود نائل گردد قویا امیدوارم که ایران در اقدامات کنونی خود تجدید نظر نموده و طریقی را اتخاذ خواهد کرد که از مخاطرات خط مشی فعلی احتراز و ادامه عمل صنعت نفت را ممکن سازد و در صورتی که در حال حاضر حصول توافق بر یک اساس دامنه دار تشریک مساعی شایسته امکان پذیر نباشد صمیمانه امیدوارم پاره ترتیبات موقتی بعمل آید که بموقعیت طرفین لطفه وارد نسازد بلکه به کارشناسان انگلیسی اجازه دهد که در ایران باقی بمانند و مسئله تولید و حمل نفت بدون وقفه ادامه یابد تا اینکه به ا ترتیبات دیگر که جنبه ثابت تری داشته باشد فراهم گردد .

پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
 با آقای ترومن رئیس جمهوری امریکا  
 در تاریخ ۵ تیر ۱۳۴۰

حضرت آقای ترومن رئیس جمهور ممالک متحده امریکای شمالی : نظر بملاقه ای که از طرف شخص حضرت رئیس جمهور نسبت بمصالح کشور ما عموماً و نسبت بمسئله اخیر نفت خصوصاً ابراز شده و حتی در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۱ شخصاً پیامی در اینباب به اینجانب فرستاده اند لازم میدانم بآورد دیگر باستحضار خاطر عالی برسانم که دولت شاهنشاهی ایران بر حسب وظیفه ای که از طرف مجلس شورای ایللی و سنا با و محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور و طرز اجرای آنرا در اسرع اوقات به موقع اجرا بگذارد با اینهمه بعلت لزوم اقدامات اولیه از طرفی و برای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگر عمل اجرا با نهایت احتیاط و بتدریج آغاز گردید تا فرصت باقی برای مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد . دولت شاهنشاهی با کمال صداقت حاضر بود از این فرصت حد اعلا ی استفاده

بشود مخصوصاً بر اثر پیام آن حضرت و وساطت دوستانه جناب سفیر کبیر امریکا باین موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و با تقاضای شرکت سابق راجع بتمدید مهلت برای شروع مذاکرات موافقت کرد و بدین ترتیب یکماه و نیم از وضع قانون گذشت .  
دولت ایران قبلاً و کراً اعلام کرده بود که در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن میتواند بنمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حاضر است در مسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتله شرکت سابق و فروش نفت بخریداران سابق و امثال آن با کمال میل مذاکره نماید و از این لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت را بتهران حسن استقبال کرد و منتقم شمرده ولی با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهاد هائی بر خلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند که دولت نتوانست به مذاکرات ادامه دهد .

دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد بهر عنوان که باشد نگذارد در بهره برداری و فروش نفت بخریداران سابق حتی يك روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمود که حاضر است کارمندان و کارشناسان و کارگران خارجی را با همان مزایا و حقوق و همچنین حقوق قواعد استخدام کند و وسائل هر گونه تشویق آنان را فراهم آورد بترکیب و ترتیب تاسیسات شرکت سابق دست نزند و مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد ولی با نهایت تأسف مشهود میگردد که اولیاء شرکت سابق شروع به عملیاتی نموده که ناچار در صادرات نفت ایجاد وقفه خواهد نمود بدین معنی که :

اولا - کارمندان را به ترك محل خدمت تشویق و دولت را باسته‌فای دست جمعی آنان تهدید میکنند .  
ثانیاً - کشتی‌های حامل مواد نفتی را وادار میکنند از دادن رسید بهیستمدیره شرکت ملی نفت خود داری نمایند .

گرچه ملت ایران برای انجام مقصود خود را برای هر گونه بهره‌رو بیت آماده کرده است با اینحال تردید ندارد که خوا بیدن دستگاہ بهره برداری تنها ضرر مانیت بلکه ضرر انگلستان و کلیه دولتی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده میکنند تمام میشود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عاقبت وخیم را متذکر باشند .

بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتیکه در نتیجه دست از کار کشیدن دست جمعی کارمندان انگلیسی یا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی بملت ندادن رسید و فته‌ای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تأسف است و در این صورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت خواهند بود این نکته را نیز لازم است متذکر شود که با وجود ابراز احساسات ملی در ایران بهیچوجه خطری نیست بامنیت جانی مالی اتباع انگلیسی متوجه نیست و انتشار اینگونه اخبار بی اساس از طرف اعمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت

سابق مطابق انتظار دولت ایران رفتار کند ابدأ جای نگرانی نیست و دولت شاهنشاهی کاملاً «بر اوضاع مسلط است» نظر باینکه بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه بر قرار بوده و رجاء و اتق هست که هیچوقت کوچکترین خللی باین حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند امریکائی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری های آن ملت نیک نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است لذا لازم دانستم خاطر آنحضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا در این موضوع مهم از معاضدت بآمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد

در خاتمه احترامات فائقه و ادعیه خالصانه و خیر خواهانه خود را تقدیم میدارد .

**نخست وزیر ایران**



صورت مجلس مذاکرات  
جلسه عمومی دیوان بین‌المللی  
دادگستری لاهه - (۲۰ ژوئن ۱۹۵۱) (۸ تیر ۱۳۳۰)  
برای رسیدگی به عرضحال دولت انگلستان درباره اقدامات تأمینی  
علیه دولت ایران .

دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه ۱۹۵۱  
جلسه عمومی که روز شنبه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱ ساعت ۱۰ و نیم صبح در  
کاخ صلح در لاهه تحت ریاست آقای بادوان رئیس دیوان منعقد گردید .  
جریان مشروح مذاکرات استوگرافی شده

حاضرین :

رئیس بادوان

نایب رئیس گمرو

قضات :

الوارز - هاک ورتش - وینارسکی - زدیسک - دویشر - سرارنلد مک تیر -

کلاسنار - بدوی باشا - رد - هویر - دقتردار هامبرو

اشخاص زیر نیز حضور دارند :

از طرف بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی :

سر فرازك ساسكيس ك • سی • م • پ دادستان کل

سرايريك بكت ك • سی • م • جی • ك • می • مشاور حقوقی وزارت امور خارجه

پروفیسور لوئر باكت ك • سی •

آقای آ • ك • را تنی از اداره شرق وزارت خارجه

آقای فیشر مشاور حقوقی

آقای ك • ج • ن • جانسون مشاور حقوقی اداره تحقیقات وزارت امور خارجه

رئیس - رسمیت جلسه را اعلام میکنم . امروز دیوان برای رسیدگی به تقاضای

تعیین اقدامات تأمینی مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر

علیه دولت ایران در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس که بوسیله عرض حال دولت انگلیس

مورخ ۲۶ می ۱۹۵۱ به دیوان مراجعه شده تشکیل میگردد •

از رئیس دفتر دیوان خواهشمندم متن اصلی اقدامات تأمینی را که تعیین آن از

طرف دولت انگلیس تقاضا شده قرائت نماید •

رئیس دفتر دیوان متن ذیل را قرائت مینماید :

الف - دولت شاهنشاهی ایران باید به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

و کارکنان و مأمورین آن اجازه دهد که نفت را جستجو و استخراج و حمل و تصفیه نماید

و بهر طریق دیگر مورد عمل قرار دهد و آنرا برای تجارت آماده کنند و نفت استخراجی

را بفروشند یا صادر کنند و بطور کلی بهره برداری را که شرکت قبل از اول ماه

می ۱۹۵۱ مینمود ادامه دهد و دولت شاهنشاهی ایران و کارمندان یا مأمورین آن با هر

هیئت و کمیسیون یا کمیته یا دستگاهی دیگری که از طرف دولت نامبرده تعیین شده

باشد باید از هر گونه مداخله که منظور آن ممانعت یا بغضطره انداختن عملیات شرکت

باشد خود داری نمایند •

ب - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچ اقدام اجرائی یا قانون گذاری

یا از طریق قضائی از اجرای عملیات فوق یا ادامه اجرای آن توسط شرکت نفت انگلیس

و ایران جلوگیری و ممانعت از آن کند •

ج - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا

از طریق قضائی هیچیک از اموال شرکت نفت انگلیس و ایران را توقیف یا ضبط نماید

یا سعی در توقیف و ضبط آن کند و بهیچ وجه باین قبیل احوال یا تضام (ولی بدون

لطمه به تعسبی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد) اموالی که دولت شاهنشاهی ایران

تاکنون مای کرده با به نحو دیگری خلع ید نموده لطمه وارد آورد •

د - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون

گذاری یا از طریق قضائی وجوه تحصیل شرکت نفت انگلیس و ایران یا وجوهی که در

تصرف یا تحت نظر شرکت نفت انگلیس و ایران است بانضمام (ولی بدون لطمه به

تصمیمی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد) وجوهی که دولت شاهنشاهی ایران ملی کرده یا به نحو دیگری خلع بد نمود یا وجوه حاصله از اموالی را که دولت نامبره ملی کرده یا به نحو دیگری مورد خلع بد قرار داده توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف یا ضبط آن کند .

ه - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی به شرکت نفت انگلیس و ایران دستور دهد که وجوه مذکور در بند (د) فوق مورد استفاده قرار گیرد یا سعی در صدور چنین دستوری کند مگر آنکه استفاده از این وجوه بر طبق مفاد قرار داد ۱۹۲۳ یا بر طبق هر اقدام دیگری که از طرف دیوان معلوم میشود باشد.

و - دولت شاهنشاهی ایران باید ترتیبی دهد که هیچ اقدامی بعمل نیاید که به حقوق دولت انگلستان در اجرای رانی که دیوان در ماهیت امر بر له او صادر میکند (در صورتیکه دیوان چنین رانی صادر کند) اصرار کند .

ز - دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس باید ترتیبی دهند که هیچ اقدامی بعمل نیاید که اختلاف مرجوعه بدیوان تشدید یا توسعه یابد منجمله دولت شاهنشاهی ایران باید از هر گونه تبلیغات بمنظور تهبیح افکار عمومی ایرانیان بر علیه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان خود داری کند .

رئیس - در روز تسلیم تقاضای تعیین اقدامات تأمینی تلگرافی توسط رئیس دفتر دیوان به وزیر امور خارجه ایران مغایره و استنجاات در خواست مزبور اطلاع داده شد بعلاوه در همان تاریخ رونوشت کامل در خواست مزبور کتبا یا بست هوایی برای نامبرده ارسال گردید .

از طرف دیگر تاریخ تشکیل این جلسه بموجب تلگراف مورخ ۲۳ ژوئن رسماً بطرفین اطلاع داده شد .

دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی سرار یک بکت مشاور حقوقی وزارت امور خارجه را بعنوان عامل و سر فرانک ساسکیس دادستان کل و پروفیورج . لوتر پاکت و آقای فیشر مشاور حقوقی و آقای د . ج . ن مشاور حقوقی را بعنوان مشاور نمایندگی خود معین کرده است .

وزیر امور خارجه ایران تلگرافی به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۵۱ به دیوان مغایره و طی آن علنی را که دولت وی بواسطه آن معتقد است که دیوان باید تقاضای اقدامات تأمینی را رد کند شرح داده است .

اکنون اجازه صحبت به آقای عامل بریتانیای کبیر یا در صورتیکه نامبرده ترجیح دهد به مشاور او داده میشود .

سرار یک بکت ( ترجمه ) آقای رئیس سر فرانک ساسکیس دادستان کل به نام دولت بریتانیای کبیر صحبت میکند .

رئیس - سر فرانک ساسکیس اجازه صحبت دارد .

### سر فرانک ساسکیس - (ترجمه) یا اجازه دیوان

قبل از بیان عللی که دولت بریتانیای کبیر بنا بر آن علل از دیوان تقاضای تعیین اقدامات تأمینی نموده اینجانب مایلم مراتب امتنان دولت انگلیس را از سرعت اقداماتی که ضبق آئین نامه دیوان بعمل آورده و برای رسیدگی به تقاضای ماتشکیل جلسه داده اید تشکر نمایم. لازم بتذکر نیست که تقاضای مامینی بر تعیین اقدامات تأمینی حائز نهایت فوریت است البته دادگاه ضمن تقاضای ما از اوضاع فعلی ایران اطلاع حاصل نموده و اینجانب بعداً طی بیانات خود باره ای حوادث و وقایع دیگری که پس از تقدیم عرضحال بوقوع پیوسته با اطلاع دیوان خواهیم رسانید: دیوان بخاطر دارد که دولت انگلستان در عرضحال مورخ ۲۶ می ۱۹۵۱ که بدیوان تقدیم نموده این حق را برای خود حفظ کرده که طبق ماده ۴۱ اساسنامه دیوان از دیوان تقاضای تعیین اقدامات تأمینی مقتضی را بنماید تاحق دولت انگلستان در حمایت از تبعه خود شرکت نفت ایران و انگلیس در مورد ادامه استفاده از حقوقیکه بموجب امتیازنامه اعطائی سال ۱۹۳۳ دولت ایران بوی تعلق میگردد تأمین گردد.

دولت انگلستان در آن موقع تقدیم چنین تقاضایی را مقتضی نمیدانست زیرا هنوز امیدوار بود که بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس قضیه دوستانه حل شود شرکت قبول کرد که هیئت نمایندگی مخصوصی برای مذاکره با دولت ایران بتهران اعزام دارد و دولت اخیرالذکر نیز قبول نمود که آن هیئت را بپذیرد. دولت انگلستان مایل بوده که از هر گونه اقدامیکه مذاکرات را دچار اشکال کند و امکان نیل به حل قضیه را تقلیل دهد احتراز جوید. هیئت نمایندگی شرکت در تاریخ ۱۱ و ۱۲ ژوئن بنهران وارد و مذاکرات بلافاصله شروع گردید لکن از ابتدا معلوم شد که دولت ایران حتی حاضر نیست در باب توافق دوستانه وارد مذاکره شود و فقط اصرار داشت که قانون اول می ۱۹۵۱ راجع به ملی شدن صنایع نفت را (که در بند ۴ عرضحال دولت انگلیس ذکر گردیده) بشرکت بقبولاند و تقاضا داشت که شرکت در اجرای مقررات قانون مزبور بدون کوچکترین تغییر و تبدیلی همکاری کند دیوان تصدیق مینماید که شرکت نمیتوانست چنین پیشنهادی را قبول کند زیرا شرکت (مانند دولت انگلیس) در مرحله اول معتقد است که قرارداد ۱۹۳۳ نیسبست بدون موافقت شرکت یاطبق مقررات خود قرارداد ابطال شود یا تغییر یابد و ابطال یا تغییریکه دولت ایران خواسته است باوضع قانون ملی شدن صنایع نفت در آن وارد سازد درحکم قضی قرارداد تلقی میشود و مخالف حقوق بین الملل است. در مرحله ثانی حتی اگر شرکت حاضر بود اصولاً نوعی از ملی شدن را قبول کند ممکن نبودنه قانونی را که شرکت را بنام شرکت سابق نفت انگلیس و ایران میخواند و هدف آن خلع بد از اموال و بهره برداری شرکت است قبول کند و نه در اجرای آن همکاری نماید. دولت ایران حاضر نبود مذاکرات با شرکت را بر- اساس دیگری ادامه دهد بنابراین مذاکرات مزبور در تاریخ ۱۹ ژوئن خاتمه یافت. بدینطریق معلوم شد که نمیتوان دولت ایران را از طریق مذاکرات اقناع نمود که از

اجرای فوری قانون ملی شدن صنایع نفت و از اقدامات مربوط به اموال و بهره‌برداری شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران که ممکن است آن اقدامات خسارت جبران ناپذیری به اموال مزبور و زیان مهمی به شرکت برساند صرف نظر نماید در این شرایط دولت انگلیس راه حل دیگری نداشت جز اینکه تقاضای تعیین اقدامات تأمینی به دیوان تسلیم نماید.

دیوان بفاطمه دارد که دولت انگلستان در عرض حال ۲۶ می خود از دیوان تقاضا کرده بود که بگوید و قضاوت نماید که دولت ایران مکلف است اختلاف موجود با شرکت نفت ایران و انگلیس را بحکمت رجوع کند و بر طبق هردانی که توسط دادگاه حکمت صادر میشود رفتار نماید.

مضافاً دولت انگلستان از دیوان تقاضا کرده بود که بگوید و قضاوت نماید که اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت ایران تا حدودیکه منظور آن ابطال یا تغییر یک جانبه مقررات قرار داد باشد عملی است مخالف حقوق بین‌المللی و مسئولیت آن متوجه دولت ایران خواهد بود و دولت ایران در صورت امتناع از مراجعه به حکمت بنحویکه در قرارداد مقرر شده مرتکب استتکاف از دادرسی نسبت بشرکت میکرد و این عمل مخالف حقوق بین‌الملل است بملاوه دولت انگلستان از دیوان تقاضا کرده بود که بگوید و قضاوت کند که قرارداد قابل ابطال یا مواد آن قابل تغییر از طرف دولت ایران نیست مگر از طریق تراضی یا شرکت یا طبق خود قرارداد و دولت ایران باید در ازاء اعمالیکه با نقض حقوق بین‌الملل مرتکب میشود بشرکت خسارت و غرامت بدهد. حتی که متعلق به دولت انگلیس است و اینک برای حمایت آن حق از دیوان تقاضای تعیین اقدامات تأمینی دارد این حق است که با شرکت نیمه دولت انگلیس مطابق حقوق بین‌الملل رفتار شود و شرکت استفاده کامل از حقوق خود را مطابق مفاد قرارداد حفظ نماید دولت انگلیس در انتظار تصمیم راجع به ماهیت عرض حال خود سعی دارد که دولت ایران هیچگونه اقدامی بعمل نیاورد که نتیجه آن ضرر اجرای تصمیمی باشد که بر له انگلستان گرفته شود. اقدامات و تهدیدات فعلی دولت ایران طوری است که اگر ادامه یابد اجرای رانی که بر له انگلستان صادر شود غیر مقدور یا لااقل بسیار مشکل خواهد ساخت.

شاید مفید باشد که اینجانب بدوا گزارشی از وقایعیکه منجر باین تقاضا شده است بر سر دیوان برسانم. بطوریکه دیوان اطلاع دارد امتیاز نامه ۱۹۳۳ بر اثر مذاکراتیکه در تهران - ایران و انگلیس منعقد گردیده. مذاکرات مزبور در نتیجه افشای امتیاز نامه سابق از طرف دولت ایران بعمل آمد بین دولت ایران و شرکت نفت و در نتیجه رجوع اختلاف حاصله از آن توسط دولت انگلیس به شورای جامعه ملل شروع گردید. امتیاز سالهای دراز تا سال ۱۹۳۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود و کلیه اختلافاتیکه پیش می‌آمد از طریق مذاکره بین دولت ایران و شرکت حل میگردد. در سال ۱۹۴۸ مذاکرانی بعمل آمد که یک قرارداد العاقبی بمنظور رعایت بعضی تغییرات حاصله در اوضاع اقتصادی بعد از ۱۹۳۳ منعقد گردد.

قرارداد الحاقی در ماه ژوئیه امضاء شد. مطابق این قرارداد حقوق و وجوهی که بدولت ایران تعلق میگرفت فوق‌العاده اضافه میشد ولی اجرای این قرارداد منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران بود. هیچ تصمیمی درباره این قرارداد قبل از انحلال مجلس در ماه ژوئیه ۱۹۴۹ اتخاذ نگردیدند. مجلس جدید در فوریه ۱۹۵۰ تشکیل قرارداد را در ماه ژوئن ۱۹۵۰ به یک کمیسیون پارلمانی ارجاع کرد. در ماه دسامبر ۱۹۵۰ کمیسیون گزارشی مختلف قرارداد تقدیم کرد و مجلس گزارش کمیسیون را در ماه ژانویه ۱۹۵۱ تأیید نمود. در مارس ۱۹۵۱ رئیس کمیسیون که اکنون نخست وزیر ایران است پیشنهاد نمود که کلیه صنایع نفتی ایران ملی شود. در همان ماه مجلس کمیسینی را مأمور بررسی در موضوع ملی شدن نمود و کمیسیون در تاریخ ۲۶ آوریل متن یک طرح قانونی را مبنی بر اجرای فوری اصل ملی شدن تصویب کرد. این قانون عیناً مطابق مضمون پیشنهادی تصویب گردید و در تاریخ اول می اعتبار یافت.

وقایعی که بعداً تا ۲۱ ژوئن ۱۹۵۱ پیش آمد در برک پیوست تقاضای تعیین اقدامات موقتی که در ۲۲ ژوئن تقدیم شده ذکر گردیده لذا حاجت به تکرار آن نیست. از تاریخ تقدیم عرضحال بعد وقایعی که پیش آمده بقرار ذیل بوده و اینجانب آنها را بترتیب تاریخ ذکر مینمایم.

از این وقایع چنین مستفاد میشود که دولت ایران قانون ملی شدن صنایع نفت را اجرا نموده و اختیارات شرکت را سلب کرده است و از کارمندان شرکت تقاضا نموده که کارمند شرکت ملی نفت ایران شوند و کارمندان انگلیسی از انتقال بشرکت اخیرالذکر امتناع ورزیده اند و محصول نفت تحویل یافته و بطور خلاصه نتایجی را که در تقاضای ۲۲ ژوئن دولت انگلیس پیش بینی شده بود شروع بظهور نموده است.

در تاریخ ۱۳ ژوئن هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران از مدیر کل شرکت درخواست صورت فروشهای صادراتی نسبت به مدت ۲۰ مارس الی ۱۱ ژوئن ۱۹۵۱ را نمود و تقاضا کرده که ۷۵ درصد از کلیه وجوهی را که از بابت موسسات ایرانی خود پس از ۱۱ ژوئن دریافت نموده به هیئت موقت تسلیم نماید.

در تاریخ ۱۳ ژوئن هیئت موقت اعلانی در جراید تهران انتشار داد و از وارد کنندگان نفت ایران تقاضا نمود که من بعد فقط با آن هیئت معامله کنند.

در تاریخ ۱۹ ژوئن ضمن ملاقاتی که بین هیئت مدیره موقت و شرکت بعمل آمد از شرکت تقاضا شد که کارمندان را که شرکت سابقاً بعلت فعالیت های مضره احراج کرده است بخدمت بپذیرد.

در تاریخ ۲۰ ژوئن هیئت وزیران ایران مقرراتی وضع نموده مبنی بر اینکه:  
الف - هیچیک از نصیبات مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس اعتبار نخواهد داشت مگر آنکه توسط هیئت مدیره موقت نیز امضاء شده باشد.

ب - تأسیسات شرکت نفت کرمانشاه (شعبه شرکت نفت انگلیس و ایران) در کرمانشاه و نفت شاه واقع در مغرب ایران توسط کارمندان ایران تحویل گرفته

خواهد شد .

ج - کارمندان ایرانی نظارت اداره تهران شرکت نفت ایران و انگلیس را باشب فروش آن در ایران برهیده خواهند گرفت .

د - اداره اطلاعات شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران بسته خواهد شد

ه - در کلیه تابلوهای شرکت در ایران اسم شرکت ملی نفت بجای شرکت نفت ایران و انگلیس نوشته خواهد شد .

و - کلیه عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس حاصله از فروشهای داخلی در ایران بحساب دولت تودیع خواهد شد .

در تاریخ ۲۱ ژوئن جمعیت زیادی بزور وارد اداره مرکزی شرکت نفت انگلیس و ایران در تهران شده و تابلوی برقی بزرگی را که روی آن نام شرکت نفت ایران و انگلیس نوشته شده بود خراب کردند . جمعیت دیگری تابلوی بک نمایندگی فرعی شرکت را در تهران خراب کرد و همچنین جماعات دیگری در تهران حروف اول اسم شرکت نفت انگلیس و ایران را که روی بعضی انومبیل های نفتکش بود پاک کردند . در همان روز شهربانی ایران دفتر فرعی را که شرکت نفت انگلیس و ایران برای اداره اطلاعات خود در تهران اجاره کرده بود و بست کاغذهای وارده و صادره دفتر مزبور را قبض و تصرف نمود .

در تاریخ ۲۱ ژوئن نیز تابلوی شرکت نفت توسط شهربانی از اداره مرکزی شرکت در خرمشهر بر داشته شد همان روزنامه هائی از طرف هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران بنام شخص مدیر کل شرکت ( آقای دریک ) صادر گردید که حاوی تعلیمات ذیل بود :

الف - بکارمندان مرخصی داده نشود

ب - بکلیه اشخاص ذی علاقه اطلاع داده شود که احکام صادره از شرکت نفت انگلیس و ایران در صورتیکه به اعضاء هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران نرسیده باشد بی اعتبار است .

ج - اداره اطلاعات شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان منحل شود .

د - از کلیه مؤسسات واقعه در جنوب ایران اسم شرکت نفت انگلیس و ایران پاک شود .

ه - وجوه حاصله از کلیه فروش نفت در ایران بدفتر معلى دولت که نمایندگی وزارت دارائی ایران را دارد تسلیم شود .

در تاریخ ۲۱ ژوئن لایحه قانونی با قید نهایت فوریت بر علیه اشخاصی که عامداً یا با نیت سوء مبادرت به عملیاتی مربوط به بهره برداری صنایع نفت ایران نمایند بمجلس تقدیم گردید .

متن لایحه مزبور بقرار ذیل است :

ریاست محترم مجلس شورای ملی :

در این موقع که بموجب قوانین مصوبه برای ملی کردن صنایع نفت دولت اقدام

به خلع به شرکت سابق نفت جنوب کرده و وضع خلع بد بر کلیه مؤسسات نفت نموده است برای جلوگیری از پیش آمدهای احتمالی و سد هر گونه ایجاد مانع و خلل در راه موفقیت دولت بحسن انجام کار ماده واحده زیر تقدیم مجلس شورای ملی مینماید و تصویب آن را باقید دو فوریت تقاضا دارد .  
ماده واحده :

از تاریخ تصویب این قانون تا مدت یکسال هر کس در عمل بهره برداری صنایع نفت ملی ایران با قصد سوء و خیانت عملیاتی نماید که منجر بقطع لوله های نفت و یا از کار افتادن کارخانهها و ماشین های تصفیه و یا وسایط نقلیه نفت و یا جریق در چاه ها و مخازن نفت و یا تخریب خط و یا تونل و پل و یا وسایط نقلیه راه آهن بشود محکوم بحبس موقت یا اعدام خواهد گردید مجازات محرکین و معاونین جرم مجازات مجرم اصلی خواهد بود و باین برایم در دادگاههای نظامی رسیدگی خواهد شد .

**وزیر دادگستری**

**نخست وزیر**

در جلسه پنجمینیه ۳۰/۳/۳۰ از طرف آقای وزیر دادگستری تقدیم گردید و بواسطه کمالی نبودن عده تمین تکلیف فوریت بعهده موکول گردید .

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۴۵۶۳

۱۳۳۰/۳/۳۰

باید متذکر بود که مجازاتهای منظوره در این طرح قانونی از زندان با اعمال شاقه شروع و ب مجازات اعدام ختم میشود و جرائم مذکوره در این قانون باید در دادگاه های نظامی رسیدگی شود . اینکه لایحه قانون مزبور قید « نهایت فوریت » داردمعنی آن اینست . ممکن است این قانون در يك جلسه مجلس مطرح و تصویب گردد . طبق آخرین اطلاعات واصله احتمال میرود که این لایحه روز یکشنبه اول ژوئیه مطرح شود . شب ۲۱ - ۲۲ ژوئن ماشین های چاپ شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان بنام يك هیئت اعزامی دولت ایران جبراً توقیف گردید و متصدبان چاپخانه بزور تهدید ملزم شدند که رسیدهای چاپ کنند و رسید های مزبور توسط اشخاصی که بنام هیئت مدیره موقت عمل میکردند برده شده رسیدهای مورد بحث حاوی تصدیقی است که نفت مجبوله در کشتیهای نفت کش از شرکت ملی نفت ایران دریافت شده و گیرنده آن مسئول پرداخت بهای خرید آن میباشد . مقامات ایرانی از فرماندهان نفت کش هایی که برای صدور نفت به بندر آبادان آمده بودند رسیدهایی باین شکل تقاضا کردند و آنها را تهدید نمودند که اگر این اسناد را برای محصولات خود امضاء نکنند از خروج آنها از بندر مناعت نخواهند کرد . مدیر کل از اجرای این امر خود داری کرد ولی فرماندهان کشتیها اجازه داد رسیدهای سیمبولیکی که حاوی مقدار نفت صادره دوهه مورد باشد بدهد . بعد اقراری در همانروز باروز به بین مدیر کل و مقامات ایرانی داده شد که بموجب آن رسیدهای مورد



تقاضای مقامات مزبور بطریق ذیل امضاء شود :

« در عین اینکه بنام روسای خود هیچیک از مندرجات رسیدن فوق را قبول ندارم و بوجوب آن شرکت ملی نفت ایران هیچگونه عنوانی بر نخت ندارد و از طرف گیرندگان مسئولیتی نسبت به پرداخت در مقابل این محموله بخصوص قبول نمیشود اینجانب تصدیق مینمایم که مقدار فوق بشرح مذکور در کشتی بارگیری شده است.»

در تاریخ ۲۳ ژوئن مقامات ایرانی رسیدی بمضمون ذیل برای نفت تقاضا کردند

رسید شرکت ملی نفت ایران برای محمولات نفت :

اینجانب امضاء کننده ذیل فرمانده کشتی نفت کش ۰۰۰۰۰۰ اعلام میدارم که در آبادان بر طبق بارنامه شماره ۰۰۰۰۰۰ مقدار ۰۰۰ تن نفت بحساب ۰۰۰۰۰۰ دریافت داشته‌ام که باید در بندر مقصد ۰۰۰۰۰۰ به ۰۰۰۰۰۰۰ تسلیم نمایم .

امضاء ۰۰۰۰۰ فرمانده کشتی

در جواب این تقاضا به مدیر کل شرکت اختیار داده شد که امضای این رسید ها را اجازه دهد مشروط باینکه عبارت ذیل بآن الحاق شود . اینجانب این رسید را بدون اینکه به حقوق شرکت نفت ایران و انگلیس زیانی وارد شود امضاء مینمایم این عبارت الحاقی جدا از طرف مقامات ایرانی رد شد .

در همان روز ۲۳ ژوئن چند نامه شخصی بعنوان آقای دریک مدیر کل شرکت نفت انگلیس و ایران از طرف هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران صادر گردید در یکی از نامه های مزبور ادعا شده بود که آقای دریک طبق یکی از تقاضاهای سابق شرکت که بر حسب ادعا قبول کرده بوده و عبارت از دالر ساختن سرویسی راجه اقدام در صادرات مواد نفتی و مخصوص جمع آوری رسیدهای دریافتی از کشتیهای نفت کش بوده وقتار نکرده است در این نامه ضمنا اشاره شده بود که در تاریخ ۲۲ ژوئن کشتیهای نفت کش یا از تسلیم رسید مطلوبه خود داری کرده و یا قیودی در آنها نوشته اند که بنا بادهای شرکت ملی نفت از رسیدهای مزبور سلب ارزش مینماید در این نامه ادعا شده که این سیاست راجع بعنوان سوء نیت و کار شکنی بعنوان دیگری نمیتوان تاقی کرد و در صورتیکه در عملیات استخراج تأخیری روی دهد و کشتی های نفت کش از بارگیری نفت خود داری کنند مدیر کل مسئول آن شناخته خواهد شد ادعای اینکه مدیر کل قبول کرده بود که چنین سرویسی را دائر کند در واقع بکلی بی اساس بود .

نامه های دیگری که در تاریخ ۲۳ ژوئن به آقای دریک خطاب شده برای صدور

تعلیماتی در زمینه های ذیل بوده است :

الف - دو نفر ایرانی که عضو شرکت نباشند تعیین شوند که در کار اداره اطلاعات شرکت نفت ایران و انگلیس ( که بعنوان اداره سابق تبلیغات خوانده شده ) از طرف هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران نظارت نمایند .

ب - دستور داده شود که بعضی از واکن های نفت کش راه آهن ایران که معمولا

با نظر شرکت نفت ایران و انگلیس برای حمل نفت بطرف مرکز ایران مورد استفاده قرار میگرفت بلافاصله با مواد نفتی بارگیری شود .

ج - دستور داده شود که تقاضای بارگیری نفت کش وارده به هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران ارائه شود و کشتیهای مزبور ملزم شوند که رسید شرکت ملی نفت ایران را برای صادرات نفتی بدون هیچ قید خاصی امضاء کنند .

در همانروز ۲۳ ژوئن دولت ایران به رئیس فروش در تهران دستور داد که کلیه وجوه دریافتی بابت فروش نفت در ایران را شرکت ملی نفت ایران تسلیم نماید و نامبرده بعدا مجبور شد که این تقاضا را اجرا کند . در تاریخ ۲۴ ژوئن دستور های مؤکدی نظیر همین دستور به رؤسای قسمت های توزیع اهواز و آبادان و مسجد سلیمان داده شد .

در تاریخ ۲۵ ژوئن نامه ای از طرف هیئت مدیره موقت به آقای دریک مدیر کل رسید که طی آن عطف به استعلام سابق مبنی بر اینکه آیا حاضر به ادامه خدمت تحت نظر هیئت میباشند یا نه اظهار شده بود که اگر جواب او تا ساعت ۸ صبح ۲۸ ژوئن واصل نگردد و اگر عملیات هیئت موقت را تسهیل نکنند مستفی شناخته خواهد شد و هیئت شخصی دیگری را بجای او تعیین خواهد کرد .

در همان روز ۲۵ ژوئن نامه ای از طرف هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران به مدیر کل رسید که طی آن منجمله اظهار شده بود که شرکت نفت ایران و انگلیس حق ندارد هیچگونه چکی بدون امضای یکی از حسابدارانی که از طرف هیئت موقت تعیین شده اند صادر نماید .

در همانروز ۲۵ ژوئن آقای دریک مدیر کل ملاقاتی با هیئت مدیره موقت بعمل آورد و طی این ملاقات هیئت نامبرده از استرداد نامه ای که او را منتهم به خرابکاری میکرد خود داری نمود در این شرائط و نظریه مقررات لایحه قانونی که برای دیوان قرائت کردم مدیر کل کشور را ترك کرد . باز در همانروز ۲۵ ژوئن از خروج عده زیادی از کشتیهای نفت کتر تابع انگلیس که نفت بارگیری کرده بودند از بندر آبادان جلوگیری شده مگر اینکه رسید هائی را که مضمون آن برای شرکت نفت ایران و انگلیس غیر قابل قبول بود امضاء کنند .

در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۳ کشتی نفت کش که نفت بارگیری کرده بودند دستور یافتند که معمولات خرد را تخلیه کنند زیرا مقامات ایرانی اطلاع داده بودند که در غیر اینصورت خیال توقیف آنها را دارند .

باز در تاریخ ۲۶ ژوئن مقامات گمرکی آبادان از برگردن مقداری بنزین هواپیمایی در مخازن جلوگیری کردند و بالتبعیجه نلبه زنی بنزین مزبور به بصره در در خاک عراق بوسیله لوله نفت شرکت نفت ایران و انگلیس بناچار قطع گردید

در تاریخ ۲۶ ژوئن روی اسکله آبادان که برای حمل قطعات تعمیر شده ماشین آلات و ذخائر لازم جهت حرکت کشتیهای بکار میرود و قطعات و ذخائر مزبور از کار

گاه‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خشکی به کشتیهای وارنده به بندر حمل می‌شود. یکمته سربازان ایرانی گناشته شده و این سربازان موجب مزاحمت در نقل و انتقال لوازم و آمد و رفت کارمندان شرکت نفت ایران و انگلیس گردیدند. در تاریخ ۲۸ ژوئن ساعت ۹:۲۵ دقیقه صبح پنج نفر از اعضای هیئت مدیره موقت به دفتر مدیر کل شرکت نفت ایران و انگلیس در خرمشهر وارد به معاون وی اطلاع دادند که برای اشغال دفاتر آمده‌اند. بنابراین معاون مدیر کل ناچار گردید که پس از ابراز اعتراض دفاتر را به دست مقامات ایرانی بدهد. کارمندان او نیز مجبور شدند آن عبارت را که معمولاً در آنجا انجام وظیفه می‌کردند ترک نمایند.

وقایعی را که تا امروز اتفاق افتاده شرح دادم اینک می‌خواهم به اصول حقوقی پرداخته و شرح بعضی اصول روش قضایی را که در این باب بنظر اینجانب مشهود می‌آید به دیوان پیشنهاد کنم.

دولت انگلیس ناچار شده است این درخواست تعیین اقدامات تأمینی را در مرحله ای تقدیم نماید که دیوان هنوز صلاحیت خود را برای رسیدگی به درخواست هدیه ۲۶ می معلوم نکرده است. بنا بر این در مرحله اول این نکته را مورد بررسی قرار میدهم که آیا دیوان باید قبل از تشخیص صلاحیت خود نسبت به قضاوت ماهیت امر اقدامات موقتی را تعیین نماید یا نه.

پس از رسیدگی دقیق این موضوع ما معتقدیم که جزئی شکلی موجود نیست که جواب این سوال مثبت است. این جواب مثبت باید بر طبق عقیده متفق علیه مؤلفینی که این مسئله را مطاعاً کرده‌اند داده شود. عقیده اینجانب علل عملی بسیار قوی نیز مؤید این نظریه است.

علیهذا اینجانب بدواً روش قضایی و تهمیبات دیوان را در این موضوع یادآوری مینمایم. در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۲۷ رئیس دیوان قرار دادی راجع به اقدامات تأمینی در قضیه لغو عهد نامه ۱۸۶۵ بین چین و بلژیک صادر نمود. در موقعی که این قرار صادر شد چین هنوز صلاحیت دیوان را بالصراحت تصدیق نکرده بود. در این قرارداد پس اقدامات مختلف تأمینی را: باور موقت در انتظار رای قطعی که دیوان در موضوع عرض حال ۲۵ نوامبر ۱۹۲۶ خواه نسبت به اعلام عدم صلاحیت خود خواه نسبت به رسیدگی در ماهیت امر صادر نماید... تعیین نموده است. در قرارداد توی که در همین موضوع صادر گردید. دیوان این نکته را متذکر گردید که قرار تعیین اقدامات تأمینی مستقلاً قطع نظر از تشخیص صلاحیت دیوان در رسیدگی ماهیت امر صادر شده است. ضمناً متذکر گردید این قضیه بواسطه عرض حال یک جانبه بدیوان مراجعه شده و چون مهلت مقرر جهت تسلیم یادداشت متقابل متقاضی نگردیده مدعی علیه موقتیت نیافته است که قبولی احتمالی خود را نسبت به حق قضاوت دیوان ابراز نماید این مطلب در صفحه ۱۰ متن مشروح است.

در قضیه دیگری قرار اقدامات تأمینی قبل از اینکه دیوان صلاحیت ماهوی را قبول کند نیز صادر شده است. این قرار در تاریخ ۱۱ می ۱۹۲۳ در قضیه مربوط به اداره

پرنس فن پلس (سری الف - ب شماره ۴ صفحه ۱۵۳) صادر شده است. آخرین مقدمه ای که قبل از بیان حکم نوشته شده باین مضمون است: علاوه نظر باینکه بموجب این قرار دیوان نمیخواهد هیچگونه قضاوت قبلی نسبت به صلاحیت خود در رسیدگی به موضوع عرضحال دولت آلمان مورخ ۱۸ می ۱۹۳۲ باین نسبت بوارد بودن عرضحال مزبور بنماید.

پرفسور هودسن قرار صادره در این قضیه را برای تأیید این پیشنهاد که صلاحیت دیوان در تعیین اقدامات مرقت تابع تشخیص قبلی صلاحیت آن در ماهیت امر نیست ذکر مینماید (دیوان دائمی دادگستری بین المللی چاپ دوم ۱۹۴۳ صفحه ۴۲۵ شماره ۱۲) تفسیر مرحوم هاماریس کی اولد رئیس دفتر که بعداً قاضی دیوان بوده در این موضوع از حیث نمونه قرار تعیین اقدامات تأمینی قبل از تشخیص صلاحیت ماهوی - شایسته ذکر است.

نامبرده پس از توضیح اینکه قرار صادره در این مورد بخصوص ممکن است بعلت کیفیات در حکم قرار تعیین اقدامات تأمینی تلقی شود با این عبارات مطلب را ادامه میدهد (بتر این است که عین مضمون را بخوانم):

در شرح علل قرار توضیح داده شده است که دیوان با صدور این قرار مایل است هیچگونه قضاوت قبلی در موضوع صلاحیت خود ننماید لذا این اصل را تأیید نموده است که میتواند عنداللزوم اقدامات تأمینی را قبل از اینکه تشخیص دهد که ماهیت امر در صلاحیت او هست یا خیر تعیین نماید ۰۰۰ (مجله مربوط به حقوق عمومی خارجی و حقوق بین الملل سال ۱۹۳۵ صفحه ۱۹)

درخاتمه آخرین مقدمه قضیه مربوط به فورم فلاحتی لهستان و اقلیت آلمانی (اقدامات تأمینی سری الف - ب شماره ۵۸) بطور غیر مستقیم نشان میدهد که صلاحیت در موضوع اقدامات تأمینی در حکم قضاوت قبلی نسبت به صلاحیت ماهوی نیست. در این مورد دیوان تقاضای دولت آلمان را نسبت به تعیین اقدامات تأمینی از این جهت رد کرده که تقاضای مزبور زیاده برحد مبهم بوده و مهمل رأی در این موضوع بالصراحه بدون در نظر گرفتن اینکه در سایر موارد دیوان مقتضی میداند حق اقدام خود را رأساً اجرا کند و بدون اینکه بهیچوجه در موضوع صلاحیت خود نسبت به رسیدگی بر عرضحال دولت آلمان قضاوت قبلی ننماید صادر شده است. (صفحه ۱۷۸ - ۱۷۹) آقای هامریس کی اولد در مقاله ای که بدان اشاره کردم این قرار را بمنزله مظهر این اصل میداند که تعیین اقدامات تأمینی از موضوع صلاحیت مجزاست. پرفسور هودسن نیز همین عقیده را در رساله ای که راجع به دیوان نوشته (رساله فوق الذکر صفحه ۲۵ شماره ۱۲) بیان میکند و دادگاه های مختلط دآوری را مورد استناد این نکته قرار داده که نه همین اصل جدائی اقدامات تأمینی و هرگونه اعلام مقدماتی صلاحیت است. این جانب در جزئیات این قضا یا وارد نیشوم و چنانچه آقای رئیس اجازه بدهند فقط توجه ایشان را به عوامل مربوط به یکی ازین قضایا که در این سلسله از همه روشن تر است جلب مینمایم و آن قضیه کنتها

دیک بار کوزی - علیه دولت چکواسلواکی است که در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۲۸ توسط دادگاه مختلط دآوری مجارستان و چکواسلوی فیصله یافته است. قضیه مزبور عبوت از اقدام در استر داد مایملک اراضی بوده که توسط چکواسلواکی برای اجرای نقشه اصلاحات روستایی آندولت تصرف شده بود. مدعی در انتظار تصمیم واجع به ماهیت امر از دادگاه تقاضا کرده بود که به مدعی علیه قدغن شود که از وضع حقوقی ملک مزبور را تغییر ندهد و مخصوصاً آنرا تصرف نکنند و ثانیاً ملک مزبور را تحت اقدامات جبری اداری قرار ندهد. در تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۲۷ رئیس دادگاه موقتا قرار می صادر نمود تا بعداً اظهارات طرفین را رسماً اصفا نماید. در جلسه رسیدگی دولت چکواسلواکی مدعی شد که باین قرار در موضوع صلاحیت دادگاه قضاوت قبلی شده است. دادگاه این ادعارا رد کرد و اینجانب اگر اجازه باشد شرح اصولی را که در این مورد توسط دادگاه قابل اجرا است ذکر مینمایم:

« همین قدر کافی است که عدم صلاحیت دادگاه مشهود و بارز نباشد. واضح است است که در این مورد دادگاه نمیتواند وارد موضوع شود: ۰۰۰۰۰۰۰۰ دولت مدعی علیه مدعی است که این ماده « ( یعنی ماده مربوط به آئین دادرسی دادگاه ) شامل این مورد نیست. بالعکس مدعیان جواب میگویند که حق دارند باین ماده استناد کنند. موضوع مطرح میگردد و دادگاه میتواند شروع به رسیدگی به درخواست اقدامات تأمینی را بنماید بدون اینکه در موضوع صلاحیت قبلا قضاوت کند و بالعکس آزادی کامل خود را برای اظهار نظر در این موضوع هنگام ختم رسیدگی درخواست و پس از پایان مذاکرات حفظ نماید. دادگاه میتواند و باید تساوی طرفین را در این مسئله حفظ نماید. امتناع از اتخاذ اقدامات تأمینی تنها بعات اینکه يك درخواست فوق العاده عدم صلاحیت تسلیم شده است بمنزله افتتاح راه گزیری برای طرف است که بخواهد از اتخاذ اقدامات تأمینی بر علیه خود اجتناب نماید و باین اختیاری که بموجب ماده ۲۳ آئین نامه به دادگاه داده شده بیکلی موهوم خواهد گردید. برای مدعی علیه کافی است بعضی اینکه خود را در تنگنا بیند ایراد عدم صلاحیت را پیش کشد تا بدین طریق جلوگیری کند از اینکه دادگاه در طول مدت دادرسی حفاظت شیئی مسود اختلاف یا بطور کلی تساوی طرفین را در جریان معاکه منظور دارد.»

بدین طریق دادگاه میتواند و باید در این قضیه با رسیدگی به حقانیت درخواست اقدامات تأمینی با کمال مراقبت از ورود در رسیدگی وسائل مورد استناد طرفین بر له یا علیه صلاحیت مآهوی خویش خود داری کند. ( مجله حقوق بین الملل عمومی جلد ۳۵ - ۱۹۲۸ صفحه ۶۵ )

شاید لازم باشد که تصریح نمایم ماده ۳۳ که در این عبارت اشاره بدان شده به دادگاه صلاحیتی اعطا میکند که در مورد اقدامات تأمینی بطور محسوس وسیع تر از ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بدین معنی که لااقل دادگاه مطابق مفاد ماده ۳۳ مجاز است چنین قرار را قبل از تسلیم عرضحال رسیدگی صادر نماید. ولی اینجانب خیال نمیکنم که این

اختلاف در اصل موضوع تغییر اساس بندهد. قضایای دیگری هم هست که توسط دادگاه‌های مختلط داوری حل و فصل شده و همین اصل را نشان می‌دهند و تأیید می‌کنند و اینجانب فقط به ذکر اسامی آنها اکتفا مینمایم :

**دعوی شرکت سهامی گازهای زمینی مجارستان بر عایه دولت رومانی**  
که در تاریخ چهارم ژوئیه ۱۹۲۵ توسط دادگاه مختلط داوری رومانی و مجارستان فیصله یافته است

دعوی فردریک هاری بر علیه کارخانه فولادسازی راین که در تاریخ سی ام اکتبر ۱۹۲۰ توسط دادگاه مختلط داوری فرانسه و آلمان فیصله یافته

دعوی دی بلت بر علیه اتحادیه اطریشی و دولت اطریش که در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۲۵ توسط دادگاه مختلط فرانسه و اطریش فیصله یافته

دعوی کیمانی گرامافون معدود بر علیه شرکت سهامی گرامافون آلمانی و شرکت کارخانجات بلی فن که در تاریخ ۱۷ ژانویه و ۲۵ مارس و ۲۹ مارس ۱۹۲۲ توسط دادگاه مختلط انگلیس و آلمان فیصله یافته

دعوی اتحادیه بانوان زانوتولی بر علیه دولت لهستان که در تاریخ چهارم مارس ۱۹۳۵ توسط دادگاه مختلط داوری انگلیس و آلمان فیصله یافته

دعوی یتیم بر علیه دولت لهستان که در تاریخ ۲۱ می ۱۹۳۳ توسط دادگاه مختلط داوری لهستان و آلمان فیصله یافته

اینجانب آراء صادره در این دعاوی را قرائت نخواهم کرد زیرا بطول خواهد انجامید. فقط توجه دیوان را به دعوی اتحادیه بانوان زانوتولی بر علیه دولت لهستان جلب مینمایم که ضمن آن اصل فوق صریحاً بیان شده است. دیوان ممکن است شرح اثر تعیینی را که در این موضوع توسط دادگاه‌های مختلط داوری صادر شده در جملات ذیل از کتاب دکتر دوهمبلد که در باب اقدامات تأمینی نوشته شده است ملاحظه نماید :

بنا بر اصل دیگر که باروش قضائی دادگاه های مختلط داوری واضح گردیده این است که برای اتخاذ اقدامات تأمینی ضرورت ندارد که دادگاه صلاحیت خود را در رسیدگی اصلی نسبت به اهیت امر معلوم کند. همین قدر کافی است در نظر اول تصمیم مساعدی در باره مدعی امکان پذیر باشد و فقدان صلاحیت دادگاه بارز نباشد ( اقدامات موقت ناهینی ( ۱۹۳۲ ) صفحه ۱۴۴ در همین کتاب دکتر دوهمبلد اظهار میدارد که این اصل ممکن است بطور کلی اجرا شود :

۵- و نیز این قاعده اساسی است که معاکمه اصلی ارتباط محسوسی با اقدامات تأمینی ندارد. اقدام اصلی و اقدام تأمینی کاملاً از یکدیگر مجزا هستند. دیوان در موقع صدور رأی قطعی خود الزمی برای تصمیمات مقدماتی خویش پیدا نمیکند و ممکن است آن تصمیمات را بکلی مردود نماید.

۶ - بنابراین صلاحیت اخذ تصمیمات تأمینی تابع صلاحیت در موضوع دعوی اصلی نیست. نتیجه این میشود که اقدامات تأمینی را میتوان قبل از اینکه هیچگونه اعتراض عدم صلاحیت ایراد شده باشد اتخاذ نمود و هیچ دادگاهی نمیتواند اقدامات تأمینی را در مورد دعوائی اتخاذ نماید که رسیدگی آن با دادگاه دیگری باشد ( صفحه ۱۸۶ )

مؤلف کتاب دیگری در همین موضوع که در سال ۱۹۳۲ چاپ شده همین عقیده را بطور واضح تر بیان مینماید. منظور اینجانب کتاب آلمانی دکتر نی میر است که بنام « قرار های موقتی دادگاه جهانی موضوع و حدود آنها » میباشد. مؤلف نامبرده بالصراحه این عقیده را رد میکند که دیوان باید قبل از صدور اقدامات تأمینی نسبت به صلاحیت خود اظهار نظر کند. مشارالیه میگوید :

این کار مستلزم بررسی کامل امور رسیدگی عمیق است. بنابراین دادگاه درست در موقعیتی واقع خواهد شد که باید از آن اجتناب نماید و آن استدلال کش داری است که وجوب اتلاف وقت میشود و اقدامات تأمینی را هم از خصیصه واقعی آن وهم از فوریت آن محروم میسازد و در مفهوم تصمیم قطعی نیز قضاوت قبلی مینماید در حالیکه این مسائل هیچگونه ارتباطی با موضوع اقدامات تأمینی ندارد.

يك قرار موقتی که در این زمینه صادر شود فقط بمیزان ضعیفی به اثر مطلوب میرسد. بنا بر این واضح میشود که بنا بر علل عملی رسیدگی بموضوع صلاحیت ماهوی نواما « یا درخواست اقدامات تأمینی مورد ندارد » ( صفحه ۷۰ )

در آخرین چاپ رساله راجع بدیوان دائمی بین المللی دادگستری که برفور هودسن در سال ۱۹۴۳ به طبع رسانده وضع حقوقی را با این عبارت خلاصه میکند :  
« صلاحیت تعیین اقدامات تأمینی تابع تعیین قبلی صلاحیت دیوان در قضاوت نسبت به ماهیت امر نیست »

آقای رئیس - آقایان اعضاء دیوان - اینجانب اضافه مینمایم تا حدیکه من اطلاع دارم هیچ مولفی نیست که در این موضوع عقیده ای غیر از آنچه که اینجانب بدیوان عرضه داشتم اظهار کرده باشد.

علاوه بر عقیده ای که مؤلفین در این موضوع اظهار کرده اند تصور میکنم دلایل عملی محکم تری در تائید عقیده ای که بنظر دادگاه رساندم موجود باشد. اعطای این حق به یکی از طرفین که قبل از صدور قرار تأمین تقاضا نماید تصمیمی درباره صلاحیت گرفته شود - تجربه همین دیوان نشان داده که این کار ممکن است هفته ها بلکه ماه ها مستلزم معاکمات شفاهی و کتبی باشد - در حکم سلب - هر گونه مبنای درخواست اقدامات تأمینی خواهد بود. بدیهی است که باسانی میتوان تصور کرد که يك طرف میتواند از حقی که نسبت به درخواست اقدامات تأمینی دارد در دعوائیکه واضح باشد که دیوان هیچگونه صلاحیت ماهوی ندارد سوء استفاده نماید اگرچنین موردی پیش آید دیوان بخواهی میتواند وسیله ای برای اجتناب ازین سوء استفاده از طرف دادرس خود پیدا کند.

دادگاه میتواند بهمین مسئله اکتفا کند که موضوع در نظر اول در صلاحیت اوست. ولی موضوعی که اکنون مورد بحث ما است این قبیل اشکالات را در بر ندارد طرفین تعهدات شرط اختیاری ماده ۳۶ اساسنامه دیوان را قبول کرده اند. در این شرایط اینجانب معتقدم شکمی نیست که لااقل در نظر اول موضوع در صلاحیت دیوان است. اصل اینکه اعطای اقدامات تأمینی تابع اخذ تصمیم نسبت به صلاحیت نیست در حقوق داخلی عده زیادی از دول تصدیق شده است لذا این اصل را میتوان مطابق ماده ۱۳۸ اساسنامه دیوان بعنوان يك اصل کلی حقوقی که توسط ملل متحدن شناخته شده است تلقی نمود. دکتر دومبلد که قبلاً به کتاب او اشاره کردم مؤلفینی را ذکر میکند که ثابت مینمایند این اصل تاچه حد در قوانین کشورهای مختلف داخل شده است (کتاب مذکور صفحه ۱۸۶ یادداشت شماره ۵). اجازه بفرمائید استدلال خود را نسبت باین جنبه قضیه با ذکر این نکته خلاصه کنم که نظر اینجانب بوسیله عمل دیوان و سایر دادگاه های بین المللی و بوسیله عقاید مؤلفان و بوسیله ملاحظاتی عملی و ملاحظاتی شعوری و بوسیله کلی حقوق که اساسنامه دیوان بگری از منابع حقوقی آنست و دیوان باید از آن الهام بگیرد کاملاً نایب میشود.

پس از بحث در موضوع صلاحیت اینک میل دارم در این موضوع بحث نمایم که آیا اثر تصمیمات دیوان دائمی دادگستری بین المللی اینست که نشان دهد چه اصول کلی ای در تعیین اقدامات تأمینی حکم فرماست در این مورد بدیوان یاد آوری مینمایم که در درموقع مباحثه در باره این تصمیمات باید تاحدی احتیاط را رعایت کرد زیرا که آئین نامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی کم کم تغییر یافته و فقط در یک قضیه بوده یعنی در قضیه کمبانی برق صوفیه و بلغارستان (اقدامات تأمینی) سری الف - ب - شماره ۷۹۰ ۱۹۳۹ که دیوان دائمی دادگستری بین المللی تصمیم خود را بانکای ماده ای نظیر ماده آئین نامه دیوان بین المللی دادگستری صادر نموده است اینجانب با الغصوس متذکر میگردد که تا قبل از ۱۹۳۱ ممکن بود قرار تعیین اقدامات تأمینی بدون اصفاء اظهارات طرفین و حتی فقط توسط رئیس دیوان در صورتیکه دیوان جلسه رسمی نداشت صادر شود بعد از سال ۱۹۳۱ طرفین باید لااقل اختیار داشته باشند که نظریات خود را بیان کنند و رئیس دیوان با آنکه هنوز حق اتخاذ اقداماتی را که برای رسیدگی دیوان به طرز مفیدی لازم میدانند حفظ کرده است معیناً حق صدور قرار اقدامات تأمینی را از دست داده است. (ماده ۶۱ بند ۳ اساسنامه دیوان) این تغییرات حائز اهمیت نیست. اینجانب تصور میکنم که نتیجه حاصله از محدودیت اختیار دیوان در اتخاذ اقدامات تأمینی و الزام باینکه طرفین لااقل فرصت اظهار نظر داشته باشند این بوده است که صلاحیت دیوان در موضوع اقدامات تأمینی توسعه یابد.

نهمین تقاضای اقدامات تأمینی که بدیوان تقدیم شده در سال ۱۹۲۶ از طرف بلژیک بوده است.

در تاریخ ۲۵ نوامبر آن سال دولت بلژیک عرض حال رسیدگی بر علیه چین در



قضیه لغو عهدنامه چین - بلژیک مورخ دوم نوامبر ۱۸۶۵ (سری الف شماره ۸) دیوان تقدیم داشت و در آن تصریح شده بود که دیوان باید در انتظار برای رسیدگی به دعوی کلیه اقدامات تأمینی لازم را برای حفظ حقوقی که اجاباً برای بلژیک یا اتباع آن شناخته شود تعیین نماید» (صفحه ۵) در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۲۲ رئیس قراروی برای تأمین حقوق بلژیک نسبت به موضوع ذیل صادر نمود:

معامله با اتباع بلژیک - حمایت در مقابل توقیف املاک و کشتی‌ها - تضمینات قضائی - رئیس اعلام میداشت که موضوع اقدامات تأمینی مذکور در اساسنامه دیوان حفظ حقوق هر یک از طرفین است تا دیوان تصمیم خود را صادر کند (صفحه ۶). بنظر او حقوق مذکور عبارت از حقوقی بوده که در نتیجه عهدنامه دوم نوامبر ۱۸۶۵ خارج رژیم حقوق عمومی برای بلژیک و اتباع او در چین تضمین شده بوده است» (صفحات ۷ و ۷) و این حقوق مسکن بوده که بر اثر بعضی از اقدامات حکومت چین تضییع شود.

دلیلی که رئیس در این موضوع برای اعلام ضایع شدن حقوق بلژیک بدان استناد نموده این بوده که تقض حقوق مزبور را «نمی‌توان بوسیله پرداخت یک غرامت ساده با بوسیله مادی دیگر جبران کرد» اصولاً می‌توان استدلال نمود که اگر تقض حقی طوری باشد که بوسیله غرامت یا وسیله مادی دیگر پس از صدور رای دیوان قابل جبران باشد بهیچوجه احتیاج به اقدامات تأمینی نیست و بالعکس در غیر این صورت وضع اقدامات تأمینی در حقوق بین الملل بطور حتم لازم است.

لذا ما متذکر می‌شود که آقای هوپر رئیس دیوان شخصاً در موقعیکه قرار خود را در قضیه چین و بلژیک صادر می‌کرد و در آن اقدامات تأمینی را که در مقابل هر گونه توقیف یا ضبط اموال و کشتیها تعیین می‌نمود (تخلیقاتی که بواسطه نوع خود ممکن نبود بوسیله پرداخت غرامت یا بوسیله مادی دیگری جبران شود) از این طرز فکر الهام نگرفته بود. بعلاوه این نظریه ممکن بود در زمانی متوجه باشد که چنانکه قبل از ۱۹۳۱ مورد داشت دیوان حتی رئیس دیوان به تنهایی اختیار داشت که اقدامات تأمینی را بدون اصفاء بیانات طرفین تعیین نماید.

ولی امروز که اقدامات تأمینی باید توسط تمامی دیوان تعیین شود و طرفین باید موقعیت داشته باشند که نظریات خود را بیان نمایند نظریه مزبور موجه نیست. در واقع خود دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه کمپانی برق صوفیه و بلغارستان (سری الف - ب - شماره ۷۹) که بعد از آن صحبت خواهم داشت با این عقیده همراه شده که بهیچوجه با تفسیر محدود حقوقی که اساسنامه بوی داده است بستگی ندارد.

رئیس - اکنون تنفس داده میشود. جلسه دیوان امروز بعد از ظهر ساعت

۱۵ و نیم تشکیل خواهد شد.

(جلسه ساعت ۱۳ ختم گردید)

## شنبه ۳۰ ژوئن (ساعت ۱۵ و سی دقیقه)

رئیس - نسبت جلسه را اعلام میدارم و از سرفرانک ساسکیس دعوت مینمایم که بقیه بیانات خود را اظهار نمایند.

سرفرانک ساسکیس - با اجازه دیوان عرض مینمایم که امروز صبح موقعی که جلسه تعطیل گردید مشغول شرح سوابق مربوط به اصولی بودم که بموجب آن دیوان صلاحیت خود را در موضوع اقدامات تأمینی اعمال مینماید.

دومین قضیه ای که دیوان در طی وارد حل مسئله اقدامات تأمینی شد قضیه مربوط به کارخانه کورو (گرامت) (سری الف شماره ۱۲) بوده در تاریخ هشتم فوریه ۱۹۲۷ آلمان عرضحال رسیدگی در مورد گراماتی که معتقد بود که لهستان بوی مدیون است تقدیم نمود. مبنای این دعوی گرامت عبارت از روشی بود که دولت لهستان نسبت بشرکت های سلیزی علیا و باویر دره موقع تصرف کارخانهای نیترا کرزو اتخاذ کرده بود و روش مزبور از طرف دیوان طی حکم شماره ۷ مورخ ۱۹۲۶ (سری الف شماره ۷) مخالف عهد نامه ژنو ۱۹۲۲ اعلام شده بود. دیوان در حکم شماره ۸ مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۲۷ (سری الف شماره ۹) پس از اعلام صلاحیت خود در موضوع قاعده معرفی را برقرار ساخت که بموجب آن یکی از اصول حقوق بین الملل اینست که نقض تعهد با وظیفه جبران بشکل مناسب ملازمه دارد. بنابراین گرامت لازمه حتمی تخلف از اجرای عهد نامه است بدون اینکه ضرورت داشته باشد که این موضوع در خود عهد نامه نوشته شده باشد. (صفحه ۳۱) در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۲۷ عامل آلمان درخواستی بنظور تعیین اقدامات تأمینی تقدیم داشت و استدلال نمود که اصل گرامت قبلاً تصدیق شده و تنها چیزی که مورد تردید است رقم اکثر گراماتی است که لهستان باید بپردازد. سپس عامل آلمان چنین استدلال میکرد که اگر گرامت بلافاصله پرداخت نشود رقم خسارت و گرامت فوق العاده افزایش خواهد یافت و خسارت حاصله از تأخیر بیشتری از نظر مادی جبران ناپذیر خواهد بود دولت آلمان معتقد است که اتخاذ اقدامات تأمینی ضرورت دارد و دیوان باید بدولت مدعی علیه رقم مبلغی را که باید بلافاصله بطور موقت و در انتظار صدور حکم قطعی به بپردازد تعیین نماید تا بدین طریق حقوق طرفین در مدتیکه دعوی معلق است تأمین شود. (این شرح از صفحه ۱۶ استخراج شده).

درخواست آلمان رد شد ولی باید دید چرا. این درخواست بطوریکه دیوان تذکر داده (صفحه ۱۰) از اینجهت رد کند که منظور درخواست دولت آلمان را نمیتوان بعنوان تعیین اقدامات تأمینی تلقی نمود بلکه هدف آن حصول فرار تودیع است که بموجب آن یک قسمت از استنتاجات عرضحال مزبور در حق مدعی واگذار شود. مطابق اصول بعضی حقوق داخلی (مثلاً در فرانسه - هلند - ایتالیا - اسپانیا و آمریکای جنوبی) مدعی حق دارد به دیوان مراجعه و تقاضای قرار تأمینی بر له خود نماید. از طرف دیگر طبق اصول داخلی مزبور امکان حصول نوع قرار تأمینی تقریباً یگانه شکل اقدامات تأمینی در دوره جریان محاکمه است که مدعی میتواند از آن استفاده نماید.

مهم‌ها بطوریکه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه کرزو (گرامت) (سری شماره الف ۱۲) تصدیق نموده این طریق‌طریقه‌ای نبوده است که بموجب اساسنامه دیوان دائمی برقرار شده باشد زیرا اساسنامه مزبور مانند اساسنامه دیوان فطلی صحبت از اقدامات تأمینی حقوق هر یک مینماید که باید بطور موقت اتخاذ گردد. این جمله بطوریکه در قضیه شرکت برق صوفیه و بلغارستان از طرف دیوان تفسیر شده (سری الف - ب - صفحه ۶۹) میرساند که در انتظار تصمیم دیوان راجع به ماهیت امر طرفین باید از هر گونه اقداماتی که ممکن است تأخیری مضر در اجرای تصمیم داشته باشد خود داری نمایند. دولت انگلستان مسایل است جداً تصریح نمابد که از دیوان بهیچوجه تقاضای صدور حکم موقت بر له یکی از استنتاجات مندرجه در عرضحال خود ندارد فقط تقاضا مینماید که اقدامات لازم تعیین گردد تا حقوق مربوط به طرفین حفظ شود و اختلاف موجوده تشدید یا توسعه نیابد.

در سال ۱۹۳۲ قضیه مشهور وضع حقوقی اراضی جنوب شرقی گروئن لند در دیوان مطرح گردید (سری الف - ب - شماره ۴۸) اینجانب خیال ندارم این قضیه را که کیفیات آن کاملاً با موضوع ماحن فیه اختلاف دارد مورد بررسی قرار دهم. اینکه در آن موقع قرار تأمین رد شد علل عدیده‌ای داشت که در قضیه‌ای که اینک بسابد دیوان رسیدگی نماید موجود نیست. از جمله آن علل اینجانب میتوانم عقیده‌ای را که دیوان اظهار داشته ذکر نمایم. عقیده مزبور این بود که در ادعای مربوط بحق حاکمیت بر مسافتات وسیعی که تقریباً غیر مسکون است عمدتاً مورد شکایت ممکن نبود حقیقتاً حقوق موضوع ادعای طرفین را تضییع نماید.

مثال بعدی راجع با اقدامات تأمینی در قضیه ادوار برس فن بلس (اقدامات تأمینی سری الف - ب - شماره ۵۴) آورده شده است. ولی این قضیه منافی مشهودی در باره این قسمت از استدلال اینجانب نیست زیرا در قضیه مزبور دیوان حاجت نافت که قرار تأمین صادر کند. لذا پیش از این در کیفیات این قضیه وارد نمیشوم.

حالا میرسیم به قضیه رفورم فلاحتی لهستان و اقلیت آلمان (سری الف - ب - شماره ۵۸). در این قضیه آلمان در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۳۳ عرضحال رسیدگی راجع به اجرای رفورم فلاحتی لهستان در حق اقلیت آلمانی بزنانسی و بیرانی به دیوان تقدیم نمود. دولت آلمان در عرضحال خود از دیوان تقاضا کرده بود که موارد نقض عهدنامه ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ (عهدنامه اقامت‌ها) را که بزبان اتباع لهستانی آلمانی نژاد ارتکاب شد ملاحظه و حکم غرامت صادر نماید در همان روز آلمان در خواست تعیین اقدامات تأمینی نیز تقدیم کرد. قضیه در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۳۳ در دیوان مطرح گردید و دیوان در تاریخ ۲۹ ژوئیه قرار صادر کرد که بموجب آن اتخاذ اقدامات تأمینی را رد کرد. دلیلی که ذکر گردید این بود که شرط اصلی ضروری تقاضای اقدامات تأمینی در موردی که اوضاع و احوال ضرورت آنرا ایجاب میکند اینست که منظور از اقدامات مزبور حفظ حقوق موضوع اختلافی باشد که به دیوان ارجاع شده (صفحه ۱۷۷). مهم‌ها موضوع

عرضحال آلمان بنحویکه از طرف دیوان تفسیر شد (آنزبلیتی قاضی تفسیر دیگری نبود و بهمین جهت عقیده مخالفی نوشت) این بود که دیوان را دعوت نماید تا ملاحظه کند که برخی اعمال تبعیضی بزبان اتباع لهستانی آلمانی نژاد در پزنانی و پیرانی در گذشته، ارتکاب شده عبارت از تغلف از عهدنامه راجع به اقلیت هاست و دیوان باید قرار فرامت آنرا صادر کند. در عوض دولت آلمان در تقاضای خود راجع به تعیین اقدامات تامینی میخواست در کلیه موارد آینده از اجرای قانون لهستان راجع به رفورم فلاحتی در باره اتباع لهستانی آلمانی نژاد جلوگیری کند و اقدام فوری بعمل آید که در آتی با صدور رأی دیوان قانون لهستانی مزبور در باره اتباع نامبرده اجرا نشود. رسیدگی دیوان باین نتیجه منتج شد که چون اقدامات تامینی مورد تقاضا منجر به تعطیل عمومی رفورم فلاحتی در مورد اتباع لهستانی آلمانی نژاد خواهد گردید لذا نمیتوان این قبیل اقدامات مزبور را منحصرأ بمنزله حفظ حقوق موضوع اختلاف و حفظ موضوع درخواست اصلی بنحویکه ضعی عرضحال رسیدگی بدیوان تسلیم شده دانست (صفحه ۱۷۸). بعبارت اخیری منظور از عرضحال اقداماتی بوده که فقط در گذشته بعمل آمده و حال آنکه درخواست اقدامات تامینی مربوط به کلیه موارد آینده نیز بود. بالتبلیجه درخواست تعیین اقدامات تامینی محدود به حمایت حقوق مورد ادعای عرضحال نبود بلکه خیلی بالاتر از آن بود.

آنزبلیتی یکی از چهار قاضی ای که در این قضیه رأی مخالف دادند اعلام داشت که در عین اینکه استنتاج او عین استنتاج دیوان است ولی معینا نمیتواند با دلایلی که مبنای صدور قرار است موافقت نماید. قاضی نامبرده چنین میگوید: اگر موردی باشد که در آن مورد اجرای ماده ۴۱ اساسنامه کاملا بجا باشد آن مورد بطور حتم همین قضیه مانحن فیه است. دولت آلمان مدعی است که تاکنون بعضی خلع یدها صورت گرفته با در جریان است که عبارت از معامله تبعیضی در باره اتباع لهستانی آلمالی نژاد نسبت اتباع لهستانی. لهستانی نژاد میباشد و بدین جهت مخالف عهدنامه مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ است. دولت نامبرده بر این اساس بعنوان اقدامات تامینی تقاضا دارد که مادام که دیوان رأی فطمی خود را در باره قانونی بودن یا غیر قانونی بودن خلع یدهای مزبور صادر نکرده خلع یدهای جاری معلق بماند. چنانچه قضاوت اجتماعی که خاص این نوع محاکمات است اجازه میدهد که امکان حقوق مورد ادعای دولت آلمان و امکان خطری که مواجه حقوق مزبور است تصدیق کنیم برای اینجانب مشکل بود که يك درخواست اقدامات تامینی صحیح تر و مقتضی تر و بمورد تر از این مورد فرض کنیم (صفحه ۱۸۱).

اینجانب يك لحظه در این جمله از عقیده مخالف آقای آنزبلیتی تا مل میبایم و خاطر نشان میکنم که ارتباط بین خطر ممکن و حقوق ممکن انگلستان خیلی نزدیکتر از قضیه است که این عضو عالی مقام دیوان مورد بررسی قرار داده است. از این حیث درخواست دولت انگلیسی باز هم صحیح تر و مقتضی تر و بمورد تر از درخواست دولت آلمان در قضیه رفورم فلاحتی لهستان میباشد.

اگر تقاضای آلمان در این قضیه رد شد و همچنین در کلیه موارد مشابه باید دانست

که علل صریح تصمیم دیوان چه بوده. بطوریکه دیدیم اکثریت اعتقاد داشت که منظور از عرضحال آلمان ملاحظه و در صورت لزوم جبران تخلفات مرتکبه در بعضی موارد انفرادی اجرای قانون بود که قبلاً صورت گرفته بود (صفحه ۱۷۸). بنابراین بقیده اکثریت در خواست اقدامات تامینی ارتباط کافی با قضیه مرجوع دیوان نداشت. آقای آزیلتی تصدیق کرده بود که اگر این تفسیر تقاضا صحیح باشد واضح است که اقدامات تامینی مورد تقاضا بی اندازه متجاوز از حقوق مورد اعتراض است (صفحات ۱۸۲ - ۱۸۱). نامبرده صحت این تفسیر درخواست را تردید کرد و معتقد بود که آلمان در واقع میخواهد که دیوان حکمی صادر و تصدیق کند که روش دولت لهستان در اجرای رفورم فلاحی مطابق با تعهدات ناشیه از عهد نامه ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ نبیاشد (صفحه ۱۸۲). عبارت اخیری موضوع اختلاف فلان یا فلان تغلف از عهدنامه نبوده بلکه مجموع اعمالی بوده است که بموجب آن مقامات لهستانی رفورم فلاحی را اجرا کرده اند (صفحه ۱۸۲). اگر موضوع تقاضای مندرج در عرضحال دولت آلمان این بود باسانی تصدیق میشد که نطق اجرای رفورم فلاحی در باره اتباع لهستانی آلمالی نژاد بطور کلی بعنوان اقدام تامینی تقاضا گردد (صفحه ۱۸۲). آقای آزیلتی در خاتمه اظهار مینمود که اگرچه بقیده او مفهوم عرضحال همین است ولی سند مزبور با اندازه کافی روشن نبیاشد بنا بر این تقاضای اقدامات تامینی باید رد شود ولی این عمل نباید بهیچوجه حق دولت آلمان را نسبت به تقدیم عرضحال جدیدی که حاوی موضوع درخواست رسیدگی بصورت وضوح و صریح باشد و بعداً حق او را در تقدیم تقاضای جدید مبنی بر تعیین اقدامات تامینی متناسب با حقوق مورد ادعا تهییج کند (صفحه ۱۸۲). این بیان بلاشک باین علت بوده که بقیده آقای آزیلتی (عین عبارت او را نقل میکنم) برای اینجانب مشکل است که يك در خواست اقدامات تامینی صحیح تر و مقتضی تر و بصورت نژاد اینمورد یعنی خلع يد املاك مزروعی متعلق بساتباع لهستانی آلمانی نژاد توسط دولت لهستان فرض کنم.

در هر حال منال رفورم فلاحی لهستان چنین معنی نمیدهد که درخواست همین اقدامات تامینی درمورد قانون خلع یدی که يك دولت مستقل وضع کرده بصورت باشد بلکه بالعکس معنی آن اینست که هر گاه تقاضای اقدامات تامینی از ناحیه طرفی باشد که عرضحال رسیدگی را تقدیم نموده تقاضای مزبور نباید شامل محیطی وسیع تر از اصل امر باشد. تقاضای مزبور فقط باید حمایت حقوقی را که واقعا در استنتاجات مندرج در عرضحال تقدیمی به دیوان مورد ادعا است درخواست کند. بدین طریق دولت انگلیس از دیوان تقاضا دارد که منجمله اعلام شود:

الف - که دولت ایران مکلف است اختلاف حاصله بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران را مطابق ماده ۲۲ قرارداد منقدین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نامبرده به داوری ارجاع کند و مکلف است رأی صادره در نتیجه داوری مزبور را قبول و اجرا نماید.

ب - مضافاً :

۱ - که ماده ۲۲ قرار داد فوق کماکن از نظر حقوقی برای دولت ایران الزام آور است و دولت ایران با انکار استفاده از یگانه راه مذکور در ماده ۲۲ قرار داد فوق در مورد شرکت نفت ایران و انگلیس مرتکب استکفاف از دادرسی بر خلاف حقوق بین الملل شده است .

۲ - که دولت شاهنشاهی ایران نمیتواند قانوناً قرار داد مزبور را لغو یا مقررات آنرا تغییر دهد مگر از طریق تراضی با شرکت نفت ایران و انگلیس یا طبق شرائط مذکوره در ماده ۶۰ قرار داد . اقداماتی که دولت انگلیس در بند های الف و ردیف ۱۰ تقاضای خود از دیوان خواستار شده عیناً اقداماتی است که بنظور حمایت حقوق مورد ادعای مندرج در عرضحال میباشد. آخرین تفسیه مربوط به اقداماتی تأمینی که بدیوان دائمی دادگستری بین المللی ارجاع شده قصبه شرکت برق صوفیه بلغارستان است (سری الف - ب - شماره ۷۹) . در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۸ دولت بلژیک عرضحال رسیدگی بر علیه بلغارستان در مورد اختلاف حاصله راجع به ترننه بین شرکت برق صوفیه و بلغارستان (تیمه بلژیک) از یکطرف و شهرداری صوفیه از طرف دیگر به دیوان تقدیم نمود .

در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۳۸ بلژیک درخواست اقدامات تأمینی تقدیم نمود مبنی بر اینکه چون شهرداری صوفیه اطلاع داده که در صورت عدم پرداخت فوری مبلغی که بعنوان طلب کمپانی ادعا میشد محسم است برای دریافت مبلغ مزبور اقدامات قانونی الزامی بعمل آورده اند . ادعا که دیوان دائمی دادگستری بین المللی رأی خود را در باره ماهیت امر صادر نکرده اند دریافت اجباری مبلغ مذکور توسط شهرداری موقتاً جلوگیری شود .

این درخواست در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۳۸ مسترد گردید زیرا در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۳۸ عامل دولت بلغارستان بدیوان اطلاع داد که تصمیمات قضایی بلغارستان که اجرای آن توسط شهرداری صوفیه خواسته شده فقط جنبه اختطاری دارد و ممکن نیست منجر به اجرای هیچگونه اقدام اجباری بر علیه کمپانی شود .

معهداً در تاریخ اول اوت ۱۹۳۹ شهرداری صوفیه مبادرت به ادعای مالکیت بر علیه کمپانی نسبت به اساس تصمیماتی که قبلاً توسط دادگاههای بلغارستان صادر شده بود نمود . این عامل دولت بلژیک را وادار کرد که در تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۳۹ تقاضای جدیدی برای تعیین اقدامات تأمینی بدهد و استناد او این بود که اقدامات اجرایی که شرکت بلژیکی مواجه با آنست طوری است که نه تنها وضع مادی شرکت را شدیداً متزلزل میسازد بلکه اگر بعداً دیوان نسبت به تقاضای دولت بلژیک رأی موافق بدهد استقرار مجدد شرکت در حقوق خود توسط شهرداری فلج خواهد گردید .

دیوان در حالیکه در بجهت مشکلات مادی همچی ناشی از شروع جنگ دوم جهانی واقع بود و علی رغم اینکه عامل دولت بلغارستان در جلسه حضور نداشت در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۳۹ قراری باین مضمون صادر کرد :

دیوان بطور موقت و در انتظار صدور رأی قطعی دیوان در موضوع عرضحال بلژیک مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۳۸ مقرر میدارد که دولت بلغارستان با مراقبت کند که هیچگونه اقدامی بعمل نیامد که حقوق مورد ادعای دولت بلژیک را تضییع کند یا اختلاف مرجوعه بدیوان را تشدید یا توسعه دهد. این بود کاملترین شرح اصولیکه به عقیده اینجانب دیوان باید در موقع اعطای حمایت موقتی از آن الهام بگیرد. از این گذشته اینجانب معتقدم که اصولیکه باین صراحت بیان شد شامل کیفیاتی است که اکنون مورد بررسی دیوان میباشد. چنانچه دولت ایران در روش مشروحه فوق با فشاری کند نتیجه این روش بطور ختم تضییع شدید حقوق مورد ادعای دولت انگلستان که دیوان باید در موقع مقتضی نسبت به آن اظهار رای نماید خواهد بود. از این گذشته روش دولت ایران طوری است که در عین حال اختلاف را بهم تشدید میکند و هم توسعه میدهد در این خصوص منی دارم دیوان مخصوصاً باین قسمت از جملات پیوست درخواست که در آن تفصیل تبلیغات دائمی خصمانه ای را که در ایران بر علیه شرکت و کارمندان انگلیسی جریان دارد مراجعه نماید. این جانب حتی ازین حد هم قدم فراتر میگذازم و معتقدم که اگر عقیده مذکور در قضیه الفای عهد نامه چین و بلژیک مورخ ۲ نوامبر ۱۸۶۵ (سری الف شماره ۸) که در بالا قرائت کردم بمنی اینکه دیوان نباید در مورد بیکه غرامت کفایت کند حکم اقدامات موقتی بدهد صحیح باشد این عمل نظیری است باید در قضیه مانع قبه اتخاذ گردد زیرا نتیجه روشی که ما بر علیه آن اعتراض کرده ایم تضییع غیر قابل جبران حقوق دولت انگلستان خواهد بود که با هیچ پرداخت بولی یا هیچ پرداخت دیگری که دولت ایران به تواند انجام دهد جبران پذیر نمیشد.

اینک بیانات خود را صرف شرح این موضوع مینمایم. مطالبی که اکنون اظهار داشتم بیان ردیف ۸ درخواست اقدامات تأمینی میباشد و اینک برای تسهیل کار دیوان مسائل مزبور را به ترتیبی که در ردیف مذکور پیش آمده است شرح میدهم:

#### الف - از دست رفتن کارهندان متخصصین:

نریست مهندسین و مکانیکین ها و کارگران متخصصین ایرانی بجزان وسیعی پیشرفت کرده ولی برای بالا بردن استحصال و تصفیه بجزان فعلی لازم بوده است که مقدار فوق العاده زیاد تجهیزات صنعتی نفتی و شیمیائی دایر گردد ماشین آلات مشتمل بر توربین هائی است که نیروی هر واحد آن به هزار قوه اسب میرسد اداره کردن و نگاهداری این تجهیزات مستلزم وجود عده زیادی کارگران متخصصین عالی مقام میباشد که در ایران و انگلستان و سایر کشورها در ظرف بیست سی سال اخیر استخدام شده اند و مندرجات تجربه لازم را برای مشاغل مربوطه خود بدست آورده اند کارگران مزبور یک دسته خیره عالی مقام متخصص را تشکیل داده اند که هر کدام به دستگاه های خود کاملاً آشنائی دارند و چیزی که از همه مهمتر است اینست که به لیاقت کلیه همکاران خود که متدرجاً با آنها آشنائی پیدا کرده اند اعتماد دارند اگر بنا باشد در این دسته بر اثر حذف یک قسمت شکافی وارد آید کلیه کار یا باید در ظرف مدت کوتاهی متوقف گردد و یا باید با عده کسی کارمند

ادامه یابد و این خود موجب سوانح و خیم خواهد شد و خسارت جبران ناپذیری به‌اشین آلات و تجهیزات و دیکها و کوره ها و تاسیسات شیمیائی و غیره وارد خواهد ساخت . حتی بگذشته متشکل تکنیسن خارجی که بالفرض از طرف يك کمپانی بزرگ آمریکائی اعزام شود مواجه با مشکلاتی خواهد شد و فرصت زیادی لازم خواهد داشت بهره برداری را مجدداً بمیزان فعلی برساند این کار مستلزم وجود عده ای است که لااقل مساوی با تعداد کارمندان خارجی فعلی باشد کمتر احتمال می‌رود اعزام چنین دسته‌ای میسر گردد اگر متخصصین خارجی را جدا - جدا ( آمریکائی - آلمانی - رومانی - لهستانی و غیره ) انتخاب و استخدام کنند وجود آنها مادام که مدیریت فنی مستحکمی برقرار نشده بی‌فایده خواهد بود و ترتیب دادن آنها باهم برای اداره ای که فاقد هر گونه صلاحیت فنی است ممکن است مشکل باشد .

ازین گذشته متخصصین خارجی با ارزش تقاضا خواهند داشت که تضمینی برای استمرار خدمت بآنها داده شود و این تضمین را ایرانیان که قرارداد اصلی امضای خود را قرض میکنند بپیچوجه نخواهند توانست بصورت مقنی بدهند .

**شرایط خاص بهره برداری در ایران .**

در مرحله اول از لحاظ اینکه تصفیه و میدانهای نفت خیز ایران تحت مالکیت و نظارت واحدی میباشد اصول کار و ماشین آلات مخصوص برای تکلیف گازهای موجوده در نفت تصفیه شده چه در میدانهای نفت و چه در تصفیه خانه ها تنظیم و تاسیس شده است در عمل بهره برداری نفت همه جا معمول است که این مواد استخراج و جمع آوری شوند که جداگانه بفروش برسد یا مخلوط شود در ایران معتقدند که نگاهداری این مواد قیمتی در داخل نفت تصفیه نشده بوسیله تاسیسات مخصوص تثبیت باصرفه تر است بطوریکه این مواد جداگانه ظاهر نمیشوند بلکه مستقیماً به تصفیه خانه انتقال یافته و در آنجا عامل اصلی بنزین هوایی و بنزین اتومبیل را که در آنجا تهیه میشود تشکیل میدهند . این عمل هیچگونه اشکال خاصی را پیش نیآورد ولی مستلزم آنست که رشته های اصلی لوله های نفتی تصفیه شده را بامقدار نسبتاً زیادی گاز که باآسانی تغییر میشود حمل کنند و بالتبع هر سوراخ یا ترکی در لوله ها موجب اتلاف زیاد گازهای قابل اشتعال و فرار خواهد شد و باید احتیاطات خاصی بعمل آید که این لوله های خطرناک در نواحی مسکون نصب نگردد براتر این وضع هر سهل انگاری در بهره برداری فوق‌العاده خطرناک است . بخاریکه از اکثر میدانهای استخراج منصاعد میگردد قرار است و بنابراین خطر موجوده منحصر بخطر حریق نیست .

بهره برداری از این تاسیسات مفصل تثبیت برای حفظ گازهای مزبور در نفت خام ضروری است . در بین ایرانیان اشغاص خیره و باتجربه برای اجتناب از سوانح مهم در این عملیات خطرناک باندازه کافی موجود نیست بلکه عده آنها خیلی کم است نوع حوادثی که ممکن است در میدانهای نفت خیز اتفاق افتد این است که قرض عمل دستگاه خودکار کنترل درموقمی که تفکیک صورت میگیرد سبب شود که نفت در لوله های وارد



گردد که فقط مخصوص حمل گاز است این نفت بصورت مایع در توربین های گاز داخل میشود و با نتیجه بالهای توربین ها را می تراشد و تلبه ها را بکلی از کار می اندازد گاز قبل از ورود به توربین از يك دستگاه گرم کنند عبور میکند و اگر دستگاه مزبور بنحوشایسته نگاهداری نشود ممکن است گاز بخارج نثر کند و موجب حریق عمومی گردد .

در مرحله ثانی قسمت اعظم نفت عالم از منابع واقع درشن تحصیل میشود و نفت در منابع مزبور در وضعی است که بکلی باوضع منابع آهکی میدانهای نفت ایران فرق دارد باالنتیجه در موقع استخراج نفتین منبع آهکی ایران در مسجد سلیمان بین سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ ناچار شدند تکنیک جدیدی برای استحصال نفت تنظیم نمایند . این مسئله در ظرف سالهای بعد از جنگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ بر اساس علمی بررسی شد و در پرتوتدایر و مشاهدات مخصوص و همچنین در نتیجه اتخاذ طرز استحصالی که در آن موقع در صنعت نفت جدید بود مشخصات اصلی منابع آهکی معین گردید بعداً معلوم شد که این مشخصات در تمام وسعت منطقه نفت خیز شرق میانه (باستثنای مناطق مکشوفه اخیر کویت و بصره) حکمفرماست این خصوصیات باعث اتخاذ اصول استحصالی گردید که با اصول معمول جاهای دیگر بکلی فرق دارد و اینك قطع بادرک صحیح این خصوصیات است که منابع مزبور را میتوان مورد عمل قرار داد بطوریکه حداکثر استفاده از آنها بشود . مهندسین نفت که از مدارس علوم دانشگاههای اروپا انتخاب شده و این مسائل را از ابتدا حل کرده اند هنوز در اداره شرکت در ایران و لندن کار میکنند و در سایه اطلاعات و تجربیات خاص آنها بوده که میدانهای نفت طوری استخراج میشوند که حداکثر استحصال نفت خام بدون آب از منابع مختلف بدست میآید .

### حریق و سایر مخاطرات :

در میدانهای نفت خیز يك چاه که از تحت کنترل خارج شود یا يك لوله که بتر که ممکن است نفت مشتعل یا گازهای فرار نواحی مکونی را فرا گیرد اگر چاه دارای فشار قوی باشد (در این مورد باید متذکر بود که چاه های نفت ایران بزرگترین چاه های نفت دنیا است و مثل چاه های سایر نواحی پس از آنکه مدت چند هفته پشت فوران کرد شن آنها را فرانسیکرد ) محل تردید است که بتوان چاه را مجدداً تحت کنترل در آورد این عمل مطمئناً مستلزم وجود متخصصین خارجی است و در هر حال نفت تلف شده فوق العاده زیاد خواهد بود و ممکن است آن میدان کاملاً از کلیه نفت قابل استخراج خالی شود .

وقوع حریق در بالایشگاه آبادان فوق العاده وخیم خواهد بود زیرا این بالایشگاه بزرگترین بالایشگاه مجزای دنیا است . فقدان متصدیان متخصص نظارت موجب خواهد شد که دیر یا زود سوانحی وقوع یابد که درجه اهمیت آن طوری باشد که کلبه دستگاه استحصال و تصفیه را از کار بیاندازد نفت خام و مشتقات آن فوق العاده قابل اشتعال و فرارند و همچنین اجرای بسیاری از عملیات در آبادان دارای همان خطراتی است که يك کارخانه مواد معترقه دارد اینکه تاکنون سانحه ای روی نداده این نکته را از نظرها محو نموده ولی خطر موجود است و جزئی اشتباهاتی کافی است که موجب سوانح فوق العاده گردد .

مقدار مهمی آب دائماً از پالایشگاه آبادان بشط میریزد و کشتیهای نفت کش در شط مشغول بارگیری هستند اگر حرجی اتفاق افتد مقادیر مهمی مواد نفتی که فوق‌العاده فرار و سیالند در شط جریان خواهند یافت و نتیجه آن بلاشك اشتعال رودخانه و حریق کشتیهای موجوده در بندر خواهد بود حقیقت اینست که صاحبان کشتیها با در نظر گرفتن این امکان بنا به احتمال کلی در صورتیکه تعقیب و بارگیری تحت نظارت تکنیسین های ایرانی صورت گیرد از اعزام کشتیهای نفت کش باین بندر خودداری خواهند کرد . خود عمل بارگیری نیز مستلزم توجه به کلیه نکات و انضباطی است که نمیتوان از ایرانیان در ظرف مدت مدیدی انتظار داشت معطه بازرگانی آبادان در طول شط واقع است و دارای مجرانی است که از رودخانه ای که معطه مزبور را احاطه کرده است آب میگیرد بطوریکه خطر تلفات انسانی منحصراً بکارکنان پالایشگاه نخواهد بود .

در خانه ضمن بررسی در اهمیت حریقها و انفجارهایی که ممکن است بشرح فوق روی دهد لازم بدانم که يك موضوع بسیار مهم را یادآوری کنیم . بطور کلی حریق که در يك دستگاه یا يك مخزن اتفاق افتد محدود بهمان دستگاه یا مخزن میباشد زیرا يك نفر شخصی فوراً دستور میدهد که شیرها و تلبه هایی که ورود نفت را بعمل حریق تنظیم میکنند بسته شود یا شخصاً آنها را میبندد . این کار مستلزم اطلاع از جزئیات تاسیسات پالایشگاه و اتخاذ تصمیم فوری است . چنانچه این گونه اقدامات فوری بعمل نیاید حریق ممکن است کلیه بالشگاه را فراگیرد .

### نتایج اختلال يك هوسه بزرگ

#### سازمان فروش

شرکت . . انگلیس و ایران يك سازمان وسیع فروش دایر کرده و محصولات خود را بوسیله کپانی های فروش یا شعب یا شرکای خود به بازار های وسیع اروپا و آفریقا و آسیا و استرالیا توزیع مینماید . علاوه بر نیم کره شرقی يك سرویس بین المللی سوخت جهت کشتیهای بازرگانی از ملیت های مختلف دایر نموده . که باید به صد بندر سوخت برسانند . در فرودگاه های بزرگ نیز يك سرویس سوخت جهت خطوط هوایی بین المللی دارد . بدون وجود این سازمان فروش جهانی ادامه استخراج و تصفیه نفت در ایران بی فایده خواهد بود .

### خطر تعطیل بهره برداری و تجدید آن

قسمت اعظم کارمندان انگلیسی عبارت از استخراج و بستن چاه هاست و این عملیات در صورتیکه توسط اشخاص بی تجربه اجرا شود موجب خطرات بزرگ خواهد بود . در این مورد باید متذکر بود که تاسیسات آبادان خیلی بزرگتر و وسیع تر از نظایر آن در نقاط دیگر است بطوریکه استخدام کارمندان متخصصی که سابقه کار در آبادان نداشته باشند جای کارمندان متخصصین انگلیسی را نخواهد گرفت . قطع نظر از خطر فنی نفوس ایران متحمل محرومیت های فوق العاده خواهند

شد. میدانهای نفت حیز متدرجاً ساکنین زیاد پیدا کرده و حال آنکه در غیر اینصورت بواسطه طبیعت صحرایی و لم یزرعی که دارند بلاسکنه میماند، واضح است که اگر وجود این جمعیت وابسته بشرایط استخدام آنها در شرکت است سطح زندگی آنها نیز تابع جریان اذارات عمومی میباشد که بعضی از آنها جزو دستگاہ استحصال نفت است و همگی به نحوی وابسته بآن میباشند. بالنتیجه تعطیل استحصال نفت بسرعت موجب تعطیل اذارات مزبور خواهد بود و این وضع لامجاله برای ساکنین میدانهای نفت خیز باعث زحمت و محرومیت هایی خواهد شد. در این منطقه تماماً برق موجود و گاز جهت معارف خانگی و صنعتی مورد استفاده است. تعطیل استحصال گاز و نفت سبب خواهد شد که بزودی نه تنها سوخت خانگی که بمصرف طبخ و حرارت و سوزاندن زباله ها و غیره میرسد کمیاب گردد بلکه مراکز برق نیز تعطیل خواهد شد. در اینصورت آب جاری نیز که بوسیله لوله کشی در بسیاری از نقاط از فواصل نسبتاً بپید میآید دوچار وقفه خواهد شد. حاجت بشرح و بسط نیست که وقفه آب در آن آب و هوایی که در مناطق مزبور حکم فرماست چه سوانحی در بر خواهد داشت. یخ سازی و حفظ اغذیه در یخچالها و خنک کردن منازل بوسیله جریان هوا نیز تعطیل خواهد شد. تعداد جمعیتی که در این امور ذی علاقه اند فوق العاده زیاد است. مثلاً ناحیه مسجد سلیمان لا اقل چهل هزار جمعیت دارد.

### از دست رفتن بازارها و شهرت تجار تی: فقدان سازهایهای فروش لازم:

مواد حاصله از استخراج نفت فقط بوسیله سرویس توزیع محلی بدست مصرف کننده میرسد لذا صادر کنندگان مواد نفتی در مورد بازار های فروش خود موجود یک سرویس توزیع که در تقسیم نفت به بازار اقدام مینماید وابستگی دارد. بنا بر این شرکت نفت انگلس و ایران ناگزیر از ایجاد یک سرویس توزیع بوده اند و این سرویس بوسیله شرکت های فروش که وابسته باشریک شرکت نامبرده میباشد تشکیل یافته است و هدف فعالیت آن که در نیمکره شرقی بسط دارد تامین بازار های فروش میباشد. شرکت ملی نفت ایران دارای یک شبکه تقسیم قابل مقایسه باشبکه ای که شرکت نفت ایران و انگلیس در مدت نسبتاً مدیدی بمنظور تهیه بازار برای نفت ایران دائر ساخته نیست.

شرکت نفت انگلیس و ایران در بازار با رقابت توزیع کنندگان دیگری که بر منابع سایر استخراج کنندگان نفت تکیه دارند مواجه است. ادامه استحصال عبارت از یک عامل حیاتی برای حفظ میزان معاملات میباشد و خطر تعطیل استحصال شرکت نفت ایران و انگلیس که بر مصرف کنندگان فشار آورد آنها را وارد خواهد ساخت که با توزیع کنندگان دیگری معامله کند. این مسئله نه تنها از حیث مصرف داخلی عامل مهمی است بلکه از حیث تهیه سوخت کشتی ها که شرکت نفت ایران و انگلیس بمیزان وسیعی در محیط بین المللی در باره آن اقدام مینماید نیز عامل پراهمیتی میباشد. بنا بر این صاحبان کشتیها باین نکته اهمیت خاصی میدهند که سوخت در بنادر مختلفه موجود باشد. بدین ترتیب خطری که برای ادامه ذخیره سوخت موجود است متضمن زیان شدیدی برای حفظ معاملات شرکت نفت ایران و انگلیس و حیثیت بازرگانی آن در بازار میباشد.

چنانچه دیوان مایل باشد ما حاضریم شهادتهای کتبی برای اثبات مسائلی که در پیوست تقاضا ذکر گردیده و همچنین در تأیید وقایع جدیدی که اینجانب برای دیوان شرح دادم بدیوان تقدیم نمایم مثلاً میتوانم شهادت آقای دریک مدیر کل شرکت را بدست آوریم و نیز میتوانیم در تأیید مراتبی که در ردیت ۸ تقاضا اظهار شده و در تأیید بیاناتی که اینجانب امروز بعد از ظهر در همین موضوع کردم شهادتهای کتبی کارشناسان شرکت را بدیوان ارائه دهیم. مهم‌تر از این معتقدیم که دیوان این شهادتها را بقید قسم از ما تقاضا ننماید مگر اینکه خلاف آنرا بنا اطلاع دهد.

### وسعت تأسیسات شرکت

قسمت اعظم فعالیت شرکت نفت بیشتر وقت استحصال نفت خام در ایران و تصفیه آن به صورت مواد قابل فروش ( از ۳۲ میلیون تن ۲۴ میلیون آن در پالایشگاه‌های آبادان مورد عمل قرار میگیرد) و حمل این مواد و حمل نفت خام تصفیه نشده به مقصد سازمانهای فروش موجوده در نقاط مختلف عالم میباشد. وسعت این عملیات فوق العاده است. مقدار مهمی سرمایه و کار در ایجاد بنا در و پالایشگاه‌ها و چاه‌ها و جاده‌ها و منازل مسکونی و افزارها صرف شده است. از ابتدای استحصال که در ۱۹۱۲ بوده تا کنون ۳۱۰ میلیون تن نفت تهیه شده که ۳۲ میلیون آن در ۱۹۵۰ بوده است. در ظرف ۴۰ سال در نتیجه عملیات اکتشافی توانسته‌اند شش میدان نفت خیز را استخراج کنند و در مقابل این عده اراضی نیز مورد اکتشافات بی حاصل قرار گرفته است. در نتیجه تجربیات وسیعی که شرکت از کیفیات استحصال در ایران دارد موفق شده‌اند محصول نفت را به میزان مهمی توسعه دهند. یکی از این میدانهای نفت خیز امروز میتواند سالی ۲۸ میلیون تن محصول بدهد که معادل ۵۶ درصد از محصول جهان در سال ۱۹۵۰ میباشد.

برای تهیه این مقادیر ۴۵۳ چاه حفر شده که معادل ۲۸۵۸ میل حفاری میباشد. نفت بوسیله لوله تا آبادان که در مسافت ۱۵۰ میل واقع است انتقال مییابد و ۲۱۷۷ میل لوله فولادی بزرگ در میان نصب گردیده است. چهار مرکز تلیه زنی و ۱۶۰۰ میل جاده ساخته شده است. پالایشگاه آبادان که بزرگترین پالایشگاه جهان است مساحتی به وسعت ۵۰۰ جریب را فقط با تأسیسات تصفیه خود میپوشاند. ولی مخازن و محلات مسکونی و کوی‌های کارگری و اسکله‌های بارگیری کشتی‌های نفت کش در چندین میل مربع بسط دارد.

سه بندر بزرگ که جملاً حاوی ۲۰ محل بارگیری است ساخته شده و میتوانند کشتیهای نفت کش را که بارگیری واقعی آنها تا میزان ۳۰ هزار تن باشد بپذیرند بنادر آبادان و خسرو آباد تا آنجا که به تنهایی سالی ۲۵ میلیون تن بارگیری و باراندازی دارند و حال آنکه بزرگترین بندر اروپا یعنی تر دام سالی ۱۶ میلیون تن بارگیری و باراندازی ندارند. آبادان در مسافت چهارمیل از مصب شط واقع است و این موقعیت مستلزم مقدار مهمی کار لارویی و عملیات نگاهداری شط میباشد.

کلیه فعالیت‌هایی که بدان اشاره کردم در نواحی عملی گردیده که علاوه بر مسکون بوده و هیچ گونه منابع لازم را برای زندگی انسانی نفوس صنعتی موجود ندارد.

بنابراین علاوه بر سرویسهای استحصال و تصفیه و حمل نفت لازم بوده است که کلیه سرویسهای لازم جهت وسایل زندگی نیز تأمین شود.

در ابتدای سال ۱۹۵۱ عده اشخاصی که کار میکردند ۷۵۰۰۰ نفر بود لذا در محلات مسکونی علاوه بر منزل لازم بوده است که آب و نیروی برق و دکا کین و رستورانها و اغذیه بیزان زیاد و وسایل حمل و نقل (۲۵۰۰ دستگاه) و رختشویخانهها و لینیات فروشی ها و مؤسسات بهداری و اداری و همچنین تھیلات یشار دیگر تهیه گردد.

اکنون میل دارم ملاحظاتی چند در باره اقدامات تأمینی که دولت انگلستان از دیوان خواستار شده بر سر منم. اقدامات مزبور در ردیف ده تقاضائی که در تاریخ ۲۲ ژوئن تقدیم کرده ایم منبوج است. امیدوارم با لسان قضائی روشنی بیان و تحریر شده باشد. در اینجا نمیخواهم که اقدامات مزبور را قرانت کنم فقط بطور خلاصه عرض میکنم که کلیه پیشنهاداتی که در بندهای (الف) تا (و) از ردیف ۱۰ بدیوان شده یعنی تمام پیشنهادات با مستثنای یکی ازین اصل سرچشمه میگبرند که اگر شرکت مجاز نباشد در در طول جریان محاکمه کنونی بهره برداری کلی خود را با شرایط ناشی از امتیاز ۱۹۲۳ ادامه دهد بهره برداری حجیم شرکت نفت ایران و انگلیس تا زمانی که دیوان رای ماهوی خود را صادر کند خسارت جبران ناپذیری خواهد دید. باین دلیل است که ما از دیوان تقاضا داریم مقرر نماید که دولت ایران به شرکت اجازه دهد نفت را استخراج و تصفیه و حمل کند و آنرا مورد عمل قرار داده و بفروش رساند و صادر نماید و کتبه اموالی که قبل از تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت بدون جزئی ترین شکلی ملک او بود در مالکیت او باقی بماند و مقامات ایرانی و جوه دریافتی شرکت را که حاصل فعالیت های اوست ضبط نکنند و سعی در ضبط آن نمایند.

بنا بر دلایلی که در ردیف ۸ تقاضا ذکر گردیده و اینجانب در ضمن بیانات خود در باره آنها توضیح دادم امیدوارم دیوان تصدیق کند که شرکت باید مجاز شود که در این دوره موقت فعالیت های خود را بهمان آزادی سابق تعقیب نماید چه که شاید رای ماهوی با استنتاجات انگلستان تقدیمی در عرض حال ۲۵ مه موافق و قابل اجرا باشد و نیز تصدیق کند که این مؤسسه بزرگ نباید تا زمانی که دیوان رای ماهوی خود را صادر نکرد متحمل زیان جبران ناپذیری گردد.

البته اینجانب کاملاً تصدیق دارم که دیوان بطوریکه از ماده ۶۱ آئین نامه آن بالعراحه معلوم میشود ممکن است اقدامات تأمینی دیگری را غیر از آنچه که در تقاضای ما پیشنهاد شده مقرر دارد. فقط از دیوان تقاضا دارم که عللی را که ما در تأیید تقاضای خود اظهار داشتیم به دقت مورد رسیدگی قرار دهد و توجه نماید که آیا دلایل مزبور به این نتیجه میرسد که فقط عین اقدامات یا نظیر اقداماتی که ما تقاضا کرده ایم میتواند حافظ حقوقی باشند که دیوان طبق مفاد اساسنامه در موقع دریافت تقاضای اقدامات تأمینی ملزم است حمایت نماید؟ بیانات اینجانب تقریباً خاتمه یافته ولی قبل از پایان

نکته را باید مورد نظر قرار دهم .

ما دیروز عصر از رونوشت تلگرافی که دولت ایران به دیوان مغایره کرده اطلاع حاصل نمودیم . بطوریکه شنیده‌ام رونوشتی که بما تسلیم شده کاملاً مطابق با اصل نیست . ما آنرا خواندیم ولی وقت جوابگویی آن با بحث در دلایل جدید مندرج در آنرا که محققاً با طرز ادراک ما مطابق نیست نداریم — و البته دیوان اجازه خواهد داد که فعلاً پیش از این در این باب صحبت نکنیم .

نکته دومی که میخواهم قبل از پایان بیانات خود بدان اشاره کنم بشرح

زیر است :

از بدو شروع این وقایع تأسف انگیز شرکت نفت انگلیس و ایران هم خود را دائماً مصروف داشته که کلیه مساعی خود را برای حمایت مؤسسه و حفظ آن از هر خسارتی بکار برد . هیچک از کارکنان مشول شرکت هیچگونه عملی برای اخلال فعالیت یا ایجاد مانع در مقابل فعالیت مزبور نکرده است . — اینجانب میتوانم پیامی را که آقای دریک مدیر کل شرکت به کارمندان ایرانی و انگلیسی شرکت فرستاده و شما حتماً ملاحظه کرده‌اید بعنوان مثال ذکر کنم . نامبرده بکارکنان مزبور تأکید کرده که در پست خود باقی بمانند سعی کنند که صبور باشند و هیچ عملی که موجب تشدید وضع مشکل موجوده باشد ننمایند . کلیه افراد شرکت سعی کرده اند که برای مواجهه با دوران خطرناکی که طی میکنند از این طرز فکر الهام بگیرند . همچنین شرکت و دولت اینجانب نیز سعی دارند که با این طرز فکر در اجرای کلیه اقداماتی که دیوان برای جلوگیری از هرگونه خسارت بعدی مقتضی بدانند و تعیین کنند صادقانه همکاری نمایند .

در خانه از آقای رئیس تشکر میکنم .

رئیس — بطوریکه استنباط میکنم بیانات دولت انگلستان بدینطریق خانه

یافته است .

سرفرانک ساسکینس — صحیح است .

رئیس — در اینصورت اینجانب حق را برای دیوان محفوظ میدارم که هر

گونه اطلاعات اضافی را که لازم بداند از طرفین بنحو مقتضی بخواهد . با این ختم

بیانات شفاهی را در قضیه تقاضای اقدامات تأمینی اعلام میدارم .

تاریخ صدور رای دیوان در جلسه علنی رسماً بطرفین اطلاع داده خواهد شد .

ختم جلسه را اعلام میکنم

جلسه در ساعت ۱۷ و نیم خانه یافت .

## پاسخ دولت ایران بدیوان دادگستری لاهه در تاریخ ۷ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه :

( توسط سفارت شاهنشاهی ایران )

تلگراف شماره ۱۳۹۲۶ شما خطاب به جناب آقای نعمت وزیر و اینجانب در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۵۱ واصل گردید هر چند بابت اینکه مهلت مقرر بسیار کوتاه بود و برای تهیه جواب در فشار فوق‌العاده بوده ایم معذرت می‌نمایم بشرح پیوست مطالبی را که دولت شاهنشاهی ایران در رد عرض حال دولت انگلستان تهیه نموده است معترمانه ابلاغ می‌دارد .  
۲۹ ژوئن ۱۹۵۱ شماره ۱۲۴۳۴ وزیر امور خارجه

پس از پایان جنگ بین‌المللی اول ۱۹۱۸ همه ملت‌های جهان تصور می‌کردند سازمان‌های بین‌المللی که مظهر و نماینده آرزوهای عمیق صلح‌طلبی ملت‌های زجر دیده

جهان بود در تأمین هدف مقدس خود یعنی تضمین صلح و آرامش و جلوگیری از تعدی و تجاوز قوی بر ضعیف توفیق خواهد یافت و از وقوع جنگ در دنیا جلوگیری خواهد کرد متأسفانه برخلاف این انتظار و آرزو چند سال نگذشت بود که جنگ بزرگ و جهانگیر ۱۹۳۹ دوباره دنیا را به آتش و خون کشید.

بعد از ختم این جنگ مهیب باز منشور ملل متحد پایه های سازمان بین المللی ملت های متفق را طراحی کرد و امروز خوشبختانه چنین سازمان وسیع جهانی با شرکت اکثریت قریب باتفاق ملت های متنوع جهان زمام صلح و صفای بین المللی و معدلت عمومی را بدست گرفته است.

مع الوصف ملل جهان از خود می پرسند چگونه با وجود سازمان مجمع ملل متفق و شورای امنیت و دیوان دادگستری بین المللی و مؤسسات بین المللی مشابه دیگر با اساس صلح در دنیا متزلزل است و چگونه دولت های بزرگی که خود مبتکر و بانی این مؤسسات و مقررات بوده اند دقیقه شماری میکنند که به پیوند جنگ چه وقت و از کجا شروع خواهد شد.

اگر با نظر انصاف و دور از اغراض خاص دقت کنیم این وضع متزلزل و نا پایدار علت و دلیلی جز طمع ورزی و خودخواهی اقویا نسبت به ضعیفا ندارد و مادام که عدالت واقعی در روابط ملت های ضعیف یا زورمندان حاکم نباشد صلح و آسایش عمومی بهمین صورت در معرض خطر متزلزل و سقوط خواهد بود.

اینک نوعی از خودخواهی و طمع ورزی یک شرکت انگلیسی نسبت به یک ملت ضعیف و صلح طلب شرقی را چون بوسیله عرض حال غیر صحیح دولت انگلستان در آن دیوان عالی برخلاف صلاحیت آن دیوان مطرح شده باستحضار دادرسان عالی مقام آن دیوان عالی بین المللی میرساند.

در سال ۱۹۰۱ یعنی شش سال قبل از رژیم مشروطیت در ایران داری نامی از اتباع دولت انگلیس با سرمایه ای معادل بیست هزار لیره امتیاز استخراج نفت یک قسمت مهم از اراضی کشور ایران را برای مدت ۶۰ سال بدست آورد و تعهد کرد ۱۶ درصد عایدات را بابت حق الامتیاز بدولت ایران بدهد علاوه بر آن از اقسام شصت سال تمام ابنیه و آلات و ادوات کار شرکت را منقول و غیر منقول بر اینگان بتصرف مالکانه دولت ایران بپردازد.

شرکت تا سال ۱۹۱۹ با توسل به عاذیر مختلف دیناری بهیچ عنوان بدولت ایران نپرداخت و بتقاضای حکمت دولت ایران هم ترتیب اثر نداد تا اینکه مستشار انگلیسی بنام آرمتیاز اسبیت که در سال ۱۹۱۹ برای اجرای مقررات مالی قرار داد ۱۹۱۹ بایران آمده بود از طرف دولت ایران مأمور شد برای تصفیه محاسبات با شرکت نفت بلندن مسافرت کند. شایان توجه است که قرارداد ۱۹۱۹ - معروف بقرارداد وثوق الدوله نوعی از معاهدات تحت الحمایگی بود که برخلاف حق و عدالت و برخلاف



میل و نظر ملت ایران از طرف دولت انگلیس که جنک ۱۹۱۸ فاتح بیرون آمده بود به ملت ایران تحمیل شده بود .

آرمیتاژ اسمیت انگلیسی با این مامورین بلندن رفت در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ به استناد اینکه مستشار مالی دولت انگلیس بمنظور اجرای قرارداد ( نه تصفیه محاسبه ) از طرف دولت ایران مامور شده است موافقت نامه با شرکت امضاء کرد که برخلاف دستور دولت و برخلاف مقررات قرارداد تنظیم شده بود زیرا :

۱) دولت ایران از ۱۶ درصد عوائد شرکت حمل و نقل محروم شده بود در صورتی که بر طبق قرارداد داری ۱۶ درصد عوائد تمام شرکت های تابعه نیز متعلق به دولت ایران بوده است .

۲) اختلافات ناشی از عدم اجرای تعهدات مالی بیک محاسب انگلیسی معول شده بود و حال آنکه طبق قرارداد اختلافات بایستی بوسیله حکمیت قطع و فصل میگردد قابل توجه است که حتی این محاسب انگلیسی در محاسباتی که تقبیر کرده بود حساب ساز بهائی بمنظور نقصان بیشتر حق السهم دولت ایران کشف کرد ولی شرکت بابت مطالبات ایران تا سال ۱۹۲۰ فقط یک میلیون لیره بدولت ایران پرداخت نمود. بنا بر این دولت ایران که حق خود را ضایع شده میدید بقرارداد آرمیتاژ اسمیت که برخلاف دستور و مخالف امتیاز نامه بود معترض شد و همچنان با اعتراض خود باقی ماند .

کپانی با وجود منافع سرشاری که تا آخر سال ۱۹۳۲ برده بود جمعاً کمتر از ده میلیون لیره که طبق بیانه های منتشره در حدود ۱۳ درصد عوائد شرکت میشد بدولت حق الامتیاز پرداخت .

شرکت سابق مدعی بود که ۳ درصد دیگر را بابت حق الارض بمالکین خصوصی زمینها پرداخته در صورتیکه طبق صریح قرارداد این قبیل پولها را شرکت سابق باید از کیسه خود می پرداخت منافع سرشار شرکت و قدرت و نفوذ سیاسی که در ایران بدست آورده بود او را بخيال انداخت که دوره استعمار خود را تمدید کند و چون ابتکار بسادگی برگذار نمیشد بتهدیه مقدمه پرداخت سابقه دخالت در انتخابات پارلمانی ایران از سال ۱۹۱۹ که دولت انگلیس درصدد تحمیل قرارداد تحت الحمایگی برآمده شروع شده بود ولی این مداخله برای تأمین این منظور کافی نبود و برای امکان تجدید امتیاز و تمدید مدت ضرر ایران تغییرات دیگری در اوضاع مملکت لازم بود که از سال ۱۹۲۱ بپید بعمل آمد .

از آن تاریخ بپید هیچ و کیلی بدون اجازه دولت بمجلس نرفت یعنی از آن بپید ملت ایران در امور مملکتی مطلقاً ملوب المداخله شد .

پس از مهیا شدن زمینه شرکت طوری اسباب چینی کرد که ظاهراً خود دولت ایران در الغاء قرارداد پیشقدم شد و بالاخره تمدید مدت انجام گرفت .

توضیح آنکه شرکت طی چند سال بواسطه تغلفات خود پیوسته اسباب شکایت دولت ایران را فراهم کرده بود . در سال ۱۹۳۱ مناسبترین موقع فرا رسید زیرا در

آنسال شرکت با تخفیل در امر استخراج و حسابسازی عایدات دولت ایران را بر بعبه عایدات سال پیش تنزل داد و صدای دولت ایران را در آورد.

دولت میبایست بر طبق قرار داد حکم خود را معین کند و اگر شرکت حکم خود را تعیین نیکرد قرارداد را الفنا نماید ولی دولت ایران بنا بر تحریک و دستور شرکت مقدماً قرارداد را الفنا کرد.

با این اسباب چینی موضوع را بجامه ملل سابق کشاند شرح اسباب چینی های شرکت و حامیان آن در جامعه ملل باعث طول کلام میشود اجمال مطلب آنکه مقرر شد طرفین با یکدیگر مذاکره کنند و دولت انگلستان در اختلاف بین شرکت و دولت ایران تنها بدخالتهای ناروا در جامعه ملل اکتفا نکرد بلکه رسماً دولت ایران را بقطع رابطه تهدید و با اعزام کشتیهای جنگی بخلیج فارس از اعمال فشار و ارهاب خود داری نکرد.

نتیجه دسته بندیها و دخالتهای نا مشروع شرکت و ایادی آن در امور داخلی مملکت ایران و تهدیدات دولت انگلیس همان شد که شرکت میخواست یعنی قرار داد ۱۹۳۳ بر ملت ایران تحمیل و ۳۲ سال بر مدت امتیاز افزوده شد.

پس از سپری شدن دوران دیکتاتوری مردم ایران کیفیت اسباب چینی های شرکت و تحمیل قرارداد و تعدیات و مظالم شرکت سابق را در جراید و مجلات و مجامع و معامل نوشتند و خواندند و گفتند و شنیدند و برده از روی فجایع اعمال شرکت برداشند تا جایکه وزیر دارایی وقت و امضاء کننده قرارداد در سه سال قبل در مجلس ایران در باب تحمیلی بودن قرارداد مطالب زیر را بهر احوال ادا کرد.

« روز آخر کار ناگهان صحبت تمديد مدت را میان آوردند و اصرار ورزیدند ما چند نفر مسلوب الاختیار بآن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم لکن هیچ چاره ای نبود ولی باید عرض کنم که مقصود اینکه گفتیم چاره نبود تنها بیم اشخاص نسبت به خودشان نبود بلکه اندیشه آنها نسبت بمملکت و هواقب نزاع بآن کیفیت نیز بود.

من هیچوقت راضی بشدم مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر در این کار تصور یا اشتباهی بود تقصیر آلت فضل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد.

او خود هم راضی بشدید بود و درید و اظهار این مطلب از طرف حضرات روبروی آنها بنمایشی و وحشت گفت هجب اینکار که بهیچوجه شدنی نیست میخواهید ما که ۳۰ سال بر گذشتگان برای اینکار لعنت کرده ایم ۵۰ سال دیگر مورد لعن

آیندگان بشویم ولی هاجت در مقابل اصرار تسلیم شد .  
قرارداد ۱۹۳۳ سرابا بضرر ملت ایران تنظیم شده در اینجاقط بدگر چند نکته اکتفا میشود :

۱ - مالیات بر درآمد - بر طبق بیلان سال ۱۹۴۸ شرکت سابق (ترازنامه ای که مورد رسیدگی و تصدیق دولت ایران واقع نشده) ۶۲ میلیون لیره عابدی داشته و ۲۸ میلیون لیره هم بدولت انگلستان بابت مالیات پرداخت کرده است در صورتی که مالیات بر درآمد بکه دولت ایران در آنسال گرفته فقط در حدود یک میلیون و چهارصد هزار لیره یعنی ۲۱ مرتبه کمتر از ۲۸ میلیون لیره و کمتر از معادل ۲ درصد عوائد شرکت بوده و حال آنکه در سال ۱۹۳۳ میزان مالیات بر درآمد پرداختی معادل ۴ درصد یعنی حداکثر نرخ مالیاتی وقت بوده است .

چنانچه قرارداد داری اجرا میشد برای سال مالی شیه سال ۱۹۴۷ بانرخ فعلی مالیات بر درآمد ایران ۵۰ درصد حق دولت ایران از این بابت به ۲۱ میلیون لیره بالغ میگردد .

۲ - نرخ مواد نفتی در داخله - چون بر اساس قیمت نفت خلیج مکزیک با تخفیف ده درصد برای مردم و ۲۵ درصد برای دولت تعیین شده طبناً ۴ تا ۵ برابر گرانتر از قیمت تمام شده در ایران که از غنی ترین و کم خرج ترین منابع دنیا است برای ملت ایران تمام میشود .

۳ - حقوق گمرکی - چون شرکت سابق از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف بوده زیان ملت ایران از این رهگذر بعدی است که اگر شرکت نفت ما وامجانا میبرد و بجای هر حق الامتیاز یا سودی فقط حقوق گمرکی واردات و صادرات خود را میپرداخت دریامتی دولت ایران از آنچه بود تجاوز میکرد :

مهمترین زیان قرارداد مغدوش ۱۹۳۳ این است که طبق قرارداد داری تمام منافع سرشار نفت و تأسیسات گرانبهای آن بعد از ۱۹۶۱ بدون هیچ قید و شرطی بایران تعلق میگرفت ولی بر اثر این تحمیل و توطئه ۳۲ سال دیگر این ثروت و درآمدی بایان دودست شرکت باقی میماند .

قابل توجه است که تاریخ ۱۹۹۳ با احتمال قریب یقین طوری پیش بینی شده بود که دیگر مقالی نفت زیر زمین های نفت خیز جنوب ایران باقی نمی ماند .

برای جلب توجه آن دیوان عالی بضرر های مادی و معنوی ملت ایران در معامله با شرکت سابق ارزش نفت صادر شده از کشور ایران و سهم ایران را از هایدات در اینجا ذکر میکنیم :

ارزش ۲۸۴ میلیون تن نفت استخراجی از منابع ایران تا سال ۱۹۵۰ بر اساس میان نفت فروش رفته و مستخرج از منابع نفت ایران و قیمت نفت در سال مربوطه از از یک میلیارد لیره متجاوز و حال آنکه حق الامتیاز دریامتی دولت ایران در همان مدت به یکصد میلیون لیره هم بالغ نشده و بنا بر این کمتر از ده درصد بوده است .

بایستی اضافه کرد که با اینکه قرارداد ۱۹۳۳ سراسر بضرر ملت ایران تنظیم و حتی برهیت حاکمه آن تحمیل شده بود با اینحال شرکت سابق در موارد متعدد از مقررات همین قرارداد مغدوش تخلف کرده است شرح این تخلفات مفصل است من باب نمونه چند مورد ذکر میشود:

۱ - شرکت تعهد کرده بود که هر سال از عده مستخدمین خارجی خود بکاهد و ایرانیان را بطور تصاعدی بکار بگمارد منذلك تعجب آور است که بجای ۱۸۰۰ نفر کارمندان خارجی سال ۱۹۳۳ در سال ۱۹۴۷ چهار هزار و دوست نفر مستخدم خارجی در شرکت کار میکرده است.

همین سیاست تجاوزکارانه امروز ملت ایران را برای اداره صنایع نفت خود محتاج متخصصین خارجی نگاهداشته خسارت وارده از اینراه غیر قابل تقویم و جبران ناپذیر است.

۲ - با اینکه شرکت مکلف بوده هر گونه اطلاعی را که دولت ایران بخواهد در اختیار او بگذارد شرکت همه چیز را تا این لحظه از دولت و ملت ایران مکتوم نگاه داشته منلادر سالهای اخیر مجلس و دولت تقاضا کردند رقم واقعی فروش نفت بدیاداری انگلستان و بهای آنرا اعلام کند ولی کمترین خبری بدست نیاوردند.

۳ - در قرارداد مغدوش شرکت مکلف بوده بهای واقعی طلا را ماخذ تقویم لیره قرار دهد ولی همیشه بهای رسمی لیره ملاک محاسبه قرار داده شده و از این راه خسارات فراوانی بایران وارد کرده است.

۴ - بوجب ماده ۲۱ همان قرار داد مغدوش شرکت مکلف بوده همه وقت منافع دولت ایران را با حسن نیت رعایت کند و حال آنکه اجمالا مسلم است که معامله بابحریره و هواییانی انگلستان بنرخ غیرعادله انجام گرفت و حق دولت ایران سالهاست تضییع گردیده است.

برای احتراز از طویل کلام از ذکر سایر تخلفات خودداری میشود. با تمام این احوال و با اینکه قرارداد غیر نافذ و باطل ۱۹۳۳ بملت ایران تحمیل شده و هرگز تصویب نمائندگان واقعی ملت نرسیده و هیچگونه ارزش قضائی ندارد مع الوصف دولت ایران در مقام بحث در قرار داد مغدوش نیست مطلب این است که مجلسین ایران بالاتفاق قانون ملی شدن صنایع نفت در تمام کشور را که ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است تصویب نموده اند و این حق هم برای هر ملتی شناخته شده چنانچه خود دولت انگلیسی بکرات از آن استفاده نموده است.

پس از آنکه خاطر دادرسان عالی مقام دیوان بین المللی تاحدی از سوابق این مسئله مستحضر شد اکنون دلالتی که دولت ایران بر نفی صلاحیت دولت انگلیس در تقدیم عرضحال و نفی صلاحیت آن دیوان عالی در رسیدگی باین موضوع در اختیار دارد توضیح داده میشود:

۱ - فرض مغدوش نبودن قرار داد ۱۹۳۳ طرف قرارداد دولت ایران شرکت خصوصی سابق نفت جنوب است و هرگز دولت ایران با دولت انگلستان قرار دادی که مستلزم مراجعه به آن دیوان عالی باشد منعقد نکرده است .

این شرکت مثل تمام شرکت های خصوصی خارجی یا داخلی دیگر تابع قوانین و مقررات داخلی کشور ایران است و اگر شکایتی از دولت ایران داشته باشد بایستی بمقامات قضائی داخلی مراجعه میکرد . صاحب سهم بودن دولت انگلیس در شرکت نفت هیچگاه نمیشود که ماهیت شرکت طرف قرارداد تغییر کند .

۲ - بیانیه دولت ایران مورخ سال ۱۹۳۲ در باب صلاحیت اجباری دیوان بین المللی مداخله آن دیوان عالی را در مسائلی که ناشی از حاکمیت ملی است ردومستنی کرده است .

۳ - بند ۷ از ماده ۲ منشور ملل متحد صراحت دارد که هیچکس از مقررات سازمان منشور ملل متحد را مجاز نیندازد که در کارهایی که اساساً مربوط به صلاحیت ملی يك مملکت است مداخله کند و اعضاء سازمان را مجبور نینماید که کارهای از این قبیل را طبق طریقه ای که در منشور مقرر است تصفه کنند .

۴ - بر طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی مقرر است که دیوان بین المللی دادگستری نسبت بکلیه اموری که اطراف دعوا به آن رجوع می کنند و همچنین نسبت بموارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد یا بموجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد .

بنابر این معلوم نیست دولت انگلیس که هیچگونه سمت و صلاحیتی در این امر و این گفتگو نمیتواند داشته باشد چگونه بخود حق داده در این باب آن دیوان عالی رجوع کند .

از طرفی معلوم نیست چگونه آن دیوان عالی مهلتی را برای جواب دادن تعیین کرده اند که در ظرف آن عادتاً ممکن نیست مدعی علیه بتواند حق تحصیل روا دید کند .

دولت ایران روی کوتاهی مهلت بناچار از ذکر بسیاری از مطالب صرف نظر میکند و امیدوار است که آن دیوان عالی نسبت باعلام عدم صلاحیت خود هیچگونه مسامحه و اغمازی که احیاناً موجب یاس ملت های ضعیف از عدالت بین المللی خواهد گردید روا ندارد .

گرچه دولت ایران باتوضیحاتی که در باب اساس موضوع و مخصوصاً در باره عدم اهلیت دولت انگلستان در اقامه دعوی و عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در رسیدگی بآن تقدیم کرده دیگر حاجت ندارد و در رد تقاضای تأمینیه دولت انگلیس چیزی بگوید مع الوصف خاطر داد رسان عالی مقام را براتب زیر متوجه میسازد .

۱ - چنانچه ملاحظه میشود بین دولت ایران و دولت انگلستان اختلافی موجود

نیست و دولت مزبور بناحق می خواهد خود را در مسئله ای که بموجب اصول ابتدایی و بدیهی حقوق بین المللی ناشی از حق حاکمیت ایران و منحصر در صلاحیت دولت ایران است وارد سازد

۲- بر فرض که اختلافی در باب ملی شدن نفت ایران وجود داشته باشد این اختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران است که یک شخص حقوقی و در حکم یک فرد انگلیسی است و بموجب بند اول ماده ۳۴ اساسنامه آن دیوان عالی که می گوید :

«قط دولتها می توانند بدیوان بین المللی رجوع کنند» قابل طرح در دیوان بین المللی نیست

۳- قطع نظر از عدم اهمیت مدعی و عدم صلاحیت دیوان بین المللی اساسا موضوع مورد گفتگو بوسیله هیچ مدعی در هیچ دادگاهی قابل طرح نیست زیرا بطوریکه قبلا توضیح شد صحبت از فسخ و لغو و بطلان قرارداد ۱۹۳۳ در میان نیست بلکه موضوع اینست که دولت و ملت ایران از یکی از مسلم ترین حقوق طبیعی حاکمیت خود استفاده و صنعت نفت را در تمام کشور بدون هیچ تبعیضی ملی کرده است .

دولت انگلستان خود بارها از این حق استفاده کرده و صنایع عظیم خود را ملی کرده است بدیهی است مالکین و امتیاز داران آن صنایع هیچگونه حق شکایتی نداشته و ندارند .

۴- از همه این مسائل گذشته وقتی تقاضای اقدامات تأمینیه مورد پیدا میکند که حقوق اصحاب دعوی در معرض تضییع و تلف قرار گرفته باشد یا لافل احتمال این امر برود و عدم توری خسارت جبران ناپذیری وارد سازد در این مورد مطلقا چنین احتمالی نبیروند زیرا :

۱- دولت ایران بوسیله قانون مجلسین مکلف شده در نگاهداری وسائل مادی و انسانی استخراج و تصفیه و حمل و نقل و جریان آن بطرف احتیاجات فنی و صنعتی مشتریان سالهای گذشته نفت ایران متهای کوشش را بکار برد .

۲- کلیه کارشناسان و کارکنان فنی خارجی اهم از انگلیسی و غیر آن نه تنها در بست خود باقی می مانند بلکه علاوه بر حفظ تمام حقوق و مزایایی که شرکت سابق داشته اند مورد تشویق و تقدیر هم قرار می گیرند .

۳- بتصور اینکه از همل ملی شدن صنعت نفت و واگذاری تاسیسات نفت بدولت ایران خساراتی بدارائی شرکت وارد گردد باوجود مطالبات زیادی که دولت ایران از شرکت سابق دارد باز هم برای مزید اطمینان شرکت ماده ۲ قانون دولت را موظف کرده که ۲۵ درصد از درآمد جاری نفت را بنظور جبران خسارت احتمالی شرکت در بانک مرضی الطرفین با امانت بگذارد .

باتوجه بمسائل فوق دولت ایران امیدوار است آن دیوان عالی بدم صلاحیت خود بملت عدم اهلیت شاکی و قابل شکایت نبودن اعمال حق حاکمیت ملی ایران اعلام

رای نماید با این ترتیب طبعا تقاضای اقدام تامینی هم مردود شناخته خواهد شد .  
در آخرین لحظه ای که دولت ایران مشغول تهیه کردن جواب آن دیوان عالی  
بوده خبر رسید که کار مندان انگلیسی شرکت سابق که تقاضا شده بود برای حفظ جریان  
نفت با همان حقوق و مزایا که دارند در خدمت دولت ایران بکار مشغول  
باشند مع الاسف يك بار و بصورت دسته جمعی امروز ( صبح ۲۷ ژوئن ) استفا کرده اند  
بدیهی است چنین کناره گیری صرفا بنظور فلج ساختن کار و بزانو در آوردن دولت ایران  
است و نیز خبر رسید که دو کشتی جنگی چندین هزار تنی انگلیسی بمقصد اخافه و ارعاب  
دولت و ملت ایران که جز حق طبیعی و مشروع خود هیچ چیز نخواسته است در شط العرب  
لنگر انداخته اند .

خبر اخیر مجالی برای تردید قضات عالی مقام دیوان دادگستری جهانی باقی  
نیسگذازد که وقتی دولت انگلیس با اوضاع و مقتضیات سیاسی امروز عالم از ترس نیندن  
ملت ضعیف ایران بنظور حمایت از تعدی و تجاوز يك شرکت غاصب و طمع ورز خود  
داری نکند در ۱۹۳۳ که اوضاع دنیا این قبیل تجاوزات را تسهیل میکرد بطور حتم از  
این وسیله غیر مشروع بنظور تمديد ملت سوء استفاده کرده است .

در خاتمه ممکنست داد خواست اخیر دولت انگلیس ذهن آن قضات عالی مقام  
را نسبت بحسن نیت دولت ایران در بهره برداری نفت و خوش رفتاری با اتباع انگلیسی  
و غیر انگلیسی مشوب سازد . در این صورت لازم میدانیم بعضی از مدارك و اسناد رسمی  
و اخبار خبر گزاریهای انگلستان و دول بیطرف را در این باب تقدیم آن دادگاه عالی  
بنمایند تا حسن نیت دولت ایران در ملی کردن صنایع نفت و تهدیدات دولت انگلستان  
بداخله نظامی و انهدام کار خانجات و تحريك متفحصین فنی و کارگران باسنتفا و اعتصاب  
و تبلیغات مسوم کننده مبنی بر نبودن امنیت بر آن دادگاه عالی روشن و مسلم گردد

## تلگراف رئیس دفتر دیوان دادگستری لاهه

بوزیر امور خارجه ایران در تاریخ ۱۴ آبر ماه ۱۳۳۰

شماره ۱۴۰۴۴

۱۹۵۱ ژوئیه

آقای وزیر

عطف به تلگراف شماره ۱۴۰۴۳ معتبرماً قران مورخه امروز دیوان را که مدت مهلت تسلیم یادداشت و یادداشت جوانه آنرا مربوط بموضوع شرکت نفت ایران و انگلیس تعیین نموده رسماً جهت دولت ایران توسط جنابعالی ارسال میدارد.

موقع را منتتم شمرده مجدداً مفاد ۳ ماده ۳۵ مقررات دیوان را راجع به تعیین يك نماینده بجنابعالی یاد آوری مینماید .

احترامات فائقه .....

امضاء. رئیس دفتر دیوان



جناب آقای ب . کاظمی - وزیر امور خارجه - تهران

دیوان بین المللی داد گستری

سال ۱۹۵۱

قرار مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۵۱

موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس ( انگلیس - ایران )

دیوان بین المللی داد گستری

نظر بماده ۴۸ اساسنامه دیوان

نظر بماده ۲۷ مقررات دیوان

قرار زیر را صادر مینماید :

نظر بمرضحال مورخه ۲۶ مه ۱۹۵۱ که همانروز بدفتر دیوان تسلیم و ثبت

گردیده است و بدان وسیله عطف باعلام قبول ترتیبات اختیاری از طرف دولت انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران دولت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس را بدیوان مراجعه نموده است .

با در نظر گرفتن اینکه همانروز عرضحال طبق بند ۲ ماده ۴۰ اساسنامه به دولت ایران ابلاغ گردیده و نیز همانروز تاییدی که اعلام شده تلگرافاً بکشور مزبور اطلاع داده شده است نظربه تلگراف مورخه ۲۸ مه ۱۹۵۱ تهران مکه بوسیله آن وزیر امور خارجه ایران وصول عرضحال را اطلاع وتذکر داده است که دولت متبوعه مشارالیه دیوان را در رسیدگی باین موضوع صالح نشناخته و پس از وصول عرضحال جواب مقتضی خواهد داد .

نظر بقرار صادره بتاریخ امروز که طبق آن در نتیجه تقاضای مورخه ۲۲ ژوئن

۱۹۵۱ دولت انگلستان دیوان قرار تأییدی تعیین نموده و این تعیین بیچوجه لطمه به صلاحیت دیوان نسبت بشناسائی کامل امر وارد نیاورد .

مدت مهلت تسلیم اسناد کتبی مربوط بطرز همار را بدینطریق مقرر داشته است :

برای یادداشت دولت انگلستان تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۱

برای یادداشت جوابیه دولت شاهنشاهی ایران تا ۳ دسامبر ۱۹۵۱

دنباله طرز عمل را محفوظ میدارد :

بفرانه و انگلیسی که متن آن معبر میباشد در دیوان لاهه در تاریخ ۵ ژوئیه

۱۹۵۱ در سه نسخه تنظیم گردیده که یکی از آنها در بایگانی دیوان ثبت و دونه

دیگر جهت دولتم انگلستان وشاهنشاهی ایران ارسال میگردد . .

امضاء رئیس دفتر

امضاء رئیس

تلگراف دفتر دادگاه بین‌المللی لاهه  
 بوزارت امور خارجه ایران  
 ۴ خرداد ۱۳۳۰

شماره ۱۳۶۶۹

بتاریخ ۲۶ می ۱۹۵۱  
 آقای وزیر

در تعقیب تلگراف امروز خود تأیید مینمایم که دولت منعمه بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی عرضحالی بر علیه دولت ایران برای رسیدگی با اجرای قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود بدینتر این دیوان تسلیم نموده است .

به پیوست رونوشت موقت عرضحال مزبور تقدیم و بزودی نسخ چاپ شده و گواهی شده آنرا نیز ارسال خواهم داشت . لطفاً توجه خواهید فرمود که این عرضحال مربوط باعلامیه مورخ دوم اکتبر ۱۹۳۰ مصوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ می باشد که به موجب آن

دولت شاهنشاهی ایران قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی را بر طبق بند دوم از ماده ۳۶ اساسنامه آن قبول کرده است. در این مورد توجه عالی را بماده ۳۵ آئین نامه دیوان معطوف مینماید که مقرر میدارد ( بند ۳ ) که مدعی علیه پس از دریافت ابلاغ دادخواست و در موقع اعلام وصول آن یا هرچه زودتر باید نام نماینده خود را بدادگاه اطلاع دهد و همین نماینده مزبور ( بند ۵ ) باید با ذکر محل اقامت در مقرر دیوان صورت گیرد که کلیه ابلاغات راجع بدعوی بآن محل فرستاده شود .

بعلاوه معترما اطلاع میدهم که موضوع تعیین مهلتهای مربوط به تسلیم مدارک کتبی مربوط باین دعوی بعداً توسط اینجانب ابلاغ خواهد شد .  
در اینخصوص تصور میکنم لازم باشد توجه عالیرا به بند اول از ماده ۲۷ آئین نامه معطوف سازد .

خواهشمند است احترامات فائقه اینجانب را یندپرید .

معاون دفتر دادگاه

نامه مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلستان  
 بدفتر دیوان بین‌المللی لاهه  
 ۴ خرداد ۱۳۳۰

از وزارت امور خارجه

لندن ۲۶ مه ۱۹۵۱

محترماً باعطف باعلامیه صادره از طرف انگلستان و ایران داور بقبول مواد  
 اختیاری پیش بینی شده در بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی و  
 بموجب صلاحیتی که بدین طریق بآن دیوان اعطاء شده اینک برطبق بندیک از ماده ۴۰ و  
 بند ۲ از ماده ۳۲ آئین نامه دیوان بکبرک عرضحال بدوی بنام دولت بریتانیای کبیر  
 و ایرلند شمالی بر علیه دولت شاهنشاهی ایران در قضیه مشروحه ذیل تقدیم میدارد:  
 شرح ماوقع ۲ - در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ قراردادی (که رونوشت آن  
 با ترجمه انگلیسی که جهت استفاده شرکت تهیه شده و بعنوان ضمیمه الف پیوست باین

عرضحال مییابد) بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس محدود که در انگلستان به ثبت رسید منعقد گردیده است. این قرار داد (که بعداً با اسم قرارداد نامیده میشود) پس از آنکه در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۲۳ به تصویب مجلس ایران و در تاریخ ۲۹ می ۱۹۲۳ بسمه شاهنشاهی رسید در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۲۳ اعتبار یافت. دولت شاهنشاهی ایران بموجب ماده يك قرارداد بشرکت حق انحصاری در قلمرو امتیاز نامه (حق که در ماده ۲ قرارداد تعریف شده) اعطای نموده که نفت را جستجو و استخراج و آنرا تصفیه یا بهر نحو دیگر مورد عمل قرار داده و وقتی را که بدست میآورد برای تجارت مهیا کند. همچنین بشرکت در مجموع خاک ایران حق غیر انحصاری داده شده که نفت را حمل و نقل و تصفیه یا بهر طریق دیگر مورد عمل قرار داده و برای تجارت مهیا کند و همچنین آنرا در ایران بفروشد و صادر کند.

در ماده ۲۶ قرار داد چنین مقرر گردیده است. این امتیاز نامه برای مدت زمانی که از روز اعتبار یافتن آن شروع و در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ منقضی میگردد بشرکت اعطاء میشود.

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خانه یا بدمگر در صورتیکه شرکت از امتیاز صرف نظر کند (ماده ۲۵) و یا در صورتیکه دیوان داورى ابطال امتیاز نامه را در نتیجه قصور شرکت در اجرای قرار داد حاضر اعلام نماید.

موارد ذیل در حکم قصور بمعنی فوق تلفی خواهد شد:

الف - در صورتیکه مبالغ وجهی بهر عنوان که دیوان داورى در باره ایران قابل شده باشد در مدت یکماه از تاریخ صدور حکم پرداخت نشده باشد.

ب - در صورتیکه تصمیم بانحلال اختیاری یا اجباری شرکت گرفته شود.

در کلیه موارد دیگر که یکی از طرفین از این قرار داد تغلف نماید دیوان داورى مسئولیتها را تعیین و تایید آنرا معلوم خواهد ساخت.

در ماده ۲۱ قرار داد چنین مذکور است: طرفین قرارداد اعلام میدارند که اجرای قرار داد حاضر را بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و بر اساس تفسیر عقلانی مبتنی خواهند داشت و همچنین این امتیاز نامه از طرف دولت لغو نخواهد شد و مقررات مندرجه در آن نه از طریق وضع قانون عمومی یا خصوصی در آینده و نه بوسیله تصمیمات اداری و یا هر گونه اقدام دیگر مقامات اجرائیه تغییر داده نخواهد شد در ماده ۲۲ قرار داد مقرر گردیده است که کلیه اختلافات بین طرفین از هر نوع از طریق داورى قطع و فصل خواهد شد و طرفی که تقاضای داورى میکند باید مراتب را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید و هر يك از طرفین بکنفر داور تعیین خواهند نمود و دو نفر داور مزبور قبل از شروع بداورى بکنفر داور ثالث انتخاب خواهند کرد.

همان ماده مقرر میدارد چنانچه در ظرف دو ماه نسبت به شخص داور ثالث توافق حاصل نگردد داور مزبور برحسب تقاضای هریک از طرفین توسط رئیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تعیین خواهد شد و چنانچه یکی از طرفین در ظرف شصت روز از تاریخ وصول ابلاغ تقاضای داوری داور خود رامین ننماید یا تعیین او را بطرف مقابل ابلاغ نکند طرف دیگر حق خواهد داشت از رئیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تقاضای تعیین یک نفر داور واحد را بنماید و طریقه داوری همان خواهد بود که در زمان داوری از طرف دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی معمول است و بالاخره رأی داوری مبتنی بر اصول حقوقی مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی خواهد بود .

۳ - اثر ماده ۲۲ قرار داد این است که کلیه اختلافات از هر نوع حاصله بین طرفین را از صلاحیت دادگاههای ایران خارج ساخته و طریقه داوری مذکور در آن ماده را یگانه راه مراجعه قضائی قرار داده که در صورت بروز این قبیل اختلافات بین طرفین بروی هریک از آنها باز باشد .

۴ - در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۱ و بیست مارس ۱۹۵۱ مجلس شورای و سنای ایران بترتیب ماده واحده ای رامبنی بر اعلام ملی شدن صنعت نفت در ایران تصویب نمودند و این ماده واحده بعداً در تاریخ اول مه ۱۹۵۱ بر صحنه شاهنشاهی رسید . در ۲۶ آوریل ۱۹۵۱ کسبون نفت مجلس شورای طرح قانونی ( تصمیم ) برای اقدام در ملی شدن نفت تهیه نمود و این طرح را مجلس در ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ تصویب کرد . در همان روز ( ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ ) شرکت نفت انگلیس و ایران بر علیه اقدامیکه در نظر گرفته شده بود بدولت شاهنشاهی ایران اعتراضی نمود که بلااثر ماند . ( رونوشت این اعتراض نامه بعنوان ضمیمه بیوست این عرضحال میباشد ) قانون اخیر در سی ام آوریل ۱۹۵۱ مورد تصویب مجلس سنا قرار گرفت و در تاریخ اول مه ۱۹۵۱ بصحنه هایبونی رسید . این قانون ( که از این پس بعنوان قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ بان اشاره میشود و ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه ( ج ) بیوست باین عرضحال میباشد ) پیشینی مینماید که هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر سناتور و پنج نفر نماینده مجلس با انتخاب مجلسین و همچنین وزیر دارائی با نماینده او ( ماده ۱ تشکیل شود و دولت شاهنشاهی ایران را مکلف میسازد که بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران تحت نظارت هیئت مختلط ( ماده ۲ ) خلع ید نماید ب علاوه قانون مزبور چنین مقرر میدارد : نظر باینکه از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ( ۲۰ مارس ۱۹۵۱ ) که ملی شدن صنعت نفت بتصویب سنا نیز رسیده کلیه درآمد حاصله از استخراج نفت و استحصالات آن حق مسلم ملت ایران است لذا دولت مکلف است محاسبات شرکت را تحت نظارت هیئت مختلط میزری نماید و همچنین هیئت مزبور باید در عمل بهره برداری از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله دقیقاً نظارت کند ( ماده ۴ ) .

۵ - شرکت نفت ایران و انگلیس که قانون اول می ۱۹۵۱ و اجمع بملی شدن نفت ایران در حکم الناء یا تغییر يك جانبه شرایط ۲۱ و ۲۶ قرار داد از طرف دولت ایران میدانست و قرارداد مزبور نیز قبلاً بتصویب مجلس رسیده بود پس از آنکه بشرح مذکور در بند ۴ فوق بر علیه اقدامی که در نظر گرفته شده بود اعتراض کرد و به نتیجه نرسید در تاریخ ۸ می ۱۹۵۱ یادداشتی تسلیم نمود که بموجب آن تقاضا کرد که اختلاف حاصله با دولت شاهنشاهی ایران طبق مفاد ماده ۲۲ قرار داد بدآوری ارجاع گردد . ( يك نسخه از متن یادداشت بعنوان ضمیمه (د) پیوست باین عرضحال میباشد )

۶ - در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۵۱ وزیر دارائی ایران نامه ای بعنوان آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس نگاشته (که ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه (ه) پیوست باین عرضحال می باشد) و طی آن اشعار داشته که ملی شدن صنعت نفت قابل داوری نبوده و هیچ مقام بین المللی برای رسیدگی باین موضوع صالح نیست . نامه مزبور در دنباله مطلب فوق اشعار میدارد که دولت ایران در وضع فعلی وظیفه دیگری جز اجرای قوانین فوق الذکر ندارد و بهیچوجه بامفادنامه شرکت سابق نفت در باب ارجاع بدآوری موافقت نمی کند . وزیر دارائی تصمیم دولت شاهنشاهی ایران را در حل قضیه از طریق داوری مؤکداً خاطر نشان ساخته و از شرکت سابق نفت دعوت نموده که نمایندگانی بمنظور اجرای قانون ملی شدن نفت تعیین نماید .

از مفاد نامه وزیر دارائی مستفاد می شود که وضع دولت شاهنشاهی ایران برار ذیل است :

اجرای قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ باید صورت گیرد و شرکت هیچگونه راهی ندارد که با توسل بآن بتواند اجرای قانون را متوقف سازد . شرکت نفت انگلیس و ایران پس از وصول این نامه و بررسی مفاد آن عرضحالی بر رئیس دیوان فرستاده و طی آن تقاضا نمود که بموجب بند (د) از ماده ۲۲ قرارداد یکطرفه داور واحد برای قطع و فصل اختلاف بین شرکت و دولت شاهنشاهی ایران تعیین نماید .

۷ - همچنین سعی شد که قضیه بطور دوستانه از طریق سیاسی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس حل گردد . در تاریخ ۱۹ به ۱۹۵۱ سفیر کبیر انگلیس در تهران یادداشتی بدولت شاهنشاهی ایران تسلیم نمود که طی آن اظهار امیدواری مبرکد که موضوع ممکن است از طریق مذاکره برضایت کلیه طرفین ذی علاقه حل شود و بنام دولت انگلیس پیشنهاد مینمود هیتی برای مذاکره در باب شرایط يك قرار داد جدید بلافاصله بنهران اعزام گردد . (رونوشت این یادداشت بعنوان ضمیمه و پیوست باین عرضحال میباشد) تاکنون هیچگونه جوابی باین یادداشت از دولت شاهنشاهی ایران واصل نشده است ولی بجای جواب نامه جدیدی از طرف وزیر دارائی خطاب به آقای نماینده رئیس سابق شرکت نفت ایران و انگلیس در تاریخ ۲۴ مه ۱۹۵۱ تسلیم شده است . در این نامه ( که ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه (ز) پیوست باین عرضحال میباشد) وزیر دارائی اشعار داشته بود چنانچه نمایندگان شرکت در ظرف شش روز حاضر نشوند دولت شاهنشاهی ایران با اجرای قانون

- ملی شدن نفت مبادرت خواهد کرد • بنابراین بنظر دولت انگلستان چنین می آید که دولت شاهنشاهی ایران به تقاضای دولت انگلیس دائر بحل قضیه از راه مذاکرات ترتیب اثر نداده است.
- ۸- چون این اهتمام بمنظور حل موضوع بطور دوستانه از طریق مذاکرات مستقیم بین دولتین بهیچ نتیجه نرسیده اکنون اختلافی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس وجود دارد که دولت انگلیس اختلاف مزبور را شایسته رجوع بآن دیوان میدانند.
- ۹- دولت انگلیس باارجاع این اختلاف بآن دیوان عقیدتمواخ دارد که:
- الف - دولت شاهنشاهی ایران در امتناع از ارجاع اختلاف بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران بدآوری بشرح مذکور در ماده ۲۲ قرارداد منعقد سال ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس ذبحق نیست .
- ب - بموجب مقررات قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اولمه ۱۹۵۱ دولت شاهنشاهی ایران قصد دارد ابطال یکجانبه یا تغییر مقررات قرارداد منعقد سال ۱۹۳۳ بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران را بر خلاف نص صریح مواد ۲۱ و ۲۶ آن قرارداد عملی سازد .
- ج - باین قصد ابطال یکجانبه یا تغییر مقررات قرارداد منعقد سال ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران معهود بر خلاف نص صریح مواد ۲۱ و ۲۶ آن قرارداد دولت شاهنشاهی ایران مرتکب اقدام غیر مشروعی بر علیه شرکت نفت انگلیس و ایران که تابیت انگلیس را دارد شده است .
- د- دولت شاهنشاهی ایران باردآوری یعنی طریقه ای که ماه ۲۲ قرارداد برای تعقیب کلیه اختلافات حاصله بین طرفین پیش بینی کرده پس از اخطار کتبی شرکت نفت انگلیس و ایران دائر به تقاضای داوری بر طبق مقررات آن ماده بگانه مرجع حقوقی را که صریحاً در قرارداد پیش بینی شده رد کرده و یاد بر صدد رد آن میباشد .
- ه- دولت شاهنشاهی ایران با ابطال یا تغییر یکجانبه مقررات قرارداد منعقد با شرکت و بارود یا اهتمام بر دیگر گانه مرجع حقوقی که صریحاً در قرارداد پیش بینی شده چنانچه کماکان در رد این مرجع باقی بماند مسئول استکاف از دادخواهی درباره یکی از اتباع انگلیس خواهد بود.
- و- دولت شاهنشاهی ایران بارویه متخذ خود که در بندهای (ب) و (ه) فوق تشریح گردید نسبت بیکی از اتباع انگلیس بترتیبی رفتار نموده است که موافق با اصول قانون بین المللی نبوده و بالتبجه یک اختلاف بین المللی بر علیه دولت انگلیس مرتکب گردیده است صلاحیت دیوان : ۱۰- مطابق استنتاجات ولت انگلستان دیوان صلاحیت رسیدگی باین اختلاف بین دولت انگلیس و دولت شاهنشاهی ایران را دارد بدلیل آنکه اختلاف مشمول مقررات اعلامیه است که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدیرخانه مجمع اتفاق ملل سپرده شده و بموجب آن دولت شاهنشاهی ایران حق قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی را طبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان قبول نموده است . بنابراین مقررات آن اعلامیه دولت شاهنشاهی ایران موافقت کرده است که حق قضاوت دیوان را بر اساس



معامله متقابل در قبال هر دولت دیگر درباره کلیه اختلافاتی که پس از تصویب این اعلامیه درباره اوضاع و احوالی که مستقیماً یا غیر مستقیم مربوط با اجرای عهدنامه ها و قرارداد های مورد قبول ایران بعد از تصویب اعلامیه پیش آید بپذیرد با استثنای موارد ذیل:

الف - اختلافات مربوط بوضع ارضی ایران با اضماع اختلافات مربوط بحقوق حاکمیت ابرجزائر و بنا در خود .

ب - اختلافاتی که در مورد آنها طرفین بین خود قرار طریقه حل مسالمت آمیز دیگری داده باشند یا بدهند .

ج - اختلافات مربوط بمسائلی که طبق حقوق بین الملل منحصر در حدود اختیارات قضایی ایران میباشد .

۱۱- بعقیده دولت انگلیس اختلاف بین دولت انگلیس و دولت شاهنشاهی ایران مشمول مفاد اعلامیه ای میباشد که از طرف دولت شاهنشاهی ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدیر خانه مجمع اتفاق ملل سپرده شده است . زیرا :

الف - این اختلاف پس از تصویب اعلامیه بوجود آمده است ( بند ۱۲ ذیل )  
 ب - این اختلاف در مورد اوضاع و احوالی است که نسبت با اجرای معاهدات یا قرار دادهای پذیرفته شده از طرف ایران تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم دارد ( بند ۱۳ ذیل )  
 ج - این اختلاف در مورد اوضاع و احوالی است که متعاقب تصویب این اعلامیه بوقوع پیوست ( بند ۱۲ ذیل ) :

د - مستثنیات مشروح در اعلامیه مزبور شامل قضیه حاضر نیست بخصوص تعیین اینکه آیا دولتی از یکی از تعهدات بین المللی خود تخلف نموده یا خیر موضوعی نیست که منحصراً بصلاحت ملی آن دولت اختصاص داشته باشد .

۱۲ - این اختلاف بعد از تصویب اعلامیه ( ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ ) بوجود آمده و همچنین اختلافی است که در موضوع اوضاع و احوالی که مؤخر بر تصویب اعلامیه ۱۹۳۲ میباشد پیش آمده زیرا اختلاف و موجبات بروز آن هر دو از عواقب قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ و متعاقب قانون مزبور میباشد .

۱۳ - معاهدات یا قرار دادهای پذیرفته شده از طرف ایران که مستقیماً یا غیر مستقیم در اوضاع و احوال مولد اختلاف مزبور مورد استناد است دو نوعند :

الف - در مرحله اول پاره ای معاهدات و قرار داد ها وجود دارند که بموجب آن ایران موظف است نسبت باتباع انگلیس همان معامله ای را معمول دارد که باتباع دولت کاملة الوداد اعطاء مینماید و پاره ای معاهدات و قرارداد های دیگر وجود دارد که بموجب آن ایران متعهد است نسبت باتباع سایر کشور ها طبق اصول حقوق بین الملل ( بندهای ۱۵ و ۱۴ ذیل رفتار کند .

ب - در مرحله دوم يك تعهد قرار دادی مستقیمی بین ایران و انگلستان وجود دارد که بموجب آن ایران موظف است نسبت باتباع انگلیس طبق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید ( بند ۱۷ ذیل ) :

از این گذشته قرار داد ۱۹۳۳ راجع باعطای امتیاز میکن است با توجه باوضاع و احوال زمان انعقاد آن به منزله قرار دادی بیغومیکه در اعلامیه دولت شاهنشاهی باین عنوان داده شده و اعلامیه مزبور مربوط به بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان است تلقی گردد .

۱۴ - عهدنامه ها و قرار دادهاییکه ایران را باعطای معامله دولت کامله الوداد در باره انگلیس مکلف میسازد ( عهد نامه هاییکه در بند الف از ردیف ۱۳ بالا اشاره شده ) بشرح زیر میباشد :

الف - معاهده منعقد در پاریس بین انگلستان و ایران مورخ ۴ مارس ۱۸۵۷ که ماده ۹ آن مقرر میدارد :

طرفین متعاهد موافقت نمودند که برقراری و شناسائی سر کنسولها - کنسولها نایب کنسولها و نمایندگان کنسولی هر يك از طرفین در خاک طرف دیگر با موافقت دولت کامله الوداد استقرار خواهد یافت.

معامله ای که در باره اتباع مربوطه و منافع بازرگانی آنان اعطاء میشود نیز از هر حیث عین معامله ای خواهد بود که اتباع و منافع بازرگانی دولت کامله الوداد از آن بهره مند میشوند .

ب - قرارداد بازرگانی منعقد در تهران بین انگلیس و ایران بتاريخ ۹ فوریه ۱۹۰۳ که ماده ۲ آن میگوید :

صریحاً مقرر میشود که اتباع و واردات انگلیس در ایران و همچنین اتباع و واردات ایران در امپراطوری انگلیس کماکان از کلیه جهات از رژیم دولت کامله الوداد خواهد بود -

۱۵ - معاهداتیکه ایران را متعهد میسازد که نسبت با اتباع پاره از کشور های دیگر بر طبق حقوق بین الملل رفتار نماید ( چنانچه در بند الف از ردیف ۱۳ فوق اشاره شده ) مشتمل بر مضامین ذیل میباشد :

الف - عهدنامه مودت و اقامت منعقد در تهران بین ایران و مصر مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۲۸ که ماده ۴ آن مقرر میدارد که اتباع هر يك از طرفین متعاهد در مورد شمس خود و اموال و حقوق و منافع خود از دائمی ترین حمایت و امنیت بر طبق عمومی بین الملل برخوردار خواهند شد.

ب - عهدنامه اقامت منعقد در تهران بین ایران و بلژیک بتاريخ ۹ مه ۱۹۲۹ که ماده ۱۱ آن چنین مقرر میدارد :

اتباع هر يك از طرفین متعاهد در خاک طرف دیگر از حیث شخص و اموال خود مطابق حقوق عمومی بین الملل پذیرفته با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوا و مقامات محلی در مورد شخص خود و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند بود .

ج - عهدنامه اقامت منعقد در تهران بین ایران و چکوسلواکی در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰ که ماده يك آن مقرر میدارد: اتباع هر يك از دولتين متعاقد در خاک دولت ديگر از حيث شخص و اموال خود بر طبق اصول و معمول حقوق عمومي بين المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

د - قرارداد مودت و اقامت بازرگانی منعقد در تهران بین ایران و دانمارک در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۳۴ که ماده چهار آن مقرر میدارد که: اتباع هر يك از طرفین متعاقد در خاک طرف ديگر از حيث شخص و اموال خود طبق اصول معمول حقوق عمومي بين المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آن کشور از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند گردید.

ه - قرار داد اقامت منعقد بین ایران و سوئیس در برن بتاريخ ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ که ماده يك آن مقرر میدارد که: اتباع هر يك از طرفین متعاقد در خاک دولت ديگر از حيث شخص و اموال خود طبق اصول معمول حقوق عمومي بين المللی پذیرفته با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

و - قرارداد اقامت منعقد در تهران بین ایران و آلمان بتاريخ ۷ فوریه ۱۹۲۹ که ماده يك آن مقرر میدارد که اتباع هر يك از دولتين متعاقد در خاک دولت ديگر از حيث شخص و اموال خود طبق اصول و معمول حقوق عمومي بين المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

ز - قرار داد اقامت منعقد در تهران بین ایران و ترکیه بتاريخ ۱۴ مارس ۱۹۳۷ که ماده يك آن مقرر میدارد که: اتباع هر يك از طرفین متعاقد در خاک ديگر از حيث شخص و اموال خود طبق حقوق عمومي بين المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

ح - یادداشت های متبادله بین ایران و امریکا راجع به موقت در باره مودت و روابط بازرگانی بتاريخ ۱۴ مه ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که از تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ اتباع کشورهای متحده امریکا در ایران طبق قواعد و معمول حقوق عمومي بين المللی و بر اساس معامله متقابله کامل پذیرفته شده و با آنها رفتار خواهد شد.

ط - یادداشت های متبادله بین ایران و هلند راجع به برقراری طرز عمل موقت در باره مودت و روابط بازرگانی بتاريخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که اتباع هلند در کشور ایران مطابق قواعد و معمول حقوق عمومي بين المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد.

۱۵ - یادداشت‌های متبادله بین ایران و ایتالیا راجع به برقراری طرز عمل موقت در باره تجارت و قضاوت بتاريخ ۲۵ ژوئن ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که اتباع ایتالی در خاک ایران طبق قواعد و معمول حقوق عمومی بین الملل بر اساس معامله متقابله کامل پذیرفته شده و با آنان رفتار خواهد شد.

۱۶ - بطوریکه از بندهای ۱۴ و ۱۵ بالا مستفاد میگردد ایران معاهدات و قراردادهایی منعقد ساخته است که آنرا مقید میسازد نسبت با اتباع انگلیس همان طرز رفتاری را قائل شود که نسبت با اتباع دولت کامله الوداد مرعی میدارد و همچنین معاهدات و قراردادهایی منعقد ساخته است که آنرا متعهد میسازد با اتباع بسیاری از کشورهای دیگر طبق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید بنا بر این عقیده دولت انگلستان نتیجه چنین میشود که ایران معاهداتی منعقد ساخته است که آنرا موظف میسازد با اتباع انگلیس موافق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید.

۱۷ - بطوریکه در بند ب از ردیف ۱۳ بالا اشعار شده يك تعهد مستقیم قراردادی نیز وجود دارد که دولت شاهنشاهی ایران را ملزم میسازد با اتباع انگلیس طبق اصول حقوق بین الملل رفتار کند و این مسئله ناشی از تعهدی است که دولت شاهنشاهی ایران بوسیله تبادل یادداشت بین خود و دولت انگلیس بتاريخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ راجع به الغاء کابیتولا سیون در ایران برعهده گرفته و یادداشت‌های مزبور مشعر بر این است که من بعد اتباع انگلیس در ایران طبق قوانین و معمول حقوق عمومی بین الملل در خاک ایران پذیرفته شده و با آنها رفتار خواهد شد.

۱۸ - بطوریکه در ردیف ۹ بالا اشعار گردیده استتاج دولت انگلیس بر این است که دولت شاهنشاهی ایران نسبت به شرکت نفت انگلیس و ایران که شرکت تابع انگلیس است بطرزی رفتار نموده که منطبق با اصول حقوق بین الملل نباشد. این طرز رفتار نه فقط تخلف از قوانین و حقوق متداوله بین الملل میباشد بلکه تخلف از تعهداتی نیز هست که دولت نامبرده بموجب قراردادهای برعهده گرفته است. (مراجعه شود به ردیف های ۱۴ الی ۱۷ بالا)

نتیجه چنین میشود که بر طبق متن اعلامیه‌ای که دولت ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدیرخانه مجمع اتفاق ملل سپرده و بموجب آن حق قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی را طبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان قبول نموده دولت ایران مکلف است بقضاوت دیوان بین المللی دادگستری در این قضیه تسلیم شود.

۱۹ - بنا بدلائلی که در ردیف های ۱۱ تا ۱۸ بالا ذکر شده عقیده دولت انگلیس این است که بر اثر اعلامیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ که توسط دولت شاهنشاهی ایران بدیرخانه مجمع اتفاق ملل تسلیم شده دیوان بر طبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه خود اصالح قضاوت در این قضیه دارد.

۲۰ - مضافاً باینکه خواه دیوان بموجب مفاد اعلامیه دولت شاهنشاهی ایران حق قضاوت در این قضیه داشته باشد یا نداشته باشد دولت انگلیس مطمئن است که ایران بعنوان عضو سازمان ملل متحد که یکی از مقاصد آن عملی ساختن رسیدگی و تصفیه اختلافات یا وضیعت های بین المللی که ممکن است منجر به قطع صلح گردد ( بند يك از ماده اول منشور ) از طریق وسایل مسالمت آمیز طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل می باشد و باتوجه باین اصل که اختلافات حقوقی باید بطور کلی توسط طرفین مطابق مقررات اساسنامه دیوان ( بند ۳ از ماده ۳۶ منشور ) بدیوان دادگستری بین المللی ارجاع شود داوطلبانه قبول خواهد کرد که در مقابل دیوان حضور یابد تا دلایل دولت انگلیس در ماهیت امر مورد بررسی متقابل قرار گیرد .

فوروم پرورد کاتم - قضیه تنگه کورفو ( ایراد مقدماتی )

حکم مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۸ - مجموعه ۱۹۴۷ صفحه ۲۷

اتخاذ این روش خاصه از این جهت بدولت شاهنشاهی ایران فرض است که اختلاف بیوزان زیادی مربوط به قرارداد منعقد مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران می باشد که ضمن آن قرارداد طرفین اعلام داشته اند که « اجرای قرارداد حاضر را بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت مبتنی میدارند »

### نوع درخواست

۲۱ - بنابراین دولت انگلیس از دیوان درخواست می نماید که طبق بند ۲ از ماده ۴۰ اساسنامه خود عرضحال حاضر را بدولت شاهنشاهی ایران ابلاغ کند و پس از استماع دعاوی طرفین :

الف - اعلام دارد که دولت شاهنشاهی ایران موظف است اختلاف حاصله بین خود و شرکت نفت ایران و انگلیس را طبق ماده ۲۶ قرارداد منعقد در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران بدآوری ارجاع نماید و هر رأی را که در نتیجه این داوری صادر شود قبول و اجرا کند .

ب - مضافاً :

۱ - اعلام دارد که اجرای قانون ایران راجع بلی شدن نفت مورخ اول مه ۱۹۵۱ از آنجائی که موضوع قانون مزبور برخلاف مواد ۲۶ و ۲۱ قرارداد مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران عبارت از البناء یا تغییر يك جانبه مفاد قرارداد نامبرده است علی برخلاف حقوق بین الملل می باشد و برای دولت شاهنشاهی ایران ایجاد مسئولیت بین المللی مینماید .

۲ - اعلام دارد که ماده ۲۲ قرارداد مزبور کماکان از نظر حقوقی برای دولت شاهنشاهی ایران الزام آور است و یا انکار استفاده جهت شرکت نفت ایران و انگلیس از یگانگانه راه مراجعه که در ماده ۲۲ قرارداد فوق الذکر پیش بینی شده دولت شاهنشاهی ایران برخلاف حقوق بین الملل مرتکب استتکاف از دادرسی شده است ..

۳- اعلام دارد که دولت ایران نمیتواند قانوناً قرارداد فوق‌الذکر را ملغی نموده یا شرایط آن را تغییر دهد مگر از طریق تراخی یا موافقت شرکت نفت انگلیس و ایران و یا طبق شرایط مقرر در ماده ۲۶ قرارداد.

۴- بگوید و قضاوت کند که دولت شاهنشاهی ایران در مقابل کلیه اعمالی که نسبت به شرکت نفت ایران و انگلیس متغیر با حقوق بین‌الملل یا قرارداد مذکور مرتکب گردیده باید استرضای کامل شرکت را فراهم ساخته و از عهده غرامت برآید و ضمناً معلوم نماید که این استرضای و غرامت بچه طریق باید اعطاء شود.

۲۲- دولت انگلیس این حق را برای خود محفوظ میدارد که طبق ماده ۴۱ اساسنامه دیوان تقاضا کند کلیه اقدامات تأمینی جهت حفظ حقوق دولت انگلیس تعیین گردد تا تبعه بنی شرکت نفت انگلیس و ایران استفاده از حقوقی را که بموجب مفاد قرارداد مذکور متعلق باوست حفظ کند.

۲۳- امضاءکننده ذیل از طرف دولت انگلیس بسمت عامل آن دولت در این قضیه تعیین شده است.

با قدیم احترامات امضاء ارباب بکت  
مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلستان

- ضمائم مذکور در عرضحال بشرح ذیل است که به ترتیب پیوست میباشد:
- الف - بیان مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ ( ۷ خرداد ۱۳۱۲ ) بین دولت شاهنشاهی و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- ب - نامه مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۷ ) نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در تهران به نخست وزیر ایران .
- ج - متن قانون مورخ اول مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۱۰ ) راجع به ملی شدن نفت در سراسر کشور .
- د - نامه مورخ ۸ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۱۷ ) نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران به نخست وزیر ایران .
- ه - نامه مورخ ۲۰ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۲۹ ) وزیر دارایی ایران بنماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- و - یادداشت مورخ ۱۹ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۲۸ ) سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلیس به نخست وزیر ایران .
- ز - نامه مورخ ۲۴ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۳/۲ ) وزیر دارایی ایران بنماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .

«واقعت نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود  
منتهیه در تهران بتاريخ ۲۶ آوریل ۱۹۳۳»

#### مقدمه

بصدد برقرار کردن امتیاز جدیدی بجای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام  
نکس داری داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کبیانی نفت انگلیس  
و ایران محدود آنرا قبول مینماید .

#### تعريفات

بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرار داد قطع نظر از هر معنی دیگری که  
ممكن است در حال یا در آتی در موارد دیگر داشته باشد در این قرار داد مطابق  
تعريفات ذیل معنی خواهد شد .

#### دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران .

#### کمیپانی

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن .

#### شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با  
تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود .

#### شرکت تابعه

یعنی هر شرکتی که در آن کمیپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً  
یا غیر مستقیم داشته باشد و با آنکه در آن شرکت بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مالک  
یکمقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رأی دوجمع عمومی شرکت مزبور  
را برای کمیپانی تعیین نماید .

#### نفت

یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها (اسفالتها) و مومهای طبیعی  
و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکور حاصل میشود و یا بوسیله اختلاط و امتزاج

این مواد بخواهد دیگری بدست می آید .

### عملیات کپانی در ایران

بینی تمام عملیات صنعتی و تجارتي و فنی که کپانی منحصرأ برای اجرای این امتیاز انجام میدهد .

### ماده اول

دولت بر طبق مقررات این امتیاز حق مانع اللغیر تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کپانی اعطاء می کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در قتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران به کپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آنرا اعطاء مینماید .

### ماده دوم

الف - حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه که واقع است در جنوب خط بنقشی که در روی نقشه که طرفین امضاء کرده و ملزم بقرارداد است رسم شده است .

ب - کپانی باید منتهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق يك يا چندین قطعه زمین را بهر شکل و وسعتی و در هر قطعه که مقتضی می داند انتخاب نماید . مجموع سطح يك يا چند قطعه که انتخاب شده باشد نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی ( ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع ) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است یا یک هزار و شصت و نه متر .

کپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن يك قطعه یا قطعاتی را که بطریق فوق انتخاب کرده کتبا بدولت اطلاع خواهد داد .

بهر اطلاعاتی و نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تجدید قطعه یا قطعات منتخبه از طرف کپانی ضمیمه خواهد شد .

ج - بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق بند ( B ) ( ب ) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز بترتیب مذکور در فوق



بدولت اطلاع داده شده باشد .

### ماده سوم

کمیانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله‌های حمل نفت را خواهد داشت  
کمیانی در تعیین محل سیر لوله‌های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است .

### ماده چهارم

الف - هر زمین بایر متعلق بدولت که کمیانی برای عملیات خود در  
ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً بکمیانی  
واگذار خواهد شد . طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل خواهد بود .

هر وقت قطعه از اراضی مذکور مورد احتیاج کمیانی واقع میشود باید کمیانی  
یک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده  
باشد بوذارت مالیه ارسال بدارد .

دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد متعهد میشود که در ظرف ۳ ماه  
از تاریخ وصول تقاضای کمیانی موافقت خود را اظهار بدارد .

ب - اراضی دایر متعلق بدولت را که کمیانی احتیاج پیدا میکند بطریقی  
که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه  
موافقت خود را در مقابل تقاضای کمیانی دایر بفروش آن اراضی اشعار خواهد داشت  
در صورتیکه دولت اعتراضی و احتیاجی براضی مزبوره نداشته باشد .

قیمت این اراضی را کمیانی تادیه خواهد کرد - قیمت مزبور باید عادلانه  
باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در  
همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید .

ج - در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش پیتی شده در جزوهای  
( A و B ) ( الف و ب ) مذکور در فوق جوابی نهد پس از اقبضای دو ماه از  
تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمیانی تذکرنامه جذبینی بدولت خواهد فرستاد چنانچه  
تذکرنامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت  
بمزله تصویب تلقی خواهد گردید .

د - اراضی را سکه متعلق بدولت نیست و برای کمیانی لازم باشد با توافق  
با صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت کمیانی تحصیل خواهد کرد در صورت عدم  
حصول موافقت در قیمت دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیشتر  
از نرخ متعارفی اراضی مشابه مجاور مطالبه نمایند . برای تقویم اراضی مذکور  
منظوری که کمیانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده میشود .

ه - اماکن مقدسه و اینیه تاریخی و معلیهائی که جنبه تاریخی دارند و همچنین  
توابع آنها تا دویست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند .

و - کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط درحوزه امتیازی نه‌جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنک گچ و سنک و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید .  
مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارات ذوی‌الحقوق را بنماید .

### ماده پنجم

عملیات کمپانی در ایران بطریق ذیل محدود میشود :

- ۱ - ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موقوف حصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود .
- ۲ - اگر کمپانی توسعه ارتباطات فنی و تلگرافی و تلگراف بی‌سیم و هواپیمایی ضللی خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمیتواند بکند .

اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع پیش آمدهای فوق‌العاده دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپانی پیدا کند تعهد مینماید حتی‌الامکان کمتر مسوجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمپانی میگردد بطور حقانیت جبران نماید .

### ماده ششم

الف - کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصراً برای معر - اجزاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های معمولی چین ورود را بپردازد .

کمپانی تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نگردد .

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریضخانها و مطب‌های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشیاء و اجناس مذکوره درموقع ورود از تأدیبه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

ج - بدون تحصیل هیچگونه جوازی وبدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید .

د - صادرات قطعی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

### ماده هفتم

الف - کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره‌مند خواهند بود .  
 ب - دولت در حدود قوانین و مقررات ملکتی همه نوع تسهیلات مسکنه را برای عملیات کمپانی می‌دول خواهد داشت .  
 ج - هر گاه دولت در حوزه امتیازیه باشخاص دیگری امتیازاتی برای بکار انداختن سایر معادن اعطاء کند باید و اداری نماید که احتیاطات لازمه را بعمل آورند که عملیات آنها بی‌مؤسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد .  
 د - کمپانی مکلف است منطقه را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آن محل منع نماید .

### ماده هشتم

کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فروش صادرات خود را پیول ایرانی تبدیل نماید .  
 کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که بوسیله یک کمپانی فرعی استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید .

### ماده نهم

الف - مبالغی که بر حسب این قرار داد از طرف کمپانی باید بدولت تأدیه شود ( علاوه بر مبالغی که در موارد دیگر پیش بینی شده ) به شرح ذیل تعیین میگردد:  
 الف - حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود به مبلغ چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود .  
 ب - پرداخت مبلغی معادل با بیست در صد  $20\%$  آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۲۵۰ لیره بمساحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع میگردد خواه این توزیع بعنوان سهم منافع ( dividende ) یکی از سنوات بوده یا از وجوه ذخیره همان کمپانی که اضافه بر ذخائری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ بموجب دفاتر خود موجود داشته باشد .  
 ج - مجموع مبالغی که برای هر سال مسیعی بر حسب جزء های ( الف ) و ( ب ) از طرف کمپانی بدولت ایران تأدیه میشود نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ ) کمتر باشد .  
 ۲ - تأدیه وجوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی بطریق ذیل بعمل خواهد آمد :

الف - ۳۱ مارس و ۳۰ ژوئن و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یکصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینگ ( تادیه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد بصل خواهد آمد ) .

ب - در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۴ و منبند در همین تاریخ در هر سال حق امتیاز مربوط به سال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء ( ۱ الف ) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ ) که مطابق جزء ( ۱ الف ) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ ) حکم مطابق جزء ( ۲ الف ) قبلاً تادیه گردیده است .

ج - مبالغ لازم التادیه بدولت بر حسب جزء ( ۱ ب ) این ماده در موقع تقسیم منافع سهام عادی پرداخت خواهد شد .

۳ - در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف کپانی مطابق ماده ( ۲۵ ) کپانی مبلغی مساوی بیست درصد ( ۲۰٪ ) از بابت های ذیل را به دولت ایران تادیه خواهد کرد .

الف - از تفاضل بین مبالغ کل ذخایری General reserve که کپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است .

ب - از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز به حساب منقول میشود و موجودیهای که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف کپانی مزبور به حساب منقول گردیده است .

پرداخت وجوه لازم التادیه بدولت بر حسب این جزو یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کپانی که پس از انقضای یا ترك امتیاز تشکیل می شود انجام خواهد گرفت .

۴ - دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط بجزو ( ۱ الف ) را که منتهی تا ۱۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده میشود تفتیش و رسیدگی نماید .

۵ - برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع ترقی و تنزل قیمت بول انگلیس طرفین بشرح ذیل توافق حاصل نمودند :

الف - هر گاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ ( ۶ لیره استرلینگ ) در مقابل يك اونس تروی ( ounce troy ) تجاوز نماید برای هر پنی ( penny ) که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل يك اونس تروی ( ounce troy ) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کپانی بموجب این قرارداد ( باستثنای مبالغی که بر حسب جزوهای ۱ ب ) و ۳ الف و ب ) از ماده ۲۳ باید بدولت برسد ) میزان يك هزار و چهارصد و چهل ( ۱۴۴۰ ) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید .

ب - هر گاه موقعی دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست و طریق تادیه های مذکور در فوق تضییعی را که منظور طرفین است برای

دولت فراهم ننماید طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده ۲۲ بحکمیت ارجاع خواهد شد و شرائطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهد نمود.

۶- هرگاه در پرداخت مبالغ لازم التادیه بدولت مطابق تاریخهای مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه کیبانی تأخیر بعمل آید برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد در سال فرج وجوه مزبوره را کیبانی خواهد پرداخت.

### ماده یازدهم

۱- کیبانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که بفتح دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتی وضع میشود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را بدولت تادیه خواهد نمود:

الف- در مدت پانزده سال اول این قرارداد یا تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴ تا پنس بابت هر تن از شش میلیون تن ( ۶/۰۰۰/۰۰۰ تن ) قتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتياز مذکور در جزو ( ۱ الف ) از ماده ( ۱۰ ) میگردد و شش پنس بابت هر تن مت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تادیه خواهد نمود.

ب- کیبانی تأمین میکند مبالغی را که بر طبق جزوهای فوق الذکر تادیه مینماید هیچوقت از مبلغ دوست و بیست و پنج هزار لیره استرلینگ ( ۲۲۵۰۰۰ لیره استرلینگ ) کمتر نباشد.

ج- در مدت پانزده سال بعد يك شلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن ( ۶/۰۰۰/۰۰۰ تن ) قتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتياز مذکور در جزو ( الف ) از ماده ( ۱۰ ) میگردد و نه پنس بابت هر تن وقت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تادیه خواهد نمود.

د- کیبانی تضمین میکند مبالغی را که بر طبق جزو ( ج ) منقبط تادیه مینماید هیچوقت از سیصد هزار لیره استرلینگ ( ۳۰۰/۰۰۰ استرلینگ ) کمتر نباشد.

۲- قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع بیزان مبالغی که کیبانی در ازای ممانیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هرگونه مالیاتی بفتح دولت و یا ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۶۳ میشود باید بپردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

### ماده دوازدهم

الف- کیبانی راجع بعملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران مینماید جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفهجویی و استفاده کامل از عملیات خود و برای

حفظ مغازن تحت الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود بطرزیکه مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد بکار خواهد برد .

ب - هر گاه در حوزه امتیاز غیر از نفت سایر مواد معدنی و پتروشیمیها و جنگلهای متعلق بدولت موجود باشد کمپانی نمیتواند آنها را بکار انداخته و استفاده نماید و یا مانع عملیات و استفاده دیگران بشود ( مشروط بر اینکه مقررات جزو (ج) از ماده (۷) رعایت شود )

و لی در صورتیکه مواد معدنی پتروشیمیها و جنگلهای مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کمپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت .

ج - کلیه حفاریاتی که منجر بشکشف نفت نگشته و آب و یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا میشود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانی دولت را از کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممکن باشد بکمپانی تمایل خود را نسبت به تصرف حفاریات مزبور اعلام خواهد داشت در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کمپانی نشود .

### ماده سیزدهم

کمپانی تعهد می نماید که بخرج خود و در يك مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا میکند سواد های صحیح از تمام طرحها و نقشه ها و رسم ها و سایر مدارك و اسناد راجع بوضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفاریها مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد بوزارت مالیه بدهد .

بعلاوه در تمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران بدست آورده بدولت ارسال خواهد داشت .  
تمام اسناد و مدارك مزبوره را دولت بعنوان محرمانه تلقی خواهد نمود .

### ماده چهاردهم

الف - دولت بپیل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تقیید عملیات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خیره و متخصصین فنی مأمورین بگمارد .

ب - کمپانی تمام مدارك و اسناد مربوط به اطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورین خیره و متخصصین دولت خواهد گذارد بعلاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام خاک ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعی را خواهند داشت .

دولت حق تعیین يك نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور ( مأمور دولت شاهنشاهی ) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت :

- ۱ - اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید .
- ۲ - در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور بهم رساند .
- ۳ - کمیته را که کمپانی بقصد توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل میدهد بعنوان رسمی و با حق رأی قاطع ریاست نماید .
- ۴ - قاضی نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره هر وقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد مینماید تشکیل گردد جلسات مزبوره در مدت بانزده روز بعد از وصول قاضی کسی به منشی کمپانی تشکیل خواهد شد . کمپانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالیانه دو هزار لیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت . دولت کتبا کمپانی را از تمین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت .

### ماده شانزدهم

- ۱ - طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد میباشد آنست که در منافع طریق حفظ حداکثری منتج بودن و صرفه جویی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد .
- ۲ - مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتمی خود را باندازه که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود و از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیر قومی کمپانی منحصرأ از اتباع ایران خواهند بود .
- ۳ - طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بنگارند .
- ۴ - کمپانی سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صناعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهد داد . اعتبار مذکور بوسیله یک کمیته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل میشود بصرف خواهد رسید .

### ماده هفدهم

کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تقشیر و اداره و مسائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریق حفظ الصحة معموله در ایران در تمام اراضی و اینته

و مساکن اعطاء و هملجات خود که در حوزه امتیازیه کار میکنند بپسندیده میگردد .

### ماده هجدهم

هروقت کپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه میدهد باید دفاتر ثبت قاضای اشتراك آنرا در همان موقع که در سایر قاط شروع میشود در تهران نیز برقرار نماید .

### ماده نوزدهم

کپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آنجمله احتیاجات دولت بنزین (mo or s irit) و نفت لامپ ( kerosene ) و مازوت ( fuel oil ) که از نفت ایران حاصل میشود بر اساس ذیل خواهد فروخت :

الف - در اول ژوئن هر سال کپانی معدل قیمتهای (فوب) رومانی و راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت های ( فوب) خلیج مکزیک را راجع به هر يك از مواد مذکور نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد - نازلترین مدلهای مذکور اختیار و «اساس قیمتها» برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود .

قیمتهای اساسی بنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد .

ب - کپانی بنزین و نفت لامپ و مازوت را بترتیب ذیل خواهد فروخت :  
۱ - بدون برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران مطابق « قیمتهای اساسی » مذکور در جزو ( الف ) فوق با تعدیف بیست و پنج در صد ( ۰.۲۵ )

۲ - سایر مصرف کنندگان مطابق همان (قیمتهای اساسی) با تعدیف ده در صد (۰.۱۰)

ج - کپانی حق دارد که قیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید .

د - دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کپانی فروخته است قذف خواهد کرد .

### ماده بیستم

۱ - (الف) در مدت ده سال آخر امتیاز و با در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع بترك امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده میشود کپانی جز بترك های تابع خود حق فروش با انتقال يك با چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد - در مدتهای مذکور نیز کپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد مگر آنکه اشیاء مزبوره از حیز انتقال افتاده باشد .



ب - در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از اراضی را که کمپانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است نمیتواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال منقول خود را نیز با استثنای آنچه غیر مفید و یا اینکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست نمیتواند خارج نماید.

۲ - در موقع ختم امتیاز خواه این ختم بواسطه افضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارائی کمپانی در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد.

۳ - جمله (تمام دارائی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه ها و ساختمانها و چاهها و سدهای دریایی و راهها و لوله های نفت و پل ها و رشته تقه های فاضل آب و وسائل توزیع آب و ماشینها و موسسات و تجهیزات (از آنجمله آلات و ادوات) از هر قبیل و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و کساری و آتروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیائیکه کمپانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده مینماید.

### ماده بیست و یکم

طرفین متعهد اعلام میدارند که اجرای این قرار داد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرار داد باشد.  
کمپانی صریحاً تعهد مینماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام بهیچ عملی و یا خود داری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و با عملیات مقامات اجراییه قابل تغییر نخواهد بود.

### ماده بیست و دوم

الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیتهای مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظر طرفین است به طریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب - طرفی که تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر يك يك حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت يك حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد - هر گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داورى دائمى بین المللى تعیین خواهد نمود - چنانچه رئیس دیوان داورى

دائمی بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزو (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

ج - حکم ثالث باید از ملت ایران و یا انگلیس نباشد و علاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق یکی از مستملکات یا ممالک تحت‌الحمایه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومیت و مالکی که بوسیله یکی از ملک‌تین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبور بوده و یا می‌باشد نداشته باشد .

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان دآوری دائمی بین‌المللی ( یا از نایب رئیس در موردیکه مطابق قسمت اخیر جزو (ب) پیش بینی گردیده ) تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

ه - اصول معاکسات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان دآوری دائمی بین‌المللی معمول و مجری است .

وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزء (۵) معین خواهد کرد .

و - حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده ۱۳۸ سالنامه دیوان دآوری دائمی بین‌المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود .

ز - مخارج حکمیت بنحویکه در رأی حکمیت معین می‌شود تأدیه خواهد گردید .

### ماده بیست و سوم

۱ - از برای تصفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد ( باستثنای آنچه مربوط به مالیاتهای ایران است ) کسبانی بشرح ذیل اقدام میکند:

الف - فاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ یک میلیون لیره استرلینگ ( ۱/۰۰۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ ) خواهد پرداخت و علاوه :

ب - مبالغ لازم التأدیه بدولت را بابت عمل کرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد به مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع دویست هزار لیره استرلینگ ( ۲۰۰۱۰۰۰ لیره استرلینگ ) که برسم مساعده دز طرف سنه ۱۹۳۲ بابت حق‌الامتیاز پرداخته و یکصد و سیصد هزار و چهارصد و سه لیره و سه شلینگ و دو پنیس ( ۱۰-۳-۴۰۳-۱۱۳ لیره ) که باختیار دولت قبلاً ودیعه گذارده شده تصفیه و تأدیه خواهد کرد .

۲ - در همان مدت مذکور در فوق در مقابل دهبای دولت بابت مالیات گذشته از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کیپانی مبلغی بر حسب مبنای مذکور در جزو (الف) از بند (۱) ماده ۱۱ معاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور در جزو (ب) از بند مزبور بدولت تأدیه خواهد نمود .

### ماده یست و چهارم

هر گاه بنسبیت النای امتیاز داری نسبت بقرار دادهای اجازه که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه که امتیاز مزبور اجازه میداده است منعقد گردید اختلافاتی بین کیپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیر به ذیل فیصله خواهد یافت .  
الف - اگر قرار داد بر حسب مدلول خود در آخر امتیاز داری باید خاتمه یابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود النای امتیاز مزبور باعتبار خود باقی خواهد ماند .  
ب - هر گاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز داری در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید میشود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند .

### ماده یست و پنجم

در آخر هر سال مسیحی کیپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترك نماید مشروط بر اینکه دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد .  
در خاتمه مدت فوق الذکر کلیه دارائی کیپانی در ایران ( بطوریکه در قسمت ۳ ماده ۲۰ تصریح شده ) مجاناً و بدون هیچ قیدی بطور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و کیپانی در آتیه از هر گونه تمهیدی بری خواهد بود .  
چنانچه نسبت به تمهیدات طرفین مربوط به قبل از افضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود بطریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد .

### ماده یست و ششم

این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن از تاریخ اجراء و انتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود بکیپانی اعطاء میگردد .  
قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتیکه کیپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترك کند و با آنکه معکبه حکمیت بر اثر ان تگاب تغلفی از طرف کیپانی نسبت باجرای مقررات این قرارداد ابطال آنرا اعلام بدارد .  
تغلف یعنی مذکور در فوق منحصر بواورد ذیل است .  
الف هر گاه مبلغی که بر حسب رأی معکبه حکمیت باید بدولت پرداخته شود تا یکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد .  
ب - هر گاه تصمیم بر اعلال اختیاری و یا اجباری کیپانی گرفته شود .

در مورد سایر تغلفاتی که نسبت بهقرارات این قرار داد از هر يك از طرفین ناشی شود معكه حكمت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آنها تعیین خواهد نمود .  
 هر نوع انتقال امتیاز مشروط بتصویب دولت خواهد بود .

### ماده بیست و هفتم

این قرارداد پس از تصویب مجلس وتوشیح آن از طرف اعلیحضرت هابونی قابل اجرا میگردد .  
 در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در تهران منعقد گردید .  
 این امتیاز که مشتمل بر بیست وهفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### ضمیمه ب

نامه نماینده کل شرکت نفت ایران وانگلیس در تهران به نخست وزیر ایران دالر باعتراض بر طبقه تصیم کبسیون نفت مجلس مینی بر ملی ساختن صنعت نفت .  
 تهران ۲۸ آوریل ۱۹۵۱  
 ( متن نامه ایکه در اینجا درج میشود همان متنی است که بنماینده کل شرکت نفت ایران و انگلیس در تهران مأموریت ارسال آن داده شده است . و نوشت نامه ایکه مشارالیه فرستاده است هنوز در لندن دریافت نگردیده . )

جناب آقای نخست وزیر

مطبوعات امروز متضمن شرحی میباشد دابر بر اینکه کبسیون نفت قطعنامه برای تسلیم به مجلس بمنظور تحویل امور شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران گذرانده است .

چنانچه اطلاعات مزبور صحت داشته باشد تقاضا میشود اعتراضات رسمی شرکت را علیه امکان چنین قضی در مورد قرار داد بین دولت شاهنشاهی و شرکت بهیست دولت ومجلس ابلاغ نمایند .

بطوریکه کاملاً استحضار دارند ماده ۲۱ قرار داد مقرر میدارد که اجرای آن بایستی روی اصول حسن نیت و حسن عقیده صورت گیرد و قرار داد مزبور را نمیتوان لغو نمود و مفاد آن بایستی بسوسله هیچگونه قانون و هیچگونه اقدامات اداری و اجرایی تغییر داده شود .

با اتکاء بوعاید صریحی که بموافقیت مجلس رسیده و جزئی از قانون ایران را تشکیل داده این شرکت هیچده سال برای توسعه صنعت نفت در ایران مجاهدت نمود و به مردم ایران در یترفت اقتصادی آنان مساعدت کرده است . ما نمی توانیم باور

کنیم که این گونه مواعید صریح را بتوان نادیده انگاشت.  
شرکت ضمن اینکه رسماً علیه مبادرت به تغییر یک جانبه شرایط عملیات و کار  
خود در ایران اعتراض مینماید خاطر چنانچه مالی را متذکر میسازد که برای افتتاح  
مذاکرات جهت تغییراتی در شرایط مذکور منظور عقد یک قرارداد بر اساس حسن  
نیت و حسن عقیده متقابل که همواره پایه و مبنای همکاری دولت شاهنشاهی و شرکت  
بوده است امتناع نداشته و اکنون نیز ندارد.

### ضمیمه ج

قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در جلسه  
شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مطابق با ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ مجلس شورای ملی و  
در جلسه دو شنبه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مطابق با سی ام آوریل ۱۹۵۱ مجلس سنا  
باتفاق آراء تصویب رسیده است:

ماده ۱ - به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۹ و ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹  
راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از  
نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از  
مجلسین و زیر داری وقت یا قائم مقام او تشکیل میشود.

ماده ۲ - دولت مکلف است با نظارت هر یک مختلط بلافاصله از شرکت  
سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری بنابر  
وجود ادعائی بردول متعذر شود دولت می تواند تا میزان بیست و پنج درصد از عایدات  
جاری نفت را پس از وضع مضارح بهره برداری برای تامین مدعی به احتمالی شرکت در  
بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر و دیبه گذارد.

ماده ۳ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی  
حقه دولت و همچنین بدعاوی و حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین  
گزارش دهد که پس از تصویب به مجلسین به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت تصویب  
مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است  
دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط  
باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً  
نظارت نماید.

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در  
آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب  
بمجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیئت مختلط  
مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای معصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن

رشته‌های مختلف معلومات تجربیات مربوط به صنایع نفت بکشورهای خارج را تعیین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بوقوع اجرا گذارد متعارج تحصیل این محصلین از خواهد وقت برداشته خواهد شد .

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن اتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند میتوانند از این بعد هم بنرخ عاده بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت .

ماده ۸ - کلیه پیشنهاد های مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد بکمیسیون نفت ارجاع میگردد .

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلائل موجهه درخواست تمدید نماید و تازمانی که تمدید مدت بپهرجهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط میتواند بکار خود ادامه دهد .

### ضمیمه ۵

نامه نماینده کل شرکت نفت ایران و انگلیس محدود به قسمت وزیر ایران مبنی بر درخواست ارجاع اختلاف با دولت شاهنشاهی ایران بدائوری طبق مقررات ماده ۲۲ قرارداد .

تهران بتاريخ ۸ مه ۱۹۵۱

جناب آقای نخست وزیر

اینجانب از طرف سرویلیم فریزو رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس محدود مأموریت دارم اعلامیه ذیل را بنام مشارالیه تقدیم آجتنب نامیم .  
جناب آقای نخست وزیر

اقداماتی که اخیراً در باره قسمت نفت در ایران صورت گرفته بطور وضوح هدفش یا خاتمه دادن بامتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا الغای آن قبل از تاریخی که برای پایانش مقرر گردیده بوسیله اقدام يك جانبه دولت ایران و قرض مواد ۲۶ و ۲۱ قرارداد امتیاز نامه یا تغییر يك جانبه مقررات و مفاد آن و قرض مواد ۲۱ و ۱ قرارداد می باشد .

بدین جهت این جانب از طرف شرکت و طبق حقوقی که بموجب مواد ۲۶ و ۲۲ قرارداد امتیاز نامه برای شرکت منظور گردیده بدولت اعلام میدارم که شرکت بمنظور

تعیین این موضوع که آیا اهتمام دولت ایران بلخوباً اتقاضای امتیازنامه یا تغییر قرارداد امتیازنامه طبق مقررات و شرایط قرارداد امتیازنامه میباشد و همچنین بمنظور تعیین مسئولیت و عواقب و نتایج نقض قرارداد بطوریکه مؤکداً گفته شد تقاضای داورى دارد. مضافاً اشعار میدارد شرکت جناب لردود کلیم را بعنوان داور خود تعیین نموده و مشارالیه نیز رضایت خود را با اقدام در عمل ابراز داشته است.

درخاتمه شرکت از نقطه نظر وضع و خبسی که در نتیجه اقدامات فوق پیش آمده امیدوار است بر اینکه دولت نیز داور خود را در نزدیکترین فرصت انتخاب نماید.

اینجانب خوشوقت خواهم بود که آنجناب وصول اعلامیه فوق را از طرف آقای سرویلیام فریز ابلاغ فرمایند.

با ابراز مراتب احترامات شرکت نفت ایران و انگلیس محدود

امضاء سدان

رونوشت: جناب آقای وزیر دارائی

#### ضمیمه هـ

نامه وزیر دارائی ایران به

«آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس» تاریخ ۲۰مهر ۱۹۵۱

آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس

جناب آقای نخست وزیر باینجانب اجازه دادند پاسخ ذیل را بنامه ۸ مه جنابمعالی

ارسال نمایم:

بموجب قوانین ۱۵ مارس و ۲۰ و ۳۰ آوریل که رونوشت آنها پیوست این نامه میباشد صنعت نفت در سراسر ایران ملی گردیده و دولت ایران موظف است استخراج - بهره برداری و تصفیه و انتفاع از منابع نفتی خود را برعهده گیرد. احتمال نمیدهد که توضیح مطالب ذیل لازم باشد.

اولاً - ملی ساختن صنایع اساسی حق حاکمیت ملل است همانطوریکه سایر دولتها هم منجمله خود دولت انگلستان و دولت مکزیک در موارد مختلف با اجرای آن مبادرت ورزیده اند.

ثانیاً ملی ساختن صنعت نفت که براساس اجرای حق حاکمیت ملت ایران مستقر

میباشد مشمول داورى نیست و هیچ مرجع بین المللی صلاحیت رسیدگی بآنرا ندارند.

بدلائل و جهات فوق دولت ایران درقبال اوضاع حاضر وظیفه ای غیر از اجرای مسود قانون فوق الذکر نداشته و بهیچوجه با مفادنامه شرکت نفت سابق در خصوص ارجاع بداورى موافقت نمیکند.

بوسیله این نامه از شرکت سابق نفت دعوت میشود بلافاصله نمایندگان خود را برای اجرای قانون فوق‌الذکر تعیین نمایند تاریخ ساعت و محل ملاقات آنها بدو اعلام خواهد شد.

امضاء: محمد علی وارسته وزیر دارایی

### ضمیمه و

تذکار به سفیر کبیر انگلیس مورخ ۱۹ مه ۱۹۵۱ مطابق با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۰

بوسیله سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در لندن پاسخ جنابعالی را به پیامی که در تاریخ ۲ می ۱۹۵۱ ( ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ ) بتوسط ایشان ارسال داشته بودم دریافت نمودم.

متأسفانه در پاسخ مزبور پیشنهاد دوستدار که بدو نیز منتشر و تأیید گردید رعایت نشده است پیشنهاد مزبور مبنی بر این بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایلست که موضوع عملیات آینده شرکت نفت انگلیس و ایران در کشور ایران بوسیله مذاکره فیصله یابد ولیکن در عوض ضمن پاسخ مزبور ظاهراً چنین عنوان شده است که دولت شاهنشاهی حق دارد با اقدام یکجانبه خود خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران نماید.

۲ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملاً متوجه آرزوی دولت ایران که مبنی بر تقویت بنیان اقتصادی کشور و تأمین رفاه و آسایش عمومی ملت ایرانست بوده و نسبت باین آرزو نظر مساعد دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همواره علا نشان داده است که هدفهای مزبور مورد علاقه کامل آن دولت نیز میباشد با این حال دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور نمیکند که اقدام یکجانبه‌نی را که دولت ایران در نظر دارند علی نمایند بتواند بانجام منظورهای فوق کسک نماید.

۳ - علاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان « میل و » قصد آنرا دارد که ایراد با اجرای هر گونه حق حاکمیتی بنماید که کشور ایران بتواند بطور مشروح از آن استفاده کند ولی تصور مینماید که اقدامی که علیه شرکت حال در نظر گرفته شده است استفاده مشروح از حق نامبرده نمیشد.

قرارداد ۱۹۳۳ قراردادی است بین دولت ایران و یک شرکت خارجی که در تحت نظر جامعه ملل تنظیم گردیده و انعقاد آن پس از موقمی بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نظر بکوشش ایران در محروم کردن شرکت از حقوقی که بموجب امتیازنامه قبل مقرر بوده است موضوع را در جامعه ملل مطرح میکند علاوه قرارداد مزبور بتصویب مجلس هم رسیده و بصورت قانون در می‌آید گذشته از این در قرارداد و موضوع بسیار مهم تصریح شده که باین قرار میباشد.

(الف) وضعیت شرکت بموجب قرارداد منعقد هرگز با اقدام دولت شاهنشاهی.



و یا حتی با وضع قانون تغییر نخواهد یافت ( ماده ۲۱) مگر در نتیجه موافقت دولت ایران و شرکت .

(ب) چنانچه دولت ایران شکایتی علیه شرکت داشته باشد و یا بالعکس و اختلاف را نتوان بنحو دیگری رفع نمود موضوع باید بحکمیت رجوع شود (ماده ۲۲) و محکمه حکمیت باید تحت ریاست حکم ثالثی باشد که از طرف خود حکمها تعیین می شود و در صورت عدم توافق آنها تعیین او باریس دیوان دآوری بین المللی در لاهه خواهد بود .

۴ - اصل مطلب این نیست که يك دولت مستقل حق داشته باشد یا نداشته باشد بوسیله وضع قانون مشاغل تجارتمی را که در قلمرو کشور انجام میشود ملی نموده و یا چه مقدار غرامت برای آن بپردازد در واقع دولت ایران تعهد نموده است که استفاده از چنین حقی ننماید و بنا بر این تفاوت موضوع انجام يك عمل خلاف است در موردی که يك دولت مستقل مبادرت به هضم قرارداد نماید که عالماً عامداً آن را منقذ نموده است .

۵ - هر گاه بطوریکه آنجناب مدعی هستند دولت شاهنشاهی شکایاتی علیه شرکت داشته علاج آن بطوریکه فوقاً متذکر گردید مراجعه بحکمیت بوده ولی باین رویه عمل نشده است بر عکس مجلس ایران قانونی وضع نموده که يك تغییر اساسی را در وضع شرکت پیش بینی میکنند بنا بر این شرکت ناگزیر بوده از اینکه بدولت ایران اعلام نماید که قصد دارد کلیه موضوع را بحکمیت رجوع کند .

۶ - شرکت نفت انگلیس و ایران يك شرکت انگلیسی است که در کشور متعده انگلیس به ثبت رسیده و بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان صاحب قسمت بیشتر سهام شرکت میباشد بنا بر این واضح است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملاً حق دارد که منافع آنرا بهر طریق صحیحی که بتواند حفظ نماید . حقوق عالیله شرکت که بموجب قرارداد معرّز و مسلم است حال بوسیله وضع قانونی در ایران مورد لطمه شدید قرار گرفته در صورتی که ماده ۲۱ مقرر می دزد که چنین عملی جایز نیست .

شرکت حال به یگانه طریقی که برای آن مفتوح است نوسل چسته و آن حکمیت بموجب ماده ۲۲ است چنانچه این راه هم از طرف دولت ایران عقیم گذاشته شود موضوع صورت قضیه ای را بین دو دولت بخود خواهد گرفت . بموجب قوانین بین المللی حق مسلم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینست که در قضیه وارد شده و چنانچه صلاح بداند علیه دولت ایران بدیوان بین المللی دآوری لاهه شکایت نماید . در آن صورت امیدوار است دولت شاهنشاهی معاضدت خواهند نمود تا دیوان دآوری بتواند نظر خود را هر چه زودتر اعلام نماید .

۷ - از طرف دیگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنوز امیدوار است که موضوع بوسیله مذاکرات برضایت طرفین حل گردد .

منافع دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شرکت نفت انگلیس و ایران در این امر یکسان است و اکنون میخواهم از موقع استفاده نموده بار دیگر تأکید نمایم که

دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان حاضر است فوراً هیئت را بتهران اعزام دارد تا نسبت بشرايط يك قرارداد دیگر مذاکره نمایند .

اینجناب صمیمانه امیدوارم که آن جناب حاضر خواهند شد با این ترتیب موافقت فرموده و بایک هیئت اعزامی بر اساس عادلانه و منصفانه مذاکرات را آغاز نمایند .

۸ - درخاتمه بطوریکه ملاحظه می شود در قبال تمایل بحفظ روابط حسنه و تقویت مبانی دوستی بین ایران و کشور متعده انگلیس که از طرف دوستدار ابراز شده بود آن جناب نیز اظهار تمایل متقابل فرموده اند با اینحال چون مسایلم صراحت لهجه بکار برم باید متذکر شوم که امتناع دولت شاهنشاهی از آغاز مذاکره و یا هر اقدامی از طرف آن دولت در اجرای قانون اخیر بوسیله عمل یکجانبه ناچار بروابط دوستانه مزبور که طرفین مسایل بحفظ آن هستیم لطمه شدید وارد نموده و عواقب بسیار وخیمی در بر خواهد داشت .

### ضمیمه ز

نامه وزیر دارائی ایران به :

« آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس » بتاريخ ۲۴ مه ۱۹۵۱

آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس

عطف بنامه شماره ۹۵۸۲ مورخ ۲۰ مه اینجناب از آنجائیکه تاکنون نمایندگان خود را برای اتخاذ ترتیباتی جهت اجرای قوانین ملی شدن نفت تعیین ننموده اید لهذا اشعار میدارد :

اینجناب همه روزه در وزارت دارائی منتظر نمایندگان شما می باشم در صورت امتناع از اتذ . و اعزام نمایندگان خودتان در ظرف یک هفته یعنی از پایان ۳۰ مه که مصادف با چهارشنبه است دولت هیچ راهی نخواهد داشت چر اینکه طبق وظایف قانونی خود بنحوی که در قوانین ۱۵ مارس و ۲۰ مارس و ۳۰ آوریل ۱۹۵۱ مقرر گردیده عمل نماید .

امضاء : محمدعلی وارسته

وزیر دارائی

پیام وزیر خارجه انگلیس  
به آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
در تاریخ ۸ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای وزیر

محترماً باستحضار خاطر آن جناب می‌رسانم که دستور دارم پیام ذیل را از طرف مستر هربرت مورین و وزیر امور خارجه انگلیس بعنوان جناب آقای نخست وزیر ایران ذیلاً بنظر جنابعالی برسانم .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با کمال تأسف ملاحظه نموده است که دولت شاهنشاهی ایران نه فقط جواب تذکار به‌را که سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در طهران در تاریخ ۱۹ مه (۲۸ اردیبهشت) بعنوان جناب آقای نخست وزیر ایران ارسال داشته نداده‌اند بلکه حاضرهم نشده‌اند پیشنهادات مکرر شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را برای آهاز مذاکرات بمنظور تصفیه هادلانه و منصفانه موضوع مربوط بروابط آتیه شرکت و دولت ایران را مورد توجه قرار دهند .

بعلاوه با اینکه آقای وزیر دارایی ایران طی نامه مورخه ۳۰ آوریل (۹ اردیبهشت) خود بعنوان نماینده شرکت در طهران اشعار داشته بودند که دولت ایران مایل است از تجارب و اطلاعات فنی شرکت نفت انگلیس و ایران استفاده نماید مذلک دولت ایران از وجود نمایندگان که شرکت اخیراً برای مذاکره اعزام نموده بهیچوجه استفاده نکرد. گذشته از این اقدامات اخیر مقامات ایرانی مداخله شدید در جریان عادی عملیات شرکت بوده است و این شرکت در طهران از طرف مقامات ایرانی تصرف گردیده مدیر شرکت در کرمانشاه جبراً از اجرای وظایف خود ممنوع و در حوزستان از عملیات شرکت از هر حیث جلوگیری بعمل آمده و می آید اعضای شرکت را تحریم کرده اند که از شرکت نفت ملی ایران تبعیت نمایند نطقهای آتشین و تحریک آمیز از طرف اعضای نمایندگی ایران در مناطق نفت خیز ایراد گردیده و یک سلسله تبلیغاتی که بر اساس نفویش اذهان بر علیه شرکت می باشد از طرف رادبو طهران و بوسیله جراید اجرا میگردد.

مقامات ایرانی مقیم آبادان بکشتی های نفتکش که بآن بندر وارد شده اند اجازه بارگیری و صدور نفت را نداده اند مگر باین شرط که اوراق رسیدی را امضاء نمایند حاکی از اینکه نفت مزبور متعلق بشرکت ملی نفت ایران است. موقعی که مستر دریک مدیر کل شرکت بناخدای کشتی های نفتکش B. T. C (شرکت کشتی های نفتکش انگلیسی) دستور داده که در موقع امضای اوراق رسید نامبرده جمله ای را اضافه نمایند مبنی بر اینکه حق قانونی شرکت نسبت به نفت مزبور محفوظ خواهد بود از طرف هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران طی نامه مورخه ۲۳ ژوئن (اول تیر) بمشارایه اعلام گردیده که اینگونه اقدامات مشارایه بمنزله سابوتاژ محسوب است و بطوریکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاحظه نموده طبق مندرجات یک فقره لایحه قانونی که بنام لایحه ضد سابوتاژ بمجلس پیشنهاد شده کسانیکه متهم بسابوتاژ گردند در يك دادگاه نظامی معاکه و مشمول مجازاتهایی که حداکثر آن اعدام و شامل اعدام است خواهند بود.

آن جناب ملاحظه فرموده اند که ضمن اظهاراتی که دوستان در تاریخ ۲۶ ژوئن (۴ تیر) در مجلس بموتان ایراد نمودم و يك نسخه از آن جهت جناب عالی ارسال گردیده قبلا این مسئله وارد نودم که حوادثی که ناشی از مداخله در عملیات شرکت باشد بتوان آنرا منسوب بسابوتاژ دانست.

بطوریکه آن جناب مسبوقاًند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان راجع باقدام دولت ایران در اجرای قوانین مربوط بملی کردن که برخلاف قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ شرکت نفت انگلیس و ایران بشرکت مزبور تحمیل می شود بدیوان داوری بین المللی مراجعه کرده است و ناوقتی که این قضیه از طرف دیوان مزبور استماع نشده موضوع را باید بحث رسیدگی تلقی نمود.

بنظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نفت خام و مواد نفتی تصفیه شد که شرکت نفت انگلیس و ایران تولید می کند متعلق به آن شرکت است بنا براین شرکت نمی تواند قبول نماید که ناخدایان کشتی های نفت کش که بوسیله آنها نفت مزبور حمل می شود مجبور بامضای رسیدی گردند که مفاد آن تصدیق مالکیت نفت بغیر این ترتیب باشد .

نظر باینکه مقامات ایرانی ظاهراً حاضر نشده اند موافقت کنند که شرحی در رسیدهای مزبور مبنی برحفظ حقوق قانونی شرکت در این مورد علاوه شود بکلیه کشتی های نفتکش که در آبادان متوقف بوده اند دستور داده شده است که از آنجا حرکت نمایند و ضمناً بکشتی های نفتکش دیگر نیز اخطار شده است که بدانصوب حرکت نمایند مگر وقتی که رویه مقامات ایرانی تغییر یابد . نظر باینکه ظرفیت مخزن های نفت در آبادان محدود می باشد نتیجه آن خواهد بود که بعضی اینک ظرفیت مخازن مواد نفتی تصفیه شده تکمیل گردید بالایشگاه آبادان باید تعطیل شده و جریان نفت خام از جاههای نفت بزودی متوقف گردد و بنا براین کارمندان انگلیسی حوزه های نفت خیز همین که وجود آنها در حوزه های مزبور دیگر مورد احتیاج نباشد موقتاً بآبادان اعزام خواهند گردید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لازم میدانند متذکر گردند که مسئولیت احضار کشتی های نفتکش و تعطیل شدن تدریجی تأسیسات شرکت که نتیجه آن از دست رفتن درآمد ایران و بیکار شدن دسته جمعی کارگران ایران خواهد بود . ناشی از رویه فعلی دولت ایران است که نه تنها از قبول پیشنهاد مکرر جهت انجام مذاکرات خودداری کرده اند بلکه بدون مطالعه صحیح بامشاور قبلی اصرار به تعقیب یک سلسله اقداماتی نموده اند که عواقب وخیمی را دربر خواهد داشت .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران حتی در بن لحظه آخر تشخیص ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خردمندانه نیست .  
محترماً خواهشمندم پیام فوق را بنظر آقای نخست وزیر برسانند  
موقع را مفتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم .

صاحب‌خانه آقای کینگزبوری اهمیت سرویس اروپائی  
 خبرگزاری اینترنشنال نیوز سرویس  
 با آقای نخست‌وزیر  
 در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۳۰

سوال — آیا جناب عالی اطمینان دارید که دولت شاهنشاهی ایران در سیاست خود مبنی بر اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت از پشتیبانی کامل ملت ایران برخوردار است .

پیامهایی که در تأیید سیاست دولت از طرف مردم واصل شده تا چه اندازه پیام‌های مخالف را تحت الشعاع قرار داده است .

جواب — اگر ما از پشتیبانی کامل ملت برخوردار نبودیم هیچ کاری نمیتوانستیم انجام دهیم تاکنون من بهیچوجه پیام‌های مخالفی دریافت نداشته‌ام .

جواب — اگر ما از پشتیبانی کامل ملت برخوردار نبودیم هیچ کاری نمیتوانستیم انجام دهیم تاکنون من بهیچوجه پیام‌های مخالفی دریافت نداشته‌ام .

سوال - بقیده جنابجالی آیا هدف مبارزه فعلی برای ملت ایران بیشتر تأمین استقلال کشور و رهایی از سلطه نفوذ انگلستان است یا آنکه موضوع فقط تأمین درآمد بیشتری از سر منابع نفتی است ؟

جواب - در این باب سه موضوع را باید در نظر داشت .  
اول - دولت ایران باید بتواند خودش را کاملاً مستقل نگاهدارد تا هیچ دولت خارجی نتواند در امور داخلی او دخالت کند .  
دوم - وقتی يك دولت دخالت کرد چطور می توانیم از سایرین انتظار داشته باشیم که دخالت نکنند .

سوم - ما هیچ راهی برای برطرف کردن این فقر شدید و بیچارگی نداریم مگر از طریق عایدات نفت که متعلق بهاست و ما بدست خود بگیریم عدم دخالت دول خارجی در این کشور و اصلاح وضع مردم سبب خواهد شد که جنک بین الملل لااقل از این مملکت درنگیرد .

ما صنعت نفت را ملی کردیم برای اینکه وضعیت ما بهتر شود ولی از این ملی کردن نفت هیچ وقت در نظر نداشتیم بدولی که از نفت ما استفاده میبرند ضروری برسد . تا وقتی که عده متخصصین فنی خود ما کافی نشود ما نمیخواهیم که متخصصین خارجی ما بروند .

ما حاضریم بدولی که از نفت ایران تاکنون متمتع می شدند آنچه لازم است اطمینان بدیم که در بهره برداری و تقسیم نفت بین آنها خودداری نخواهیم کرد . ملت ایران از ملی شدن نفت خود يك هدف عمده دارد و آن این است که دیگران در امور داخلی ما دخالت نکنند .

سوال سوم - نظر باینکه دولت شاهنشاهی ایران تصمیم گرفته است برای جلب اطمینان خاطر کارمندان انگلیسی و رفع نگرانی ایشان لایحه خراب کاری را مسکوت بگذارد آیا تصور نمیفرمائید که دولت انگلستان بهتر است برای نشاندادن حسن نیت متقابله رزم ناو خود را از مجاورت آبهای ایران فرا بخواند ؟

جواب - ما این قانون را که از مجلس میخواستیم بگذرانیم برای متخصصین خارجی نبود بلکه برای اشخاص مظنون و ماجراجوی بود که ممکن بود از طریق خراب کاری در مناطق نفت خیز دول بزرگ باختر را از نفت محروم کنند و ترسی که انگلیس ها از این قانون نشان دادند فقط بهانه ای بود .

اوضاع آبادان و جنوب ایران هرگز تا این اندازه آرام نبوده است ولی انگلیس ها همیشه میکوبند ما از ترس چان و مال اتباع خود باید آنها را از ایران تخلیه کنیم . برای رفع این بهانه ها بود که ما حاضر شدیم لایحه مزبور را در مجلس مسکوت بگذاریم . تکرار سوال - چون دولت ایران لایحه خرابکاری را مسکوت گذارده آیا

تصور میفرمایید که انگلستان برای نشان دادن حسن ظن متقابله خود رزمناو خویش را از آبهای ایران فراخواند بهتر است ؟

جواب - بودن و یا نبودن رزمناو بحال مافوق نمیکند ما از کشتی جنگی نمی ترسیم .

سؤال - بنظور تأمین ادامه جریان نفت بدنیای باختر و همچنین برای ادامه کار صنعت نفت باحاضرید آقای گرییدی سفیر کبیر امریکا بعنوان میانجی راه حل ساده ای برای رسیدن دادن بکشتی های نفت کش پیدا کند ؟

جواب - علاقه ما در این است که هرچه زودتر پول خود را دریافت داریم و هر کار سفیر کبیر امریکا بکند که ما پول خود را زود تر وصول کنیم ما با آن موافق هستیم .

سؤال - چون تعطیل کار صنعت نفت منتج به ییکاری عده ای خواهد شد آیا جناب عالی حاضرید برای رفع این خطر يك شرکت بین المللی که مرکب از نمایندگان ایران و کشورهای مصرف کننده عمده باشد موقتا بخدمت پذیرید که عهده دار عملیات تصفیه و فروش نفت در جهان گردد بشرط آنکه بوکالت از طرف شرکت ملی نفت ایران اقدام کند .

جواب بهیچوجه ..... ما در نظر داریم اساسنامه شرکت ملی نفت را که هنوز تنظیم نشده طوری تنظیم کنیم که در هیئت عامله عده ای از متخصصین بین المللی از کشور هائی از قبیل سوئیس - سوئد بلژیک و هلند باشند تا دیگر برای هیچکس بهانه ای در دست نباشد که بگویند در تولید نفت موافقتی خواهد بود . در عین حال ما حاضریم با دول مصرف کننده موافقت نامه هائی تنظیم کنیم که آنها مطمئن باشند سالها همان مقدار نفتی که در عرض سه سال اخیر دریافت میکرده اند بگیرند و وجه آنرا بقیست بین المللی بپردازند .

سؤال - من چنین احساس میکنم که کارمندان انگلیسی از این میترسند که اگر در شرکت ملی نفت ایران قبول خدمت کنند ممکن است در آینده حقوق آنها منظم و بوقوع پرداخت نشود .

آیا دولت ایران حاضر است در يك بانک بین المللی مبلغ کافی برای تضمین حقوق آنها ودیعه بگذارد ؟

جواب - هر وقت که بآنها نرسید همیشه میتوانند خدمت خود را ترك کنند ولی دولت ایران حاضر است با آنها قراردادهائی به بند که یکسال یا دو سال آنها را استخدام کند و اگر دولت حقوق آنها را نپرداخت حق خواهند داشت مطالبه خسارت کنند اگر کسانى از کارهائی که حالا میکنند دست بردارد و دول مصرف کننده نفت را ببرند و وجه آنرا بپردازند هیچ وقت دولت ایران کسر پول نخواهد داشت که حقوق مستخدمین خود را بپردازد . همین هیاهومی که براه افتاده برای آن است که شرکت نفت نیخواهد از این کشور برود و ما میل داریم هرچه زودتر برود .



سؤال - من مایل دارم مردم امریکا شرح بدهم که دولت ایران چگونه میخواهد عایدات بیشتری را که از نفت بدست میآورد مورد استفاده قرار دهد. اگر دولت ایران بتواند کلیه منابع نفتی خود را کاملاً مورد استفاده قرار دهد آیا پیش بینی میفرمایید که این کشور دارای مردمی مرفه و سعادتمند و سالم و صلحجو شود؟

جواب - وضع این مملکت از این جهت خراب است که ما سرمایه کافی برای آغاز کارهای تولیدی نداریم وقتی ما عایدات کافی داشتیم بکنفرم هم بیکار نخواهیم داشت و دیگر تمام این فقر و فاقه پایان خواهد یافت.

خوب است در این مورد آزمایش ساده ای بکنیم. اگر شرکت نفت دست از سرما بردارد و مابول خود را در یافت داریم و اصلاحات را شروع کنیم آنوقت اگر ما نتوانستیم از عهده برآئیم شرکت نفت بیاید و ما را ملامت کند.

سؤال - آیا جناب آقای نخست وزیر تصور میفرمایند خوب باشد لایحه ای تنظیم شود که بموجب آن قسمت اعظم عایدات اضافی حاصله از نفت برای تأمین برنامه هفت ساله و طرح های دیگری برای بالا بردن سطح زندگی مردم ایران مصرف شود؟

جواب - ما دو میلیارد ریال کسر بودجه داریم و بنابراین برای فعالیت های تولیدی اعتباری نداریم.

وقتی ما عایدات نفت خود را بدست آوریم صرف هر گونه کار های تولیدی خواهیم کرد مهم ترین کاری که باید انجام شود جلوگیری از عدم رضایت است که در سراسر کشور وجود دارد و اگر این عدم رضایت رفع نشود صلح بین المللی در خطر خواهد بود.

سؤال - من در جایی خوانده ام که حضرت عالی وقتی خوابی دیده اید که در ضمن آن بشماما موریت داده شده زنجیرهایی که برپای ایران بسته شده بود باز کنید آیا اخیراً الهامات روحی تازه ای راجع بکار خود شما شده است؟

جواب - صحیح است من چنین خوابی دیده ام و در نتیجه همین خواب است که این کار را شروع کردم ولی در این ایام دیگر خواب ندیده ام.

سؤال - شرکت نفت میترسد جبران کافی برای لغو امتیازش باوداده نشود در صورتیکه موضوع ملی شدن نفت کاملاً شناخته شود. آیا حضرت عالی حاضرید حکمیت بیطرفانه ای را در باب ادعاهای قانونی شرکت نفت در باب دادن امتیاز خود قبول کنید بشرط آنکه این هیئت بیطرف ادعاهای دولت ایران را در مقابل شرکت نیز مورد نظر قرار دهد؟

جواب - بلی کاملاً موافقم. ما هیچوقت نمیخواهیم اموال صکسی را مصادره کنیم.

ما فقط میایم که دستگاه نفت مال ملت ایران شود ولی ما حاضریم ادعاهای احتمالی شرکت را مورد مطالعه قرار دهیم بشرط آنکه مطالبات ما از شرکت نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

سؤال - آیا تصور می‌فرمایید ممکن باشد مجدداً مذاکرات با شرکت آغاز گردد .

جواب - فقط برای تصفیه حساب نه برای ادامه عملیات توسط شرکت .

سؤال - آیا تصور می‌فرمایید فرمول مورد سازشی برای رسیدن دادن توسط کشتی‌های نفت کش پیدا شود که حقوق ایران را نسبت به نفت شناخته و در عین حال حقوق قانونی شرکت را در اداره کردن نفت حفظ کند .

جواب - ما وعده داده‌ایم ۲۵ درصد از عایدات خالص را ودیعه بگذاریم بنابراین شرکت نمیتواند حقوقی برای اداره نفت ادا کند .

بطوریکه خلاصه برنامه ما این است :

اول آنکه دولت انگلیس موضوع ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط بپذیرد .

دوم کار شرکت نفت بکسر تصفیه و منحل شود و هر چه طلب داریم بگیریم و بدهی اگر داریم بپردازیم .

سوم آنکه بامیسون انگلیسی و هر دولت دیگر داخل مذاکره شویم و آنها را مطمئن سازیم که در تحویل نفت به مقادیریکه در عرض سه سال اخیر دریافت می‌داشته‌اند هیچ‌چیز کسر و نقصانی حاصل نخواهد شد .

چون دولت انگلستان اظهار نگرانی کرده است که در صورتیکه شرکت نفت از ایران برود نفت بقدر سابق دریافت نخواهد داشت ما میخواهیم نظامنامه و اساسنامه شرکت ملی نفت را طوری تنظیم کنیم که تمام دول ذی‌نفع مطمئن باشند که در تحویل نفت با آنها مطابق مقادیر سه سال اخیر نقصانی حاصل نخواهد شد بشرط آنکه وجه نفت را بقیمت بین‌المللی پرداخته و بپردازند .

سؤال - آیا ما باید برای مردم امریکا پیامی بفرستید ؟

جواب - من اخیراً پیامی برای حضرت رئیس‌جمهوری امریکا فرستادم و حالاً هم تکرار میکنم که ملت ایران همیشه انتظار دارد که ملت امریکا همانطور که همیشه از ما پشتیبانی کرده حالا هم پشتیبانی کند زیرا این پشتیبانی نه تنها بِنفع ملت ایران است بلکه بِنفع صلح جهانی نیز میباشد .

## مصاحبه‌سفر کبیر انگلیس باخبرنگاران خارجی در تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای شپرد سفیر کبیر انگلیس در تهران طی مصاحبه‌هفتگی که با خبرنگاران خارجی بعمل آورد اظهارداشت چنانچه بالشکاه آبادان بکلی تعطیل شود ممکن است بازهم عده‌ای از کارشناسان انگلیسی در مناطق جنوب ایران بمانند .

وی اضافه کرد فعلا قریب سه هزارتن کارشناس انگلیسی و یکهزار و بانصد تن کارمندان هندی و پاکستانی در مناطق نفت خیزایران مشغول کار هستند و چنانچه هنگام لزوم این کارمندان بخواهند دست از کار کشیده و ایران را ترک نمایند شرکت نفت جنوب حاضر است کلبه آنها را مانند سایر کارشناسان انگلیسی از خاک ایران بخارج انتقال دهد .

سفیر کبیر انگلیس در مصاحبه خویش اضافه کرد، طبیعی است اگر چنین تصمیمی اتخاذ شود قبلا بدولت ایران اطلاع داده خواهد شد .

## پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر به ملت ایران توسط رادیو تهران

در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۳۰

بسیاری از هم میهنان ارجمندم توهم کرده اند که دولت اینجانب در مضیقه مالی است و ممکن است این امر بملی شدن صنعت نفت که آرزوی قلبی آنهاست لطمه ای وارد کند مخصوصاً بدینی و تطییر بعضی حرا بد و معافل خارجی که بی پولی دولت را وسیله برای بزانو در آمدن ملت ایران بنظر میاورند این توهم را شدیداً تقویت نموده بود تا جایی که غریزه وطن پرستی و قدا کاری ملت نجیب را تحریک و آنها را برای يك جواب عملی بپه تصورات و تطییرات و توهمات برانگیخت ناگهان بدون هیچگونه توقع و انتظار روی اینكه از این دولت خدمتگذار تقویت عملی کرده باشند سبیل احساسات وطن پرستانه و اعتماد سخاوت مندانه از هر گوشه و کنار کشور بطرف دولت و شخص اینجانب روان و هر فردی با منطقی و بیان مخصوص در هر حرفه و پیشه و مقام و مستندی بود پشتیبانی خود را بفرستادن تقدیمه یا تمهد « پرداخت حقوق خود » یا تقدیم مال منقول و غیر منقول

از دارائی خویش اثبات کرد .

روزی نیست که صدها تلگراف و نامه که محتوی حواله بانکی و پستی است و اصل نگردد یا کارمندان دولت قسمتی از حقوق ماهیانه خود را واگذار نمایند و یا کارگران و زحمت کشان با وجود عسرت و تنگدستی قسمتی از حقوق ناچیز خود را در راه انجام این مقصود بزرگ تخصیص ندهند و یا صاحبان سرمایه اسناد و اگذاری اموال منقول و یا غیر منقول را در دفاتر اسناد رسمی ثبت نکنند و با اطلا آلات زنانه تره آلات و اثاثیه خانه یا موجودی دفاتر پس انداز اشخاص و کودکان و نوآموزان و دانشجویان یا قلمک پسران و دختران را هدیه نمایند و با تقدیمهائی از طرف پیرمردان و بیوه زنان ارسال ندارند حتی بعضی از تمام هستی و موجودی خود را که رقمهای درشتی است صرف نظر کرده و برخی این جاه پرا در تصرف اموال خود و کالت داده اند و جمعی مردم غیور و حساس خون خود را برای تهیه تابلوی شرکت نفت ایران تقدیم می دارند .

البته ابراز این خصیصه مردانه و شرافتمندانه از نظر علاقه بملی شدن نفت و اعتماد بدولتی که مجری افکار ملت خویش است خیلی بجا و بوقوع و بمنزله بیکرای عمومی و یا رفرا تدم حقیقی بود و بدینا خاطر نشان ساخت روشی را که اینجانب انتخاب کرده ام مبنی باراده شخصی نیست و مجری افکار ملت ایران میباشد .

اما چون از نظر خزانه عمومی فعلا نیازی باین مساعدتها نیست و خود شما ملت و وطنپرست از طریق پرداخت مالیاتهای قانونی و رسمی تا درجه می دولت رایی نیاز ساخته و خواهید ساخت خواهش منم ابراز این گونه احساسات و مساعدتهای گرانبها را در همین جا متوقف ساخته و بدانید که بهر منظور مقدسی این ایشار را نموده اید ، بون الله باحسن اثر توأم و بدینا فهمانیده اید که ملت ایران اصالت و شهامت خود را بامواجه با هزاران تحولات خطرناک از دست نداده و بامدنیست که سال خود مثل يك ملت جوان و تازه نفس ایفای وظیفه مینماید .

لذا دستور دادم که آنچه تا حال از هر کجا و هر کس رسیده است بفرستندگان برگردانند و اگر تا پانزده روز نرسید اطلاع دهند و آقایانی هم که در بانکها بانام اینجانب یادوات ودیعه گذاشته اند خودشان بموجب همین اعلامیه اختیار دارند که دریافت فرمایند . درخاتمه لازم میدانم توجه عموم را بمطلبی جلب نمایم که همواره با بیداری و هشیاری مخصوص بخود مراقب و آماده باشند .

چنانچه مصرف کنندگان سابق محصول نفت ایران بمنظور پیشرفت مقاصد خود نخواستند در مقابل پرداخت و جازما نفت خریداری کنند و یا پافشاری از این راه مارا در مضیقه مالی گذاشتند بدیبهی است دولت دست خود را بسوی ملت باهت دراز و احتیاج خود را ابراز خواهد نمود درچنان موقعی رجاء و اتق دارم که هر کسی بقدر توانائی از اوراق دولتی که باتصویب مجلسین شوری و سنا منتشر خواهد شد خریداری خواهد نمود و با این ترتیب هم ملت با اجرای این عمل شرافتمندانه موفق شده و هم دولت از تنگدستی خلاص می شود و در ظرف مدت کوتاهی آنچه را از ملت گرفته است بضمیمه مسترد خواهد نمود .

تلگراف از دیوان لاهه بوزیر امور خارجه ایران  
در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۳۰

شماره ۱۴۰۴۴

زوی ۱۹۵۱

آقای وزیر

عطف به تلگراف شماره ۱۴۰۴۳ محترماً قرار مورخه امروز دیوان را که  
مدت مهلت تسلیم یادداشت و یادداشت جوابیه آنرا مربوط بموضوع شرکت نفت ایران و  
انگلیس تعیین نموده رسماً جهت دولت ایران توسط جنابعالی ارسال میدارد.  
موقع را مغتنم شمرده مجدداً مفاد بند ۳ ماده ۳۵ مقررات دیوان را راجع به تعیین  
یک نماینده جنابعالی یادآوری مینماید .

احترامات فائمه

امضاء : رئیس دفتر دیوان

جناب آقای ب. کاظمی - وزیر امور خارجه - تهران

دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۵۱

قرار مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۵۱

موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس (انگلیس - ایران)

دیوان بین‌المللی دادگستری - نظر بنده ۴۸ اساسنامه دیوان - نظر بنده ۳۷

مقررات دیوان قرار وزیر را صادر مینماید :

نظر برضعال مورخه ۲۶ مه ۱۹۵۱ که همانروز بدقتر دیوان تسلیم و ثبت گردیده است و بدان وسیله عطف با اعلام قبول ترئیات اختیاری از طرف دولت انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران دولت متعده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس را بدیوان مراجعه نموده است .

بدر نظر گرفتن اینکه همانروز عرضحال مطابق بنده ۲ ماده ۴۰ اساسنامه بدولت ایران ابلاغ گردیده و نیز همان روز تاییدی که اعلام شده تلگرافا بکشور مزبور اطلاع داده شده است

نظربه تلگراف مورخه ۲۸ مه ۱۹۵۱ تهران که بوسیله آن وزیر امور خارجه ایران وصول عرضحال را اطلاع و تذکر داده است که دولت متبوعه مشارالیه دیوان را در رسیدگی باین موضوع صالح نشاخته و پس از وصول عرضحال جواب مقتضی خواهد داد .

نظر بقرار صادره بتاريخ امروز که طبق آن در نتیجه تقاضای مورخه ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ دولت انگلستان دیوان قرار تامینی تعیین نموده و این تعیین بهیچوجه لطمه بصلاحت دیوان نسبت بشناسائی کامل امر وارد نیآورد .

مدت مهلت تسلیم اسناد کتبی مربوط بطرز هل را بدین طریق مقرر داشته است :

برای یادداشت دولت انگلستان تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۱

برای یادداشت جوابیه دولت شاهنشاهی ایران تا ۳ دسامبر ۱۹۵۱

دنباله طرز هل را محفوظ میدارد

بفرانسه و انگلیسی که متن آن معتبر میباشد در دیوان لاهه ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ در سه نسخه تنظیم گردیده که یکی از آنها در بایگانی دیوان ثبت و دو نسخه دیگر جهت دولتمین انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران ارسال میگردد .

امضاء رئیس دفتر

امضاء رئیس

# ابلاغ قرار تأمین دیوان دادگستری لاهه بدولت ایران در تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۳۰

ثبت کل شماره ۱۶

تاریخ پنجم ژوئیه ۱۹۵۱

دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۵۱ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱

قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران قاضای تعیین اقدامات تأمین (انگلیس - ایران) - قرار .

حاضرین - آقای بادوان رئیس - آقای گروو نایب‌رئیس

آقایان الوارز - مک‌ورث - وینیارسکی - زریچیک - دویشر - سرار نلدماک تیر

کدستاد - بدوی پاشا - رید - هومو:

آقای هامبر رئیس دفتر دیوان که بشرح فوق تشکیل شده

پس از مشاوره در تالار شورا

نظر بمواد ۴۸ و ۴۱ اساسنامه دیوان

نظر بماده ۱۶ آئین‌نامه دیوان



در دعوی که بموجب عرضحال مورخ ۲۶ می ۱۹۵۱ از طرف دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت ایران در قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران در حضور دیوان افتتاح یافته قرار زیر را صادر مینمایند :

نظریه درخواست مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ که در همانروز به دفتر دیوان تسلیم و ثبت شده و بموجب آن دولت انگلیس با اشاره ب ماده ۴۱ اساسنامه و ماده ۶۱ آئین نامه و عطف بمرضحال مورخ ۲۶ می که بموجب آن حق تقاضای اقدامات تامینی را برای خود محفوظ داشته از دیوان درخواست نموده که در انتظار صدور رأی قطعی دیوان در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس مقرر دارد که :

الف — دولت شاهنشاهی ایران باید به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و کارکنان و مامورین آن اجازه دهد که نفت را جستجو و استخراج و حمل و تصفیه نمایند و بهر طریق دیگر مورد عمل قرار دهند و آنرا برای تجارت آماده کنند و نفت استخراجی را بفروشند یا صادر کنند و بطور کلی بهره برداری ای را که شرکت قبل از اول ماه می ۱۹۵۱ مینمود ادامه دهند و دولت شاهنشاهی ایران و کارمندان یا مامورین آن یا هر هیئت و کمیسیون یا کمیته یا دستگاه های دیگری که از طرف دولت نامبرده تعیین شده باشد باید از هر گونه مداخله که منظور آن مسانمت یا به بهانه بغضاطره انداختن عملیات شرکت باشد خود داری نمایند .

ب — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچ اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی از اجرای عملیات فوق یا ادامه اجرای آن بتوسط شرکت نفت انگلیس و ایران جلوگیری و مسانمت نماید یا سعی در جلوگیری و مسانمت از آن کند .

ج — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی هیچیک از اموال شرکت نفت انگلیس و ایران را توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف و ضبط آن کند و بهیچ وجه باین قبیل اموال بانضمام (ولی بدون لطمه به تصبیمی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد) اموالی که دولت شاهنشاهی ایران تاکنون ملی کرده یا به نحو دیگری خلع ید نموده لطمه وارد آورد .

د — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی وجوه تحصیلی شرکت نفت انگلیس و ایران یا وجوهی که در تصرف یا تحت نظر شرکت نفت انگلیس و ایران است بانضمام (ولی بدون لطمه به تصبیمی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد) وجوهی که دولت شاهنشاهی ایران ملی کرده یا بنحو دیگری خلع ید نموده یا وجوه حاصله از اموالی را که دولت نامبرده ملی کرده یا به نحو دیگری مورد خلع ید قرار داده توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف یا ضبط آن کند .

ه - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی به شرکت نفت انگلیس و ایران دستور دهد که وجوه مذکور در بند (د) فوق مورد استفاده قرار گیرد یا سعی در صدور چنین دستوری کند مگر آنکه استفاده از این وجوه بر طبق مفاد قرارداد ۱۹۳۳ یا بر طبق هر اقدام دیگری که از طرف دیوان معلوم میشود باشد.

و - دولت شاهنشاهی ایران باید ترتیبی دهد که هیچ اقدامی بعمل نیاید که به حقوق دولت انگلستان در اجرای برائی که دیوان در ماهیت امر بر له او صادر میکند (در صورتیکه دیوان چنین رائی صادر کند) اصرار کند.

ز - دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس باید ترتیبی دهند که هیچ اقدامی بعمل نیاید که اختلاف مرجوعه بدیوان تشدید یا توسعه یا بد منجمله دولت شاهنشاهی ایران باید از هر گونه تبلیغات بمنظور تهییج افکار عمومی ایرانیان بر علیه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان خودداری کند.

نظر باینکه روز تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی متن درخواست مزبور بدولت ایران ارسال شده و نیز در همان روز استتاجات مذکور در آن بوسیله تلگراف بدولت نامبرده مضابره شد.

نظر باینکه دفتر دیوان عطف به بند ۲ از ماده ۴۱ اساسنامه در خواست مذکور در ابه دیر کل ملل متحد ابلاغ کرده و بر طبق بند ۳ از ماده ۴۰ اساسنامه درخواست مزبور توسط دبیر کل به اعضای ملل متحد و سایر دولتی که در مقابل دیوان اجازه اقامه دعوی دارند ابلاغ شده است. نظر به پیامی که رئیس دیوان تلگرافا در تاریخ ۲۳ ژوئن به نخست وزیر و وزیر امور خارجه ایران بضمون زیر فرستاده:

چون دیوان باید برای رسیدگی به درخواست تعیین اقدامات تأمینی که در تاریخ ۲۳ ژوئن توسط نماینده دولت انگلیس تسلیم شده تشکیل گردد لذا اینجانب بر طبق ماده ۱۶ آئین نامه موظف اقداماتی را که لازم میدانم بعمل آورم تا دیوان بتواند به طرز مفیدی اظهار نظر نماید. برای این منظور محترماً بآن جنابان پیشنهاد میکنم که دولت شاهنشاهی ایران به دوایر خود دستور دهد که از هر گونه اقداماتی که ممکن است اجرای رأی دیوان را غیر مقدور یا متعیر سازد خودداری نمایند و مراقبت کنند که از تشدید اختلاف مرجوع به دیوان جلوگیری شود. اقداماتی که دولت شاهنشاهی ایران برای این منظور مقرر خواهد داشت با نظریاتی که دولت نامبرده خواه در طرز رسیدگی نسبت به درخواست اقدامات تأمینی که هر یک از طرفین حق اظهار در جلسه سی ام ژوئن خواهند داشت و خواه بعداً نسبت به عرض حال مورخ ۲۶ می انگلستان مقتضی بدانند به نظر دیوان برسانند مناقات خواهد داشت.

نظریه پاسخ پیام مزبور که در تاریخ ۲۹ ژوئن تلگرافا به سفارت ایران در لاهه مغایره شده و همان روز توسط وزیر مختار ایران در لاهه بر رئیس دیوان تسلیم گردیده و به نیت رسیده و به نمایندگی دولت انگلستان ابلاغ شده.

نظریه متن قطعی پاسخ مزبور که مرکب از پیامی بامضای ب. کاظمی وزیر امور خارجه ایران بانضمام شرحی متضمن سه پیوست است و متن مزبور در تاریخ سی ام ژوئن توسط وزیر مختار ایران در لاهه به رئیس دیوان تسلیم شده و آن نیز به نمایندگی انگلیس ابلاغ گردیده.

نظر باینکه پاسخ مزبور اشعار میدارد که:

بنابر ملاحظاتی فوق دولت ایران امیدوار است که دیوان نظریه قد اختیاری قضائی مدعی و باتوجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع به دیوان نیست اعلام نماید که موضوع از صلاحیت او خارج است.

در این شرایط درخواست تعیین اقدامات تأمینی بالطبع مردود است.

نظر باینکه ۲۳ ژوئن یعنی روز بعد از تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی بدولت انگلیس بوسیله نماینده ای که در این قضیه تعیین کرده و بدولت ایران بوسیله وزیر امور خارجه آن اطلاع داده شد که دیوان جلسه خود را روز سی ام ژوئن تشکیل خواهد داد تا طرفین بتوانند ملاحظاتی خود را درباره درخواست اظهار نمایند.

نظر باینکه دره وقوع شروع جلسه ای که بدین طریق تعیین شده بود رئیس دیوان مشاهده نمود که نماینده دولت انگلیس سرار بک بکت ک. سی. م. ج. ک. سی. مشاوره حقوقی وزارت خارجه انگلیس و جناب سرفرانک ساسکس ک. سی. م. پ. دادستان کل و آقای ح. اونز پاکت ک. سی. استاد حقوق بین الملل در دانشگاه کامبریج و آقای ا. ک. راتنی از اداره شرق وزارت امور خارجه و آقایان ج. ا. پ. فیشر و د. ح. ن. جانسون مشاورین در دیوان حضور دارند.

نظر باینکه دولت ایران به این جلسه نماینده فرستاده.

بیانات سرفرانک ساسکس رادرباب ملاحظاتی که بنام دولت انگلیس راجع به درخواست تعیین اقدامات تأمینی ابراز نمود استماع کرد.

نظر باینکه استنتاجات درخواست دولت انگلیس که در بالا ذکر گردید در جلسه تأیید گردید.

نظر باینکه دولت ایران در پیام ۲۹ ژوئن ۱۹۵۱ خود اظهار داشته که درخواست دولت انگلیس راهبنی بر اقدامات تأمینی رد مینماید و علل عمده آنرا عدم صلاحیت دولت انگلیس در مراجعه بدیوان در قضیه اختلاف حاصله بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس و همچنین کیفیات این اختلاف که مربوط با اجرای حقوق حاکمیت ایران منحصراً در صلاحیت ملی این دولت است ذکر نموده و باین دلیل رسیدگی بآن را اجلت نوع اختلاف از اصول حل اختلاف مشروحه در منشور خارج میدانند.

نظر باینکه از هر ضعال تقاضای رسیدگی دولت انگلیس مستفاد میگردد که دولت نامبرده در این قضیه برای یک شرکت انگلیسی تقاضای احقاق حق بمنابید و بعنوان حمایت سیاسی اقدام میکند .

نظر باینکه شکایت مندرجه در عرضعال عبارت از ادعای قض حقوق بین المللی است که بانقض قرارداد امتیاز مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۲۳ ایجاد گردیده و همچنین عبارت از استنکاف از دادرسی است که بمقیده دولت انگلیس ناشی از امتناع دولت ایران از قبول داورى مذکور در این قرار داد میباشد و بنا بر این نمیتوان ( a priori ) قبول کرد که درخواستی که مبنی بر چنین شکایتی باشد بکلی از حیطه قضات بین المللی خارج است .

نظر باینکه ملاحظات فوق کافی است که بدیوان از نظر حقوقی اجازه دهد که درخواست تعیین اقدامات تامین را رسیدگی کند .

نظر باینکه تعیین این اقدامات بهیچوجه در صلاحیت دیوان از حیث رسیدگی بهاهیت امر لطفه وارد نمیکند و حق مدعی علیه را از حیث اقامه وسایل خود بمنظور رد صلاحیت محرز نگامیدارد .

نظر باینکه منظور از اقدامات تأمینی مذکوره در اساسنامه عبات از حفظ حقوق هر يك از طرفین تا زمان صدور رای دیوان است و از فورمول کلی که در ماده ۴۱ اساسنامه استعمال شده و از حقی که بند ۶ از ماده ۱۶ آئین نامه برای دیوان قائل گردیده که اساساً اقدامات تأمینی را تعیین نماید چنین نتیجه گرفته میشود که دیوان باید با این قبیل وسایل در حفظ حقوقی که حکم صادره دیوان بعداً خواه برای مدعی و خواه مدعی علیه احیاناً بشناسد اقدام کند

نظر باینکه اوضاع فعلی تعیین اقدامات تأمینی را متوجه میسازد .

بنابر این جهات

دیوان

در انتظار رای قطعی دردهوی ای که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی در تاریخ ۲۶ می ۱۹۵۱ بر علیه دولت شاهنشاهی ایران اقامه نموده اقدامات تأمینی ذیل را تعیین مینماید که بر اساس احترام متقابل اجرا شود:

۱ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عمل زیان آور نسبت بحقوق طرف دیگر در اجرای رای که دیوان ممکن است دو ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند .

۲ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عملی از هر قبیل که ممکن است اختلاف مرجوع بدیوان را تشدید یا توسعه دهد جلوگیری کند .

۳ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که هیچگونه اقدامی از هر قبیل بمنظور مسانعت از ادامه بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و

ایران بنحوی که شرکت نامبرده قبل از اول می ۱۹۵۱ میل می کرد اجرا نشود.  
 ۴ - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیره آن بشکلی که قبل از اول می ۱۹۵۱ موجود بود باقیه تغییراتی که ممکن است با موافقت کمیسیون نظارت مذکور در بند ۵ بعمل آید ادامه یابد .

۵ - برای تامین اجرای کامل مقررات فوق که بهر حال اعتبار خود را حفظ مینمایند با توافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیونی بنام کمیون نظارت مرکب از دو عضو تعیین هر یک از دول فوق و یک عضو پنجم بجهت يك دولت ثالث که با توافق دول مزبور یاد در صورت عدم توافق بنا بتقاضای مشترك طرفین توسط رئیس دیوان تعیین شود تشکیل گردد .

وظیفه کمیسیون عبارت از این خواهد بود که مراقبت نماید که بهره برداری شرکت مطابق مقررات مذکور فوق ادامه یابد منجمله وظیفه دار خواهد بود که در آمدنهای رسیدگی کند و مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق بشرکت نفت انگلیس و ایران باشد بنوسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و موسسات بانکی مزبور تعهد نمایند که آن وجوه را جز بر طبق نتایجی که خواه از تصحیبات دیوان و خواه از موافقت طرفین حاصل شود بصرف نرسانند .

در کاخ صلح لاهه بتاريخ پنجم ژوئیه بانگلیسی و فرانسه ( متن انگلیسی معتبر است ) در چهار نسخه تنظیم شد که يك نسخه آن به بایگانی دیوان و نسخه دیگر بدولت شاهنشاهی ایران و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و دیر کل ملل متعدد برای ارسال بشورای امنیت تسلیم خواهد شد .

رئیس امضاء : بادوان - رئیس دفتر : امضاء هامبرو  
 آقای وینارسکی و بدوی پاشا قضات اعلام می دارند که نمیتوانند باقرار دیوان موافقت نمایند و شرح مشترك عقیده مخالف خود را بقرار دیوان پیوست مینمایند .

پاراف ۱ . ج

پاراف ۳ . ب

### عقیده مخالف آقای وینارسکی و بدوی پاشا

هر قدر که اقدامات تأمینی مذکور در این قرار موجه بنظر رسد ما معتقدیم که دیوان نیامستی این اقدامات را نظریه دلایل اصولی که ما خود را موظف باشمار آنها بطور اختصار میدانیم تعیین نماید .

مسئله اقدامات تأمینی برای دیوان وابسته بسئله صلاحیت است . دیوان نمیتواند اقدامات مزبور را تعیین نماید مگر آنکه صلاحیت خود را برای رسیدگی بساهیت

امر ولو بطور موقت تصدیق کند. ماده ۴۱ اساسنامه دیوان حق میدهد که اقدامات تأمینی را « در صورتیکه معتقد باشد اوضاع ایجاب بنماید » تعیین کند. مقررات این ماده بنا بر فرض قبلی صلاحیت دادگاه است. این ماده در فصل « طرز رسیدگی » مندرج است و صحبت از طرفین میکند؛ بنابراین باید طرز رسیدگی ب مفهوم اساسنامه موجود باشد. یعنی طرفهائی وجود داشته باشد.

مطقتاً نمیتوان تقاضا کرد که در صورت اعتراض صلاحیت دیوان موضوع صلاحیت خود را قبل از تعیین اقدامات تأمینی قطع کند؛ در چنین صورتی ممکن است درخواست بی موضوع گردد ولی دیوان باید صلاحیت خود را بطور احتمال عقلانی تشخیص دهد.

ماده ۴۱ دیوان حق تشخیص دیگری میدهد ( این مسئله کاملاً طبیعی است ) و آن اینست که تشخیص دهد آیا کیفیات مستلزم تعیین اقدامات تأمینی هست یا نیست و از این نقطه نظر اختیار دیوان بین السللی دادگستری در اصل موضوع با اختیار دادگاه ملی تفاوت ندارد. انزلیتی رئیس دیوان در یک عقیده مخالف ( قضیه فرم کشاورزی لهستان ۱۹۳۳ ) تا آنجا رفته است که اگر قضاوت اختصاری ( *summaria cognitio* ) که خاصه این نوع رسیدگی است اجازه میدهد که امکان حق مورد ادعا و امکان خطری که حق مزبور مواجه با آن است مورد توجه قرار گیرد اقدامات تأمینی باید اعطاء شود. مبنیاً چون اقدامات تأمینی جنبه استثنائی دارد و خارج از حدود حقوق عمومی است دادگاه باید وضع را مجموعاً مورد نظر قرار دهد. بدین طریق است که مثلاً در کشورهایی که تعلیق موقت را ( *temporary injunction* ) معمول میدارند در صورتی که اقدامات مورد تقاضا برای مدعی علیه خیلی سخت باشد قاضی قرار اقدامات مزبور را صادر نخواهد کرد مگر آنکه مدعی بنظر وی روشن برسد و نیز بهمین ترتیب اگر احتمال کلی دهد که مدعی محاکمه را خواهد باخت قرار اقدامات درخواستی را صادر خواهد کرد. مسئله صلاحیت دادگاه ملی عملاً پیش نیاید زیرا شاکی بنادگاه صلاحیت دار رجوع میکند. اگر دادگاه صالح نباشد دستور اقدامات تأمینی نخواهد داد ولی در حقوق داخلی همیشه يك دادگاه صلاحیت دار هست.

در حقوق بین المللی رضایت طرفین دیوان حق قضاوت میدهد و صلاحیت دیوان فقط دو حدودی است که طرفین حق قضاوت او را قبول کرده باشند. اختیاری که ماده ۴۱ بدیوان داده بلا شرط نیست بلکه این اختیار برای مقاصد دعوی و در حدود دعوی یا داده شده است. اگر صلاحیت ماهوی نداشته باشد صلاحیت تعیین اقدامات تأمینی نیز ندارد. این اقدامات در حقوق بین المللی خیلی بیشتر از حقوق داخلی جنبه استثنائی دارد و بسهولت میتوان آنها را در حکم مداخله ای در امور يك کشور مستقل تلقی کرد که بزرگت قابل اغماض است. بهمین دلیل نیز دیوان نباید اقدامات تأمینی معین کند مگر آنکه صلاحیت آن در صورتیکه مورد تردید واقع شده باشد مع الوصف بنظر او بطور عقلانی محتمل باشد. این تشخیص باید پس از يك رسیدگی عمیق از طرف دیوان و قضاوت با کلیه تصمیحات مقرر به موجب قواعد رسیدگی اتخاذ شود لطمه وارد آورد. برای مث

حشکل است که این نظریه را قبول کنیم که اگر در نظر اول (prima facie) عدم صلاحیت کامل مسلم نباشد و بالتبجه اگر امکان صلاحیت دیوان هر قدر ضعیف باشد موجود باشد دیوان بتواند اقدامات تامینی تعیین کند. این طریقه که خود نیز مشتمل بر يك عامل تشخيص است و آزادی اظهار نظر قطعی دادگاه رادر صلاحیت خود باعلا درجه حفظ نمیکند ظاهراً ناشی از فرض قبلی بر له صلاحیت دیوان میباشد و این اصول حقوق بین المللی مطابقت ندارد. برای اینکه با حقوق بین المللی مطابقت داشته باشیم باید موقتیها را معکوس کرد: اگر دلائل قوی بر له صلاحیت مورد اعتراض موجود است دیوان میتواند اقدامات تامینی تعیین کند ولی اگر بر علیه این صلاحیت تردید جدی یا دلائل قوی موجود باشد دیوان نمیتواند اقدامات مزبور را قائل شود.

برای اینکه اهمیت این مسئله را کوچک جلوه دهند نظائری از عمل دادگاههای مختلط حکمیت اخنوخ در مقابل دیوان بآن استناد کرده اند و حال آنکه این دادگاه ها که دستگاه های مشترك دو دولتند از حیث نوع و طرز رسیدگی با دادگاههای بین المللی و بالتبجه با دیوان بین المللی دادگستری فرق دارند پس بنا بر این نمیتوان چیزی از طرز قضاوت آنها اتخاذ کرد.

همچنین به طرز قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی استناد کرده اند و حال آنکه طرز قضاوت مزبور بهیچوجه نظریه ایراکه اقامه شده است موجه نیسازد. در آنجا اقدامات تامینی درشش مورد تقاضا شده ولی فقط در دو مورد قبول گردیده است. در قضیه چین و بلژیک (۱۹۲۷) رئیس ابتدا اقدامات تامینی را رد کرد جداً اعطاء نموده و بالاخره آنرا الغاء کرده است: در قرار مربوطه رئیس توجه کرده و گفته: بطور موقت در انتظار حکم قطعی کمیسیون صادر خواهد کرد... خواه برای تشخيص صلاحیت خود و خواه برای اظهار نظر در ماهیت دعوی. در موقع الغاء اقدامات مزبور رئیس شرح داده که وضع چگونه بوده است: چون موعد مقرر جهت تسلیم یادداشت جوابیه منقضی نگردیده مدعی علیه موفقیت نیافته که قبولی احتمالی خود را نسبت بقضاوت دیوان در قضیه اظهار بدارد. در قضیه کیمانی برق صوفیه و بلغارستان (۱۹۳۹) بلغارستان بدیوان اعتراض عدم صلاحیت نموده و این اعتراض توسط دیوان رسیدگی و نسبت بقضتی از قضیه تصدیق شده و نسبت به بقیه دیوان صلاحیت خود را اعلام داشته است. مقتطیس از این تشریحات بوده که دیوان اقدامات تامینی را آنهم با عبارات خیلی کلی تعیین نموده است مطمئناً مواردی هست که در صلاحیت قطع بعنوان وسیله ساده دفاع تلقی میشود و طرفی که اعتراضش رد میشود شرکت در معاکه را ادامه میدهد ولی در مورد ماوضع کاملاً فرق دارد. ایران تأیید می نماید که قضاوت دیوان رادر این مورد قبول ندارد و از نظر حقوقی بهیچوجه ملزم نیست. از حضور در دیوان خود داری کرده و علل روش خود را ذکر نموده است. بنا بر این دیوان باید بنظور تصیمی که در موضوع اقدامات تامینی اتخاذ خواهد کرد بطور اجمال و موقت تشخيص دهد که از دو نتیجه ای که ممکن است بالاخره

در موضوع صلاحیت خود بدست آورد کدامیک محتملتر است .  
در اینخصوص رسیدگی اجمال دلائل مختلف صلاحیتی که توسط دولت انگلیس  
اظهار شده مارا باین نتیجه موقت میرساند که اگر دولت ایران حق قضاوت دیوان را  
مطابق پیشنهادی که انگلستان در بند ۲۰ عرضحال خود نموده ( بنظور فرعی خواه  
دیوان حق قضاوت در این قضیه را داشته باشد یا نداشته باشد ... دولت انگلستان مطمئن  
است که ... ایران ... داوطلبانه قبول خواهد کرد که در مقابل دادگاه حضور یابد )  
قبول نسابد دیوان در رای نهانی خود ناچار خواهد شد که عدم صلاحیت خود را  
در این قضیه اعلام دارد و چون کیفیات چنین است اقدامات تأمینی نمیبایست تعیین  
شده باشد . .

ب. وینارسکی

بدوی پاشا



## گزارش آقای اردلان عضو هیئت مختلط

بمجلس شورای ملی

در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۰

آقایان مستعضرند که در نهم اردیبهشت امسال قانونی از مجلس گذشت که ماده دوم آن دولت را مکلف کرده بود که با نظارت هیئت مختلط از شرکت سابق نفت خام پد کند آقایان دکتر متین دفتری و مکی و بنده از طرف کمیسیون مختلط انتخاب شدیم تا در اجرای خلع پد نظارت کنیم

البته ما شش نفر یعنی نمایندگان دولت و هیئت مختلط در خوزستان حکم یک واحد را داشتیم وقتی با هواز و آبادان وارد شدیم اهالی خوزستان از ما چنان استقبال کردند که در ایران سابقه نداشت .

کارگران فقیر ایرانی بایول خود صدها گوسفند قربانی کردند و این احساسات

واقعا بی نظیر بود و من بنام يك نماینده مجلس شورای ملی از احساسات بی شائبه ملت ایران تشکر میکنم .

البته این امر خصوصياتی هم داشت از جمله اینکه شیوخ اعراب بواسطه طرحی که آقای دکتر متین دفتری تنظیم و تقدیم کرده بودند نخلستان های آنها سر و صورتی پیدا کرده و از این رو آنها آمده بودند و ما را استقبال خوبی کردند از آقای مکی استقبال بی نظیری میکردند و همه جا او را سر باز فدکار ایران می خواندند و باشوق زیاد دست و صورت او را می بوسیدند .

عده ای از کارمندان هم شاگردان آقایان دکتر متین دفتری و مهندس بازرگان بودند و از لحاظ استادی و شاگردی ابراز احساسات نسبت ب ما میکردند . مجموعه اینها بکوضع بسیار تماشائی ایجاد کرده بود

مرکز کار ما در خرمشهر بود و هیئت شش نفری رفتیم بر مرکز کار خود مان . البته در مرحله اول قدری از احاطه مکان و مسکن دچار مشکلات شدیم ولی این مشکلات بمد مرتفع شد و اولین برخورد ما با آقای دریک این بود که باین نکته برخوردیم که ایشان ابتدا خودشان را آشنا با قانون ملی کردن نفت که از مجلسین گذشته بود نیکردند و باز صحبت از قرار داد ۱۹۳۳ مینمودند و ما را میپهان شرکت سابق میخواندند در برابر ایندست ما میخواستیم بدنیای آزاد بگوئیم که حاضریم نفت خود را بآنها بفروشیم و حاضر نیستیم که چرخهای اقتصادی آنها از کنار بیفتد . این سیاست اصلی ما بود و در عین حال مبوب بودیم که هیئتی هم از انگلستان برای مذاکره بتهران می آید .

ما میدانستیم که دو ماه از قانون موجود است که میتوان در اطراف آن مذاکره کرد . با کمال تأسف بعدا اطلاع یافتیم که نمایندگان شرکت سابق کاغذی بدولت نوشتند و دولت هم نتوانست با آنها وارد مذاکره شود زیرا پیشنهادشان مطابق قانون ملی صنعت نفت نبود و وقتی نمایندگان شرکت سابق بانگلستان مراجعت کردند ما دیدیم دیگر مسامحه نمیتوان کرد . و خلع بد را عملی کردیم لازمست عرض کنم وضع کار گران ایرانی بسیار در وقت بار بود و من بارها با آقای دریک در این خصوص مذاکره کردم .

هشتاد درصد کار گران ایرانی به تصدیق شرکت سابق منزل و ماوا نداشتند بعضی از اینها چادر های نازکی داشتند که خانواده بیچاره این کار گران در زیر ۸۵ سانتیگراد درجه حرارت در آن چادر های نازک زندگی میکردند و تازه شرکت ماهی نه تومان بابت کرایه چادر از آنها پول میگرفت .

بهر حال ما به آقای دریک گفتیم اگر شما مایلید که در شرکت نفت ملی ایران خدمت کنید حاضریم با کمال میل شمارا بپذیریم و اگر هم مایل نیستید آزادید که بروید بعدها هم گفتیم که ما بشما بکماه مهلت جواب میدهیم همانطور که آقای دریک بیچوجه خودش را آشنا نیکرد که چنین قانونی از مجلس ایران گذشته است لذا نامه ای بدریک

نوشتیم و گفتیم اگر تا یک هفته دیگر قبولی خود را برای ادامه کار اعلام نکنید ما شما را مستفی می‌شماریم.

این کاغذ سبب شد که او بی‌صبره رفت و نامه‌ای نوشت و گفت من از آنجا شرکت را اداره می‌کنم گمان می‌کنم آقای دریک وقتی فهمید که نفت ملی شده که ما آقای مهندس بازرگان را بجای ایشان بر سر کار نشانیدیم و از این تاریخ بی‌مد ماده دوم مربوط به خلع ید اجرا شد. موضوع مهم دیگر مسئله کشتیها بود.

کشتیهای که در خسرو آباد و بندر معشور لنگر می‌انداختند حواله جانی از شرکت سابق داشتند که برای مازرزشی نداشت.

ما بابتها گفتیم که شما باید رسیدی بدهید و فعلا هم اگر پول بدهید اشکال ندارد.

چون منظور اصلی ما این بود که بدنیای آزاد بگوئیم که ما نفت شما را قطع نخواهیم کرد و اگر قطع شود لااقل مامسول آن نمی‌باشیم تا برای ما نروند در لاهه پرونده بسازند.

من نمونه این رسید را با خودم آورده‌ام یک طرفش بفراسی و یک طرفش بانگلیسی نوشته شده که من ناخدای فلان کشتی فلان مقدار نفت از شرکت ملی نفت ایران دریافت داشتم و طبق این سند ناخدای کشتی یکماه بعد پول نفت را می‌آورد و تعویل می‌داد در همان روزهای اول سه کشتی حاضر شدند که این رسید را امضاء کنند ولی آقای دریک بآنها امر کرد که آن را امضاء نکنند و شما آقایان نمایندگان و همچنین دنیای آزاد باید بدانند که باعث متوقف شدن جریان نفت بطرف جهان شرکت سابق نفت است نه ما (صحیح است) زیرا این رسید هیچ چیز فوق العاده در بر نداشت.

من دونکنه را باید عرض کنم اول اینکه چگونه قنصلگری انگلیس میخواست در این امر مداخله کند.

یکروز ما دیدیم بدون خبر آقای دریک و قنصل انگلیس در اطاق ما را باز کردند کردند و هر دو وارد شدند.

ما بالصراحه بآقای دریک گفتیم که با حضور قنصل انگلیس ماصحبت نمی‌کنیم زیرا ما با دولت انگلستان طرف نیستیم.

تنها کاری که توانستیم بکنیم این بود که از اطاق بیرون رفتیم و آقایان هم بعد خارج شدند.

چندروز قبل باز دیدیم که عین همین صحنه تکرار شد و باز ما از اطاق رفتیم بیرون اما چندروز بعد ژنرال قنصل از مادعوتی بعمل آورد و ما هم آنرا پذیرفتیم و در ملاقات خود با او گفتیم که ما کمال هلاقترا نسبت بدوستی با دولت انگلیس داریم ولی نمیتوانیم شما را در امر نفت دخالت دهیم.

من با آقای ژنرال قنصل گفتیم که تاریخ نشان میدهد که امپراطوری های بزرگ

هروقت اشتباهی مرتکب شدند رو به ضعف گذاشتند و من هنوز فهمیدم چرا دولت انگلیس از شرکت سابق نفت حمایت میکند.

موضوع دیگر راجع بنا و جنگی آنهاست که در شط العرب لنگر انداخته است البته هر روز که از خرمشهر با بادان میرفتیم با کمال تأسف لوله های توپ این ناو را میدیدیم که متوجه خاک کشور عزیز ماست و این امر موجب می شد که خاطر ما از دولت انگلستان جریحه دار شود.

گرچه ما باید از دولت عراق کله کنیم که چرا خاک خود را پایگاه کشتی جنگی انگلیسها کرده است.

ولی بنام نماینده مجلس شورای من ناچارم که از مردم رشید بصره تشکر کنم زیرا یکروز که اجتماع عظیم تشکیل دادند و علیه دولت خود که آبهای خود را پایگاه کشتی جنگی انگلیس کرده تظاهراتی بعمل آوردند و ما صدای آنها را در همسایگی خود می شنیدیم که ابراز احساسات کرده و نسبت به لنگر انداختن کشتی انگلیسی ابراز نفرت مینمودند.

این احساسات پاک مردم بصره در خور تشکر ملت ایران است ( نمایندگان صحیح است ).

بهر حال وقتی ما در موقع خلع بد قد رت نشان دادیم یکروز يك انگلیسی دسته ای کاغذ روی میز ما گذاشت و این کاغذها استغفای دسته جمعی انگلیسها بود اما فردای آن روز که جمعه بود آمدند و گفتند منظور ما از این کاغذها استغفا نبوده است.

بهر حال روز بعد همه بر سر کارهای خود رفتند جز همکاران در يك استغفای آقایان فلا روی میز هیئت مامور خلع بد موجود است و لسی مع الوصف آنها سرکار هایشان هم میروند.

مادر همان روز اول عده ای از انگلیسها را که کار آنها را ایرانی هاسی توانستند بکنند بیرون کردیم و جای آنها افراد ایرانی گذاشتیم خیلی از کار هارا ایرانیها میتوانند بکنند مثلا یک نفر آنجا هست که کانه دارد و ماهی هفت هشت هزار تومان پول میگیرد در حالی که یک نفر ایرانی هم میتواند جای او را بگیرد یا اینکه یک نفر دیگر در آنجا است که خانه و زندگی و حقوق مرتب دارد و کار او اینست که شبهای بکشیه انگلیسها را جمع کند و بختاندند قسمت دوم عرایض این بود که ما باید در آینده چه بکنیم ؟

اولا باید عرض کنم که تصمیم مجلسین ایران که پیروی از افکار عمومی گرفته شد يك تصمیم مهمی است که ممکن است در آینده بخاطر آن مشکلاتی در پیش داشته باشیم ولی البته این مشکلات با امتانت و بردباری قابل حل خواهد بود

یکی از این مشکلات همین موضوع کشتی های نفتکش است. آقایان باید بدانند که در دیای امروز از صد کشتی نفتکش فقط پنجاه و پنج درصد آن متعلق به شرکت سابق است و چهل و پنج درصد بقیه آزادند و میتوانند نفت مارا حمل و نقل کنند.

ما با کمال خوشوقتی پیشنهادی از آقای انتظام سفیر کبیر ایران در یافت کردیم که یک شرکت مختلط که مقرش در امریکاست و مرکب از چند دولت اروپائی و امریکائی است حاضر شده نفت مارا با کشتیهای خود بیازار ببرد. علاوه هند بها هم پیشنهادهای متعددی کرده اند و چند نفر ایتالیائی هم آمده اند که دارند مطالعاتی میکنند ایتالیائیها بطور پایاپای از شرکت سابق سی و سه درصد نفت مورد احتیاج کشور خود را میخریدند و ما هم میتوانیم اینکار را بکنیم

عرض دیگر بنده راجع بهیئت مدیره موقت است که بسیا زنده است که ما اسم این هیئت را موقت بگذاریم.

اساسنامه شرکت ملی نفت در سی صفحه نوشته شده و اکنون در کمیسیون مورد شور است و من خواستم بی رسم آیا تصویب این همه مواد در مجلس کار سهل و ساده است.

چون مسلما این امر کار ساده ای نیست من پیشنهاد میکنم که ماده واحده ای در این خصوص بگذرد و اساسنامه یکباره تصویب شود تا هیئت مدیره موقت رسماً مشغول کار شود.

بنظر من اگر يك يك مواد اساسنامه مزبور بخواهد در مجلسین تصویب شود وقفه عظیمی در کار ما ایجاد خواهد نمود

من با اطمینان یقین دارم که قانون ملی شدن صنعت نفت باعث نجات مملکت ما خواهد شد اگر هم عجله ای شده یا شود صد درصد برفع کشور بوده و هست.

زیرا سیل طلاست که هر روزه از مملکت ما خارج میشود و اگر این طلاها مال ما باشد از بدبختی امروز بیرون خواهیم رفت

نکته سوم اینست که ما باید وضع کارگران ایرانی خوزستان را بهبود بخشیم زیرا واقعا وضعشان رقت بار است و ما امید داریم وضع زندگی آن هارا عوض کنیم.

بهر حال آقایان اروپای غربی محتاج نفت ماست و من خیال نمیکنم شرکت سابق بتواند آنها را در مضیقه بگذارد و تا مدت زیادی جلوی کشتیهای نفتکش را بگیرد.

بالاخره خودشان خواهند آمد و از نفت ما استفاده خواهند کرد.

روز اول بین آمدند و گفتند در تلفن که صحبت میکنید آنها میشوند من در جواب گفتم بشوند مایک تقاضای مشروع داریم که دنیای آزاد آنرا قبول می کند و آن اینست که ما میخواهیم خودمان سر نوشت نفت خود را بدست بگیریم.

مسئله دیگر وضع کارمندان انگلیسی است که استعفایشان را نوشته اند ولی بیرون هم نمیروند. ما باید بآنها بنویسیم یا بروند یا اینکه اگر بمانند باید کاملا تابع شرکت ملی نفت ایران باشند زیرا وضع فعلی آنها مسکن است مضراتی در بر داشته باشد مسئله دیگر اینکه آقایان باید اطمینان داشته باشند که آبادان امن ترین نقاط

کشور است مایونته مردم را دعوت به آرامش میکردیم و روزی که ما پرچم ایران را بالا میبردیم روز کار بود و در عرض چند دقیقه سی هزار نفر کارگر برای ابراز احساسات در مقابل جنرال افیس جمع شدند و چون تعطیل کار صلاح نبود آقای مکی از آنها خواهش کرد که متفرق شوند و بسر کار خود بروند و خدا شاهد است که در عرض ده دقیقه این سی هزار نفر مثل اینکه آب شدند و بر زمین رفتند .

اینست که به یقین عرض می کنم که آبادان منظم ترین و امن ترین نقاط ایران است .

بهر حال دنیا باید بداند که آوردن رزمنان برای حفظ جان و مال اتباع انگلیسی جز مغلطه چیزی نیست و ملت ایران خواهان اجرای این قانون است ( صحیح است )

این نکته را هم باید بعرض برسانم که بد نیست ما در سال اول کار خودمان صدی دو یاسه در فروش نفت نسبت به قیمت بین المللی تخفیف بدهیم تا مشتری جلب کنیم و البته اینکار را شاید عملی کنیم تا ۲۵ روز دیگر انبارها گنجایش نفت دارد و البته اگر کشتیها برای بردن نفت نیابند استخراج متوقف خواهد شد . این بود گزارش بنده ( احسنت . احسنت )

## متن یادداشت دولت انگلستان بدولت ایران

در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۰

### آقای وزیر

برحسب دستور دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترماً بااطلاع آن جناب  
می رساند .

بطوریکه قبلاً نیز برای اطلاع عموم اعلام گردیده دولت اعلیحضرت پادشاه  
انگلستان با کلیه توصیه های دادگاه بین المللی لاهه که بر حسب تقاضای کشور متحده  
انگلیس جهت تعیین اقدامات موقت حفاظتی مربوط باختلافات فعلی نفت بعمل آمده است  
موافقت دارد .

بتصور اینکه دولت شاهنشاهی ایران نیز بهمین نحو باتوصیه های مزبور کاملاً  
موافقت دارند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای تعیین نمایندگان خود بصوبت  
هیئت نظارتی که از طرف دادگاه توصیه شده مشغول مطالعه میباشد و امیدوار است در

آبیه خیلی نزدیکی دولت شاهنشاهی ایران را از اسامی نمایندگان خود آگاه سازد .  
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مسرور خواهد شد بموقع از اسامی دو  
نفر نمایندگان که از طرف دولت شاهنشاهی ایران تعیین خواهند گردید اطلاع  
حاصل نماید .

بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است بزودی بتواند پیشنهاداتی  
راجع به تعیین عضو پنجم هیئت که نام او مسورد موافقت دو دولت قرار گیرد بدهد و نیز  
مشعوف خواهد شد از هر گونه پیشنهادیکه دولت شاهنشاهی ایران در این زمینه داشته  
باشند آگاه گردد .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان يك یادداشت دیگری دراجع باجرای مشروح  
توصیه های دادگاه مخصوصاً درباره اقداماتی که بناست بعمل آید تا ادامه عملیات شرکت  
نفت را بر اساس پیشنهادی دادگاه ممکن سازد بعنوان دولت شاهنشاهی ایران ارسال  
خواهد داشت .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم . -

( اف . ام . شپرد )



## متن رأی دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه در تاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۳۰

لاهه - ل ۳۱۵ د ۰ ل ۰ ن ۱۹۵۱

وزارت امور خارجه - تهران

۱۴۰۴۸ مقرر اطلاع میدهد که دادگاه امروز در خصوص تقاضای دولت انگلیس مبنی بر اتخاذ تدابیر موقتی قرار صادر نمود .

در تعقیب بند اجرایی منتهی از آنجائی که در شکایت متضمن دو عرضحال که در آن دعوی تغلف از قانون بین‌المللی بعلت نقض قرار داد امتیاز ۲۱ آوریل ۱۹۳۳ شده و بعلت استنکاف از دادخواهی که دولت انگلستان در صورت امتناع دولت ایران از قبول داوری طبق همان قرارداد بایستی تعقیب نماید و چون بطریق اولی نمیتوان قبول نمود دعاوی که براساس چنین شکایتی قرار گرفته بکلی از حیطه قضائی بین‌المللی خارج میباشد و نظر باینکه مسراتب مشروحه در جمله قبل برای اختیار دادن بدادگاه کافی میباشد درخواست اتخاذ تدابیر موقتی برای حفاظت میشود از آنجائی که تعیین این تدابیر

در صلاحیت دادگاه برای رسیدگی بماهیت دعوی بیچوجه نباید بعنوان قبلی تلقی شود و نسبت بحق مدافع که بر علیه چنین صلاحیتی ادله ابراز میدارد تاثیری ندارد و از آنجائی که منظور از تدابیر موقتی حمایتی است که در اساسنامه برای حفظ حقوق مربوطه طرفین تا صدور رای دادگاه پیش بینی شده است و از آنجائیکه مقررات عمومی ماده ۴۱ اساسنامه و موجب اختیاراتی که ماده ۶۱ و بند ۶ آیین نامه دادگاه مبنی بر تعیین تدابیر موقتی حمایت مقرر میدارد برای خودمان (Proprio Motu) چنین نتیجه گرفته میشود که دادگاه بایستی بوسیله آن اقدامات حفاظت حقوقی را که ممکن است بعداً بوسیله رای خود بعهده یکی از طرفین مدعی و مدعی علیه معول سازد مورد توجه قرار دهد و از آنجائی که وضع حاضر امر تمیین اقدامات موقتی حفاظت را ایجاب میکند باین دلائل دادگاه تا تصیم نهائی خود نسبت به وضعیت مورد خ ۲۶ مه ۱۹۵۱ که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت شاهنشاهی تسلیم نموده اقدامات موقتی ذیل را که بر اساس رعایت متقابل بایستی اجرا شود تمیین میکند :

اول دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هر يك مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی که ممکن است حق طرف دیگر را در خصوص اجرای هر گونه تصمیمی نسبت به رای دادگاه بعداً صادر نماید تضییع نماید بعمل نیارود .

دوم دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هر يك مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی که ممکن است موجب تشدید یا بسط اختلافی که بدار گاه مراجعه شده بعمل نیاروند . سوم دولت ایران و دولت انگلستان هر يك بایستی مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی بمنظور جلوگیری از اجرای عملیات بازرگانی و صنعتی شرکت نفت ایران و انگلیس محدود بهمان نحوی که قبل از اول مه ۱۹۵۱ معمول بوده بعمل نیاروند .

چهار عملیات شرکت در ایران بایستی تحت اداره مدیران خود شرکت ادامه یابد بهمان نحو قبل از اول مه ۱۹۵۱ مقرر بوده مشروط به تغییراتی که ممکن است با موافقت هیئت نظارتی که در بند ۵ بان اشاره میشود بمنظور تأمین اجرای کامل مقررات بقوه خود باقی بود داده شود و بایستی با توافق بین دولت ایران و دولت انگلستان هیئت بنام هیئت نظارت متشکل از دو عضو از طرف هر يك از دولتین نامبرده و يك عضو پنجمی که بایستی از اتباع کشور ثالثی باشد و طبق توافق بین دو دولت مزبور انتخاب شود تشکیل گردد و در صورت عدم توافق بایستی بر حسب تقاضای مشترك طرفین از طرف رئیس دادگاه انتخاب شود این هیئت وظیفه اش تأمین اجرای عملیات شرکت سابق مقررات فوق میباشد .

این هیئت موظف است حسابها و مخارج را میزری نموده و مراقبت نماید که کلیه عایدات اضافه بر مبالغی که طی جریان عادی عملیات و سایر هزینه هائی که برای شرکت پیش میآید بیا یک هائی که از طرف هیئت انتخاب شده برداشت شوند با تمهد باینکه آن بانکها بایستی وجوه مزبور را بدون تصیمات دادگاه با موافقت طرفین به مصرف برسانند . متن کامل بوزیر مختار ایران دو لاهه تسلیم شد

هاله پرو رئیس دادگاه

پیام آقای نخست وزیر بملت ایران  
توسط راجیو تهران  
در تاریخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰

بطوریکه در بعضی از جراید نوشته اند عده‌ای از هموطنان عزیز در نظر گرفته اند برای قدردانی از زحمات این خدمتگزار مجسمه‌ای تهیه نموده و در معنی نصب کنند هر چند روش اینجانب و راهی که تا کنون در زندگانی سیاسی و اجتماعی خود در پیش گرفته‌ام مجالی برای تذکر در این قبیل موارد باقی نمی‌گذارد ولی از نظر رعایت اصول بهتر دیدم که در این مورد بخصوص عقیده خود را صریحاً اظهار کنم و در معرض افکار عمومی بگذارم:

اولاً - شخصاً عقیده دارم که پاداش خدمتگزاران ملی و اجتماعی را موقی باید داد که تایید خدمات آنان مشهود گردد و به‌اصول برسد و در حقیقت آن خدمت ملی چنانکه در غور است پایان یافته باشد و این خدمت گزار ملت هنوز قدمی چند در این راه

دشوار و دراز بر نداشته و پیراهل نهائی نرسیده است وحقا لایق آن نیست که خود را شایسته پاداش درقبال این خدمت ملی بداند ، بخصوص که ملت قدرشناس ایران قبلامکرر بصورت بهتر و شایسته تری بزرگترین پاداشها رادر حقم مبدول داشته و در همه جا و همه وقت بمواقت روشی که بمصلحت آنها درپیش گرفتم ازهرگونه ابراز احساسات و پشتیبانی مادی و معنوی دریغ نداشته است .

ثانیا - اصولا عقیده دارم هر کس خود را برای خدمتگزاری ملت و ایجاه نهضنی اجتماعی آماده میکند اثر معنوی اقدامات خویش را هیچگاه نباید بازخارفزود گذر مادی برابری کند و بفروشد و یقین است که با پیروی از این اصل بهتر خواهد توانست درراهی که میرود توفیق پیشرفت داشته باشد بزرگترین پاداش خدمات ملی و اجتماعی آرامش وجدان است که هر خدمت گزاری در صورتی که درست بوظایف خود عمل کندو تکالیف خویش را بحسب طاقات بشری انجام دهد از آن برخوردار خواهدگشت و باید اقرار کنم که اینجانب تا کنون بهیچوجه چنین آرامشی در وجدان خود احساس نکرده ام هنوزراه دراز درپیش است که باید بکسک عموم هموطنان عزیز باثبات واستقامت طی شود بااین مقدمات که عرض شد و از آنجا که در تشکیل دولت فعلی جز پاسخ بندای وجدان خویش نظری نداشتم دراین مبارزه مقدس بزرگترین پاداش من آن خواهدبود که رضای قلبی عموم افراد جامعه ازروش دولت اینجانب بتواند وجدانم را قانع کندومرا دراین راه دشوار یار ومددکار باشد .

شما هموطنان عزیز بهتر میدانید که مجاهدات اجتماعی اینجانب از آغاز کار تا کنون هیچ گاه بر اساس شهرت خواهی و امیال نفسانی نبوده و شك نیست که پیرانه سر دراین هنگام که بهره خود را از این جهان فانی مادی گرفته ام دلیلی ندارد که دراین روش دیرین خود تغییری داده باشم در روزهای اول اردیبهشت که ماموریت تشکیل دولت باین خدمت گزار تکلیف شد با کسالت شدید که هر آن بیم خطر میرفت از قبول این مسئولیت خطیر سر باز نژدم و اکنون با پشتیبانی ملت که بحمدالله بنام و کمال حاصل است از مواجهه باهر خطری باک ندارم و امیدوارم هرچه زود تر بیاری خداوند متعال این مقصود بزرگ حاصل گردد و ملت ایران از نتایج مجاهدات عظیم خود برخوردار شود

با ذکر این مقدمه بصدامی رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن پرستان باقی بگذارد اعلام میکنم که بدهانت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر کس که بخواند در حیات و مماتم بنام من بتی بسازد و مجسمه تی بریزد زیرا هنوز رضایت وجدان برای من حاصل نشده و آرزویم که بخواست خداوند این مقصود حاصل شود تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بدان مکلف میباشد وحقا سزاوار خوشباش پاداش نیست .

## نطق آقای کاظمی وزیر امور خارجه در مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰

دوسه نفر از ناطقین محترم راجع به رای دیوان لاهه تذکراتی دادند که اگر مقتضی باشد بنده از طرف دولت چند کلمه در این خصوص عرض میکنم .  
در موقعیکه شکایت دولت انگلیس بوسیله دیوان دادگستری لاهه بایران رسید بلافاصله ما عدم صلاحیت دیوان مزبور را اعلام کردیم ( صحیح است ) بنده خودم تلگراف معنصری همانوقع راجع بعدم صلاحیت دیوان مزبور تلگراف کردم .  
ما معتقد بودیم نه دیوان صلاحیت رسیدگی باینکار را دارد و نه دولت انگلیس صلاحیت ارجاع این موضوع را بدیوان لاهه دارد .  
در مورد اینکه دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد برای آنستکه مسائلی که ناشی از حق حاکمیت ملتی است قابل طرح در دیوان مزبور نمیباشد . ( صحیح است )

امادولت انگلیس صلاحیت ندارد بر اینکه طرف‌هایك شرکت نه دولت انگلیس ( صحیح است )

اما اگر دولت انگلیس معتقد است که سهامی در این شرکت دارد و حق ارجاع امر را بدین ترتیب بدیوان لاهه دارد این هم مثل سایر سهامداران است و اگر اداها هائی دارد باید مطابق حقوق بین‌الملل خصوصی بمعاکم معمولی مراجعه نماید . طبق خبری که از دیوان لاهه رسیده دولت انگلیس تقاضای اتخاذ تدابیر احتیاطی کرده است .

باز مارویه سابق خود را ادامه دادیم و باینکه وقت ما کم بود باز دلائل خود جمع کردیم و فرستادیم و نه تقاضای استمهال کردیم و نه نماینده فرستادیم و نه عامل تعیین کردیم بلکه فقط نظریات خود را بدیوان لاهه دادیم وقتی رای عجیب و غریب دیوان رسید و معلوم شد رایی داده‌اند که تاکنون کمتر در دنیا سابقه داشته و دور از انصاف و مروت و عدالت بوده ( صحیح است صحیح است ) بلافاصله دولت ایران نظر خود را اعلام کرد و گفت ما دیوان لاهه را صالح نپنداریم ( صحیح است ) و ارزشی هم برای این رای قائل نیستیم ( صحیح است )

البته این اقدام فوری ما بوده اما راجع باشاره‌ای که آقای اسلامی فرمودند عرض میکنم که دولت متوجه این نکته نبوده زیرا در ماده ۳۶ جزعنوم اساسنامه موضوع مربوط بقضاوت اجباری است که خیلی از دول آن را قبول نکرده‌اند و فقط ۲۶ دولت آنرا امضاء کرده‌اند .

اما برای این که درست اطراف کار را بسنجم و درباره حکم دادگاه رسیدگی شوندهیتی انتخاب و مامور شده‌اند که اینکار را رسیدگی کنند و اکنون هم مشغول مطالعه هستند . اما چیزی که دیر و زود ملاقات خود به آقای سفیر انگلیس گفتم اینست که دولت ایران ارزشی برای این رای قائل نیست ( صحیح است ) ایشان آمده بودند که بگویند دولت انگلیس رای دیوان را قبول کرده است .

( نمایندگان - لطف فرموده‌اند ) و گفتند که دولت انگلیس نماینده خود را هم تعیین کرده است وقتی ما گفتیم که برای رای دادگاه ارزش قائل نیستیم پرسیدند چه خواهید کرد گفتیم تا هر جا که مقتضی باشد برای تامین مصالح ایران جلو خواهیم رفت . ( نمایندگان - احسنت صحیح است )

از قضات مصری و لهستانی که رای خود را از روی حق و عدالت داده بودند ما تشکر کردیم و همین الان هم از نمایندگان دو دولت مزبور دعوت شده که بوزارت خارجه بیایند و در این ملاقات رسماً از طرف دولت ایران از نمایندگان مزبور تشکر خواهد شد .

چیزی که خواستم از طرف دولت اعلام کنم اینست که ما با پشتیبانی از افکار عمومی ملت ایران و با تقویت مجلسین شورایی و سنا از حقوق ایران دفاع خواهیم کرد تا هر جا که مقتضی باشد جلو خواهیم رفت . ( احسنت - احسنت )

## پیام آقای ترومن با آقای دکتر مصدق نخست وزیر در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۳۰

نخست وزیر عزیزم

بی اندازه متشکرم که جنابعالی در نامه اخیر خودتان شرح کامل و صادقانه درباره جریانات اختلاف نامناسب و نامسوودی که بین دولت شما و منافع نفتی بریتانیا در ایران پیش آمده است مرقوم فرموده بودید. این موضوع برای سعادت کشور شما و بریتانیای کبیر و همه کشورهای آزاد دنیا بعدی خطر دارد که من با نگرانی شدید همواره فکر خود را معطوف باین قضیه نموده‌ام. امیدوار بودم که منافع مشترک دو کشوری که مستقیماً در این قضیه دخالت دارند و همچنین زمینه مشترکی که طی مذاکرات طرفین ایجاد شده بود راهی برای حل مسائل پر زحمت و دشواری که ایجاد شده است باز نماید جنابعالی میدانید که امریکائیان نسبت بهیل ایران برای کنترل منابع طبیعی خود علاقه و همدردی دارند از این نقطه نظر ما خوشوقت شدیم که دولت انگلستان به سهم خود اصل ملی شدن را قبول کرده است.

نظر باینکه مهارت و اطلاعات فنی متخصصین انگلیسی میتواند به صنایع نفت ایران بی اندازه مفید باشد من امیدوار بودم و هنوز هم امیدوار هستم که بشود طرفی پیدا کرد تا بین اصل ملی شدن و منافع بریتانیا توافقی بنفع هر دو طرف حاصل گردد. بدین جهت من با نگرانی ناظر قطع جریان مذاکرات بوده ام و میبینم دارد وضعی پیش می آید که عملیات تصفیه و استخراج نفت بهم فرو ریخته و از این راه ضررهای بسیاری بایران و دنیا وارد میشود. یقیناً این پیش آمد مصیبتی است که میتوان با تدبیر و سیاستمداری راهی برای جلوگیری آن پیدا نمود.

اخیراً باین عقیده رسیده ام که برای آنکه مسائل مختلف و بفرنجی که در میان است و ممکن است بعلت کسب و وقت سبب بسته شدن پالایشگاه گردد بطور کلی تصفیه شود (زیرا ادامه وضع حاضر حتماً منجر به بستن پالایشگاه میشود) لازم است قرار موقت قابل اجرائی داده شود که در عملیات تصفیه و استخراج نفت وقفه حاصل نگردد و ضمناً با چنین قرار موقت اطمینان بنافع هیچیک از طرفین وارد نشود. پیشنهادات مغتنافی که در این باره شده است منتج به نتیجه نشده و زمان بسیار کوتاه است.

در این موقع يك امر مهم و تازه نیز انجام گرفت و دیوان دادگستری بین المللی که دولت شما و دولت بریتانیا و دولت ماهمگی در آن عضو هستیم و با سایر ملل همکاری میکنیم تا عدالت بیطرفانه و انصاف در دنیا حفظ گردد پیشنهادی برای يك قرار موقت نموده است.

صرفنظر از جهات فنی دوستدار اهمیت زیادی بعمل دیوان دادگستری میدهد. دوستدار میدانند که دولت شما و دولت بریتانیا هر کدام نظری را که در مذاکرات اتخاذ کرده اید صادقانه است و هر کدام بنظر خود کاملاً معتقد هستید مهذا اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا هر دو بیشتر بدنیائی معتقد هستید که در آن قانون و عدالت حکمفرما باشد و از زمان کنفرانس سانفرانسیسکو تا حال حاضر چنین دنیائی تنها امید مردم جهان بوده است صرفنظر از موضوع صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی هیچکس هیچگونه تردیدی در بیطرفی دیوان مزبور نخواهد داشت و همچنین نسبت به مقام شامخ و احترامیکه همه ملل امضاءکننده منشور ملل متفق به این دیوان میگذازند تردیدی نیست.

بنابراین دوستدار میخواهد بجنابعالی جداً توصیه کند که به پیشنهاد دیوان بین المللی توجه خیلی عمیقانه مبذول فرمائید. دوستدار صلاح میداند که جنابعالی باینکه این نظر با موارد فنی و قانونی تطبیق میکند و با نیکند توجهی فرمائید بلکه نظر دیوان را بعنوان پیشنهاد يك هیئت بیطرفی که هم خود را جهت عدالت و انصاف و برای دنیائی بهتر، ببانی مزبور وقف مینماید تلقی فرمائید. اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا با مطالعه پیشنهاد دیوان لاهه خواهند توانست طرفی برای اجراء این پیشنهاد پیدا کنند که مقصود عادلانه و بیطرفانه آن انجام شود و ضمناً عملیات صنعت نفت



و وضع هر دو دولت حفظ گردد . یقیناً هیچ دولتی با عطف توجهات مسکنه و احترام به اظهار نظر این دیوان بزرگ بهیچوجه حق حاکمیت خود و یا جزئی از آن را از دست نیده و از طرفداری و حمایت ملت خود محروم نمیانند . دولت و ملت ما باین موضوع کاملاً ایمان دارد . چنانچه جنابعالی با چنین پیشنهادی موافقت فرمائید یقین دارم که مقام و منزلت ایران در نظر مردم جهان بی اندازه افزوده خواهد شد .

جناب آقای نخست وزیر - دوستدار صمیمانه آرزو مندم که تا آنجا که بتوانم در این مورد کمک نمایم . من با آقای اوول هریمان که همانطور که اطلاع دارید از مشاورین نزدیک بنده و یکی از امریکائی های عالیهقدر میباشد ، فعلاً در این باره مذاکره کرده ام . چنانچه جنابعالی مسایل باشید ایشان را بپذیرید من با کمال خوشوقتی ایشان را بعنوان نماینده شخصی خود روانه تهران میکنم تا درباره این مسئله فوری و مشکل با جنابعالی مشاوره نماید .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را نسبت بان جناب تجدید و اعتماد خود را نسبت بخوشبختی و سعادت آینده ایران اظهار میدارم .

هاری . س . ترومن

## تلگراف دولت ایران بدبیر کل سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۴۰

جناب آقای تریگولی دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک  
دیوان بین‌المللی دادگستری به تقاضای دولت شاهنشاهی انگلستان قراری در  
تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ راجع با اقدامات تأمینیه در موضوع نفت صادر نموده است .  
این جانب از طرف دولت خود ماموریت دارم مراتب ذیل را باستحضار جنابعالی  
برسانم .

۱ - بر طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری باموریکه  
اطراف دعوی باو رجوع می‌کنند و یا در موارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد مقرر  
گردیده و یا بموجب عهدنامه‌ها و قرار دادهای جاری پیش بینی شده صلاحیت رسیدگی  
دارد در بند ۲ از ماده ۳۶ مذکور مقرر شده است که « دولتهای امضاء کننده میتوانند  
در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری این دیوان را نسبت باختلافاتی که جنبه قضائی

داخته و مربوط بموضوعات معینی باشد در مقابل هر دولت دیگری که این عهد را متقبل گردد بعهودی خود و بدون قرارداد خاصی قبول مینمایند « دولت شاهنشاهی ایران تاکنون چنین اعلامیه راجع بشناسایی قضاوت اجباری دیوان بین المللی دادگستری صادر نکرده است .

بنا بر این صلاحیت دیوان مزبور نسبت بقضاوت اجباری درباره مسائل ودعاوی مربوطه بایران مشمول بند (۵) از ماده ۳۶ مذکور است که می گوید :

اعلامیه هائیکه بموجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی برای مدت معینی بعمل آمده و هنوز آن مدت منقضی نگشته در روابط بین امضاکنندگان آن اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری دیوان بین المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه ها و بر طبق مقررات آنها قبول شده است ؟

الحاق دولت ایران بقضات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی سابق بموجب اعلامیه مورخ دهم مهرماه ۱۳۰۷ (۲ اکتبر ۱۹۳۰) و قانون مصوب ۲۳ خردادماه ۱۳۱۰ در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ صورت گرفته است که بموجب آن صلاحیت الزامی دیوان راجع باختلافات ناشی از احوال و اعمالی است که مستقیماً یا غیر مستقیم مربوط باشد با اجرای عهدنامه ها و قرار دادهایی که دولت ایران بعد از تصویب این اعلامیه قبول کرده است .

بعلاوه در اعلامیه مزبور اختلافات راجع بمسائلی که بر طبق حقوق بین المللی منحصرأ تابع قضاوت ایران می باشد از صلاحیت الزامی دیوان بین المللی مستثنی شده است.

بنابر این مسلم است که قرار داد های ناشی از حقوق خصوصی و داخلی مانند اعتبار نامه ها که دولت ها با اتباع خود و یا اتباع دولت های بیگانه برای بهره برداری از بعضی منابع ثروت و یا امور تجارتنی دیگر منعقد مینمایند و همچنین اموری که مربوط بحق حاکمیت ایران و منحصرأ تابع قضاوت ایران است از صلاحیت الزامی دیوان دائمی دادگستری بین المللی سابق و دیوان دادگستری بین المللی فعلی خارج بوده و هست .

۲ - در سال ۱۹۳۳ با اسباب چینی و ایجاد شرائط خاصی که شرح آن در اینجا لزوم ندارد و فراهم آورنده آن سیاست دولت انگلستان بوده امتیاز نامه جدیدی بین دولت ایران و شرکت سابق نفت ایران و انگلیس برای اکتشاف و استخراج و بهره برداری از منابع نفت ایران در قسمت معینی از کشور ایران منعقد گردیده این امتیازنامه تعمیلی بدون اینکه بخواهیم وارد ماهیت و اثبات بطلان آن از لحاظ قضائی بشویم بهر حال و بر فرض صحت و اعتبار مربوط بحق داخلی ایران و امتیازی بوده است که دولت ایران بایک شرکت یعنی یک شخصیت حقوقی خصوصی منعقد داشته و اعطای امتیازات بر طبق اصل ۲۴ قانون اساسی ایران اگرچه صاحب امتیاز از اتباع داخله هم باشد باید بموجب قانون و تصویب پارلمان صورت بگیرد .

در امتیاز نامه مزبور بهیچوجه دولت انگلستان دخالت و عنوانی نداشته و حق

و اختیاری برای آن پیش‌بینی شده است بنابراین امتیازنامه مزبور هنوز هنوان ههودوقرار دادهای بین‌المللی که در اساسنامه دیوان دائمی سابق و دیوان دادگستری بین‌المللی فعلی بآن اشاره شده ندارد .

۳ - دولت و ملت ایران بنا بر تشخیص مصالح عالیّه ملی خود و بمفاد بند (۲) از ماده ۱ منشور ملل متحد که آزادی و اختیار هرملتی را در تعیین سرنوشت خود اعلام داشته است و برای نجات خویش از چنگال شرکت قاصبی که سالیان دراز بوسیله مداخله در شئون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ملت ایران بوده در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مطابق با ۲۰ مارس ۱۹۵۱ و ۹ اردیبهشت ۱۳۲۰ مطابق با ۳۰ آوریل ۱۹۵۱ بموجب دو قانون که باتفاق آراء بتصویب مجلسین شورای ملی و سنارسیده است صنایع نفت را بدون تبیض نسبت بانابع داخله و خارجه در سرتاسر کشور ملی اعلام کرد و ترتیب عادلانه جبران خسارات احتمالی صاحب امتیاز و همچنین ترتیب صادرات و فروش نفت را بکشورهاییکه تاکنون خریدار آن بوده اند معین و مقرر داشت .

ملی کردن صنعتی از صنایع کشور حق مسلم هر ملتی است اغلب کشورهای دمکرات جهان بصورت‌های مختلف و بجهت مختلف از این قدرت و اختیار قانونی خویش در گذشته و حال استفاده کرده و میکنند چنانکه دولت فعلی انگلستان بعضی از صنایع خود از آنجمله ذغال و فولاد را ملی کرده است و هیچ دولت و هیچ مقام بین‌المللی منکر این حق نشده و هیچ قرارداد و امتیازنامه اگرچه بفتح انباج کشور های خارجه منعقد شده باشد مانع اجرای آن نگردیده است .

۴ - مع الوصف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان که سیاست اومنشاء و معرک اصلی آن شرکت بوده است برخلاف حق و قانون بین‌المللی در مقام مداخله در امور داخلی ایران و مخالفت با اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت در ایران برآمده از طرفی دولت و ملت ایران بانحریكات داخلی و ایجاد اعتصابات و با اهرام کشتی جنگی و تقویت نیروهای زمینی و هوایی در مجاورت ایران تهدید کرد و این خودداستان مفصلی دارد که مسکن است موجب مسراجمه و شکایت بمدی دولت ایران بسازمان ملل متحد بشود .

از طرف دیگر دولت انگلیس به دیوان دادگستری لاهه شکایت کرده و باستناد امتیاز نامه مخدوش ۱۹۳۳ تقاضا نمود که قوانین ملی شدن صنایع نفت ایران موقوف الاجراء مانده و شرکت سابق نفت در ادامه عملیات خود کمافی السابق مختار باشد و سپس عرضحال دیگری بدیوان مذکور تقدیم داشت و در خواست اقدامات احتیاطی نمود .

لازم است این نکته کاملاً مورد توجه قرار گیرد که دولت انگلستان اهلیت اقامه چنین دعوایی نداشت زیرا دولت ایران در اینخصوص با دولت مزبور عهدنامه ای منعقد نکرده است و از طرف دیگر بشرحی که در قسنتهای ۱ و ۲ این اعلامیه تصریح گردیده دیوان دادگستری نیز صلاحیت رسیدگی باین دعوای بی اساس را فاقد بود زیرا نه دولت

ایران در طرح این موضوع موافقتی کرده بود و نه منشور ملل متحد دیوان را در این مورد مخصوص مجاز میداشت و نه عهد نامه و قرار داد بین المللی در این موضوع موجود بود که بدیوان صلاحیت رسیدگی بدهد و نیز اعلامیه ۲ اکتبر ۱۹۳۰ دولت شاهنشاهی راجع به شناسائی داوری اجباری دیوان دادگستری دائمی سابق منحصر در مورد اختلافات ناشی از اجرای عهد نامه و قرار دادهای بین المللی بود در باره امتیاز نفت دولت ایران با دولت انگلستان و هیچ دولت دیگری قرار دادی منعقد نکرده است به علاوه بشرحی که گذشت دولت ایران در اعلامیه مزبور اختلافات راجع به مسائلی را که منحصر تابع قضاوت ایران است از صلاحیت دیوان بین المللی خارج کرده بود.

بنا بر این دولت ایران در پاسخ اخطار تلگرافی دفتر دیوان رسا و صراحتا عدم صلاحیت دیوان مزبور را تذکر داد و بعدا نیز در جواب اخطار ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ دفتر دیوان راجع به شکایت دولت انگلستان مبنی بر تقاضای اقدامات تأمینیه در لایحه خود که رو نوشت آن بعدا جداگانه برای جنابعالی فرستاده می شود این نکته را مشروح مدلل بیان کرد.

مع الوصف اقداماتی که بشرح ذیل تا کنون دیوان دادگستری بین المللی بعمل آورده و بخصوص در نتیجه صدور قرار مورخه پنجم ژوئیه ۱۹۵۱ بدیختنامه اعتمادی را که ملت و دولت ایران همواره بدادگستری بین المللی داشته بکلی متزلزل ساخته است.

الف — چون عدم اهلیت دولت انگلستان در شکایت خود و عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی بمورد شکایت محقق و اظهر من الشمس بود دیوان میبایست قبل از هر اقدام و تصمیمی عدم صلاحیت خود را اعلام دارد.

ب — اخطار رئیس دفتر دیوان راجع بنقضای دولت انگلستان برای اقدامات تأمینیه عصر دوشنبه ۲۵ ژوئن ساعت ۷ بعد از ظهر بدولت ایران در تهران واصل گردید و وقت رسیدگی دیوان بروز شنبه ۳۰ ژوئن موکول شده بود این مهلت که بزحمت کافی برای تهیه و ارسال جواب بود و برخلاف فقره ۸ ماده (۶۱) آئین نامه دیوان است که مقرر میدارد در تقاضای اقدامات احتیاطی باید مهلت کافی بطرفین دعوا داده شود این شتابزدگی غیر منتظر باعث کمال تعجب دولت و ملت ایران است.

ج — دیوان دادگستری بین المللی در قرار مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ خود مقرر داشته است که دولت ایران هیچگونه اقدامی بمنظور جلوگیری شرکت سابق نفت ایران و انگلیس بهمان نحویکه قبل از اول ماه مه ۱۹۵۱ معمول بوده نباید بعمل آورد و عملیات شرکت در ایران بایستی تحت اداره مدیران خود شرکت ادامه یابد

نتیجه این قرار (در صورتیکه قابل اجرا بود) این است که قانون و حاکمیت ایران در یک امری که در صلاحیت داخلی او است باستناد دعوایی که در اهلیت دولت انگلستان و صلاحیت دادگستری بین المللی نبوده باید نقض شود.

البته اعضای سازمان ملل متحد و ملت ها و مردمان و افراد آزاد دنیا متوجه

خواهند شد که این وضع متضمن چه آینده سوم و خطر ناکی برای حقوق و عدالت بین المللی خواهد بود .

• مفهوم مستقیم این فرار این است که یکنوع رژیم کاپتولاسیون جدید بنفع اتباع دولت های قوی بر علیه اتباع دولت های کوچک و ضعیف برقرار گردد زیرا اگر دولت ها اختیار داشته باشند که از حق حاکمیت خود و حق ملی کردن صنایع در داخله خود نسبت باتباع خود استفاده نماید ولسی بتوانند این حق را در مقابل اتباع دولتهای یگانه قوی و زورمند بکار برند مفهومی جز ایجاد امتیاز نامشروع بنفع اتباع خارجی نخواهد داشت و این امر جز احیاء کاپتولاسیون بصورت يك بدهت عجیب چیز دیگری نخواهد بود .

بعلاوه لازم میداند این نکته را مجدداً و اکیداً خاطر نشان نماید که چنین ترتیبی مغالط باغض و روح منشور ملل متحد و مدلول بندیک از ماده دومی باشد که مقرر میدارد سازمان بر روی اصل تساوی حق حاکمیت اعضاء خود مبتنی میباشد .

د - دیوان دادگستری با قرار غیر عادلانه مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ خودنهایتاً برخلاف صلاحیت و برخلاف حق و عدالت و بر خلاف آزادی طلبی ملل جهان اقدام کرده است بلکه بند (۷) از ماده ۲ منشور ملل متحد را که میگوید هیچ يك از مقررات منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهاییکه اساساً مربوط بصلاحیت ملی يك مملکت است مداخله نماید قفس کرده است .

ه - برای تکمیل بیعدالتی خود دیوان مزبور بدون ادعای شاکتی و حتی پیش از آنچه که دولت انگلستان تقاضا کرده مقرر داشته است که هیئتی مرکب از دو تن نماینده دولت انگلستان و دو تن نماینده دولت ایران با یک نفر دیگر از اتباع دولت ثالث بر اداره شرکت سابق نفت ایران و انگلیس نظارت نماید که بر طبق قرارداد امتیاز عمل کند .

دولت ایران در موضوع نفت تا کنون بایک شرکت خصوصی طرف بوده و دولت انگلستان بهیچ عنوانی حتی بر طبق همان قرار داد مغشوش هم حق هیچ نوع مداخله را نداشته و ندارد و اینک بموجب قرار ( اگر قابل اجرا بود ) دیوان خواسته است نماینده دولت انگلیس را در امر داخلی ایران مداخله دهد و باین ترتیب استقلال و حق حاکمیت دولت ایران را قفس نماید .

و - بعلاوه دیوان دادگستری در پایان قرار خود مقرر داشته است که هیئت سابق الذکر موظف است کلیه هایدات را پس از وضع مغارج در بانکهای که از طرف هیئت انتصاب خود ودیعه بگذارد با تمهید آنکه آن بانکها بایستی وجوه مزبور را بدون تصمیمات دیوان بامواقت طرفین بصرف رساتند در این مورد نکته شایان تذکر این است که بنا بر ادعای دیوان هر گاه امتیاز نامه سابق هم موقتاً قابل اجرا بود بر طبق آن امتیاز نامه می بایستی مرتباً وجوهی بدولت ایران ( که این حق مورد انکار شرکت سابق نفت نبوده و تقاضای هم در این باب از دیوان ننموده ) پرداخت شود .

شاید بقضات دیوان چنین اطلاع داده باشند که دولت و ملت ایران فلا در مضیقه مالی است .

ضبط و توقیف عواید نفت مربوط بدولت ایران و تعیین موعد رسیدگی بماهیت دعوی در يك مدت طولانی ( مهلت برای رسیدگی باقدمات تامینی پنجروز معین شده بود ولی موعد رسیدگی بماهیت دعوی وصلاحیت پس از صدور قرار مربوط باقدمات تامینی بیش ماه دیگر موکول گردیده است ) در نظر اشخاص مزبور کافی بنظر رسیده است که دولت و ملت ایران را بتسلیم وادار کرده و از تعقیب هدف ملی خویش منصرف سازد.

نظر بجهات فوق چون دیوان مزبور ازجاءه عدالت خارج شده و اعتماد عمومی را نسبت بنمود متزلزل ساخته با کمال تأسف باطلاع آن جناب میرساند که دولت ایران از این تاریخ اعلامیه مورخ ۲ اکتبر ۱۹۳۰ خود را راجع بقبول قضاوت اجباری دیوان مزبور مسترد میدارد .

رو نوشت این اعلامیه بدفتر دیوان داد گستری نیز علیحده تلگراف شده است .

موقع را برای تجدید احترامات فاتحه منتتم می شمارد .

**وزیر امور خارجه - باقر کاظمی**

## متن گزارش آقای دکتر متین‌دافتری به مجلس سنا در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۳۰

مقدمتاً باید عرض کنم از روزیکه آقایان بنده را بسمت عضویت هیئت مختلط مامور اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت فرمودند بنده این مأموریت را با ایمان کامل و باین نیت قبول کردم که این تصمیم خلل ناپذیر ملت ایران را با سرعت و طوری عملی کنیم که با اجراء کامل خلع ید این صنعت بزرگ معطوظ بماند و درآمد سرشار آن هر چه زودتر صرف حوایج ضروری کشور یعنی ترقی سطح زندگی و رفع معرومیت های غیر قابل ادامه مردم و جلوگیری از مغایرات اجتماعی ما بشود .

میتوانم با آقایان اطمینان بدهم که این فکر را هم در تنظیم مقرراتیکه هیئت مختلط با موافقت دولت برای ترتیب اجراء قانون وضع کرد تعقیب کردیم و هم در قدمهایی که ما هیئت اعزامی یکی بعد از دیگری بطور مرتب در اجراء خلع ید برداشتیم رعایت



کردیم من باب مثل و برای توضیح عرض میکنم .

هیئت مدیره موقت با این دستور مأموریت یافت که نظامات داخلی شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن منافع نداشته باشد در تمام مؤسسات مرعی بدارد و کلیه کارمندان و کارشناسان و کارگران ایرانی و خارجی را در خدمت ایران ابقاء نماید .

بنده و آقایان اردلان و مکی هم که بنسبندگی از طرف هیئت مختلط برای اعمال نظارت و تقویت از هیئت مدیره معین شدیم خودمان را از آن آقایان جدا ندانیم و با خلوص عقیده و ایمان راسخ با اهمیت این مأموریت خطیر ملی و امیدواری بتأییدات الهی که تاکنون بزرگترین پشتیبان ملت ایران بوده و انشاء اله خواهد بود صمیمانه همکاری کردیم و بحمداله موفق هم شدیم .

بنده اگر بخوام وارد بشوم در شرح احساساتی که از طرف مردم غیور خوزستان علی‌الدوام نسبت با ابراز میشد باید تمام وقت این جلسه را بگیرم تا شاید بتوانم تا اندازه حق مطلب را ادا کنم در این صورت از گزارش کارها باید صرف نظر کنم و اگر بخوام این قسمت را مسکوت بگذارم حق ناشناسی کرده‌ام .

بلی حق ناشناسی نسبت بیک مردمی که از هیچگونه مهربانی دزباره مافرو گذار نکردند و حاضر بودند همه چیز خودشان را در راه موهبیت ما بذل کنند . غیر از احساسات بی نظیر روز ورود ما بآبادان و اجتماعاتی که صنوف مختلف متوالیاً در باشکاهای خودشان ترتیب داده بودند که هر کدام بدوگ و لا بوصف است ممکن نبود مردم ما راحتی یکدفعه در معابر تدیده بگیرند و دور ما حلقه تزنند و تظاهرات نکنند .

من هرچه فکر میکنم از عهده سیاست‌گزاری از این مردم بر می‌آیم مگر اینکه خداوند توفیق بدهد و ما حق ملت را از ثروت نفت استیفاء کامل بکنیم و اعتبارانی تحصیل نمائیم مرحمی بزخدهای اهالی از همه چیز معروم خوزستان بگذاریم بملاوه احساساتی که با ابراز میشد منحصراً با اهالی خوزستان نبود روزی نیکگذشت که تلگراف‌های بشماره با امضا های زیاد از تمام ولایات دریافت نمیکردیم که همه آمادگی خود را برای فداکاری و بذل مال اعلام میداشتند .

آقایان — بنده در این مسافرت در تماس با مردم بخوبی دریافتم که مردم این مملکت بیدار و هوشیار شده‌اند — همه چیز را خوب می‌فهمند — جزئیات اعمال ما ها نمایندگان مجلسین را میدانند و قضاوت میکنند .

از آنچه مردم ناشناس در معابر لطفاً بخودم میگفتند صرف نظر میکنم ولی شاهد بودم که آقای مکی را برای مجاهدتی که روزهای آخر عمر مجلس بانزدهم کرده اند تعسین و تجلیل می نمودند .

از طرف دیگر خوب ظاهر و معلوم بود که مردم در خوزستان بسیار و موقع

شناس هستند با تمام ناملایماتی که دارند بحفظ نظم و آرامش علاقه نشان میدهند و فهمیده‌اند که در این موقع باریک نباید عملی بشود که بهانه بدست خارجیها بیفتد. هیئت اعزامی هم از بدو ورود در تهییم و امنیت و حسن سلوک با خارجیها کوشش فراوانی نموده است و میتوانم امروز با آقایان اطمینان بدهم که امنیت کامل در آن منطقه حکمفرماست بعدی که تصور میکنم ادامه حکومت نظامی در آنجا دیگر ضرورت نداشته باشد.

چند روز قبل از مراجعت بتهران تلگرافی از تیسار سرلشکر زاهدی داشتم که توصیه فرموده بودند مراقبت کنم موقمی که یگانگان ایران را ترك میکنند از طرف مردم آنها اهانت و تعرض نشود. بنده بایشان چه جواب عرض کردم؟

چون همان روزیک خیرنگار خارجی تازه وارد به بنده گفته بود من از خواندن روزنامه ها در خارج انتظار داشتم در کوجه های آبادان خون بینم و خوزستان بلکه تمام ایران را يك پارچه انقلاب مشاهده کنم اکنون میبینم همه جا امن و امان است بنده هم با آقای سرلشکر تلگراف کردم بنام تبلیغات خارجی را که حتی وزیر کشور مملکت را مشتبه و متشوش کرده است.

بعد از طی این مقدمه باید عرض کنم که اولین مسئله که فکر بنده را در موقع عزیمت بخوزستان مشغول کرده این بود که خلع بد را چگونه شروع کنیم که هم مفید و مؤثر باشد و هم موجب اختلال امور نشود و لطمه بعمل تولید و تصفیه صدور نفت نزند.

پس از مطالعه باین نتیجه رسیدم که از هر چیز باید ماده چهارم قانون را پیش بکشیم و اولاً ساب گذشته را مطالبه کنیم یعنی درآمد از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ را بخواهیم و ثانیاً حساب بهره برداری و عایدات از تاریخ ورود خودمان را نگاه داریم وقتی که در اولین برخورد بامدیر عامل کل شرکت سابق دیدیم که اوصراحتاً ما را بعنوان مهمان تلقی می کند و ابدا بقانون ملی شدن نفت نمی خواهد آشنا شود برای جواب گویی باو و رفع نگرانی و التهاب فوق العاده مردم پرچم ایران را بر فراز عمارت اداره مرکزی برافراشتیم و نایبوی هیئت اعزامی را نصب کردیم.

سپس آنچه لازمه تذکر و نصیحت و تفهیم قانونی بود گفتیم بنده در مجلس اول خود بمدیر عامل شرکت سابق خاطر نشان کردم که قانونی باتفاق آراء از مجلسین گذشته و در قلمرو ایران لازم اجراء است و هر کس با آن مقاومت کند مشول و قابل تعقیب است او را دعوت کردیم که با ماهمکاری کند و مجبور نشویم برخلاف میل خودمان برای حفظ حقوق دولت و جمع آوری عایدات شدت عمل نشان بدهیم.

وقتی که او بنظر نداشتن دستور از هیئت مدیره شرکت سابق در لندن امتناع کرد و تهدید نمود که اگر اعمال ورزی شود کارمندان انگلیسی خدمت را ترك میکنند و مؤسسات را تعطیل خواهند کرد باو با کمال صراحت جواب دادیم هرگز در هیچ موردی

اعمال زور نخواهند شد و مستقیماً متوسل به داخله نظامی یا ژاندارم یا پاسبان نخواهیم شد قانون را طبق النعل بالنعل و قدم بقدم اجرا میکنیم و هر وقت هم محتاج به آنکسیون هائی برای تامین حقوق بشویم بقوه قضائیه مسلکت رجوع خواهیم کرد و امیدواریم احتیاجی هم باین مراجع پیدا نکنیم .

خلاصه بنده مکرر به مدیرعامل خاطر نشان کردم که مایش خودمان عهد کرده ایم که تمام محصول نفت را با اختیار دنیای آزاد بگذاریم و توقع داریم که بهای آنرا با پیردازید که برای بهبود حال مردم این کشور فوق الماده بآن احتیاج هست و مادر درجه اول اینجا آمده ایم که از محل ۷۵ درصد درآمد نفتی که صادر شده یا خواهد شد پول برای دولت بفرستیم و ضلای نظر دیگری نداریم و شما می توانید با کمال دلگرمی بخدمت خودتان ادامه دهید و نظریات شمارا برای حفظ دیسیپلین و انضباط و حسن جریان بهره برداری رعایت خواهیم کرد .

روزهای اول چون مصادف با آمدن نمایندگان شرکت سابق بتهران بود خیلی مدارا میکردیم که مبادا به مذاکرات تهران از ناحیه ما اختلالی بشود مخصوصاً وقتی که معلوم شد مدیرعامل را از آبادان بتهران خواسته اند بنده از او خواهش کردم بنمایندگان شرکت توصیه بکند که پیش از این در شناختن قانون ملی شدن نفت با فشاری نکنند و افکار عمومی را خشکین تر نکنند .

برعکس يك پیشنهادات عنلی بدهند که افکار تسکین یابد و اطمینان داشته باشند که بعداً اگر تقاضا هائی داشته باشند در محیط آرامتر رسیدگی خواهد شد و به شرط انطباق با اصول اساسی قانون ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار خواهد گرفت .

در مراجعت ایشان اظهار داشتند که نمایندگان سعی کرده اند پیشنهاداتی بدهند که نظر ایران را تامین کند ولی از ذکر این نکته خودداری نکرد که اگر شما فکر کرده اید که ۷۵ درصد از درآمد را بردارید و ۲۵ درصد را برای تصفیه حساب گذشته کنار بگذارید برای مادر آینده چه سودی باقی میماند .

از این اظهار فهمیدم این آقایان اصلاً نمی خواهند خودشان را به حرفهای ما آشنا کنند و از سود هائی که عاید شرکت می شده است دست بردار نیستند و آن ها که مثل بنده تصور کرده اند وقتی که ما حاضر باشیم تمام نفت را بدیهای آزاد تحویل بدهیم و در مقابل تمام وجوه بهای آنرا مطالبه کنیم دیگر چه اختلافی باقی میماند دچار اشتباه شده اند .

در هر صورت ما از روز اول تا آخر دوسر مسئله تصرف در عایدت ایستادگی کردیم .

اولاً - برای رسیدگی بحساب گذشته یعنی از ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ تا موقعی که هیئت اهرامی شروع بکار کرده است .

چند نفر حسابدار قسم خورده گماشتیم که با مراجعه بدفانر اداره حسابداری کل شرکت سابق معلوم دارند چه میزان مواد نفتی از خوزستان بخارج صادر شده است تا وجوه

حاصله از فروش پس از وضع مضارح در اختیار هیئت گذاشته شود .  
ثانیاً - برای اینکه تأمین خریداران سابق مطابق ماده ۷ قانون و احراز هویت آنها وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود موافقت شد که تا یک ماه از تاریخ آگهی که از طرف هیئت مدیره موقت صادر می شود .

طبق برنامه موجود شرکت سابق نفت در مقابل اخذ رسید بخیریداران سابق نفت داده شود ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره موقت مراجعه نموده ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را که در مدت مذکور برده اند پتوخ عادلانه بین المللی بدهند .

باین منظور دستور دادیم دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت وجوه حاصله از آن در اختیار هیئت مدیره موقت گذاشته شود این نکته را هم شفاهاً وهم در طی يك تذکاریه کتبی اعلام کردیم که از کلیه وجوه حاصله تا ۲۵ درصد در يك بانک مرضی الطرفین برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق ودیعه گذاشته شود .

ما مورین نظارت در صادرات از طرف هیئت معین و مشغول کار شدند و در قدم اول باین مشکل بر خوردند که کشتیها بر اثر تلقین عمال شرکت سابق از دادن رسید امتناع دارند و اگر هم رسید میدهند در عبارت قبض قبولی می خواهند بکنند که حقوق شرکت سابق را حفظ کنند یعنی در واقع رسید را از اعتبار بپندازند مذاکرات مفصل و بی دریغی راجع به عبارت رسید با مدیر عامل کل حمل آمد و هر عبارتی پیشنهاد می کردند در متن آن میخواستند قرارداد ۱۹۳۳ را احیا کنند و برای ما قابل قبول نبود .

هر چه تذکر دادیم عبارت رسید را طوری تنظیم کنید که با قانون ملی شدن منافع نداشته باشد بچنانی نرسید و هیئت مجبور شد دستور بدهد که هر کشتی از دادن رسید امتناع کند حق بارگیری ندارد .

يك نامه هم که عین عبارت آنرا میخوانم در تاریخ اول تیرماه از طرف هیئت باقای دریك صادر شده ( چندی قبل بشما ابلاغ شد که دفتری برای نظارت صادرات مواد نفتی و گرفتن رسید از کشتی هائیکه نفت حمل میکنند باید داده شود شما انجام اینکار را بعهده گرفتید ولی تاکنون عملی نشده است و کشتیها از دادن رسید امتناع کرده اند با قبولی در رسید خواسته اند بکنند که آنرا از اعتبار بکلی می اندازد .

بانهیلاتی که از طرف هیئت مدیره برای ادامه صدور نفت شده و میشود این رویه جزء سوء نیت و سابوتاژ تعبیر دیگری ندارد .

در صورت دادن رسید طبق مصوبات کمیسیون مختلط از طرف هیئت هیچ گونه مانعی برای صدور نیست .

معمداً اگر وقفه در صادرات پیش بیاید و کشتیها از تحویل گرفتن نفت خود داری کنند مسئولیت آن بعهده شماست )

این نامه شاید بواسطه تصادف با تنظیم لایحه مجازات سابوتاژ و تقدیم آن از طرف دولت بمجلس شورا برای حفظ مؤسسات نفت از خرابکاری آتش سوزی و غیره تولید

هیجان فوق العاده کرد و مستر در یک شدید! اعتراض میکرد که او را متهم بسا بوتاژ کرده اند و خود را مورد تهدید و نگرانی نشان میداد و متوسل بر کنسول انگلیس شد که هیئت اعزامی دخالت ماموریت انگلیس را قبول نکند و باوتند کرده شد که مقصود از صدور این نامه تنقیب جزائی نبوده بلکه تذکر مسئولیت تاخیر در صدور نفت بوده است که متوجه آن کسی میشود که از دادن رسید از طرف کشتیها جلوگیری میکند .

مقارن این گفتگوها مذاکرات بین نمایندگان کیانی سابق در تهران و دولت قطع شد و دولت با موافقت هیئت مختلط تصمیمات شدید دیگری اتخاذ نمود و از جمله این که تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت دیگر قابل اجرا نیست مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات با اعضاء هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد این تصمیمات در تاریخ سی ام خرداد ماه مدیر عامل ابلاغ و از او سؤال شد که آیا حاضر است مطابق آن تحت نظر هیئت مدیره بخدمت خود ادامه دهد یا خیر و چون تا پنج روز جوابی از او نرسید بلکه شفاها همان نظریه روز اول را تکرار میکرد و خود را تابع هیئت مدیره لندن میدانست و در روبرو خود راجع بنوع کشتیها از دادن رسید بنام شرکت ملی نفت ایران با فشاری مینمود و جزیک کشتی نروژی و یک کشتی فرانسوی که رسید دادند بقیه در بندر معطل مانده بودند .

هیئت اعزامی در تاریخ سوم تیرماه یعنی همان روزی که او اصرار داشت که نامه مبنی بر توجه مسئولیت امتناع کشتیها از قبض دادن را به هیئت اعزامی پس بدهد و تحت عنوان موهوم اینکه این نامه تهدیدی است برای جلب او به حکم جزائی و سر کنسول انگلیس راهمراه آورده بود برای اداء این شهادت که هیئت مدیره نسبت با اوعمال تهدید مینماید و مقصود او این بود که پرورنده برای استناد در دیوان دادگستری لاهه تنظیم کند هیئت اعزامی تصمیم گرفت باین گفتگوها خاتمه داده وطنی نامه جدیدی باوتند کرده شد که چون برای هیئت مدیره انجام وظیفه بایک مدیر عاملی که خود را مسئول او نداند امکان ندارد و ادامه این وضعیت موجب اختلال امور موسسات نفت و وقفه صدور آن بدنیای آزاد خواهد شد برای آخرین دفعه اخطار میشود چنانچه تا روز ۵ شنبه ششم تیرماه ساعت ۸ صبح جواب مثبت ندهد و به هیئت مدیره تمکین ننماید هیئت او را مستعفی شناخته و جانشین او را معین خواهد کرد .

آقای دریک مفاد این نامه را خود بمخبترین خارجی افشاء کرد و بلا درنگ با عجله هر چه تمامتر عازم بصره گردیده معینا هیئت اعزامی تا موعده اخطار صبر کرد و فقط ۵ شنبه قبل از ظهر حتی یک ساعت بعد از حلول موعده باشغال مقام بلا متصدی او اقدام نمود و زمام امور را مستقیما بدست خود گرفت .

بلافاصله یک مشت استمفا نامه های کارمندان انگلیسی را که بتاریخ یکروز قبل از موعده مقرر تنظیم شده بود ببیننده تسلیم کردند و مضمون همه این بود که آنها با شرکت سابق کنتراتی دارند که نمیتوانند فسخ کنند و قبول هر گونه خدمتی که با کنترات آنها منامات داشته باشد برای آنها مقدور نیست .

و بیه آن‌ها از طرف هیئت فوراً جواب داده شد دلیل استغفاء آن‌ها موجه نیست برای اینکه استخدام آن‌ها برای خدمت در ایران و به منظور مؤسسات نفت ایران بوده و طبق قانون مصوب مجلسین ایران شرکت ملی نفت ایران قائم مقام قانونی شرکت استخدام کننده سابق محسوب میشود.

بلاوه باید آقایان متذکر باشند که اولاً محکوم بکارمندان انگلیسی اعلام شده است که میتوانند با حفظ کلیه حقوق و مزایای سابق حتی حقوق بازنشستگی و سایر اطمینان کامل بامنیت و مهمان نوازی در ایران بخدمت خود ادامه دهند و هیچگونه اجبار و الزام و فشاری نه برای ماندن آن‌ها در خدمت و نه برای ترك خدمت وارد نشده و نمی‌شود.

معمداً هر گاه بابتکار خود و بصرافت طبع مبادرت با استعفا نمایند باید متوجه باشند که مسئولیت هر گونه وقفه یا تقلیل درآمد تولید و تصفیه و توزیع و صدور نفت در نتیجه این اقدام وارد شود بعهده آن‌ها خواهد بود

ثانیاً - در اعلامیه مورخ اول تیرماه هیئت مدیره موقت برای ترتیب خانه خدمت استعفا دهندگان یکماه مدت معین شده بود و اینکه که آقایان مهلت و تاریخی برای موعود ترك خدمت خود معین نکرده اند مسلم است لا اقل تا مدت يك ماه به منظور انجام تشریفات و عملیات تحویل و تحول باقی خواهند ماند

ثالثاً - بدیهی است که تا موقع ترك خدمت هر يك از استفادندگان کلیه دستگاه ها و دوایر و قسمتهایی که مسئولیت آن‌را تا بحال بعهده داشتند و ابواب جمعی آن‌ها محسوب می‌شده است بطور سالم و کامل تحویل مامورین شرکت نفت ملی ایران خواهند داد.

اکنون کارمندان انگلیسی غیر از سه نفر معاون مدیر عامل همه سرپرستهای خودشان هستند فقط مدتی است خانواده های خودشان را بانگلستان فرستاده اند و میخواهند وانمود کنند که امنیت ندارند از دو هفته با این طرف مراجع می‌کردند که کارمندان انگلیسی میخواهند مشاغل خودشان را در مناطق نفت مسجد سلیمان - آغا جاری - هفت گل و غیره ترك کنند و بعداً شروع بترك هم کرده بودند بآنها گفته شده است که هر وقت چاهها و تمام دستگاههای آن را تحویل بدهند ما نمی‌نست و کارمندان ایرانی عمل استخراج نفت را ادامه خواهند داد و واقعا از عهده اینکار هم بر خواهند آمد لیکن کارمندان انگلیسی آبادان که معمل تصفیه خانه است قصد ماندن دارند و ظن قوی هم میرود که تهدید بکناره گیری از طرف آن‌ها بگونه تظاهراتی است کارمند خارجی در شرکت سابق غیر از انگلیسها عده معتابیهی پاکستانی و هندی هستند که با خلوص نیت انجام وظیفه می‌نمایند گرچه بعضی عناصر بین آنها تحریکات میکنند که خدمت شرکت ملی نفت ایران را قبول نکنند و ایران را ترك کنند ولی خود آن‌ها بایران علاقه دارند و ما هم از آن‌ها تحجیب کردیم و اطمینان دادیم که یا کمال دلگرمی مشغول کار خودشان باشند.

این بود خلاصه ما و در امر خلع یدع که این قسمت را تحقیق یافته میتوان

تلقی نمود .

اما وضع فعلی چون بارگیری کشتیها بر اثر امتناع آنها ازدادن رسید متوقف شده است قبل از حرکت بنده بتهران فعالیت تصفیه را تدریجاً بنصف کمتر تقلیل دادند و بالتبع عمل استخراج هم بهمین تناسب تقلیل یافته است بلکه تا دوسه هفته باین ترتیب کج دار و مریز بگنجد و در فاصله یا انشالله يك راه حلی برای گرفتن رسید پیدا شود با اینکه بالمره عمل استخراج و تصفیه تعطیل شود ضمناً در این فاصله انبارهای موجود را از مواد نفتی پر می کنند که ذخیره برای مصرف اقلایکسال حوینم داخله ایران خواهد شد .

بنده و آقای اردلان باین لحاظ موقتا بتهران آمده ایم که با هیئت مختلط و دولت تماس بگیریم و چاره برای این وضعیت بیاندیشیم - قسمت اول ماموریت ما که اجراء خلج بد بوده تمام شده است . قسمت دوم که نظارت در بهره برداری است اگر علیرغم میل و کوشش شبانه روزی ما دستگاہ تعطیل شود بلا موضوع خواهد شد .

اگر خدای نخواست چنین شود باید خود را برای مواجهه بایک فترت اقتصادی چندماه آماده نسازیم در آن صورت دستگاہها را باید حفاظت کامل کرد کارمندان و کارگران ایرانی را باید نگاهداشت و حقوق آنها را مرتباً پرداخت متفرق کردن آنها بیچوجه صلاح نیست .

زیرا بقاء سنت بزرگ نفت ایران که در دنیا کم نظیر است بسته بوجود این کارمندان و کارگران است که در کار خود آزموده هستند و تدریجاً جمع و جور شده اند و در مدت توقف هیئت اعزامی مکرر آمادگی خود را برای هر گونه فداکاری در راه حفظ و توسعه بهره برداری باقید قسم شرافت بسا اظهار داشته و اطمینان داده اند بعد از تعطیل احتمالی هر آن بخواهیم از نو شرع بهره برداری بکنیم بدون آن ها ممکن نیست لذا باید همه آنها را نگاهداشت خوار بار و دستگاہ برق آب را برای آنها باید تامین نمود و از حالا پیش بینی های لازم برای این امور مهیه شده است .

مسئله مهمی که ما اکنون با آن مواجه هستیم همین موضوع جلب کشتیها برای بارگیری و صدور نفت است .

آقایان البته میدانند که در بهره برداری نفت اگر موضوع باربری بازار فروش از استخراج و تصفیه مهمتر نباشد کم اهمیت ترین است . هیئت اعزامی از روز اول متوجه این مسئله بوده و بموجب قانون خریداران سابق را بسوسبله آگهی دعوت کرده است که برای معرفی خود و انجام معاملات حاضر شوند .

ولی بطوریکه از نایبند شرکت ملی نفت ایتالیا که یکی از خریداران سابق نفت خام ما است شنیدم شرکت سابق با شرکت ایتالیائی قرارداد ده ساله دارد و مادام که شرکت سابق از تسلیم نفت اظهار عجز نکند .

ایتالیاییها نمی توانند قرارداد را نسخ کنند و بهین ملاحظه آنها فلا نمیتوانند.. شرکت ملی نفت ایران مستقیماً مراجعه کنند لابد سایر مشتریان سابق هم همین محظورات را کمایش دارند که از مراجعه با و فرستادن کشتی برای تعویل گرفتن نفت تاکنون خودداری کرده اند .

البته ما بعد از اعضاء مدت يك ماه که برای مراجعه مشتریان سابق ضرب الاجل معلوم کرده ایم میتوانیم سایر مشتریان و طالبین نفت ایران را دعوت کنیم و پیشنهادهایی هم رسیده است اما ما حتی القدر می خواهیم نفت را بمالکی که تا کتون از صادرات ما استفاده می کردند برسانیم بهلاوه مسئله باربری نفت و بازار آن در دنیا بین ترست ها تقسیم شده و رخته کردن در ندوبست های آنها کار آسانی نیست کاریکروز دوروز نیست و مدت معتابیی وقت می خواهد و باید حوصله داشت .

آقایان بخاطر دارند که عمل ملی شدن صنعت نفت در مکزیك مواجه با همین موانع شد و قریت نه سال طول کشید تا موفق شدند - از طرف دیگر مسئله باربری و تامین بازار نفت را باید طوری حل کرد که رقابت آزاد از بین نرود و ما دستخوش امیال يك خریدار انحصاری نشویم ما با بعضی ازدول برای فروش امتعه ایرانی از قبیل پنبه و غیره خرید کالاهای آنها قرار داد تجارتمی داریم و میل هم داریم از این قبیل قرار دادها بازهم بیندیم .

چه مانعی دارد که ما دول ذی علاقه مخصوصاً با دولت انگلیس قرار داد فروش مواد نفتی منعقد سازیم و باین وسیله نگرانی انگلیسها را از لحاظ تامین نفت بحریه و صنایع انگلیس رفع کنیم .

و اگر چنانچه از نماینده ایتالیایی شنیدم دول غربی از اینکه ما بتوانیم نفت موضوع قرار دادهای فروش را بوقع تولید و تسلیم کنیم تردید دارند قصاص قبل از جنایت جایز نیست مدتی افلا تا آخر سال ۱۳۳۰ امتناع کنند اگر تغلف کردیم آن وقت در مقام شکایت و اعتراض برآیند .

صنعت بزرگی در ایران موجود است و ما مصمم به حفظ آن هستیم و آن را حفظ هم خواهیم کرد موضوع این نیست که ما وعده بکنیم که يك صنعتی می خواهیم بوجود آوریم که آنها در امکان آن تردید داشته باشند موضوع برعکس يك صنعت موجودی است که نگاهداری آن دشوار نیست

متاسفانه يك محیط متشنجی فراهم شده و خبط هائی میشود که بر وخامت اوضاع میافزاید و مادام که تشنج باقی است و افکار عمومی مادر غلیان است حل مسئله و حصول توافق مشکل است .

اگر طرفداران کیبانی سابق از نقطه نظر حقوقی خودشان همین طور یافشاری کنند و بقرارداد ۱۹۳۳ معکم بچسبند و باصل ملی شدن صنعت نفت در ایران نخواهند آشنا شوند هر گر این اختلاف حل نخواهد شد .



اگر فشار اقتصادی را بخواهند ادامه دهند و ما هم نتوانیم تحمل کنیم و هلاک شویم از تباهی ما معلوم نیست دنیای غرب خوشبخت شود . و من عاقبت این فشار ها را و خیم می بینم دنیای غرب بداند که اگر اینطور غرضه را بر ملت ایران روز بروز تنگتر کنند و حال یاس برین ملت صعبانی و گرسنه مستولی شود می ترسم راهی را پیش گیرند که تا کنون از آن احتراز داشتند .

پس صلاح خود آن ها آن است که از تهدید و فشار صرف نظر کرده با ما راه پیاپی و مشکل های ما را خودشان حل کنند و بقیه بنده با حسن نیت بوسیله همین قانون ملی شدن صنعت نفت و اساسنامه که باید هر چه زودتر بتصویب مجلسین برسد می توان راه حل های اطمینان بخش پیدا کرده اختلافت را رفع نمود .  
لجاجت و جناب بهیچوجه صلاح نیست هم روزگار ما را تباہ می کند و هم آن ها طرفی نخواهند بست .

آقایان محترم - این بود خلاصه گزارش و نظریات بنده و امیدوارم طرز انجام وظیفه بنده که خود را مامور و نماینده آقایان در هیئت مختلط میدانم رضایت آقایان را جلب کرده باشد بنده در انجام این ماموریت سعی کرده ام از نظر آقایان که میدانم پیودن راه مسالمت است پیروی نمایم اما مقصود بنده از مسالمت البته همیشه مسالمت توام با استعکام و متانت است .

اگر آقایان مایل باشند باین ماموریت ادامه میدهم و اگر از بودن بنده رضایت نباشد ممکن است دیگری را بجای بنده مامور فرمایند .  
بنده قبل از اینکه تریبون را ترک کنم دو عرض دیگر دارم که یکی تشکر و دیگری تاسف است .

تشکر بنده ابتدا از جناب آقای اردلان است که در مجلس شورای ملی در ضمن گزارشی نسبت به بنده اظهار لطف فوق العاده فرموده اند که حاکی از پاکی طینت خودشان است و همکاری ایشان در این مسافرت واقعا لدنی بود و بعد هم از سایر همکاران محترم است چه آقایان هیئت مختلط که در تهران زحمت میکشند و چه آقایان اردلان و مکی که باتفاق بنده بآبادان آمدند و آقایان مهندس بازرگان و دکتر علی آبادی و مهندس بیات و اعضا هیئت مدیره موقت که واقعا با کمال صمیمیت با بنده همکاری کرده اند و برایش و تذکرات و صلاح بینی های بنده توجه فرموده اند و بنده لازم میدانم از آقایانی که هنوز در گرمای خوزستان با کمال شهامت انجام وظیفه مینمایند و انتظار مراجعت بنده و آقای اردلان را دارند و همچنین از آقایان کارشناسان فنی که همراه ما بودند در این مجلس محترم تقدیم نمایم .

اما تاسف بنده از بی لطفیهای است که بعضی آقایان میکنند آن هم در چنین روزی که همه ایرانیان باید مثل برادر باشند وفاق را بخود راه ندهند . باور فرمایید که بنده بد از طی همه مقامات این کشور و تجربیات بسیار تلخ که تحصیل کرده ام دیگر طالب جاه و مقامی نیستم و بقیه عمر خود را میل دارم اگر توفیقی داشته باشم صرف

انجام خدمات هر قدر کوچک و نا قابل باشد بکنم شاید بتوانم خود و اعقابم کسب افتخاری نمایم .

بطوریکه عرض کردم عضویت بنده در هیئت مختلط افتخاری است که بامر آقایان همکاران محترم نصیب بنده شده خود را مامور مجلس سنا میدانم و باید مطابق فکر آقایان و بتشخیص وجدانی خودم عمل نمایم اگر این ماموریت بنده مصادف با زمامداری جناب آقای دکتر مصدق شده است گناه نیست . خویشاوندی بنده با ایشان نه در این کار و نه در سایر کارهای ملکیتی کوچکترین تاثیری نداشته و نخواهد داشت زیرا بنده خودم را یک مرد بنام معنی مستقل الفکر میدانم اگر اشخاصی با ایشان مخالفتی دارند چرایی انصافی میکنند و بنده را بیان میکنند و سیاست را باقوم و خویشی آلوده می کنند همینطور اگر کسی باینده مخالف است انصاف نیست که با آقای دکتر مصدق بگناه بستگی باینده تعرض کند .

بنده از روزی که وارد در هیئت مختلط شده ام باین جهات هدف تیر های نهمت واقع شده ام و احتمال میدهم که باز هم بشوم و میخواستم عرض بکنم که اگر این سوء استفاده که بعضی ها از بستگی بنده با آقای نصحت وزیر میکنند برای آقای محترم یک معظوری است ممکن است منت بر بنده بگذارند و دیگری را بجای بنده انتصاب فرمایند زیرا برای خود بنده ممکن نیست از تقییب خدمت آن هم در یک چنین امر مهم ملکیت شانه خالی کنم و مثل یک سرباز فراری عمل نمایم

آقایان محترم - بنده این گزارش را دیروز حاضر کردم وقتی که تمام شد شنیدم و راجع به بنده در بعضی از روزنامه های تهران خبر عجیبی بسا آب تاب منتشر شده است .

عاقبت این تحریکات و وسوسه های خلاف انصاف با این حسادت ها و دسیسه ها رابطه طبعات خارجی هم سرایت داده اند و حالا دیگر بنای تفتین بین بنده و آقای دکتر مصدق را گذاشته اند .

روزنامه را خواستم و دیدم نوشته است از قول یک نفر که می گویند در لندن یکی از روزنامه های پاریس که مرکز انترنیک و مقاله پرانیهای ایرانی هاست تلفن کرده است که انگلیسها بنده را برای تامین منافع انگلیس در مسئله نفت کاندیدای نصحت وزیری کرده اند .

مثل این است که تاتوله در هوا پاشیده اند .

نمیدانم این قبیل اخبار چه ارزشی میکنند داشته باشد .

انگلیسها تا جمال هر کس را می خواستند روی کار بیاورند از او ظاهر آ تبری می جسته و هر کس را می خواستند خراب کنند با او علنا اظهار علاقه میکردند .

از کی تا حالا این اندازه بی کله شده اند و تشییر رو به داده اند .

بنده اهل تظاهر و رجز خوانی نبوده و نیستم و تا کنون هم به مغییرین از خودم چیزی نگفتم . حالا که می خواهند بفرس ناحق بنده را خراب کنند و فداکاری بنده را

اینطور پاداش بدهند باید بگویم .

روزی که سر کنسول انگلیس وارد اطاق هیئت اعزامی شد اولین کسیکه هدر او را قبل از نشستن خواست من بودم و روزی که دفتر مستردربك را اشغال کردیم و معاون او اظهار داشت که مشاراایه راجانشین خود معین کرده است کسی که او را پذیرفت و با صراحت جوابداد دريك مستغنی است و دیگر سمتی ندارد که کسی را انتخاب کند تنهامن بودم حالا اینطور دوست جان جانی شده ایم که بنده را کاندیدای نخست وزیری میکنند . خیر ! نخست وزیر در مملکت ماقط بفرمان همایونی و بر حسب تمایل مجلسین باید انتخاب شود.

یکی از جهات مبارزه امروز مادر مثلا نفت اینست که دیگر در انتخاب زمامداران ایران این صحبتها بیان نیاید و خود بنده در طی نطقیکه روز تصویب قانون طرز اجراء ملی شدن نفت در مجلس سنا ایراد کردم همین نکته را با صراحت هر چه تمام تر تذکر داده و بیان کردم برو این دام بر مرغ دگر نه ! اگر بنده مطالب زمامداری از این طریق بودم در این مدت ده سال بعد از شهریور ۱۳۲۰ از دولت برکنار نیاندم .

آقایان ما از لجن مال کردن خدمت گزاران و دل سرد کردن آنها بجائی نخواهیم رسید همکاران بنده اصرار دارند که بنده بخوزستان برگردم در صورتیکه با این غرض اینها روحیه بنده را دیگران خراب میکنند . برگشتن بخوزستان و کار کردن در گرمای طاقت فرسا با این روحیه حقیقتا مشکل است .

## نامه آقای وزیر امور خارجه ایران به آقای سفیر کبیر انگلیس در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای سفیر کبیر: در پاسخ نامه شریفه شماره ۱۹۲۹۵۱ و ۱۵۳۰۱ جی مورخ ۱۵ تیر ۱۳۳۰ آنجناب باستحضار میرساند:

۱ - دولت شاهنشاهی بموجب اعلامیه مورخ دوم اکتبر ۱۹۳۰ صلاحیت دیوان دانی بین المللی دادگستری را در مواردی که امر مربوط بحق حاکمیت ایران باشد قبول نکرده است.

۲ - دولت شاهنشاهی این نظریه را بدیوان بین المللی دادگستری اعلام داشته و حق این بود دیوان مزبور بجای اتخاذ هر تصمیمی قرار عدم صلاحیت خود را صادر و اعلام میداشت.

۳ - دولت شاهنشاهی قرار مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ دیوان بین المللی دادگستری را که بهیچوجه منکی بوازین حقوقی نبوده و دور از عدالت و انصاف میباشد

معتبر نمیداند .

۴ - اینجانب ضمن تلگراف خطاب بدبیر کل سازمان ملل متحد مورخ دهم تیر ماه ۱۳۳۰ ( نهم ژوئیه ۱۹۵۱ ) که عین آن نیز برای استحضار دیوان بین‌المللی دادگستری در همان تاریخ منخبره شده است ( وبوسیله جراید و رادیو بااطلاع عموم رسیده و آن جناب مسلماً تاکنون از مفاد آن استحضار حاصل فرموده اید ) صریحاً اشعار داشتیم که دولت شاهنشاهی دیوان مزبور را صالح در رسیدگی باین امر نمیداند و بلاوه الحاق خود را بقضاوت اجباری دیوان موضوع جزء دوم ماده ۳۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مسترد میدارد .

بنا بر این دولت شاهنشاهی قرار دیوان بین‌المللی دادگستری را غیر عادلانه و بر خلاف استقلال و حق حاکمیت ایران تشخیص داده و بطوری که در ملاقات روز شنبه ۱۵ تیر ماه جاری شفاها نیز باستحضار جنابعالی رساندم قرار مزبور را بهیچوجه معتبر ندانسته و نمیداند .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

**وزیر امور خارجه**

پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
 با آقای ترومن رئیس جمهور آمریکا  
 در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۳۳

حضرت آقای ترومن رئیس جمهور معترم کشورهای متحده آمریکا پیام دوستانه  
 جوایه آن جناب مورخ ۹ ژوئیه کمی بعد از آنکه دولت ایران تصمیم خود را نسبت بقرار  
 دادگاه بین الملل اتخاذ و ابلاغ کرده بود توسط جناب سفیر کبیر آمریکا رسید لازم  
 میدانم یکبار دیگر از توجه آنجناب که نسبت بمصالح ایران همواره ابراز فرموده اید  
 تشکر کنم .

چنانکه در پیام سابق معروض داشتم دولت و ملت ایران دولت و ملت آمریکا  
 را طرفدار آزادی ملل و حق عدالت میثناسند و از این لحاظ هلاقه می را که رئیس  
 جمهوری معترم در باب حل مشکلات اقتصادی کشور ما و مسئله نفت ابراز میدارند  
 صمیمانه تقدیر میکنم .

مخصوصاً اینکه اشاره به علاقه و همدردی آمریکائیان به حصول آمال ملی ایران و قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت فرموده اید اسباب کمال خوشوقتی گشت زیرا دولت ایران مقصودی غیر از قبول شدن این اصل مطابق قوانینی که بتصویب مجلسین رسیده است نداشت و ندارد و همواره حاضر بوده و هست که در حدود قوانین مذکور هر اقدامی را که راجع باختلافات باشد بعمل آورد ولی با کمال تأسف تا آنجا که دولت ایران تشخیص داده است تاکنون از ناحیه شرکت سابق راجع بقبول اصل ملی شدن صنعت نفت مطابق قوانینی که از تصویب مجلسین گذشته و دولت مازست آنرا اجرا کند اظهاری بعمل نیامده و پیشنهادی نشده بلکه نمایندگان شرکت در یادداشت مورخ ۲۸ خرداد ماه ۳۰ نوزدهم ژوئن ۱۹۵۱ پیشنهادهایی بر خلاف قوانین مذکور دادند که منجر بقطع مذاکرات شد.

دولت و ملت ایران بشرطی که حق مسلم ملی ما مطابق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت واقع گردد حاضر است بلا فاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره بشود تا وقفه‌ای در کار بهره برداری که دولت ایران همواره از آن اجتراز داشته و چنانکه فرموده اید مورد خسارت برای همه است حاصل نگردد.

در باب تمایل آنحضرت راجع بکمک بکشور ما باید بگوییم که دولت و ملت ایران این نیت عالی را صادقانه و صمیمانه تقدیر میکنند و بخصوصی که حاضر شده اید یکی از رجال مشهور آمریکا یعنی آقای اورل هریمان را بیست نمایندگی از طرف خودتان برای مشاوره با اینجانب بتهران روانه دارید دولت ایران با اطلاعی که نسبت بتجارب زیاد و شخصیت آقای هریمان دارد با توجه باینکه بیست نمایندگی آنجناب بتهران میبایند این موضوع را حسن استقبال میکنند و امیدوار است از مشاوره بسا چنان شخصی بهره مند شود و در این فرصتی بدست خواهد آمد که ایشان هم نظریات دولت ایران را مستقیماً بشنوند و اوضاع کشور و شرائط زندگانی و احتیاجات ملت ایران را از نزدیک مشاهده کنند.

در خاتمه این فرصت را برای تقدیم بهترین احساسات صمیمانه خود مفتنم می شمارد.

**نخست وزیر ایران**

## نطق آقای دکتر مصدق نخست وزیر در مجلس شورای ملی در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۰

آقایان نمایندگان محترم اطلاع دارند که در نتیجه فشار و تسلط سیاست خارجی و سلب آزادی از مردم سالها جامعه ما را چنان زبون و بیچاره ساخته بود که احدی یارای آن نداشت تا مسائل حیاتی یعنی آنچه مربوط به زندگانی فردی اجتماعی او است سخنی بگوید و نظری اظهار بدارد البته معلوم است که در چنین محیط پرخوف و هراس هنگامی که قرارداد تمدید امتیاز نفت بمجلس عرضه گشت نمایندگان مجلس جز بقبول این چاره ای نداشتند و باید بگویم که اگر هم مجال سخنی بود اکثر نزدیک تمام نمایندگان مانند افراد ملت چنان در اینبات در عالم بی خبری بودند که گذشته از از مضار سیاسی از نظر فنی و اقتصادی هم کمتر امکان داشت که بتوانند سخنی مستدل بگویند و نگذارند قراردادی چنین هولناک بملت ایران تعدیل گردد.



شرکت سابق نفت از ابتدای شروع بکار تاروزیکه سخن از تجدید و تمديد امتیاز بیان آمد و بعد از آن تا تصویب قانون اخیر تمام قوا میکوشید که مردم را در جهل و بی خبری نگاهدارد و نگذارد ارزش این ثروت هنگفت که خداوند عالم در سرزمین پربرکت ایران بودیمت نهاده است آگاه شوند تا بتواند چنانکه کرد و دیدیم یا فراغ بال و وسعت مجال این ثروت بیکران را ینماکند و ببارت بهتر از کیه نهی ملت فقیر ایران بریاید و انبان بی انتهای حرص و آرز سرمایه داران کشور خود را بر سازد این جهل و بی خبری همچنان ادامه یافت و شرکت سابق بدون هیچ دغدغه خاطر ثروت ملی ما را تا دوره چهاردهم مجلس میربود در این دوره از طرف جماهیر شوروی برای تحصیل امتیاز نفت شمال فرصت مناسبی بدست آمد و برای اولین مرتبه صدای مظلومیت ملت ایران در مجلس شورای ملی ملین انداز گشت و بگوش جهانیان رسید.

اینجانب با اگتنام این پیش آمد تا آنجا که میر بود تحت عنوان مضاروا گذاری امتیاز نفت شمال زیان های حاصله از قرارداد داد رسی و قرارداد ۱۹۳۳ را در مجلس شورای ملی برض نمایندگان محترم رسانیدم و یاد آور شدم که این قرارداد اخیر در موضی بمجلس و مردم ایران تعجیل شده است که هیچگونه بحث و اظهار نظر نه فقط برای مردم بلکه برای نمایندگان مجلس نیز فراهم نبوده .

دلیل مهتر از همه اینکه هیچیک از نمایندگان مجلس نظر مخالفی ابراز نداشتند و فی المجلس بتصویب رسید و از این بالاتر چنان شتاب و عجله در بتصویب رسانیدن این قرار داد بکار رفت که لایحه کک بعلین با آنکه بیشتر مواد آن بتصویب رسیده بود بتقاضای وزیر مالیه وقت از دستور خارج شد و این قرار داد مطرح گشت و هر کس میتواند با مراجعه بصورت جلسات آن دوره این حقیقت را بخوبی دریابد که چگونه از محیط استبدادی و بی خبری مردم استفاده کردند و این قرارداد شوم را بملت ایران تحویل نمودند اینها مطالبی بود که کم بیش پس از تقاضای امتیاز نفت و اگر چه شمال از طرف دولت شوروی در مجلس شورای ملی مطرح گشت . در آن هنگام جز عده معدودی از نمایندگان مجلس و ارباب جراب در این باب سخنی نگفتند و آنرا دنبال نکردند اما از این مختصر این نتیجه حاصل شد که مردم از خواب غفلت بیدار شدند و کسی دانستند که نفت یعنی این سرمایه گرانبهای ملی آنها چه ارزش دارد و چگونه برایگان از دست میرود اما این مبارزه با پایان دوره چهاردهم و موضوع تمديد این دوره را که در اواخر کار پیش آمده بود آقایان محترم بخاطر دارند بعضی از نمایندگان آن دوره بیم داشتند که بواسطه علاقه ای که قاطبه مردم کم کم برای دخالت در سر نوشت خود ابراز میداشتند بار دیگر انتخاب نشوند این بود که برخلاف قانون اساسی سخن از تمديد بیان آوردند تمديد دوره مجلس نه تنها بر خلاف قانون اساسی بلکه صریحا بمخالف افکار عمومی نیز بود .

قبل از این جریانات انتخابات دوره پانزدهم نیز بر طبق ماده واحد نازمانیکه عوای خارجی در ایران اقامت داشت تحریم شده بود نظر اینجانب آن بود که با استفاده از موقع قانونی بگذرد تا هم اصلاحی در کار انتخابات بشود و هم مشروطیت برای مدت نامعلومی تعطیل نگردد و آزادی از بین نرود ولی مع الاصف هر قدر منتظر شدم که برای پیشرفت این نظر اصلاحی از طرف احزاب سیاسی یا طبقات اصلاح طلب تظاهری بشود و بعکس در روزهای آخر دوره از طرف احزاب دست چپ عده ای در مقابل مجلس گرد آمدند و هجوم کردند و مجلس را از کار انداختند و این عمل درست در همان موقع انجام گرفت که قبلا یکی از نمایندگان دول بزرگ گفته بود برای حسن روابط با دولت ایران فقط با دولت قوام میتوانه وارد مذاکره شود و لا غیر .

احزاب چپ باین اتکاء جرئت پیدا کردند و از هر نوع توهین و تهدیدی نسبت بو کلاء دوره چهاردهم خود داری نمودند تا بالاخره مجلس چهاردهم بصورتی پایان یافت که حتی برای استماع گزارش رئیس دولت که از سفر مسکو بازگشته بود نیز اکثریت حاصل نشد .

انتخابات دوره پانزدهم هم بعد از آنکه دولت به پیشرفت کاندیدهای خویش اطمینان پیدا کرد شروع گردید ولی معذالك با همه کوششهایی که بطور مستقیم و غیر مستقیم بکار رفت تا در مقابل نهضت اجتماعی ایران که بر اساس مخالفت با قرارداد نختدر شرف تکوین بود سدی ایجاد شود با عده ای از آزاد مردان وطن پرست در مجلس پانزدهم راه یافتند و بواسطه مبارزات وطن پرستانه این عده از نمایندگان بیدار مردم ایران بخوبی دریافته که تمام بدبختی های آنها چه در امور سیاسی و چه در مسائل اقتصادی بر اثر اعمال شرکت سابق نفت بوده و در نتیجه چنان افکار عامه بر ضد این شرکت غاصب برانگیخته شد که قرارداد الحاقی با زمینه سازی هائیکه بعمل آمده بود بتصویب مجلس پانزدهم رسید و علاقه ای که مردم تهران در انتخابات دوره شانزدهم از خود نشان دادند و با فداکاری های بسیار نمایندگان خود را بمجلس فرستادند نشانه صریحی بود از توجه فطنی و میل باطنی آنها به بطلان قرارداد تحلیلی ۱۹۳۳ محققا این علاقه در سام ایران وجود داشت منتهی در همه جا مانند تهران بواسطه عللی که موقع ذکر آن بست مجال بروز و ظهور نیافت .

اهالی تهران نمایندگان خود را باین نیت بمجلس شورای ملی فرستادند و چه قبل و چه بعد از آن در هر تظاهری که می شد افرادی گرد هم جمع شده میامدند همین مطلب عنوان میگشت الحق جرایدهم افکار عمومی را تقویت کردند و این رشته کشیده شد تا امروز که نهال آرزوی ملی ایرانیان بسر رسیده و انشااللهه ملت ایران هر چه زودتر از آن منتفع خواهد شد پس هر کس بگوید تظاهرات مردم بر خلاف مصالح مملکت بوده سخت ناروا گفته است اگر مردم در امور سیاسی و اجتماعی خود دخالت

نیسکر دنده هرگز قانون ملی شدن نفت بتصویب نرسید و هرگز دولتی نمیتوانست زمامدار شود که کوچکترین اعتراضی بکار شرکت نفت بکند و دولت هر کاری بکند و مجلس هر کاری کرده است تحت حمایت افکار عمومی بوده و شك نیست که دولت و مجلسین وقتی از طرف مردم حمایت شدند می توانند در مصالح سلکت حرف بزنند و رای بدهند و قدم بردارند .

روزی که پس از تصویب قانون نفت باینجانب تکلیف شد تا برای اجرای آن زمامداری را قبول کنم بطیب خاطر این وظیفه سنگین را پذیرفتم در صورتیکه قبل از این هم باینجانب چنین تکلیفی شده بود ولی چون وجود خود را در مجلس بیشتر مؤثر میدیدم و چنین تشخیص داده بودم که بالاخره باید مبارزه ملی ما از مجلس شروع بشود از قبول مسئولیت امتناع کردم ولیکن در این هنگام که ترمه مجاهدات مجلس و ملت ایران مشهود شده و میخواست جامعه عمل پیوشد یعنی در حقیقت مجلسین وظیفه خود را گشاده رویه انجام دادند و دیگر اجرای قانون چنان که منظور قانون گذار است بدست دولت میافتاد دریغ دانستم راهی را که طی چندین سال بانهایت مشقت طی کرده ام بیابان رسید و اجرای قانون بدست دولت های زبون و ضعیف با طمع و زر و جاه طلب بیفتد که نتوانند یا نخواهند از این فرصت مناسب بنفع مردم فقیر این کشور استفاده کنند . تنها بهمین دلیل بود که قبول چنین تکلیف دشواری را برضای خاطر پذیرفتم و در آغاز کسار چنان که هر شخص بی غرض روشن بینی میتواند علت آن را بخوبی تشخیص دهد نخواستم دولتی تشکیل دهم که عملیاتش در این روزها که ما از هر جانب محتاج بوحدت کله و آرامش داخلی هستیم وضع کشور را در هم ریزد و منتشر کند لذا یکمده افرادی را که نیکنامی و سلامت داشتند و نظر شان فقط پیشرفت این آرزوی ملی بود به همکاری برگزیدیم زیرا یقین داشتیم که با انجام این مقصود مهم سایر اصلاحات اجتماعی که البته ضروری است بتدریج و در زمانهای فارغ تر عملی خواهد شد امروز دیگر برای مردم و مجلس ایران مبالغه و اغراق نیست و شاید در شماره واقعات و بدیهیات باشد اگر گفته شود که شرکت سابق نفت سلسله جناب و علت عمل همه بدبختیهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این کشور بوده است و یقین است که اگر دست این شرکت را کوتاه کنیم هیچ فرد و دولتی یارای آن نخواهد داشت که جریان امور را بهمان صورت سابق نگاه دارد .

امروز مردم ایران بیدار شده اند این مبارزه همینکه بنتیجه رسید و انشاء الله با اتحاد و اتفاقی که هست خواهد رسید در برابر آنچه بنفع اقتصادی بر آن مقصود است دو صد چندان بنفع معنوی اجتماعی خواهد داشت زیرا مردم را هوشیار خواهد کرد و بر نوشت خود علاقمند خواهد ساخت و جای انکسار نیست که این علاقه و توجه در حکومتهای ملی چقدر مهم و مؤثر است ملتی که افراد آن بایکدیگر متحد و باحکومت از روی ایمان و عقیده و نه از راه ترس بیم هم راه و هم فکر و هم آهنگ باشند هیچوقت مورد تعدی و تجاوز قرار نخواهد گرفت اینکه می بینید شرکت سابق نفت تا

این حد توانسته است در شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما مداخله کند برای آنست  
حکمه تا کنون ملت ایران دست بسته تسلیم حوادث بود و بنیروی ملی که مافوق قدرتها  
است توجه نداشت .

تنها در چنین موقع خطبری خدا خواست که مردم از این وادی بی خبری و بی  
اعتنایی بجانب حقیقت روی بیاورند ملت ایران اکنون بخوبی درک میکند که چگونه يك  
دولت قوی از پشت يك شرکت تجارتي سر بیرون کرده و ملت ایران را بقوای نظامی  
خود تهدید میکند.

ملت ایران عضوی از اعضای خاندان بشریت است که تا کنون جز صلح  
طلبی منظوری نداشته و اگر هم امروز باین قیام ملی دست زده است قطع و ققط برای  
تامین منظور است زیرا با مقدماتی که پیش آمده ممکن نیست، بتوان شالوده صلح را  
در خاور میانه بر اساس فعلی که هر آن بیم تزلزل آن میرود استوار ساخت و بنیان  
نهاد اگر مقصود این است که نفت ایران کماکان برای مصرف جهان آزاد جریان  
داشته باشد این آرزوی ماست تا بتوانیم برای رسیدن باین مقصود میکوشیم دولت بارها  
اعلام داشته که قانوناً مکلف است کاری کند تا جریان نفت و فروش آن بخریداران سابق  
قطع نشود.

و حتی دولت اینجانب حاضر شد برای اینکه وقفه‌ای در این امر حیاتی رخ  
ندهد مختصراً با گرفتن رسید نفت صادر شود ولی مسئولین شرکت سابق در این راه دست  
بکار شکنی عظیمی زده اند دنیا بدانند که مسئولیت قطع جریان نفت با دولت ایران  
نیست ما آنچه در قوه داشتیم برای ادامه کار شرکت سابق نفت انجام دادیم کارشناسان  
آنها را با همان حقوق و مزایا پذیرفتیم مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قوانین  
ایران مغایرت نداشت تنفیذ نمودیم هر چه بود گذشت کردیم بیش از این در طاقت ما  
نیست و میدانیم که افکار عمومی جهان نیز بخوبی باین حقیقت پی برده است .

در مورد رای دیوان لاهه باید عرض کنم که دولت ایران همواره متکسی  
بمقررات سازمان ملل متحد بوده و تا توانسته است از این سازمان جهانی پشتیبانی کرده  
و پس از این نیز همین رویه را با کمال ثبات و استقامت دنبال خواهد نمود و اگر در  
این مورد بقضاوت اجباری دادگاه لاهه تن در نداد از آن جهت بود که مکرر  
اعلام داشت دولت ایران با دولت انگلیس قراردادی منعقد نساخته و طرف دولت ایران  
در این قضیه يك شرکت تجارتي است .

بسیار جای تعجب است دادگاه لاهه با اعتراض ایران گوش فرا نداد و برخلاف  
اصول و اصل حاکمیت ملی ما نظری ابراز داشت و باین ترتیب عقیده و ایمان ملل  
کوچک را نسبت باین دستگناه دآوری که باید بقوی و ضعیف يك چشم نگاه کند مست  
و متزلزل نبود در جامعه بین المللی که برای حفظ صلح حق و احقاق بوجود آمده اند  
نباید روش کار بکیفینی باشد که این مجامع در نظر ملل کوچک فقط وسیله‌ای برای حفظ  
منافع ملل بزرگ جلوه کند اگر ایمان ملل کوچک از این قبیل مجامع سلب شود تنها

خدا میداند چه نتیجه و خیمی برای صلح جهان خواهد داشت ما بر طبق اصل حاکمیت ملی گفته بودیم که فلان بازرگان چون مانع استقلال سیاسی و اقتصادی ماست بساط خود را برچیند و کشور ما را ترک کند اگر در نتیجه این تصمیم خسارتی هم باو وارد شود تعهد میکنیم که از روی انصاف رسیدگی نمائیم و پردازیم و این حقوق اولیه هر ملتی است که در حقوق بین الملل و در منشور ملل متحد پیش بینی شده است پس اگر بدیده حقیقت بین بنگریم عدم قبول قضاوت اجباری دادگاه لاهه بیشتر نشانه علاقمندی ما سازمانهای بین المللی است که بعضی دول بزرگ عمداً میگویند تا آنها را در انظار جهانیان بی ارزش و آلت بلا اراده ای برای اجرای مقاصد خود نشان دهند .

درد سر ندم اینجانب تصمیم راسخ دارم که پشتیبانی ملت ایران و اغلب حضرت همایون شاهنشاهی و با هویت مجلسین بر طبق موازین قانونی اندک انحرافی بوظیفه خود با نهایت تبات و استقامت عمل کنم و تا در این راه دشوار از برکت امکار عمومی مستفیض و بهره مند هستم از هیچ مشکلی نمی هراسم هیچگونه نگرانی حتی اگر سیاست دولت انگلستان و اعمال شرکت سابق نفت بوساطت مختلف داخلی و خارجی چنانکه اکنون پیدا است و همه شب میشوند و می خوانند برای سقوط دولت اینجانب برای خود را تجهیز نمایند ذره ای در مبارزه خود مست نخواهم شد زیرا یقین دارم که این مبارزه فعلاً بجائی رسیده است که در هر حال و بهر صورت باید طریق طبیعی خود را طی کند و نتیجه برسد اکنون آفتاب هم من بلب بام رسیده و دیر یا زود باید براهی بروه که همه تا گزیر خواهند رفت .

ولی چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم و بلکه یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد شد و مردان پیدار کشور این مبارزه ملی را آتقدو دنبال میکنند تا نتیجه برسد اگر قرار باشد در خانه خود آزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان بر ما مسلط باشند و رشته ای گردن ما بگذارند و ما را بهر سوی که میخواهند بکشند مرک بر چنین زندگی ترجیح دارد و مسلم است که ملت ایران بآن سوابق درخشان تاریخی و خدماتیکه بفرهنگ و تمدن جهان کرده است هرگز زیر بار این تنگ نمیرود امروز مبارزه بزرگی رامت ما شروع کرده است که هیچکس از ابهت آن غافل نیست البته در اینگونه جنبش های اجتماعی باید در مقابل هر گونه محرومیت ایستادگی و در برابر آن آماده بود هیچ مبارزه ای هر قدر کوچک و نا چیز باشد باسانی نتیجه نمیرسد تا رنج نبریم گنج مبرر نشود در این راه سعی نا کرده بجائی نتوان رسید :

در اینکه مملکت ما در این زمان مانند مریضی است که محتاج بهعالجات میباشد حرفی نیست اگر چه اینجانب طبیب نیستم ولی مثل معروف که رنج کشیده طبیب است و سالها است که تحمل رنجوری را میکنم تا این درجه در یافته ام که معالجات پر دو گونه است معالجاتی که برای قلع ماده مرض است و معالجاتیکه برای رفع عوارض بکسار  
میرود .

نسبت به قلع ماده امراض کشور خودمان در برنامه تقدیمی دو مطلب اصلی را که بتزله معالجات قطعی تلقی میشد گنجانیدم یکی از آنها موضوع اجرای قانون ملی شدن صنعت و خلع بد شرکت سابق نفت بود که فساد آن در مزاج ملک متفق علیه عامه است در اجرای این مقصود تا امروز کمال جدیت و فعالیت از طرف مامورین دولت و آقایان اعضای کمیسیون مختلط بکار رفته و بطوریکه مشهود است در هیچ از مراحل عمل نه قصوری شده و نه اشتباهی روی داده است علاوه بر رضایت از نتایج عمل خود امیدواری کامل داریم که بدین سیاق بیالاترین موافقت های که آرزومند هستیم نائل گردیم.

معالجه اساسی دوم بنظر اینجانب اصلاح قانون انتخابات میباشد که لایحه آن مطابق مقتضیات تنظیم و تقدیم شده و تصویب آن مورد انتظار عموم میباشد البته نمایندگان محترم باسلیقه و تجاربی که دارند در این باب شور خواهند فرمود و حافظ حقوق ملت و صاحب حقیقی مشروطیت نمایندگان مجلسین هستند و ناچار دولت های آینده قانون جدید انتخابات را شریبی که موجب اطمینان شود عملی خواهند نمود و نمایندگان با مسئولیت خود همیشه در نگاهداری اساس مشروطیت و حقوق ملت ایران کمال جدیت را خواهند داشت.

ایندولت بهیچوجه خودرا حاضر برای دخالت در امر انتخابات آینده نمیبیند ایندولت تا زمانیکه حکار نفت خانه نیافته خواهد ماند.

من باحال ناتوانی از کار کناره گیری نخواهم کرد (احسنت) مگر اینکه مجلسین

بمن رای اعتماد ندهند ولی تا زمانیکه رای عدم اعتماد نداده اند تا پایان کار نفتخواهم ماند اگر زمانی کار نفت خدای ناخواسته طوری شد که از روز شروع انتخابات گذشت البته باین وضع دولت لایحه ای را بمجلس خواهد آورد و در انتخابات تاخیر می اندازد تا در کار نفت وقفه حاصل نشود آقایان اگر خدا نخواست کار نفت باینجا رسید که باید تاخیر در انتخابات بشود قطع بدانید که دولت این لایحه را بمجلس میاورد و اگر آقایان تصویب کردند البته انتخابات بتاخیر می افتد (شوشتری - در کار نفت اگر چرا میفرمائید) چون اطمینان هر کس بکار خودش است و من اطمینان بوضع بین المللی نمیتوانم داشته باشم (صحیح است)

و اما معالجاتیکه برای رفع عوارض و تسکین حال مریض بکار میرود نیز از اموری است که بانتظار قلع ماده انصراف از آن ممکن نیباشد و میبایست حتی در موقع خود بدان عمل نمود چنانکه میدانید حریف خود مایکی از طرفی که برای بزانو در آوردن دولت فعلی و مسامت از قلع ماده امراض ملک انتخاب کرده ایجاد مشکلات مانی برای خزانه دولت و اقتصاد کشور است.

مشکلات فضای از سه طریق پیدا شده یکی از آنها مشکلات ارزی است که بنسبست

عدم دریافت لیره های شرکت سابق نفت بوجود آمده و بانک ملی ایران نیز در این

خصوصی طی نامه باینجانب یادآوری نموده است که اقداماتی که تاکنون از طرف بانک جعل آمده برای رفع این بحران احتمالی کافی نباشد.

دولت را متوجه نموده است که نسبت بحران معاملات خارجی و مخصوصاً واردات ضروری هر قدر زود تر دست بکار اقدامات مؤثرتری بشود علیهذا با مشورت متخصصین فن لایحه ای تدارک شده است که بموجب آن میتوان ازارزهای موجود در حساب پشتوانه اسکناس موقتاً و بتدریج مبالغی لیره دریافت و بوسیله آن قسمت مهمی از واردات ضروری کشور را تأمین نموده و اتفاقاً انتقال لیرهای تضمینی از خارج بایران از جهات عدیده نیز قرین مصلحت میباشد.

مشکل دیگر مربوط بانجام قانون ملی شدن صنعت نفت و نگاهداری این دستگاه عظیم است که تا بجزریان افتادن معاملات با مشتریان سابق ناچار باید تعجیل مخارجی را نمود بدیهی است درین صراطی که برای رسیدن بآمال ملی خود انتخاب کرده ایم ناگزیر از فداکاریهای بسیار خواهیم بود و یکی از وظائف مهمی که تمام افراد ملکیت عهده دار آن هستند کمکهای مالی بخرانه دولت میباشد.

خوشبختانه ملت ایران با ابراز احساسات وطن خواهانه در این ایام اخیر مدلل داشته است که هنگام عسرت تا آنجا که مقدورش باشد از هر گونه مساعدت بادولتی که مورد اعتماد اوست دریغ نخواهد داشت چنانکه از ابتدای شروع بعملیات خلع بد جمع کثیری بوسائل گوناگون قسمتی از دارائی و مایملک خود را با کمال شوق و رغبت با اختیار دولت میگذاشتند و اینجانب با عرض تشکر تقاضا نمودم که عجبالتاً تأمل نمایند تا در موقع لزوم بر تیبی که مناسب باشد از این مساعدت های فردی و جمعی استفاده کنیم.

نظر باین که تا موقع بجزریان افتادن معاملات نفت با مشتریان خارجی مخارج لازم را باید کاملاً تأمین نمود و عایدات فعلی دولت کافی برای انجام اینکار نیست با اعتماد بعواطف و احساسات عمومی لایحه ای تدوین شده که بموجب آن مبلغ دو میلیارد ریال از داخله کشور استقراض شود این لایحه نیز تقدیم میگردد.

در این ضمن بنظر رسید که برای رفع اشکالات حاصله از بیکاری و ایجاد وسائل توسعه امور تولیدی باید اقدامات سریع تری بعمل آید لهذا در دنبال مذاکرات سابقه با بانک صادرات و واردات امریکا مجدداً صحبت شده است که اعتباری ببلنگ ۲۵ میلیون دلار که دوره استهلاكش ۱۵ سال طول خواهد کشید برای خرید ماشین آلات کشاورزی و راه سازی گرفته و بخرید و حمل آن ماشین آلات زودتر اقدام شود تا بوسیله فروش و توزیع آنها بین کشاورزان نیز تولید اقسام محصولات مخصوصاً چغندر و پنبه بالا رفته و از حجم واردات قند و شکر کاست و بر میزان صادرات پنبه و سایر محصولات کشاورزی افزوده گردد.

مایه بسی خرسندی است که این اعتبار بصراف غیر تولیدی مانند خرید اسلحه و امثال آن نخواهد رسید و مخصوص است باموری که منافع آن عمومی بوده و نتیجتاً مقدار تولیدی را بسیزان معتناهی بالا میرد.

اگر چه تقاضای فوریت نسبت باین لوایح تاحدی واجب مینمود ولی برای اینکه آقایان نمایندگان فرصت کامل داشته باشند تا بطوریکه شاید و باید در اطراف این موضوعات مطالعات نمایند بطور عادی تقدیم گردید البته انتظار دارد که هر چه زودتر مورد تصویب قرار گیرد که حصول مقصود وصول بقصد در صورتیکه در ارکان اراده ملت تزلزلی پیدا نشود و سعی بیگانگان بجائی برسد و یقین است که نخواهد شد و نخواهد رسید حتی وقطعی و مسلم خواهد بود حریف میکوشد تا در مبانی این وحدت می سابقه ملی خللی ایجاد کند همه باید دست بدست هم بدهیم و نگذاریم این حریف حيله گر بمقصود برسد اطمینان داشته باشید که دنیای آزاد پشتیبان ماست و نام ایران در این مبارزه قرین افتخار و سربلندی خواهد شد .

در خاتمه خواستم مطلبی را عرض کنم و آن چیزی است که ۵۰ سال قبل دیده ام . آنهم از آدمی که بکلی از سیاست بی اطلاع بود . در نزدیک شهر این قلعه مرغی ملک موروثی من بود و باملك مجاور آن که «جی» هست اختلاف اراضی داشتیم در ملك من دو دسته رعیت بودند که باهم مغالف بودند و روزی که من یکدهه را مأمور کار میکردم دسته دیگر سرکار نیرفت تا اینکه درباره این زمین مورد اختلاف مذاکراتی شد و این رعایا گفتند آنوقت که ارباب با ما میگفت درده کار کنید و ما از نظر رقابت یکدهه میرفتیم و یکدهه نیرفتیم آن مسئله ده خود ما بود .

اما حالا که اختلاف سرزمین است که مربوط باین ده نیست ما باید همه ملتفت باشیم که این زمین مایه قوت و زندگی ماست و باید همه متحد باشیم و بامر ارباب برویم و مبارزه کنیم .

وقتی يك رعیتی که هیچ اطلاع از سیاست ندارد وقتی که اختلاف ایجاد شده بود چنین احساساتی برای اتحاد و اتفاق ابراز میکرد نباید انتظار داشت که مجلسین شورای ملی و سنا و جراید این مملکت موقفی که این دولت اختلافاتی دارد و باید عوایدی را که بهمه باید برسد اخذ کند اختلافرا بزبان بیاورند .

من نیگویم در این دولت کارهای خلاف نمیشود خیر بنده بارها گفته ام که اینکار سرآمد تمام کارها و اصلاحات است و اگر اینکار شد ملت ایران بهمه چیز خواهد رسید . اصلاح محتاج بیول است و آقایان شاهدند که غالب اوقات دولت صرف کارهایی میشود که در نتیجه یکبارگی پیش آمده است . مثلا مدتی وقت دولت صرف کارخانجات اصفهان و آذربایجان شد که تعطیل شده بودند .

هر اصلاحی محتاج بیول است و اصلاح این نیست که يك وزیر عده ای را عوض یا جا بجا کند شما اعتبار و سرمایه ای داشته باشید . و در بودجه مملکت مخارج تولیدی بیش بینی کنید و مردم را بکار و ادار کنید مردم خودشان با اختیار از ادارات دولتی بیرون میروند و کار خارج میکنند . اگر مردم امروز در ادارات آورده اند از بیچارگی است . ما باید این وجه را از این شرکت بگیریم . غیر از اینکه شرکت در کارهای سیاسی و اجتماعی ما دخالت های ناروا داشته و اسناد مربوط باین دخالتها هم جمع آوری .



شده و موجود است و اگر روزی دولت انگلیس از ایران با سازمان ملل متحد شکایت کرد آنروز این اسناد را که ثابت خواهد کرد که شرکت سابق چقدر در شئون این مملکت دخالت های شوم و ناروا کرده است ارائه خواهیم داد تا ملل آزاد جهان بحقیقت قضاوت کنند آن اسناد برای هموطنان ما تهیه نشده بلکه آن اسناد برای آنروزی است که اگر انگلستان با سازمان ملل متحد شکایت کرد آنها را ارائه دهیم تا همه بدانند که این ملت بیچاره چگونه در عرض پنجاه سال برای این شرکت همه چیزش را از دست داده است .

بهر حال آقایان این اسناد برای مردم این مملکت جمع نشده است .

بنده عرض میکنم خوبست آقایان این مطالب را که ایجاد اختلاف میکنند در مجلس نگویند .

البته نمیخواهم عرض کنم که چون نفت مطرح است کار های غلط باید بشود . خیر باید هم کار صحیح بشود و هم کار نفت جلو برود ( شوشتری - آقای دکتر اختلاف بد است . موجیش را جلوگیری کنید )

هر قدر که در مجلس تشنج شود این امر خدمت بشرکت نفت است اگر آقایان میل داشته باشید هفته ای يك یا دو روز يك کمیسیون از معاونین وزارت خانه ها در این مجلس تشکیل میدهم تا آقایان مطالب خود را درین کمیسیون بگویند .

بنده هیچ میل ندارم که اگر آقایان نظری راجع بحوزه انتخابیه خود و اصلاحات آن نقاط دارند عملی نشود اما آقایان مجلس را متشنج نکنید در مجلس همه با وحدت کامل از این دولت پشتیبانی کنید و هر روزی هم که صلاح ندیدید این دولت باشد اول مشورت کنید بعد با يك رای عدم اعتماد این دولت را ساقط کنید بنده هم خدا میداند متشکر میشوم زیرا هیچ میل ندارم که با این ضعف و مرض کار بکنم ولی این وظیفه ملی است که مرا بکار وا میدارد .

بنده معاونین وزارتخانه ها را مکلف میکنم که هر روز که آقایان میخواهند کمیسیون خود را در مجلس تشکیل بدهند حاضر شوند و جواب مطالب آقایان را بدهند . اگر جواب قانع کننده ندادند آقایان بخود بنده رجوع کنند و اگر خود بنده هم رسیدگی نکردم آنوقت در مجلس شورایی بیایند و آن مطالب را بگویند این کار هم وقت مجلس را نیگیرد و هم شما در جامعه مشهور نمیشوید که با دولتی که با شرکت نفت مبارزه میکند مبارزه کرده و یا کارشکنی می نماید . خدا میداند که این عرایض را برای شما عرض کردم ، برای خودم .

پیام مستر ترومن رئیس جمهور امریکا  
توسط مستر هرین به نخست وزیر ایران  
در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۳۰

۱۳ ژوئیه ۱۹۵۱ از کاخ ایبیز واشنگتن

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران

بدینوسیله جناب آقای اول هرین را بجناب عالی معرفی مینماید. ایشان بعنوان نماینده شخص اینجانب از ایران دیدن میکنند بمنظور اینکه در باب مشکلاتی که بین ایران و بریتانیا در موضوع صنعت نفت پیش آمده با شما مذاکره نمایند.

بطوریکه ضمن پیام اخیر خود اشماع داشتیم آقای هرین یکی از نزدیکترین همکاران اینجانب و یکی از برجسته ترین افراد کشور ما است. ایشان مورد اعتماد کامل اینجانب بوده و نتایج مذاکرات خود را با شما مستقیماً باینجانب گزارش خواهد داد.

نظریات آقای هرین که شما میتوانید آنها بمنزله نظریات خود اینجانب تلقی نمایید باین منظور طرح خواهد شد که در وضع مشکل کنونی بزرگترین کمک ممکنه را در برداشته باشد.

هاری - اس - ترومن

## پیام مستر ترومن رئیس جمهور امریکا توسط مستر هریمن به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

کاخ سفید ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۱

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

بدین وسیله جناب آقای هاریمان نماینده شخصی خود را حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معرفی نموده و از ایشان خواستار شده ام که سفری بکشور ایران نموده و با اولیای دولت شاهنشاهی ایران راجع بوضع سخت فعلی که بواسطه اختلاف نظر در مسئله نفت بین ایران و بریتانیای کبیر ایجاد شده مذاکره نماید.

آقای هاریمان نتیجه مذاکرات خود را در مراجعت باین کشور مستقیماً با اینجناب گزارش خواهد داد. چنانچه خاطر مبارک اعلیحضرت همایونی استحضار دارد آقای هاریمان یکی از برجسته ترین افراد کشور ما بوده و مورد اعتماد کامل اینجناب میباشد. نظریه ای که ایشان بدولت شاهنشاهی ابراز میدارند بعینه مثل نظریات شخص اینجناب میتوانند تلقی فرمایند اینجناب مطمئنم که اعلیحضرت همایونی و دولت شاهنشاهی آقای هاریمان را علاقمند و شایق نسبت بقضایا و آرزوهای ایران تشخیص داده و تبادل نظر های مفیدی از طرفین انجام خواهد گرفت از فرصت استفاده کرده از اعلیحضرت همایون اجازه میخواهم مراتب خوشوقتی خود را از سلامت وجود و بهبود سریع اعلیحضرت ابراز داشته و تبریکات دوستانه و صمیمانه خود را تقدیم دارم.

با تقدیم ادبیه خالصانه - هاری - اس - ترومن

سؤالات آقای مدیر مجله  
 « اخبار آمریکا و گزارش دنیا »  
 با آقای نخست وزیر ایران  
 تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

ما با آقای علیقلی نیل مذاکره نمودیم راجع با مکان بدست آوردن يك مصاحبه با آقای نخست وزیر برای درج در مجله خودمان موسوم به :  
 (اخبار آمریکا و گزارش دنیا). بنظر ما این مصاحبه کمک خواهد کرد باینکه  
 ملت آمریکا از مسائل مربوط به اختلاف راجع بنفت اطلاق حاصل نماید. قصد ما این است  
 که متن کامل این مصاحبه را در همان موقع که مصاحبه در مجله خودمان درج میشود  
 در کلیه مطبوعات آمریکا منتشر نماییم. پیشنهاد میکنیم که شما جواب نخست وزیر را  
 بسؤالات ذیل تلگرافاً بنا مغایره نمایند - بعد از آن ما سعی خواهیم کرد مصاحبه  
 مزبور را بوسیله رادیو تلفن و ارتباط مستقیم یا نخست وزیر تکمیل نماییم تا اینکه  
 بدین طریق عمل ما تأثیر بیشتری داشته باشد.  
 اینست سؤالاتی که بسیاری از مردم آمریکا مینمایند.

- ۱ - مردم میپرسند آیا دولت ایران غرامت کامل برای خسارت شرکت خواهد پرداخت یا نه میزان این غرامت چگونه تشخیص داده خواهد شد - آیا بوسیله يك کمیته بین المللی یا کمیسیون حکمیت؟
- ۲ - آیا فرض ما صحیح است که قانون ملی شدن مسترد نخواهد شد و سیاست ایران این خواهد بود که بعد از این دستگاه نفت را خود دولت اداره نماید؟
- ۳ - آیا در آینده دولت ایران منحصر ا کارمندان انگلیسی را بکار خواهد برد یا از کارمندان آمریکائی و سایرین استفاده خواهد کرد؟
- ۴ - اینطور تخمین شده است که کبانی انگلیسی ب مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار ارزش دارد. آیا شما تصور میکنید این تخمین درست است - در صورت منفی بنظر شما ارزش کبانی انگلیس در ایران چه مبلغ است؟
- ۵ - آیا دولت ایران کشتیهای حامل نفت اکتیاع خواهد نمود یا از کشتیهای حامل نفت متعلق بکشورهای خارجه برای توزیع نفت استفاده خواهد کرد؟
- ۶ - آیا بنظر شما ملی شدن (صنعت نفت در ایران) سابقه خواهد شد برای دولتهای خاور میانه که تمام دستگاههای نفت را ملی کنند؟
- ۷ - آیا نفت (ایران) به تمام کشورها شامل روسیه بدون تبعیض فروخته خواهد شد؟
- ۸ - در صورتیکه ملی شدن نفت در ایران بعنوان اساس تولید نفت در خاور میانه پذیرفته شود چه فرصتی بکبانیهای نفت آمریکا برای بکار بردن امتیازات در سایر کشورها داده خواهد شد؟
- ۹ - منشاء نهضتی که ملی شدن صنایع نفت در ایران گردیده چه بوده است؟ آیا منشاء آن احسانات وطن پرستی بوده یا احتیاج اقتصادی یا نظریات سیاسی؟
- ۱۰ - فعالیت برای ملی شدن از چند سال قبل با بنظر وجود داشته؟
- ۱۱ - آیا بنظر شما کمونیستها از این مناقشه راجع بنفت برای تحریک افکار عمومی در ایران استفاده میکردند یا نه؟
- ۱۲ - هندردی و تمایلات ملت ایران نسبت بشرق متوجه است یا غرب؟
- ۱۳ - آیا ایران انتظار دارد چگونه مساعدتهائی آمریکا میتواند بشماید یا دولت شما برای بکار انداختن منابع نروت ایران؟
- ۱۴ - چه کمک هائی میتواند آمریکا بشماید در حل اختلاف راجع بنفت بفرض اینکه موضوع ملی شدن را يك کار انجام یافته و غیر قابل برگشت محسوب نمائیم؟
- ۱۵ - چه کمکهائی میتواند دولت آمریکا بشماید و چه کمکهائی شما پیشنهاد میکنید که کبانیهای آمریکائی بشمایند؟
- ۱۶ - سابقاً مذاکره ای در میان بود برای پرداخت قرضه ۲۵۰ میلیون دلار بایران از طرف بانک بین المللی. آیا شما عقیده دارید که انجام این قرضه برای اجرای نقشه معروف به برنامه هفت ساله در این موقع مطلوب است یا نه؟

۱۷ - چه عات داشت که برنامه هفت ساله در ما های اخیر موقوف الاجرا گذاشته شده است ؟

۱۸ - نظر شما راجع باعزام کشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس چیست و نظر ابرانیان راجع باخبار واصله مربوط بشار نظامی ( انگلیسها ) چه میباشد ؟

۱۹ - چه اقداماتی میشود نمود برای بهبودی مناسبات بین بریتانیای کبیر و ایران ؟

۲۰ - آیا در ایران احساسات ضد آمریکایی وجود دارد ؟

۲۱ - منشاء یا دلیل حلاتی که اخیراً در مطبوعات ایران نسبت بآمریکا میشود چیست ؟

سئوالات در را معرمانه تسلیم دکتر نیل کرده ایم و عطفیه مشاوریه اینست که جواب بانها کک بسیار خواهد بود برای اینکه ذهن آمریکاییان در این اختلافات روشن شود .

مشاوریه پیشنهاد نموده که ما در این خصوص مستقیماً بشما تلگراف نمایم و ایشان نیز اظهار میدارند که با سرت حاضر خواهند بود بعنوان مترجم دخالت نمایند و تیکه ترتیب مکالمه بوسیله رادیو تلفن داده میشود . خواهشمندیم که هیچیک از اطلاعات مندرجه در فوق به مطبوعات ایران داده نشود مگر بعد از انتشار آنها در آمریکا .

هاوارد فلیجر مدیر مجله یونایتد استیتس نیوزاند وولد ریپورت ( مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا )

## جواب آقای نخست وزیر بسئوالات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا

- ۱ - برای تامین مدهابه احتمالی شرکت در قانون پیش بینی شده که تا ۲۵ درصد هواند بانک مرضی الطرفینی سپرده شود و این ۲۵ در صد مطابق بهره برداری سال اخیر از سالی ۷۰ میلیون دلار متجاوز است . میزان حقوق حصه شرکت براساس اصول متداوله دنیای امروز و باتوجه بدهاوی و حقوق طرفین تعیین خواهد گردید .
- ۲ - بلی صحیح است . البته دولت برای تکمیل بهره برداری از متخصصین خارجی استفاده خواهد کرد .

۳ - نسبت بکارمندان و کارشناسان فنی اصولاً دولت ایران مانعی نمی بیند که از کارشناسان فعلی شرکت سابق نفت از هر ملیت که باشند استفاده نماید. البته در صورت لزوم (مثلاً هرگاه کارشناسان فعلی از ادامه خدمت امتناع ورزند) همچنین در صورت ضرورت از کارشناسان کشور های دیگر همانطور که شرکت سابق هم عمل مبعرده است استفاده خواهد نمود.

۴ - در باب ارزش تضمینهای مختلفی هستولی قبل از رسیدگی کامل و دقیق محاسباتی نمیتوانم اظهار نظر کنم.

۵ - دولت ایران از هر وسیله و طریقی که ممکن باشد برای حمل نفت استفاده خواهد کرد.

۶ - هر ملتی منافع و مصالح خود را خودش باید تشخیص دهد.

۷ - بوجوب ماده ۷ قانون اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (آوریل ۱۹۵۱) نفت ایران بخریداران سابق فروخته خواهد شد مگر آنکه خریداران سابق از خریداری نفت سهمیه خود خوداری نمایند و البته در اینصورت دولت ایران اجباراً فروش نفت خود بهر کشوری که خریدار آن باشد تن در خواهد داد.

۸ - در صورتیکه اصول آزادی اقتصادی که از هدفهای کشور ملل متحد هست تعمیم و تأمین بشود از این جهات دیگر جای نگرانی باقی نخواهد ماند.

۹ - بدون تردید هر سه عامل در کار بوده ولی مبتدیان گفت که پیش از هر چیز دخالت های نامشروع شرکت سابق نفت در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی کشور ایران و نیز خودداری از پرداخت سهم عادلانه بملت ایران باعث اتعاض این تعمیم بوده است.

۱۰ - از اوایل مشروطیت یعنی از سال ۱۹۰۶ زمزمه استقلال اقتصادی و خانه دادن بنفوذهای نامشروع بیگانگان در ایران آغاز و رفته رفته وسعت یافته است. اما موضوع ملی شدن صنعت نفت که چاره منحصر بفرد برای جلوگیری مداخلات غیر قانونی و نامشروع شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران بوده بعد از تخلیه ایران از قوای خارجی متعاقب جنگ دوم بین المللی مطرح شد و قوت گرفت بطوریکه امروز تمام افراد ملت ایران پشتیبان آنند.

۱۱ - این نکته مسلم است که دستجات افراطی برای توسعه نفوذ همیشه دنبال وضع غیرهادی و آشفتگی میگردند و ناچار هر قدر مراضه بیشتر طول بکشد زمینه بیشتری برای استفاده آنان فراهم میشود. بدیهی است ادامه فشارهایی از قبیل امتناع شرکت از تأدیه وجوه متعلق بایران و تهدید باعزام نیرو و آوردن کشتیهای جنگی به آب های مجاور ایران و فراهم آوردن موجباتی برای جلوگیری از صدور نفت با ایجاد ناراضیاتی کمک خواهد کرد.

۱۲ - ملت ایران که در جنگ اخیر سهم بزرگی در مبارزه علیه پیدادگری و پیروزی جبهه دموکراسی بر عهده داشت از بدو تشکیل سازمان ملل متحد همواره طرفدار همکاری و همراهی بین المللی بوده است و اکنون نیز صمیمانه امیدوار است ملل بزرگ

و کوچک جهان طبق آمال و منشور ملل متحد بتواند آزادانه و بدون بیم و هراس در کنار هم زندگی کنند و بر اساس آزادی و دموکراسی سطح زندگی و فرهنگ افراد خود را بالا ببرند .

۱۳ - در صورتیکه از طرف دیگران در امر ملی شدن صنعت نفت ایران و صدور آن اشکالاتی نشود برور از کمکهای اقتصادی نسبتاً بی نیاز خواهد شد . ولی در صورت ایران برای بالا بردن سطح زندگی افراد خود از هر نوع مساعدت آمریکا استقبال خواهد کرد .

۱۴ - دولت آمریکا با توجه با احساسات آزادمنشانه ملت خود و انتظارات مشروع ملت ایران میتواند در راه اجرای قطعی اصلی ملی شدن صنعت نفت و حل اختلافات نفوذ معنوی خود را بکار برده و از تفضیقاتی که نسبت با وارد میشود جلوگیری نماید .

۱۵ - کبانی های آمریکائی در صورت امتناع احتمالی کارشناسان انگلیسی از خدمت در شرکت ملی نفت ایران میتوانند با کمکهای فنی لازم و در اختیار گذاردن تعداد کافی کارشناسان فنی و همچنین کمک در امر حمل و نقل نفت ایران بکشورهای خریدار سابق نفت ما از وقفه این صنعت بزرگ که قطعاً بضرر دنیای غربی است جلوگیری کنند . و دولت آمریکا هم میتواند کبانی های آمریکائی را در این راه تشویق نماید .

۱۶ - برای اجرای برنامه هفت ساله از کمک بانک بین المللی همانطور که قانون برنامه پیش بینی کرده استفاده خواهد شد .

۱۷ - برنامه هفت ساله موقوف الاجرا نشده ولی بواسطه نرسیدن عایدات و ضیق مالی فعالیتش محدود شده است و ما امیدواریم در آتی نزدیک کار برنامه که برای توسعه و عمران کشور است براه یفتند .

۱۸ - با کمال تأسف باید بگویم ملت ایران از این عمل انگلیسها بسی نهایت آزرده است زیرا این اقدام در نظر ملت ایران بکنوع عمل تحریک آمیز ( پروو کاسیون ) که به سیاستهای کهنه استعماری بیشتر شبیه است تا به سیاست جدیدی که روی مبانی منشور ملل متحد استوار باشد .

۱۹ - دولت ایران هیچگونه روابط خصومت آمیز با دولت بریتانیای کبیر ندارد و بالمکس طرفدار ادامه و تقویت دوستی است ما با یک شرکت خصوصی طرف هستیم و با دولت انگلیس طرفیتی نداریم و نسبت بشرکت هم ابدأ در نظر نداریم حقوق و مطالبات آنها پایمال کنیم . هرگونه اقدام برای بهبود روابط ما با دولت و ملت انگلستان همین مطلوب ما است .

۲۰ - دولت و ملت آمریکا در گذشته نشان داده اند که نه خود سیاست استعماری دارند و نه این سیاست را از دیگران میپسندند ایرانیان مردم امریکارا حامی حق و عدالت و آزادی ملل میشناسند و طرفدار توسعه روابط دوستانه با آمریکا هستند .

۲۱ - متأسفانه قسمت مهمی از این حملات بتحریک ایادی خارجی صورت میگیرد و بی پرده باید گفت که شرکت سابق نفت در این تحریک سهم بزرگی دارد ولی مطبوعاتی



هستند که صبیانه رنجش خود را از اینکه گاهی مفهوم واقعی مبارزه فعلی ملت ایران برای اعمال حق مشروعها کمیت خود در بعضی از مطبوعات آمریکا خوب درک نشده است پنهان نیندازند بطور کلی اساس آن قسمت از اعتراضاتی که صبیانه صورت میگیرد اینست که چرا مطبوعاتی در کشور آزاد آمریکا باید از يك شرکت استثمارگر که مورد بغض و خشم تمام افراد ملت ایران است دفاع کنند .

با وجود این باید توجه داشته باشید که در مطبوعات ایران بندرت نسبت با آمریکا حمله میشود و غالباً این مطبوعات احساسات صبیانه و علاقمندان ایران را نسبت بملت آمریکا منعکس میکنند .

## گزارش تاریخچه نفت جنوب ایران که از طرف شرکت نفت ملی ایران بآقای آوول هریم فرستاده مخصوص جناب ترومن رئیس جمهور آمریکا تقدیم شده است

در سال ۱۰۹۱ هجری ۵ سال قبل از مشروطیت ایران طبق امتیاز نامه ای بهره برداری از منابع نفتی تمام خاک ایران با استثنای پنج ایالت شمالی برای مدت ۶۰ سال بشرط اینکه در فاصله دو سال از تاریخ امتیاز اولین شرکت برای اقدام بعملیات تشکیل شود به داری نامی از اهل استرالیا واگذار گردید. صاحب امتیاز حق انحصاری استخراج نفت و حمل و نقل و تصفیه و فروش نفت و لوله کشی تا خلیج فارس را بدست آورد و علاوه دولت ایران قبول کرده بود که زمینهای مورد نیاز را که سایر و متعلق بدولت باشد مجاناً و زمینهای دیگر را خواه دولتی و خواه شخصی بقیمت عادلانه در اختیار صاحب امتیاز بگذارد و ضمناً دولت ایران تمهید نموده بود که اراضی و محصولات شرکت از هر نوع مالیات و عوارض معاف بوده و آلات و ادوات تقشیر و قلع و استخراج و وسایل اولیه کشی بهیچ وجه حقوق گمرکی نپردازند.

علاوه بر صاحب امتیاز اجازه داده شده بود که يك يا چند شرکت بشرط آنکه اساسنامه و سرمایه و محل کار شرکت با اطلاع دولت ایران برسد تشکیل دهد. شرکتهای مربوطه دارای همان حقوق صاحب امتیاز و همان تعهدات و مسئولیت ها هستند.

شرکتها ۱۶ درصد منافع سالیانه خود را بدولت ایران پرداخت مینمایند. دولت ایران متعهد میشود که حفظ امنیت و معافیت مایملک شرکت را بعهده گرفته و همینکه این وظیفه را انجام نمود شرکتها و صاحب امتیاز بهیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت ندارند شرکت متعهد است کارگران را منحصراً از افراد ایرانی انتخاب نماید.

در اقتضای مدت امتیاز کلیه مایملک شرکت متعلق بایران خواهد بود در صورت ایجاد اختلاف موضوع بدو حکم در تهران که خودسر حکمی انتخاب خواهند نمود مراجعه خواهد شد.

دولت ایران حق خواهد داشت برای حفظ حقوق خود با صاحب امتیاز هر گونه تفتیشی که مفید بداند بعمل آورد.

با وجود آنکه حق رسیدگی بحساب صریحاً بدولت ایران داده شده و حکمیت الزامی بوده و سهم بودن ایران در منافع کلیه شرکتهای اکتشاف و استخراج و تصفیه و حمل و نقل و فروش معرر شده و بالاخره با وجود اینکه پس از انجام وظایف استعفاً دولت ایران از پرداخت هرگونه غرامتی معاف بوده است مع ذلک :

۱- هیچ وقت صاحب امتیاز اجازه رسیدگی بحسابها را بدولت ایران نداده است.

۲- هیچ وقت صاحب امتیاز تن باجراة حکمیت بوسیله دو حکم یا سه حکم در تهران نداده است.

۳- فقط از عواید شرکت های استخراج و تصفیه نفت در ایران آنهم با حساب سازهایی خاصی سهمی بدولت ایران داده شده است.

۴- بجای ۱۶ درصد از منافع همین شرکتها هم فقط ۱۳ درصد از منافع خالص پرداخت شده و ۳ درصد آنرا بجای پرداخت بدولت ایران بعنوان حق الارض بمساحبان اراضی (که طبق امتیاز نامه میبایستی زمینهای آنها را خود شرکت خریداری کند) پرداخت نموده است.

۵- به بهانه بریده شدن لوله در جنگ بین الملل اول که به تحریک ترکها و در اثر فرس ماژور بوده است از ۱۹۱۶ که شروع بتوزیع منافع شده تا ۱۹۲۰ هیچگونه سهمی بدولت ایران پرداخت نشده و خسارت ناچیز قطع لوله را که بعهده ایران نبوده است تا میزان چهارصد هزار لیره بالا برده سعی شده است غرامت ادعائی را بر خلاف صریح امتیاز نامه به حساب ایران بگذارد.

۶- سهم دولت ایران از منافع شرکتهای اکتشافی و حمل و نقل و فروش در ایران و خارج بهیچ وجه پرداخت نشده است.

خلاصه اینکه شرکت به تعهدات خود عمل ننموده و همواره مزاحمت دولت ایران را فراهم کرده و بیش از نیمی از سهم دولت ایران در منافع را نبرداخته است و کله منافع را نیز که در امتیاز نامه مطلق قید شده است بمنای منافع خالص آنها بر اساس مبلغی که خود قلمداد مینمود تعبیر کرده است .

با وجودیکه دولت ایران بیک فراستریالی امتیاز داده بود از ۱۹۱۴ به بعد دولت انگلیس با در دست گرفتن ۵۶ درصد سهام همواره زمام امور شرکت را علی رغم تمایلات ملت ایران در دست گرفته و به انتقاد های قرار دادهای طویل المدت نفت مصرفی دریا داری خود را بقیستی بین ۱۸ تا ۳۰ شلینگ که بستگی ب میزان سود قابل تقسیم شرکت داشته است خریداری نموده و از این راه نیز خسارت بزرگی از نظر اقتصادی و سیاسی بدولت ایران وارد آورده است .

بالاخره از سال ۱۹۱۸ بتوصیه مشاورین حقوقی و با توجه باهویت نفت ایران برای دولت انگلیس شرکت سابق نفت در صدد زمینه سازی برای تمدید مدت امتیاز بر آمده است .

در سال ۱۹۳۰ قانون مالیات بر درآمد برای اولین بار در ایران وضع گردید و شرکت که از پرداخت مالیات بر درآمد معاف نبوده مدت دو سال از پرداخت مالیات خودداری نموده و برای اینکه عرصه را بدولت ایران تنگ تر کند سهمیه ایران از منافع را نیز ( که در اثر بحران اقتصادی و تنزل قیمت نفت ب میزان قابل توجهی نقصان هم یافته بود ) نپرداخت و این عمل منجر بالقاء یکطرفه امتیاز نامه داری که نهایت آرزوی شرکت نفت بمنظور زمینه سازی برای تمدید مدت مورد نظر بود گردید .

توضیح آنکه فشارهای سیاسی و تحریمات داخلی واعزام کشتیهای جنگی بخلیج فارس که توجه بقدرت دولت انگلستان در سال ۱۹۳۲ دولت ایران را بکلی مرعوب نموده بود شرکت سابق نفت موفقیت حاصل نمود که قرار داد جدیدی در آوریل ۱۹۳۳ بدولت ایران تحویل نماید.

قرار داد ۱۹۳۳ با آنکه بر حسب ظاهر عواید ایران را در سال انعقاد دو برابر کرده بود ولی مواد آن نوعی تنظیم شده که با استفاده از تفسیر های نا روا و یا تغلف از اجراء مواد آن شرکت نفت موفق شد حقوقی بدولت ایران بپردازد که میزان آن در سال ۱۸ سالی که از اجرای قرار داد میگذرد نصف عوایدی گردید که در صورت اجرای قرار داد داری و با توجه بدم معافیت شرکت از پرداخت مالیات بر در آمد عاید کشور ایران میشد.

#### مشخصات و نتایج قرار داد ۱۹۳۳

قرار داد ۱۹۳۳ نوعی تنظیم شده است که در صورتیکه اجراء آن ادامه بیافت مواد و تفسیر های دیگری که بضرر ملت ایران بود و شرکت سابق نفت میتواند باستناد آنها بدبغتیهای اقتصادی دیگری برای ما فراهم آورد در آن وجود

داشت ولی چون تاکنون از آنها استفاده نشده است ذکر آنها با وجود اهمیت زیادی که دارد مورد ندارد و ما فقط بد ذکر يك مورد آن اکتفا میکنیم .

ضمن ماده ۲۰ شرکت سابق حق داده شده است که حتی در سالهای آخر عمر خود بتواند زمینها و تأسیسات غیر منقول خود را بشرکتهای تابعه بفروشد و چون شرکت در تغییر اساسنامه خود و اساسنامه شرکتهای تابعه هیچوقت حاضر نشده است جلب نظر دولت ایران را با وجود اعتراضات مکرری که شده بنماید شرکت سابق پس از فروش مسابلك خود بشرکتهای تابعه خواهد توانست که با تغییر اساسنامه آن شرکتهای را از صورت شرکت تابعه خارج کند و بدین ترتیب قسمتی از آنچه را که بابتی در انتهای امتیاز مجاناً بدولت ایران تسلیم نماید از چنگ دولت ایران خارج و مارا مجبور نماید که تمامی آنها را بقیمت عادله از شرکت تابعه سابق شرکت سابق نفت خریداری کنیم.

### مزیت های ظاهری قرار داد ۱۹۳۳

- ۱ - در قرار داد ۱۹۳۳ وسعت حوزه امتیازی از ۴۰۰ هزار میل مربع به ۱۰۰ هزار میل مربع که ۵ سال برای انتخاب آن شرکت وقت داده شده است تقلیل میابد .
- ۲ - دولت ایران که در ۱۶ درصد عوائد کلیه شرکتهای اکتشاف - استخراج - تصفیه حمل و نقل و فروش طبق مدلول حقیقی امتیاز داری سهام بوده و فقط در ۲۰ درصد عوائد شرکت ها سهام گردیده و بطور غیر مستقیم در عوائد شرکت های تابعه و متعده که تمامی قسمتی از سرمایه آنها متعلق بشرکت سابق بوده و آن سرمایه ها از محل عواید نفت ما تأمین میشده شریک گردیده است .
- ۳ - علاوه بر ۲۰ درصد منافع دولت ایران برای هر تن نفت فروش رفته حق الامتیاز و مالیاتی بین چهارونیم تا پنج شلینگ تضمین شده بطلا دریافت میداشته و با این ترتیب حق ایران در دریافت مالیات بر در آمد طبق مدلول قرار داد داری نیز شناخته شده است .
- ۴ - حق انحصاری لوله کشی نفت بخلیج فارس از دست شرکت خارج گردیده است .
- ۵ - کبیانی تعهد نموده جمیع وسائل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جویی و استفاده کامل از عملیات خود و حفظ مخازن تحت الارضی بکار برده و اقدام بهیچ عمل و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت ایران باشد ننماید .
- ۶ - کبیانی تعهد مینماید که تمامی مدارک و طرها و نقشه های مهم را بصورت محرمانه در اختیار دولت ایران بگذارد .
- ۷ - کبیانی تعهد مینماید سالانه فقط ده هزار لیتر برای اعزام محصلین ایرانی بااروپا تخصیص دهد و علاوه متعهد است که از تعداد کارشناسان خارجی بطور تصاعدی کاسته و بجای آنها از اتباع ایران بگمارد .
- ۸ - کبیانی ایجاد وسائل صعی کار مندان و کارگران خود را مطابق

جدیدترین طریقه معمول در ایران پهنه میگردد .  
این بود مزیت های قرار داد ۱۹۳۳ که اکثر آنها ظاهر فریب بوده و به  
بسیاری از آنها هم عمل نشده است .

### معایب قرار داد ۱۹۳۳

۱ - تنها شرکت سابق نفت از کلیه معافینهای گمرکی و مالیاتی بهره مند  
میشود بلکه کلیه شرکتهای تابعه آن نیز از همین معافیت برخوردار میشوند و حال  
آنکه هیچ شرکت یا مؤسسه ایرانی وجود ندارد که از چنین امتیازاتی برخوردار باشد.  
۲ - بدامنه عملیات شرکت در ایران توسعه خاصی داده شده است که از قسمتی  
از آنها تاکنون شرکت استفاده نکرده است .

۳ - اگر چه بر حسب ظاهر وسعت حوزه امتیاز قلیل میباشد ولی با مهلت  
۵ سال شرکت سابق اجازه داده میشود که بهترین منابع را با انتخاب خود اختیار نماید  
و بنا براین ارزش ظاهری و محدودیت حوزه امتیازی بنحو محسوسی نقصان میباشد .  
۴ - شرکت سابق اجازه داده میشود که قیمت اراضی مردم و یا دولت را قطع  
نظر از نوع مصرف آن برخلاف اصلی که دو آمریکا متداول است خریداری نماید .  
۵ - شرکت سابق حق داده میشود اراضی خود را بشرکتهای تابعه بفروشد و  
با توجه به تفسیری که شرکت نفت از قرارداد نموده است برای شرکت میسر خواهد بود  
که اراضی و اموال غیر منقوله خود را که در آخر کار متعلق بدولت ایران میشود از  
چنگ ایران بدرآورد .

۶ - با وجود آنکه طبق قانون حتی تبعه ایران برای استفاده از هر نوع معادن  
سطح الارضی و نعت الارضی بایستی حقوقی پردازند شرکت حق بهره برداری بدون  
پرداخت هیچ وجهی را بدست آورده است .

۷ - بکمیانی حق داده شده است که ساختمان راه آهن - بندر - وسائل ارتباطی  
از هر قبیل و وسائل حمل و نقل و باربری از هر نوع مبادرت نماید .

۸ - در صورتیکه دولت ایران برای دفاع ملی مجبور باستفاده از وسائط نقلیه  
و ارتباط شرکت شود بایستی خساراتی را که از این راه متوجه کمپانی میشود جبران نماید  
نه آنکه ارزش آن خدمات را پرداخت کند .

۹ - شرکت برای تهیه اشیاء و وسائل و لوازم و خوارباری که باسم کارمندان  
کارگران وارد مینماید از کلیه مقررات متداول کشور معاف و با استفاده از این سهولت  
مانع هر گونه توسعه کشاورزی و صنعتی و تجارتمی در حوض حوض حوزه امتیازی شده است .  
۱۰ - شرکت از پرداخت گمرک و عوارض و مالیات های محلی از هر قبیل که  
باشد نسبت باجناسی که برای عملیات خود در ایران لازم دارد معاف میباشد و صادرات  
آن نیز از پرداخت هر گونه گمرک و عوارضی معاف است و حال آنکه این معافیتها برای هیچیک  
از دستگاههای تولیدی کشور و حتی مؤسسات دولتی ساخته نشده است .

استفاده از همین حق برای شرکت میسر می‌تساید که از ایجاد توسعه هر گونه صنایع بر اساس مواد نفتی در ایران جلوگیری بعمل آورده و در صورت ایجاد از راه رقابت تجاری آنها را از بین ببرد.

۱۱- کیانی ملزم نیست هیچ قسمت از ارزش حاصله از فروش نفت و صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید.

۱۲- چون حق الامتیاز و مالیات بر اساس تن مواد نفتی تعیین شده است سعی شرکت در صدور مواد نفتی بر ارزش از ایران می‌باشد و توجیهی بمواد کم ارزش میندول نیندارد.

۱۳- با تغییر ناروای کله (فروش رفته در ایران و صادر شده از ایران) شرکت سابق نفت از پرداخت هر گونه حق الامتیاز و مالیاتی بدولت ایران نسبت به: الف- گازهای که میزان آن در سال ۱۹۵۰ معادل سه و نیم میلیون تن بوده است.

ب- مواد نفتی تلف شده که در همانسال محتملاً بالغ بر پانصد هزار تن می‌باشد.

ج- مواد نفتی مصرفی شرکت که در سال ۱۹۵۰ بدو میلیون تن بوده است. خودداری کرده است.

۱۴- با پرداخت مالیات بطور ثابت و بر اساس تناژ مالیات پرداختی که در سال ۱۹۳۳ معادل چهار درصد هواد شرکت یعنی حد اکثر نرخ مالیاتی بوده است در سالی شیبه به سال مالی ۱۹۴۷ فقط معادل ۱٫۸ درصد هوایدنقلمدادی شرکت بوده و حال آنکه نرخ مالیات بر درآمد ایران ۵۰ درصد می‌باشد.

۱۵- بجای اینکه حق الامتیاز و مالیات که بر اساس تن است خراجی است منطقی و منلاً ماهیانه بدولت ایران پرداخت شود موضوع نفت که از نقطه نظر بودجه و تأمین بر نامه های عمرانی اثر بزرگی دارد شرکت عملاً در طول ۹ ماه از سال مالی بیش از ۷۹۰ هزار لیره بدولت ایران نیندازد و حال آنکه در یک سال سالی شیبه بسال ۱۹۵۰ سهم دولت (ایران اقلاً ۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره) بوده است.

۱۶- با وجود تعهد صریح شرکت به حفظ منافع ایران و مراعات حداکثر صرفه و صلاح در بهره برداری از منابع ما تقریباً تمامی گاز حاصله از منابع نفتی بلا استفاده مانده و بدون اینکه بابت گازها دیناری حق الامتیاز و یا مالیات بپردازد گازهای حاصله را بوسیله مشعلهایی سوزانده و بلا استفاده از بین می‌برد و حال آنکه شرکت برای مصارف خود و ایجاد نیرو قلا سالیانه در حدود ۲ میلیون تن مواد نفتی مصرف مینماید.

۱۷- بر خلاف ترتیبی که باتبه ایران رفتار میشود شرکت نفت در املاک نفت حوزه امتیازی خود میتواند بدون پرداخت هیچگونه حق از معادن سطح الارضی

وتحت الارضی و ییسه ها و جنگلها برای عملیات خود بهره برداری نماید .

۱۸ - در تعهدات کمپانی نسبت بنأمین بهداشت کله ( مطابق جدیدترین طریقه حفظالصحه معموله در ایران ) قید شده است و همین قید بهانه بشرکت داده است که تا هم اکنون نیز بیش از هشتاد درصد کارگران را از منزل مناسب و آب آشامیدنی و وسائل بهداشتی معروم نگاهداشته و یا شرایط تحصیل آن را نظر بکمی وسائل و ساختمان بسیار دشوار کند .

۱۹ - قیمت فروش مواد نفتی در ایران که منابع سرشار آن اجازه تولید مواد نفتی را بقیمت بسیار ارزانی میدهد بر اساس قیمت خلیج مکزیك و خلیج رومانی باتخفیف ده درصد تعیین گردیده است و با این ترتیب از فروش مواد نفتی در ایران شرکت سود سرشاری که شاید از دویست درصد نیز تجاوز مینماید بدست آورده است و حال آنکه دریاداری و نیروی هوایی انگلستان طبق قرارداد های سری باسوه استفاده از دارا بودن بیش از نصف سهام مواد نفتی مصرفی خود را مجانی و باحد اکثر در حدود قیمت تمام شده بدست آورده و از این راه نیز زیان هنگفتی بحق ایران وارد آورده است .

۲۰ - با وجود اینکه شرکت صاحب امتیاز حق داده میشود که با اطلاع قبلی دوساله امتیاز را ترك نماید حق لغو امتیاز را از دولت ایران حتی در صورت انحراف شرکت از مقررات قرارداد وعدم رعایت مقررات و تعهدات مندرجه در آن سلب مینماید .  
۲۱ - با آنکه ماده حکمیت مندرجه در قرارداد ۱۹۳۳ بر حسب ظاهر غیب ماده حکمیت امتیاز نامه داری را ازین میرد آرزوی دیرینه شرکت را که اجراء حکمیت بوسیله حکم واحدی است که بیشتر تحت تأثیر دولت مقتدر انگلستان باشد بر آورده مینماید و برئیس یا نایب رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی حق داده میشود آن حکم واحد را که حکمی نیز قطعی است انتخاب کند و همچنین معطل حکمیت را که تهران بوده است بمعطل دیگری که بسته بنظر حکم ناک یا حکم واحد باشد منتقل مینماید .

۲۲ - طبق عادت دیرینه شرکت که هر چند سال یکبار در صدد بر آمده است کلیه دعاوی را فیصل دهد و تصفیه حساب دریافت کند در قرارداد ۱۹۳۳ هم برای دومین بار این عمل انجام میشود و شرکت نفت با پرداخت مبلغ ناچیز يك ملیون لیره استرلینگ نسبت بگذشته مفاصا حساب دریافت مینماید .

۲۳ - مهمترین نکته که بضرر ایران ضمن قرارداد سال ۱۹۳۳ گنجانیده شده است همانا تمدید مدت امتیاز داری برای مدت ۳۲ سال میباشد زیرا :

طبق قرارداد داری در سال ۱۹۶۱ کلیه مایملک شرکت در ایران مجاناً و بلاعوض بدولت ایران واگذار میشد و در اینصورت از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۹۳ که قرارداد ۱۹۳۳ منقضی میشد است نه تنها مایملک شرکت از آن ایران میگردید بلکه بهره برداری از تمام منابع ایران ( که بر اساس وضعیت فعلی حداقل سالیانه دویست میلیون لیره ارز در اختیار دولت ایران میگذازد ) متعلق بدولت ایران میشد و حال آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ عواید ایران در همان سال بابت حق الامتیاز و مالیات و سود سالیانه از ۱۵



ملیون لیره تجاوز ننموده و سالیانه بیش از ۲۰ ملیون لیره دیگر هم برای مخارج متفرقه شرکت عایدات ایران نیگردد.

۲۴ - علاوه بر تمام این مراتب در صورت تخلف شرکت و مراجع به حکایت و بفرض محکومیت شرکت به پرداخت غرامت قابل ملاحظه و خودداری شرکت از پرداخت آن هیچگونه ضمانت اجرائی برای تأمین حقوق ایران جزء فسخ شدن قرارداد که ناچار در این شرایط بنفع شرکت هست وجود ندارد.

نتیجه آنکه محاسبه نشان میدهد که در اثر کم قلمداد نمودن منافع شرکت ما در منظور نمودن تمام سهم منافع آن شرکت از شرکتهای تابعه و متحد و فروش نفت به قیمت ارزان بدولت انگلیس و شرکتهای نفت دیگر و بالاخره تفسیرهای مواد مختلفه قرار داد زیان هنگفتی عاید دولت ایران شده و در صورتیکه طبق عدل و انصاف و تفسیر واقعی قرار داد عمل شده بود عواید دولت ایران اقلاً دو برابر آنچه که حقیقتاً بدست ما رسیده است میشد و بملاوه امروز که صنعت نفت ملی شده است بجای بیش از چهار هزار نفر کارمند و کارشناس خارجی کشور ایران حد اکثر بچند صد نفر کارشناس خارجی برای ادامه بهره برداری نیاز مند میشود موضوعی که اهمیت آن بهیچوجه قابل تقویم نمیشد.

انحراف از مقررات و تفسیرهای نا روای قرار داد ۱۹۳۳

۱- با وجود اینکه حوزه امتیازی شرکت سابق فقط شامل قسمت های خشکی ایران بوده است شرکت سعی کرده آبهای ساحلی ایران را جزء حوزه امتیازی ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربعی خود وارد نماید.

۲- در محاسبه حق الامتیاز و مالیات که بر اساس قیمت طلای آزاد (طبق روح قرار داد) تضمین شده بود بوده است حق دولت بر اساس قیمت رسمی که تا ۵۰ درصد از قیمت حقیقی کمتر بوده محاسبه گردیده است.

۳- با آنکه در ظاهر ۲۰ درصد سود بدولت ایران تعلق گرفته است ولی شرکت سابق میتواند تنها قسمتی از سهم ایران را بپیل خود پرداخت کند و نسبت به باقیمانده فقط متعهد است که در انتهای قرار داد که قیمت لیره بمراتب تنزل یافته است طلب ما را پرداخت نماید و معذالک باز قیود دیگری شده است که میزان عددی بدهی شرکت بدولت ایران را نیز نقصان فاحشی خواهد داد.

۴- در واقع امر دولت ایران ۲۰ درصد سهم منافع شرکت سابق نفت در کلیه شرکتهای تابعه و منعه شریک میباشد ولی چون آن شرکتهای فقط قسمتی از حق السهم منافع شرکت ما را بآن شرکت پرداخت مینماید دولت ایران فقط جزوی از ۲۰٪ سهمیه خود از این بابت را دریافت میکند مثلاً شرکت بری تشر تنکر که صد درصد سرمایه آن متعلق بشرکت نفت میباشد و در سال ۱۹۴۷ ده ملیون لیره سود داشته فقط

۲۴۰۰۰۰ لیره یعنی ۶ درصد سرمایه‌اسمی را بشرکت ما پرداخت نموده و با توجه به مالیات در یافتی دولت انگلستان سهم دولت ایران از این ده ملیون سود بجای دو ملیون لیره حد اکثر ۳۰ هزار لیره یعنی يك صدم میزان واقعی بوده است .

۵ - ۳۰ درصد سهم ایران از ذخایر بر طبق تفسیر شرکت منحصر به ذخیره عمومی میباشد و حال آنکه حق ایران ۲۰ درصد از کل عواید شرکت قبل از کسر مالیات های دولت انگلستان و تعیین و برداشت کلیه ذخیره بوده است .

۶ - با تفسیر غلط و ناروای قرار داد شرکت سابق از کنترل و رسیدگی دولت ایران بحسابهای خود شرکت و شرکتهای تابعه و متعده جلوگیری نموده است و حال آنکه نماینده دولت ایران صریحا حق داشت اطلاعاتی که صاحبان سهام دارند دارد و بعلاوه ایران در ۲۰ درصد منافع شریک است .

۷ - با وجود حق صریح ایران در کنترل میزان نفت صادر شده با اعمال نفوذهاییکه مهمترین علت ناراضی ملیت ایران را تشکیل میدهد شرکت عملا مانع شده است که کنترل لازم بعمل آید و چنانچه يك مجله آمریکایی نوشته است در سال ۱۹۵۰ بجای ۳۲ ملیون تن قلمدادی شرکت معادل ۵۶ ملیون تن نفت استخراج کرده است .

۸ - با استفاده از عنوان سری بودن تمام اطلاعات مهم علمی و فنی که بایستی تمامی آنها در اختیار دولت ایران گذارده میشد اولاً شرکت کلیه مدارک لازم را در اختیار دولت ایران قرار نداد و ثانیاً هر گونه اطلاعاتی از مؤسسات و کارمندان و مستخدمین را نیز که بطور ناظم و غیر قابل استفاده برای دولت ایران فرستاده است عنوان محرمانه بدان داده و باین ترتیب از نفوذی که نسبت به متصدیان مربوطه داشته است مانع انتشار هر نوع اطلاعاتی شده و بکلی ملیت ایران را از جمیع جریانات مربوطه بخت بی اطلاع نگاه داشته است .

۹ - برای ترتیب عملی قصان تعداد کارمندان و کارشناسان خارجی و بکار گماردن ایرانیان بجای آنها طرح عمومی پیش بینی شده که شرکت نفت با استفاده ناروای از آن بجای آنکه تعداد خارجیان را کم کند ده آنها را از ۱۸۰۰ نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۲۰۰ نفر در سال ۱۹۴۸ افزایش داده است .

علاوه بر خسارت مالی که از این راه بکشور وارد آمده است ایران از داشتن کارشناسان فنی در وضع فعلی ارزش فوق العاده زیاد داشت محروم گردیده است . اگر ماده مربوط به تعلیل کارمندان بطور شایسته و طبق روح قرارداد عملی شده بود امروزه پس از ۲۰ سال کمتر از چند صد نفر خارجی بجای بیش از چهار هزار نفر فعلی وجود میداشت .

۱۰ - با وجود اینکه تامین وسائل بهداشت اراضی و ابنیه و مسکن کارگران شرکت صریحا بمهده شرکت بوده است هم اکنون بیش از ۸۰ درصد از کارگران شرکت بکلی فاقد منزل و مأوای قابل سکونت هستند و منازل آنان که

به بیخوله های عهد حجر شبیه است از کلیه وسائل صعی محروم است .  
 ۱۱ - با دادن سهام مجانی به سهامداران سابق خود شرکت در دو وهله سرمایه حاصله از سهام عادی خود را از حدود ۹ میلیون لیره به ۲۱ ملیون افزایش داده و با این ترتیب ماده ۱۸ قرار داد را که بنفع ایران بوده و مشارکت ایران در خرید سهام عادی را مسکن میکرده است عملاً با عدم انتشار سهام بلا اثر و بدون نتیجه گذارده است .

۱۲ - با حق فروش مایملک غیر منقول خود به کسبانی های تابعه شرکت سابق میتوانسته است اموال غیر منقوله خود را که در انتهای قرار داد کلاو بلاهوض متعلق بدولت ایران میشده است از چنگ دولت ایران بیرون ببرد .  
 نتیجه آنکه باوجود تهدد صریح شرکت بر رعایت حسن نیت و صداقت و تفسیر منقول مفاد قرار داد چنانچه در موارد بالا توضیح شده است شرکت بهیچوجه بتعهدات خود عمل ننموده و قرار دادی را نیز که سرا با بنفع آن شرکت تنظیم شده بوده است در بسیاری از مواد بموقع اجرا گذارده است .

قرار داد ۱۹۳۳ قرار دادی تحمیلی و باطل بوده است

چنانچه بر دنیا واضح و روشن است قرار داد ۱۹۳۳ به دلائل ذیل علی رغم نمایلات ملت ایران و حتی علی رغم رضایت اکثریت قریب باتفاق مقامات مسلکستی وقت بملت و دولت ایران تحمیل شده است .

۱ - فرستادن کشتیهای جنگی دولت انگلیس آنهم در سال ۱۹۳۳ که فاتح بین المللی اول بنهایت اقتدار خود رسیده دولت آمریکا گرفتار وضع اقتصادی آشفته خود بوده و روسیه شوروی هم سرگرم اقدامات داخلی خود بوده است و بملاوه دولت ایران هم دست نشانده دولت انگلیس بوده و وظیفه دار بوده است که هم خود بترسد و هم مردم را از کشتیهای جنگی بترساند .

۲ - اقرار آقای تقی زاده وزیر دارائی وقت و رئیس فعلی مجلس سنای ایران در مجلس پانزدهم ( ما چند نفر مسلوب الاختیار بآن راضی نبودیم ولی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم ..... ) باید عرض کنم که بنده اصلاً و ابداً در این کار هیچگونه دخالتی نداشتم جز آنکه اهضای من پای آن ورقه است و آن امضاء چه مال من بود و چه من امتناع میکردم و مال کس دیگری بود هیچ نوع تفسیری را در آنچه واقع شده و بهر حال واقع میشده موجب نمیشد ..... من شخصاً هیچ وقت راضی بشدید مدت نبودم دیگران هم نبودند ....

۳ - اظهارات اعلی حضرت فقید در موقعی که تمهید قرار داد داری خواسته شده و نمایندگان شرکت تهدید بترك ایران و قطع مذاکرات کرده بودند « عجب اینکار که بهیچ وجه شدنی نیست میخواهند که ما که سی سال برگذشتگان برای اینکار لعنت کرده ایم ۵۰ سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم .

۴ - بفرض اینکه تمام عوامل و دلایل خارجی مذکور در فوق و بسیاری دلایل دیگر وجود نداشت مطالعه متن قرار داد ۱۹۳۳ و محدودیتهایی که دولت ایران در مقابل یک شرکت خارجی برای خود قائل شد مزیهایی را که بآن شرکت داده است کافی برای اثبات این نکته است که قرار داد ۱۹۳۳ بملت ایران تحمیل شده است زیرا :

الف - قرار داد ۱۹۳۳ با اطلاع قبلی دو ساله بشرکت سابق نفت حق میدهد که قرار داد را هر موقع که بخواهد فسخ کند و دولت ایران بر خلاف متعهد میشود که حتی در صورت عدم اجرای صریح مواد قرار داد منعقد حق فسخ قرار داد را نداشته و بموجب هیچ قانون عمومی و یا خصوصی و ... نتواند قرار داد منعقد را تغییر دهد و حال آنکه هیچ مجلسی نمیتواند ادوار تقنینیه بعد را از اعمال حق حاکمیت معزوم نماید .

ب - در صورتیکه قرار داد داری تمدید نشده بود از سال ۱۹۶۱ بحد کلیه ارزش حاصله از فروش نفت عاید دولت ایران میشد در صورتیکه قرار داد ۱۹۳۳ ارزش دولت ایران فقط ببلوغ حق الامتیاز و لیره هائی که شرکت برای تأمین احتیاجات خود در ایران مجبور بود خرج نماید محدود شده است .

توضیحاً در یکسال شبیه سال ۱۹۵۰ کلیه عایدات دولت ایران از هر قبیل به ۴۰ میلیون لیره نرسیده و حال آنکه اگر امتیاز تمدید نمیشد تمام عایدی فروش نفت که بر ۲۰۰ میلیون بهره هم بالغ است نصیب دولت ایران میگردد .

ج - اگر تمدیدی در بین نبود از سال ۱۹۶۱ به بعد که مدت امتیاز خانه میافت بر طبق امتیاز تمام آلات و ادوات تولیدی نفت به ایران متعلق میگرفته و ملت ایران مالک صد در صد عایدات میگردد در صورتیکه تمدید امتیاز سبب شده است که ملت ایران از عایدات بعد اکر فقط تا صدی بیست استفاده نماید و ۸۰ در صد بقیه بجنب شرکت نفت برود .

د - در قرار داد ۱۹۳۳ علاوه بر دو عیب زنده مذکور در فوق حق الامتیاز و مالیات و بیست در صد سهم ایران در شرکت نوعی تعیین شده بود که پس از انقضاء ۱۸ سال نتیجه این شد که عایدات دولت ایران نصف مبلغی شد که در صورت وجود قرارداد داری به دولت ایران تعلق میگرفت .

مقدمات قانونی استیفاء حقوق ملت ایران از شرکت سابق نفت جنوب.

در سال ۱۹۴۴ که قانون تحریم و تمویض امتیاز از مجلس شورای ملی گذشت دولت قوام السلطنه برای انحراف از قانون قرار نفت شرکت مختلط ایران و شوروی را با دولت شوروی گذاشت که آن قرار داد را در سال ۱۹۴۷ مجلس شورای ملی باین که شرکت مختلط با امتیاز فرقی ندارد و عمل دولت برخلاف قانون مصوبه بود هاست رد نمود و ضمناً مقرر داشت که :

د دولت مکلف است در کلیه مواردیکه حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت

کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیر آن مورد تضييع واقع شده است بخصوص راجع به نفت جنوب بمنظور استيفاء حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد و مجلس شورایی را از نتیجه آن مطلع سازد .

از این تاریخ به بعد باوجود فشارها و ضیقاتی که توسط دولت های دست نشانده مردم و طبقات روشن کشور وارد میشد تظاهرات دامنه داری برای درخواست استيفاء کامل حقوق ملی از شرکت سابق نفت بعمل می آمد تا اینکه واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصد نسبت باعلیحضرت همایونی اتفاق افتاد توضیح آنکه در روز مزبور شخصی قصد قتل شاه را نمود و چون ضارب بلافاصله بقتل رسید معلوم نشد که «عرك حقیقی سوء قصد کیست و این موضوع بهانه برقراری و ادامه حکومت نظامی و فشار بچرانده ملی گردید و با این زمینه سازبها مردم اجازه بحث و تدقیق در امر نفت آنطور که شایسته يك چنین امر عظیمی است داده نشد و مباحثات بین نمایندگان دولت و کارمندان شرکت سابق در مورد قرارداد جدید هفت مدت ۸ ماه با اختفاء کامل ادامه یافت و با زمینه سازیهایی که شده بود هفته بآخر عمر مجلس پانزدهم آن قرارداد که موسوم بقرار داد گس - گلشایبان گردید با فوریت بمجلس پیشنهاد گردید تا با استفاده از ضیق وقت و بدون امکان عملی بحث و تدقیق آن قرارداد بتصویب برسد و برای سهولت انجام این عمل نیز نظامنامه سابق مجلس شورایی قبلا باین قصد تغییر داده شد تا مثل سابق نمایندگان حق نطق های طولانی در مواردی شبیه بامور مورد نظر نداشته باشند و قرارداد العاقی از تصویب بگذرد ولی اطلاعاتی که معدودی تهیه نموده بودند و مبنای تهیه نطق اقلیت قرار گرفت و با تغییری که علی رغم تمایلات طرفداران شرکت از نظامنامه جدید شد اجازه داد در مدت چهار روز در طی شش جلسه که صبح و शाम ادامه یافت وقت مجلس اشغال شده و باوجود مانورهاییکه برای محروم کردن آقای حسین مکی از ادامه نطق بعمل آمد تصویب آن علی رغم انتریکها و دسیسه ها و فشارها میسر نگردید و مجلس ختم شد .

دوره فترت بین مجلس پانزدهم و شانزدهم اجازه داد که رفته رفته در اثر مقالات و نشریات متعدد مردم بحقیقت امر و زمانیکه از قرارداد های داری و ۱۹۳۳ و قرارداد العاقی متوجه ایران شده و میشد بی برده و بالتبجیه تصویب آن لایحه باوجود تمام این اعمال نفوذها و تحریکات و دخالت در انتخابات مجلس شانزدهم میسر نگردیده و بالاخره قرارداد العاقی رد شد .

لازم بتوضیح نیست که کلیه تحریکات و مداخلات علنی و مخفی که در سه سال اخیر پیش آمد کرده منشاء و مبنای اصلی آن شرکت نفت بوده و باوجود مداخلات علنی که در انتخابات تهران شده بود عده ۸ نفری از نمایندگان حقیقی مردم که ۷ نفر آنها از تهران انتخاب شده بودند بمجلس شورایی رفته و در اثر بیداری مردم این عده معدود موفق شدند که از تصویب قرارداد گس و گلشایبان جلوگیری نموده و باتکبه بافکار عمومی با اطلاع از سرسختی و مداخلات ناروای شرکت سابق نفت و بمنظور کوتاه کردن دست

طرفداران آن از امور کشور توفیق حاصل نمودند که قانون ضللی ملی شدن را از همان مجلسی که بایه آرزوهای شرکت نفت بر مداخله در انتخابات آن بود بگذرانند .

### مشخصات و نتایج قرارداد الحاقی (گس - گلشائیان)

#### تائید و تکمیل قرارداد باطل و تحمیلی ۱۹۳۳

۱ - ضمن مقدمه قرارداد الحاقی شرکت سابق نفت به غین دولت ایران اقرار نموده و مدعی میشود که متعاقب مذاکرات کامل و دوستانه قرارداد الحاقی جدیدی تنظیم شده و الحاقی بودن آن قرارداد به قرارداد اصلی ۱۹۳۳ ضمن ماده یک تائید میشود .  
۲ - ضمن ماده ۱۰ قرارداد ۱۹۳۳ معتبر شناخته شده و قوت و اعتبار آن تائید میشود .

۳ - ضمن ماده ۲ نظر باینکه دیوان داوری دائمی بین المللی که رئیس یا نایب رئیس بایستی سر حکم و یا حکم منفرد را انتخاب نماید دیگر وجود خارجی ندارد دیوان دادگستری بین المللی را بجای آن تعیین میکنند و باین ترتیب قرارداد الحاقی این نقیصه قرارداد ۱۹۳۳ را ازین میبرده است .

#### مزایای ظاهری قرارداد الحاقی

- ۱ - میزان حق الامتیاز هر تن از چهار شلینگ به شش شلینگ ترقی داده شده و بنابراین ۵۰ درصد افزایش مییابد .
- ۲ - میزان مالیات پرداختی هر تن نفت فروش رفته تا یک شلینگ ترقی داده شده و در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش مییابد .
- ۳ - شرکت متعهد میشود که مالیات بر درآمد انگلستان را از حق السهم دولت ایران در منافع کسر نکند و یا بمبارت دیگر ۲۰ درصد سهم دولت ایران را قبل از کسر مالیات بر درآمد بانگلستان پرداخت نماید .
- ۴ - شرکت قبول مینماید که کلبه ۲۰ درصد سهم دولت ایران در منافع را هر ساله در موقع تنظیم بیلان برخلاف آنچه که تا آن تاریخ عمل میکرده است پرداخت نماید .
- ۵ - نسبت بگذشته نیز شرکت متعهد میشود که سهم ایران از ذخایر را که نزد شرکت باقی مانده بوده است یکجا پرداخت کند .
- ۶ - حداقل چهار میلیون لیره برای بیست درصد سود سهام ایران و سهم ایران در دفاتر تضمین میشود .
- ۷ - با آنکه قرارداد ۱۹۴۹ برای تصویب تقدیم شده است شرکت قبول مینماید که بطور عطف با سابق مقررات افزایش حق الامتیاز و مالیات را برای سال ۱۹۴۸ نیز اجرا نماید .
- ۸ - بجای تخفیف ده درصد در ارزان ترین قیمت مواد نفتی خلیج مکزیک با

خلیج رومانی بنظور تعیین قیمت مبنای فروش نفت در ایران شرکت تخفیف ۲۵ درصد را قبول مینماید .

### معایب قرارداد العاقی

- ۱ - قرارداد العاقی طبق مقدمه و مواد یک و ۱۰ قرارداد باطل و تحیلی ۱۹۳۳ را تأیید نمیکرده و حقوقی را که از این راه به ملت ایران تعلق میگرفته است سلب مینمود .
- ۲ - با تعیین مبلغی که بابت حق الامتیاز و مالیات سال ۱۹۴۷ و بطور عطف با سابق بلیره کاغذ شرکت سابق بایستی پردازد ماده مربوط به تعیین طلا که مورد اختلاف بوده است و بنظر کارشناسان حقوقی و مالی مثل وان ژیلاند تفسیر ایران تفسیر صحیح بوده است طبق نظر شرکت و بنظور ضمنی و معنیانه تفسیر میشده است .
- ۳ - از راه تفسیر تضمین طلا با توجه باختلاف نرخ رسمی و نرخ واقعی طلا که در حدود ۵۰۰ درصد بوده است نه تنها میزان عایدی دولت ایران بابت حق الامتیاز و مالیات افزایش نیافته است بلکه چند درصد ( بین ۵ تا ده درصد ) نقصان نیز میافته است .
- ۴ - با تعیین میزان عددی سهم ایران در ذخیره عمومی سال ۱۹۴۸ موضوع معافیت مالیاتی سهم دولت ایران در منافع و ذخایر را منحصر به معافیت مالیات بر درآمد دولت انگلیس نموده و بنا بر این که هر گونه مالیات دیگری از سهم دولت ایران را قانونی و قطعی نمیکرده است و حال آنکه طبق اصول بین المللی هیچ دولتی نمیتواند هیچگونه مالیاتی را از دولت دیگری دریافت نماید .
- ۵ - در صورت بروز بیش آمدنی که خارج از اختیار شرکت باشد و برای مدتی بهره برداری متوقف شده و شرکت نتواند نفت از ایران صادر نماید از حد اقل ۴ میلیون لیره تمهیدی بنسب مدت تعطیل صدور نفت کاسته شده و در صورتیکه تعطیل در حدود یکسال ادامه یابد دولت ایران هیچ مبلغی بنسب حد اقل دریافت نخواهد نمود و حال آنکه طبق قرار داد سابق در هر حال حد اقل دولت ایران در حدود ۳۵۰۰۰۰ لیره در یافت مینموده است .
- ۶ - بدون اینکه صحبت از تصفیه حساب و دعاوی بشود با پرداخت مالیاتی که در قرارداد العاقی ذکر شده با توجه به طرز تدوین مواد دیگر آن قرار داد کلیه دعاوی دولت ایران نسبت به شرکت سابق نفت تصفیه میگردد است .
- ۷ - با وجود ظاهر فریبنده و تخفیف بیشتری که برای تعیین قیمت مبنای مواد نفتی در قرارداد العاقی پیش بینی شده نظر باینکه مقررات دیگری از آن قرار داد بجای مبنای قرار دادن حد اقل قیمت مواد نفت در خلیج مکزیک و خلیج رومانی نقطه قیمت خلیج مکزیک را من بعد مبنای تعیین قیمت فروش نفت در ایران قرار داده و چون قیمت خلیج مکزیک به علت انتقال مرکز ثقل صدور نفت از خلیج مکزیک به خلیج فارس و نقصان صدور نفت از دول متعدد آمریکای شمالی رویتزاید است قیمت مواد نفتی در ایران افزایش میافته کما اینکه هم اکنون قیمت مبنای بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است .

۷- در صورتیکه از معایب دیگر قرار داد و اثرات زبان آور تفسیر غلط تضمین طلا صرف کرده نظر نکنیم و آن تفسیر را منطبق باحقیقت قبول کرده و تصانی را که از آن تفسیر درمیزان عایدی دولت ایران پیش آمده است نادیده بگیریم و در نتیجه قبول کنیم که در حدود ۱۰ درصد بحق الامتیا و مالیات پرداختی بدولت ایران افزوده شده است باز هم با توجه به میزان فعلی مصرف نفت ایران اضافه عایدی شرکت نفت از محل فروش نفت نه تنها افزایشی را که شرکت بابت حق الامتیاز مالیات پذیرفته بوده است جبران نینموده سهل است با افزایش صریح مصرف ایران نتیجتاً ضرر مالی ملت ایران نیز تمام میشده است.

۹- با آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ ایران در بیست درصد کلیه ذخایر شرکت شریک بوده است قرار داد الحاقی حق ایران را در ذخایر از هر قبیل منحصرأ محدود بنخایر عمومی نموده و بنا براین حق ایران در سایر ذخایر را بکلی و برای همیشه از بین میبرده است.

۱۰- بدیهی است که مبالغی که شرکت بابت ذخایر طبق ده‌سای خود بما بدهکار میبود بایستی از محل ذخایر قبلی و موجوده پرداخت میگردد ولی شرکت در یلان ۱۹۴۸ خود باز ده ملیون لیره ای که بابت ذخایر تا آخر ۱۹۴۸ بسا مدیون بوده است از محل ذخیره سری که از عواید سال ۱۹۴۸ کسر گردیده پرداخت نینموده است و باین ترتیب در حدود دو ملیون و دو بیست هزار لیره بسهم ما زبان وارد میآورده است.

۱۱- با پرداخت قسمتی از سهم ما در ذخایر عمومی کلیه دعاوی ما در شرکت‌های تابعه و متعده (که طبق نظر مشاورین حقوقی بیست درصد مایلك آنها متعلق بدولت ایران میباشد) تصفیه میگردد و از بین میرفته است نتیجه آنکه اگر قرارداد الحاقی بتصویب رسیده بود نه تنها دولت ایران از افزایش در آمد خود طرفی نمی‌بست بلکه ملت ایران بیش از میزانیکه بر حسب ظاهر در حق الامتیاز و مالیات افزایش داده شده بود از راه افزایش قیمت فروش نفت در ایران بشرکت نفت پرداخت نموده و در نتیجه کشور ایران با اجرای قرارداد الحاقی بجای قرارداد ۱۹۳۳ ملیونها لیره زبان نیز برده بود و همین افزایش قیمت مواد سوختنی تأثیر ناگوار خود را در هزینه زندگی نیز آشکار ساخته و بسایع داخلی لطمه جبران ناپذیری وارد نموده بود.

با توجه باینکه قرار داد ۱۹۳۳ میزان عواید ایران نصف عواید حاصله از قرار داد داری کرده است ملاحظه میشود که قرار دادهای منعقد شده با شرکت نفت بجای اینکه برفع ایران باشد همواره بصورت‌هایی تنظیم میشده که با امال و رفته رفتن ضرر بیشتری برای ملت ایران در بر داشته است.

ایجاد فکر ملی شدن صنعت نفت

چون نمایندگان شرکت سابق نفت بیوسته مدعی بودند که قرار داد الحاقی



سرابا بفتح ایران بود و بهیچوجه حاضر بتغییر آن بخصوص افزایش حق‌السهم ایران نمیباشند و با توجه بهمایی که ذکر آنها گذشت علاقمندان باین موضوع حیاتی که رهبری این نهضت را بهپده داشته درصدد پیدا کردن راه حلی برای خروج از این بن بست برآمده و بالاخره باین نتیجه رسیدند که تنها با ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران و قبول پرداخت حقوق حقه شرکت سابق نفت میتوان بکلیه گرفتاریها خاتمه داد و ضمناً برای همیشه انتظار دولتهای دیگر را که مترصد بوده اند تا پس از انعقاد قرار داد الحاقی مطالبه سهمی در منابع نفت شمال ایران بنماید با استفاده از قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور تبدیل بیاس نموده و از خطری که واگذاری نفت شمال ایران برای این کشور و همسایگان ایران و بخصوص بلوک غربی دربر داشته است جلوگیری کرد و بنظور جلوگیری کامل از چنین پیش آمدی است که ملت ایران با نهایت صداقت و صمیمیت و فداکاری حاضر نشده است با قبول نوعی از ملی شدن صنعت نفت که پیشنهاد نماینده گان شرکت سابق نفت بوده در اجراء قانونی که ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است خللی وارد آورده و با نقض قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت را همان تقاضاها و فشارها را از طرف دولت های دیگر باز نماید .

تسلیم با اجرای کامل قوانین ملی شدن صنعت نفت نه تنها احترام بقوانین کشوری آزاد و مستقل است بلکه بامحترم شردن آن قوانین و آن مخاطراتیکه از طرف شمال باز شده بوده است برای همیشه بفتح ایران و دنیای آزاد مسدود میگردد .

### منبع فکر ملی شدن صنعت نفت

با وجود اینکه دنیا دریافته است که ذکر ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور خواسته ملت ایران بوده و هیچ کشور خارجی در آن دخالت نداشته است لازم است باین نکته توجه شود: که شمار افرادی که بطور مستقیم طرفدار سیاست شوروی معرفی میشدند برار زیر بوده است .

۱ - اعلام بطلان قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳

۲ - ضبط تمام مایملک شرکت

۳ - ملی کردن نفت جنوب

در صورتیکه میلیون در اثر ملی کردن صنعت نفت طبق شمار خود توفیق حاصل نموده بودند و نظریه دسته های چپ و پاچپ نما علی میشد نه دولت ایران قادر بود که منابع نفتی خود را از دست شرکت سابق نفت خارج نماید و نه تصویب این قانون مانع درخواست امتیاز دولت شوروی با کشورهای دیگر در بقیه نقاط نفت خیز ایران میشد و در صورتی هم که نسبت به نفت جنوب توفیق حاصل میشد در هر حال ماضی برای تقاضای امتیاز از طرف شوروی در بقیه نقاط ایران در بین نبود موضوعی که ملت ایران بفتح خود و بفتح ملی آزاد جهان از آن گریزان بوده و هست .

### مخاطرات عدم اجراء قوانین ملی شدن صنعت نفت

در صورتیکه قوانین ملی شدن صنعت نفت بنحوی که تصویب شده است بمورد اجرا گذارده نشود و با تغییر در آن داده شود .

۱ - دولت شوروی میتواند تقاضای تغییر خاصی که اجازه واگذاری امتیاز بنحوی که در نفت جنوب عملی شده است بشاید .

۲ - یا توجه بافکار عمومی فعلی ملت ایران و مداخلاتی که شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران بعمل آورده و فشارهاییکه بنا وارد آورده است مردم ایران که ملی شدن صنعت نفت بمنظور قطع ایادی شرکت را تنها علاج درد های بی درمان خود میدانند و در عین حال فوق العاده نگران نتیجه قطعی فدا کاربها و کوششهای خود میباشند ناراضی و نگران شده و در اثر باسی که از صداقت رهبران خود در آنها ایجاد خواهد شد مقاومت در حق خود را از دست داده و بالتیجه دستجات اقراطی چپ باحد اکثر استفاده از این ناراضیتهای گملا بر اوضاع ایران بضرر کشور ایران و کلیه کشورهای آزاد جهان مسلط خواهند گردید و اگر در اثر عدم توافق نسبت باجرای کامل ملی شدن صنعت نفت ملل غربی با خود داری از مساعدت فنی مانع صدور نفت ایران شده و دستگاههای تولیدی آن گرفتار تعطیل و کارگران دچار بی کاری شوند با توجه بوضعیت مالی فعلی کشور ایران فقر و بدبختی افزایش یافته و تمام مردم فقیر که پیش از نود و پنج درصد اهالی این کشور را تشکیل میدهند و با احساسات وطن پرستی و علائق مذهبی از کمونسم گریزانند در اثر شدت بدبختی که هم اکنون غیر قابل تحمل است بدامان کمونسم پناه خواهند برد . مراتب که توضیح داده شد همه ناظر بانار سوء اقتصادی عملیات شرکت سابق نفت است که منوجه ملت ایران شده مسئله مهم تر و اساسی تر لطمات ناپذیری است که طی نیم قرن گذشته از وجود اعمال شرکت و عمال آن بر استقلال سیاسی و مبانی اخلاقی تشکیلات اجتماعی کشور ایران وارد گردیده است .

برای ملت ایران بسیار واضح است که کمپانی نفت جنوب بمنظور تأمین منفعت بیشتر و پایمال کردن حق السهم دولت ایران و برای اینکه هیچگاه تغلفات او از مواد فرار داد تحبیلی مورد کنترل و مواخذة مقامات ایرانی قرار نگیرد از هیچ مداخله در امور داخلی ایران در انتخابات پارلمانی در تشکیل احزاب و دستجات سیاسی در جاب و انحراف مطبوعات و حتی در تشکیل و ترتیب دولتها خود داری نکرده است اسناد و اوراقی که اخیراً از اداره اطلاعات و انتشارات شرکت مزبور بدست آمده و موجود است بصورت مسلم و انکار ناپذیری نشان میدهد که این اداره کانون جاسوسی و مراوده نامشروع با افرادی بوده که در نتیجه قدرت مالی و نفوذ سیاسی پنجاه ساله شرکت از راه راست منحرف شده و برای کارشکنی از دولت و ملت ایران خود را در اختیار رؤسای شرکت گذاشته بودند .

حمایت مترا نه دولت انگلستان از اقدامات و مطامع کمپانی در گذشته و حال

خاطره نفرت انگیز و فراموش نشدنی برای یکایک افراد ملت ایران بوجود آورده بصورتی که امروز افراد واحد مردم این مملکت در بر انداختن اساس این استعمار شوم یکدل و یکجهت در صف واحد ایستاده اند تجدید قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ و تعدید مدت که علی رغم میل و مصلحت ملت ایران بر هیت حا که آن بسختی و شدت تحمیل شد جز با حمایت و مداخله غیر مشروع دولت بریتانیا مقدور نبود مقدمه چینی ها و ارعاب و اخافه ملت و دولت ایران بنظور تعدید مدت از سطور برجسته و سیاه تاریخ گذشته ایران است که از خاطر هیچ ایرانی معو و فراموش نخواهد شد. حتی امروز هم با تمام تحولاتی که در اوضاع سیاسی و مقتضیات جهان و در افکار و عقاید ملت های مشرق و مخصوصاً ایرانیان روی داده دولت انگلستان با اینکه بهیچوجه با دولت و ملت ایران قراردادی ندارد و طرف معامله نیست باز برای حمایت از کمپانی نه از اعزام کشتی جنگی خودداری و نه از ترسل به تالیفات و تحریکات مسموم و مضر کوتاهی کرده است در واقع کمپانی با کمک سیاست مخصوص بریتانیا در شرق کشور و ملت ایران را بصورت مستمره و بسرده برای خود و دولت متبوعه خود در آورده است و تحمل این وضع هرگز و بهیچ قیمت برای ملت ایران که از اوضاع امروز دنیا بغوی خبردارد امکان پذیر نیست.

ملت ایران عقیده دارد که عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی او محصول مستقیم طمع و وزی و سود پرستی کمپانی است از اینجا است که دولت و ملت ایران با نهایت علاقه و کوششی که بصحت و سلامت تأسیسات نفت و تصمیم جریبان منظم آن بشترین سابق و دنیای آزاد دارد در صورتیکه استفاده از این منبع زرخیز بدون نجات از یوغ استعمار کمپانی سابق ممکن و میسر نگردد ترجیح میدهد برای تحمیل استقلال کامل سیاسی و اقتصادی خود با منتهای تأسف دستگاہهای عظیم استخراج و تصفیه نفت را در حال تعطیل نگاهدارد و از این منبع عابدی با تمام احتیاج مالی که دارد چشم پوشد.

نکته مهم و قابل ملاحظه دیگر که ملت ایران را در تصمیم ملی کردن صنعت نفت راسخ تر کرده است مسئله تعادل و توازن سیاسی است که در حفظ صلح جهانی و سلامت بین المللی نمیتواند بی تأثیر باشد. ملت ایران میخواهد همواره از تأثیر عمل و عکس العمل سیاستهای مختلف و مسلک های سیاسی متنوع بر کنار بماند و با آرامتر راه خود را بدون مداخله بیگانگان بطرف رشد و ترقی و رفاه و آسایش به پیماید بغاطر تأمین این منظور صنعت نفت را دوسراسر کشور مطلقاً و همیشه ملی کرده و زمام اختیار آنرا بدست خود گرفته تا چنانکه گفته شد موردی برای تقاضای امتیازات جدید در مناطق نفت خیز دیگر نماند.

با توجه به سائلی که توضیح شد تصدیق باید کرد که ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت از ابتدائی ترین و مشروع ترین اصول حاکمیت و استقلال سیاسی که مورد حمایت شدید سازمان ملل متحد است استفاده کرده و انتظار دارد تصمیم و اقدام او از طرف دنیای آزاد و ملت های آزاده جهان مورد تصدیق و تأیید قرار گیرد.

## گزارش آقای دکتر شایگان به مجلس شورای ملی راجع بدیوان دادگستری لاهه بتاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

چنانچه ذهن آقایان مسبوق است بنده از طرف هیئت مختلط و مع الواسطه از طرف نمایندگان مجلس و ملت ایران ماهوریت داشتم که بلاهه بروم و در امر رسیدگی بدرخواست دولت بریتانیا نظارت کنم .  
وظیفه بنده مثل هر ماهور دیگر اینست که گزارش کار خود را به عرض آمرین خود برسانم .

خاطر مبارك آقایان مسبوق است که دولت انگلستان ابتدا عرض عالی علیه دولت ایران تقدیم کرد که دولت ایران جواب داد نظر بدم صلاحیت محکمه و نظر بدم اهلیت اقامه کننده دعوی ، من در محکمه شرکت نمی کنم و جواب نمیدهم .  
مذالك مطابق اساسنامه دیوان دادگستری لاهه مافرصت نداشتیم که جواب

فصلی بعد بهمین درخواست انگلستان بدهیم زیرا در اساسنامه دیوان نوشته شده است که ترتیب محاکمه و مخصوصاً وقت محاکمه را با مشورت با طرفین دعوی تعیین میکنند و معمولاً اینکار دوسه ماه و یا لا اقل دو ماه طول می کشد ولی دولت انگلستان باین عرض حال اکتفا نکرد بلکه يك عرض حال ثانوی داد بعنوان درخواست تأمینیه قاعدتا برای رسیدگی بهمین درخواست هم بایستی مطابق منطق قضائی وقت کافی بطرف داده شود تا بیاید و حرفهای خود را بگوید اما این وقت کافی بیا داده نشد و یکی از ایراداتی که اشخاص ببطرف مکرر اظهار کردند همین بود که محکمه در تعیین روز محاکمه عجله کرده است دولت ایران بسرعت تمام جوابی واجح بدرخواست اقدامات تأمینیه تهیه کرد و تا وقتی که ترجمه جواب حاضر شد سه ساعت بعد از نصف شب روز پنجشنبه ششم تیر بود سر شب به بنده امر شد که بایستی این عرض حال را که میبردند به لاهه منم در در آنجا باشم و توضیحاتی من غیر رسم برای قضات بدهم .

ساعت چهار بعد از نصف شب با هوایمای مخصوص بطرف لاهه حرکت کردیم و این هوایما چون برای کار ما آماده نبود بجای ۱۶ ساعت مارا در ظرف ۲۷ ساعت بلاه رسانید بطوریکه وقتی ما بلاه رسیدیم بیش از سه ساعت به موقع محاکمه باقی نبود چون وقت کم بود و رئیس محکمه هم سابقا استادمین بود . ما رفتیم خدمت ایشان تا توضیحات خود را بدهیم .

او برای اینکه در مظان تهمت نباشد و انگلیسها ایراد نکنند که مذاکرات ما در حکم تبانی بوده ایشان مرا بشنهای پذیرفت و رئیس دفتر محکمه و وزیر مختار ایران با ما در این جلسه شرکت جستند .

بنده آنچه در قدرت داشتم از قرارداد ۱۹۳۳ گرفته تا مظلالم که بانی سابق و ملی شدن نفت همه اینها را بتفصیل بعرض ایشان رساندم و در نتیجه ایشان گفتند من خیلی خوشحال و روشن شدم که این مسائل برای من گفته شد .

ولی چرا خوتان نمی آید در محکمه تا این مسائل را بگوئید .  
من گفتم بنده مامور دولت نیستم بلکه يك فرد عادی هستم و نمایند هیئت مختلط نفت هستم ولی آنچه من میدانم اینست که دولت ایران محکمه را صالح نیداندند در آخر هم اصل قضیه مبتلابه را بابشان عرض کردم و گفتم شما قبل از اینکه قرار صلاحیت یا عدم صلاحیت بدهید نمیتوانید در باب اقدامات تأمینیه نظری بدهید .  
بنده بعنوان نظر قضائی شخصی خودم این مسئله یاد آوری کردم و ایشان هم گفت در این خصوص صحبت خواهد شد .

بعلاوه وقتی بلند شدیم دست مرا فشرد و گفت مطمئن باشید از فیصل آن مطمئن باشید بود که وقتی میخواهند سر کسی ببرند با او میگویند ، مطمئن باش مثل گل سرت را خواهیم برید .

بهر حال محکمه ساعت ده و نیم صبح شنبه تشکیل شد جای نمایندگان ایران خالی بود و بنده هم جزو نماشاپیان سیاسی نشسته بودم محکمه با ابهت تمام تشکیل شد اعضاء محکمه لباس رسمی بر تن داشتند و قضات و نمایندگان انگلیس هم علاوه بر لباس رسمی کبسون مصنوعی روی سرشان گذاشته شده بود .

وکیل انگلستان در این امر مدعی العموم تیز انگلستان بود که مرد محترمی است ما که دفاعی نداشتیم و شرکتی هم نداشتیم و او هم لایحه اش را آورد و خواند و تنها بیانی که میکرد این بود که اظهار خستگی میکرد و می گفت محکمه خوبست اجازه بدهد قدری بنشینیم .

این لایحه مطلب مهمی ندارد یعنی در ابتدا شرحی از پیش آمدهای ایران در باب ملی شدن نفت را ذکر میکند و بعد باین قضیه مشگله وارد میشود که آیا محکمه قبل از اینکه قرار صلاحیت صادر کند میتواند قرار تامينيه صادر کند یا خیر حقوقدانها میدانند که نه در منشور ملل متحد و نه در اساسنامه دیوان چیزی که مشر بر این امر باشد موجود نیست و موضوع برویه قضائی بر میغورد و این آقا یعنی مدعی العموم انگلستان بحث میکرد که مطابق رویه قضائی دادگاه میتواند قرارداد تامينيه صادر کند البته این دلائل خیلی مست بود .

بعد از تعطیل محکمه که صبح و عصر بود رئیس گفت: اگر من صحبتی داشته باشم و تحقیقی بخواهم بکنم از طرفین دعوت خواهم کرد و روز اعلام رای را هم بعد اعلام خواهم کرد .

ایشرا هم باید عرض کنم که جوابها اصلا قرائت نشد و بآن اشاره ای هم بعمل نیامد .

روز بعد مخبرین جراید آمدند تا من مطالب خود را بگویم . من علت عدم شرکت دولت ایران را در محکمه و عدم صلاحیت محکمه را بآنها عرض کردم و تمام مطالب من در جراید منعکس شده و حتی فیلم ناطقی هم از بنده برداشته شد و در سینماها نشان داده شد .

بهر حال ما تلاش کردیم نارئیس محکمه را ببینیم و باو بگوئیم لافل جواب ایران را هم در محکمه بنهواند ولی متأسفانه هیچ يك از اینها را کسی ندید و حتی وزیر مختار ما هم که خیلی مردم وطن پرستی است سعی کرد شاید اینها را در مجامع رسمی ببیند ولی باز هم موفق نشد .

بالاخره صبح پنجشنبه فرارسید و در آنروز اعلام کردند که محکمه رای خود را خواهد داد و سهونیم بعد از ظهر آن رانی را که ملاحظه کرده اید گذاشتند جلوی ما و منم بلافاصله عرض کردم این رای صحیح نیست و ملت ایران و دولت آنرا قبول ندارد ( صبح است )

بعد هم با مخبرین جراید در سفارتخانه مصاحبه ای کردیم و مطالب خود را برای آنها گفتیم تا آنجا که بنده عرض کردم محکمه تحت نفوذ سیاسی دولت انگلستان قرار

گرفته است .

این مطلب به دو نفر از معبرین جراید که فرانسوی بودند گران آمد چون رئیس محکمه فرانسوی است و آنها بمن حمله کردند که چرا این حرف را زده ام و این مطلب توهین به محکمه است و سابقه ندارد .

از آنجا که حق همیشه حکومت دارد عده دیگری به آن دو نفر گفتند خیر این مطلب سابقه دارد مگر مسئله پانامارا یاد ندارید .

بعد بمن گفتند چرا باستادت احترام نیگذاری من گفتم بنده بوطنم پیش از استادم احترام میگذارم .

بعد عرض کردم شما همه از نظر اقتصادی و مالی این مطلب را نگاه می کنید در حالیکه ملت ایران این مسئله را از نظر سیاسی بیشتر مینگرد و بعد اضافه کردم اسنادیکه از شرکت سابق کشف شده این مطلب را تأیید میکند به حال بنده دیگر کاری نداشتم جز مصاحبه دومی که قرار بود در آن اصل سند مکشوفه را در اختیار معبرین جراید بگذارم .

در ضمنی که من در لاهه بودم دنبال اطلاعاتی در امر نفت بودم و یکی از اینها پیشنهادات متعددی بود که ضمن آنها تقاضای کار میشد و دیگری پیشنهادات خرید بود که خودشان حاضر بودند که وسایل حمل و نقل را تهیه کنند .

چون آنروز هنوز آگهی فروش نفت صادر نشده بود و هلند هم دولت کوچکی بود این پیشنهادات خرید زیاد نبود بلکه از چند میلیون تن تجاوز نمیکرد بنده به بابتخت سایر کشورها هم رفتم و در پاریس به همین قبیل تقاضا رسیدگی کردیم و بعد آقای منصور آزرمتلفن کردند که من بایتالیابرای دیدن ایشان بروم . راجع بخدم صلاحیت محکمه هیچ اشکالی نبود و در آن مصاحبه ها بنده اینطور گفتم :

معصکه لاهه بك دیوان حكمت است نه بك دیوان بعضی نام و تمام که بدون مراجعه طرفین صلاحیت داشته باشد که وارد دعوا شود .

صلاحیت او در همان حدودی است که از طرف مالک پذیرفته شده باشد و ما در موقعی که مسائلی را در مورد دیوان دادگستری قبول کردیم یکی از آنها همین اعمال حق حاکمیت بود که تمام دول ملی کردن صنایع را هم جزء حق حاکمیت دول شناخته و از اینروز محکمه صلاحیت رسیدگی باین امر را نداشته .

اعتراض دوم راجع باین بود که اولاً محکمه وقت کافی برای جواب نداده و ثانیاً محکمه ای که از او قرار خواسته اند آمده و وارد ماهیت دعوا شده و رژیم برای کار معین کرده است البته این حرف در اشخاص بی طرف مؤثر واقع میشد جزو مطالبی که من گفتم این بود که این قرار تأثیری برای ملت انگلستان ندارد ولی تأثیر بدی برای محکمه دارد زیرا ملل ضعیف تاکنون خیال میکردند اوضاع سابق در هم پیچیده شده و ملل ضعیف تصور میشوندند که دول قوی میخواهند با آنها با مساوات رفتار کنند ولی عمل شما ثابت کرد که وضع مثل سابق است تنها لباس آنرا عوض کرده اید .

بعد متوجه شدم که عکس‌العمل دولت ایران و پس گرفتن امضاء از طرف ما برای دیوان خیلی بد بوده است و آقای وزیر مختار بعد از اینکه نامه دولت را به رئیس دفتر محکمه داده بودند می‌گفتند وقتی من لایحه دولت ایران را تقدیم رئیس دفتر لاهه کردم او خیلی متاثر و خشمگین شد و کاملاً ناراحت گردید .

گزارش بنده در قسمت قضائی همین بود ولی باید از موقع استفاده کردم و بگویم این اقدام دولت ایران چه تأثیری در دنیا داشته است .

ملی کردن نفت دولت ایران را یکی از دول مهمه دنیا کرده و آبروی ملت ایران يك برهزار شده است . ملتی که هیچ صحبتش نبود امروز تمام سرمقاله‌های روزنامه‌های جهان صرف صحبت از همت و شجاعت او شده است .

کاری که مجلس شورای ملی بکمک ملت ایران کرده است بقدری طرف توجه است که اگر من تمام وقت آقایان را برای توضیح آن بگیرم کافی نیست سفارتخانه‌های ایران که سال بسال کسی بآنجا ها نیرفت امروز مرجع مراجعه تجار بزرگ دنیا شده که هر دقیقه وقتشان میلیونها ارزش دارد .

روزنامه ها حتی جرأید دشمن مینویسد این اقدام دولت ایران باعث اعجاب دنیا است .

بنده شنیدم که بعضی ها نگرانی هائو در داخل ایران دارند و بنده مطالبی دارم که متکی بجرأید انگلیسی و فرانسوی است اینها در مقالاتی که می‌نویسند میگویند دولت انگلستان غیر از اینکه با دولت ایران بیست رفتار کند راهی ندارد .

وقتی من در لاهه بودم آقای امامی آمدند و من از نظریات ایشان استفاده کردم بهر حال این اوراق و اسنادی که من با خود آورده ام یکی با دوتا نیست بلکه يك کارتن بزرگ از آنها را با خود آورده ام .

دلایل این جرأید اینستکه اولاً این کار یعنی اتخاذ روشی جرم‌سالمات اشکالات لا ینحل بین‌المللی ایجاد خواهد کرد و يك دولت که فعلاً در حال صلح است با ما وارد در جنگ خواهد شد و در ثانی مسئله اشغال قسمتی از ایران کار چند صد نفر قشون نیست بلکه ما باید قوای کافی بفرستیم تا آنجا را برای مدت مدیدی اشغال کنید و فعلاً ما وسایل کار را نداریم و برای ما باعث بی آبرویی خواهد شد . اینها را روزنامه های انگلیسی نوشته اند .

دلیل سوم این جرأید اینست که اشغال قسمت خوزستان برای خاطر حفظ پرستیژ انگلستان شوخی است اگر ما میرویم باید برویم برای استفاده و مسلم است با این روح ملی و احساسات وطن پرستانه که در ایران هست ، ما موفق میشویم که استفاده از منابع نفت بکنیم زیرا کارگر ایرانی جز برضایت دولتش کار نخواهد کرد .

حال آقایان قدر این احساسات ملی را بدانید . من این عرایض را عرض کردم تا کسانی که ضعیفند بدانند که این حرفها از قبیل پیاده کردن قشون جز شوخی چیز دیگری نیست .



اما مردم دنیا همه بنظر تحسین با نگاه میکنند .  
در مکالمه هاییکه در هلند و مکزیک و فرانسه میکردیم اشخاص بی طرف  
می گفتند چه کار خوبی کردید و اینها انگلستان را تخطئه میکردند که این دولت از قرن  
نوزدهم يك تسلط مصنوعی در دنیا ایجاد کرده و کهنه کارهای دولت انگلستان هنوز هم  
خیال میکنند دنیا همان دنیای صد سال پیش است .

در هلند علاوه بر این نظر های کلی يك کینه ای هم نسبت بانگلیسها دارند و  
و آن راجع بسئله اندونزی است که می گفتند در آن موقع اندونزی میخواست مستقل  
شود اینها حرفهایی میزدند ولسی امروز خودشان از استقلال اقتصادی يك مسلکت  
جلوگیری میکنند .

اما تبلیغاتی که میکنند اینستکه میگویند ممکن است مجلس ما یا ملت از دولت  
فعلی جدا شود .

هر مقاله ای که انگلیسها مینویسند ترجیح بندش اینست که ما با این اوضاع  
فعلی ایران و با این احساسات ملی امید پیشرفتی برای شرکت نفت نداریم و باید تمام  
قوای خود را صرف کرد تا دولت دکتر مصدق را انداخت .

اینها میگویند تنها چاره ما این است که مجلس بدولت دکتر مصدق رای عدم  
اعتماد بدهد و اشخاص دیگری را روی کار بیاورد .

نتیجه اتحاد ملت ایران باعث ایجاد این آبرو برای دولت ابران شده و من  
منتقدم تمام این مشکلات با اتحاد و اتفاق ملت ایران رفع خواهد شد .

امروز مشکل ایران مشکل دادگاه لاهه نیست . مشکل ایران مشکل ارجاع  
بساازمان ملل نیست خاصه اینکه اکنون نمیتوانند بساازمان ملل رجوع کنند زیرا قرارداد  
را نبشود بساازمان ملل رجوع کرد .

بهرحال ضعف ایران اینها نیست بلکه ضعف ما موقمی است که در اثر تبلیغات  
سوء ایادی شرکت نفت تفرقه بین مجلس و دولت و ملت ایران ایجاد شود بود و آتروز  
الته روزی شادی آنها خواهد بود .

بهرحال نگرانی از پیاده کردن نیرو درمیان نیست بلکه نگرانی این است که  
مبادا آنها در بین مردم تشتت ایجاد کنند و آنوقت به آرزوی خود نایل شوند . تکیه گاه  
ما اینست که اولاً اقدامات خارج از ایران آنها بجائی نیرسد و امر دیگر اینست که اینها  
نیتوانند از نفت ایران صرفنظر کنند احتیاج مبرم اینها باعث میشود که اقداماتی نکنند  
که موجب شود که نفت را از ایران نتوانند ببرند .

در پیرو عرایض خود راجع با اتحاد و اتفاق ملت ایران چون عده ای مبدانستند

که من صبح امروز این عرایض را عرض میکنم سه طبقه اوراقی در باب اتحاد و اتفاق و پشتیبانی از دولت آقای دکتر مصدق امضاء کرده و بمن داده اند .  
( ناطق سه طومار بلند و بزرگ را که بر از امضاء بود تقدیم رئیس کرد . )  
بعلاوه آنکسی که نوشته بود امضاء من در بیانیه اصناف و بازرگانان جمل شده است اشتباه کرده و معلوم شد آن شخص او نبوده و امضا مال دیگری است .  
این اوراق که تقدیم میکنم یکی مربوط باهالی سه راه قزوین و دیگری متعلق باهالی سه راه زاله است که در آن اسم آقای آزاد را هم ذکر کرده و نوشته اند امیدواریم ایشان با دولت مخالف نکند .

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره ۱۰۷۸  
مورخه ۱۳۳۰/۵/۹

## مجلس شورای ملی

طبق ماده ۹ مصوب اردیبهشت ۱۳۳۰ گزارش عملیات هیئت مختلط نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را بنسبیه تقدیم و طبق دلایل مندرجه درعین گزارش خواهشمند است مدت اختیارات هیئت مزبور را برای سه ماه دیگر از تاریخ تصویب تمدید فرمایند .

نهم مرداد ماه ۱۳۳۰ مخبر هیئت مختلط - دکتر عبدالله مظفری

## گزارش از کمیسیون هیئت مختلط بمجلس شورایی ملی در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱

بطوریکه خاطر شریف آقایان معترم مستعصر است بموجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت مورخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ لازم بود هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورایی ملی بانتخاب هریک از مجلسین یا انضمام وزیر دارائی یا قائم مقام او تشکیل شود تا بحکم همان قانون نظارت اجرای قانون ملی شدن را بعهده بگیرد. از طرف مجلس سنا در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه آقایان: بیات و سروری و دکتر شفق و دکتر متین دقتری و نجم و از طرف مجلس شورایی ملی در تاریخ ۲۲ همان ماه آقایان: اردلان و دکتر شایگان و اللهبار صالح و دکتر معظی دمکی برای این منظور انتخاب و تعیین شدند و اولین جلسه

هیئت مختلط با حضور آقای مهندس حبیبی که بعنوان قائم مقام وزارت دارائی معرفی شده بودند در همان روز ۲۲ اردیبهشت انعقاد یافت و باتفاق آراء جنابان آقایان اللهبیار صالح را بریاست و اردلان را بنیابت ریاست وحسین مکی را بسمت منشی انتخاب و شروع بکار نمودند. هیئت مختلط در تمام این مدت باستثنای ایام تعطیلات هفته و ایام احیای ماه مبارک هر روز جلسات مرتب منعقد ساخته و اوقاتی در روز دو جلسه تشکیل داده و بوظائف مقرر پرداخته و بجمداقه در تمام موارد حسن نیت و حسن وحدت در بین اعضاء وجود داشته است اینکه چون بموجب ماده نهم قانون مذکور در فوق هیئت مختلط ملزم است در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ تقدیم دارد مبادرت برض این گزارش مختصر مینماید گزارش مفصل و مستدل بانضمام اسناد و مدارک متعاقباً تقدیم خواهد شد.

دراقتحاج جلسه اول جناب آقای نخست وزیر شخصاً در جلسه حاضر شدند و بیاناتی جامع در باب لزوم همکاری و اصول و مبانی کار ایراد فرمودند و در وظائف اساسی هیئت و همکاری با دولت مذاکراتی در حضور معظم له بعمل آمد و طبق خواهش ایشان قرار شد هیئت مختلط گذشته از اعمال حق نظارت در کلیه امور و تصمیمات مربوط به نفت در هر مورد نظریات مشورتی هم اظهار دارد و مراجعات دولت را از این لحاظ مورد مطالعه قرار دهد.

قانون نهم اردیبهشت ماه وظائف اساسی هیئت مختلط را بر وجه ذیل تعیین کرده است :

- ۱- نظارت در خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- ۲- نظارت در رسیدگی دولت بمطالبات و دعاوی دولت و شرکت .
- ۳- نظارت در رسیدگی بحساب درآمد نفت از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ و در امور بهره برداری تا تعیین هیئت عامله .
- ۴- تهیه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران .
- ۵- تهیه آئین نامه فرستادن محصل بخارج برای فرا گرفتن رشته های مختلف مربوط به صنایع نفت .
- ۶- تهیه و تقدیم پیشنهاد های لازم ب مجلسین .

چون موضوع خلع ید ، قدم بتمام عملیات دیگر بود و بموجب ماده ۲ قانون لازم بود بلافاصله تحقق پیدا کند لذا هیئت مختلط بالطبع اولین جلسات خود را مصروف ببحث در این مهم کرد و در پیدا نمودن طرق عملی آن و تعیین طرز نظارت خود بمباحثات و مطالعات لازم پرداخت که خلاصه آن برض خواهد رسید . توأم با این مطالعات هیئت مختلط از طرفی بحکم وظیفه کلی که داشت و از طرفی بموجب اینکه دولت همکاری مستمر و نظر مشورتی هیئت را در کلیه امور مربوط به نفت تقاضا میکرد مقتضی دید در ضمن عمل نظارت در اجرای قانون و پرداختن ب کلیات و اصول يك سلسله پیش بینی های لازم

مقدماتی تعیین و بدولت تقدیم دارد نیز در مسائل و امور جاری اظهار نظر کند و در عین حال مطالباتش بعمل آورد بنا بر این فعالیت هیئت بیشتر معطوف باین سه قسمت یعنی پیش بینی های مقدماتی و امور و مسائل جاری و مطالبات و مسائل و اصول مربوط به اجرای ملی کردن نفت بوده است.

### پیش بینی های هقدماتی

پیش بینی های مقدماتی ذیل بعد از مذاکرات لازم تدوین و بدولت تسلیم شد :

۱ - اداره مربوط بامور نفت وزارت دارائی توسعه و تکمیل و کلیه امور راجع به نفت در آنجا تمرکز داده شود و مسائل اصولی و امور جاری بلا اقطاع در آنجا مورد توجه و تعقیب واقع گردد و کمیسیونهای ذیل بیدرنگ ایجاد و مستراً شروع بکار کنند :

الف - کمیسیون حقوقی برای پیش بینی های لازم حقوقی و معاکساتی و تهیه کلیه اسناد و مدارک .

ب - کمیسیون فنی برای مطالعه جهات فنی صناعت نفت در ایران و پیش بینی مشکلات گوناگون و تهیه هر نوع وسائل عملی .

ج - کمیسیون مالی بمنظور تهیه اسناد و مدارک مربوط برسیدگی بحسابات شرکت سابق نفت در ضمن تذکر داده شد که اعضاء کمیسیونهای مذکور در هر موضوع بامنظور داشتن صلاحیت و سوابق از کارمندان بصیر و خبره دولت انتخاب شوند و در صورت لزوم برای مشاوره های حقوقی از علمای حقوق مالک بیطرف خارجی استفاده بعمل آید و بیک محاسب زبردست و بیک خبره عالی مقام در امور عمومی نفت از مالک مذکور برای همکاری با کمیسیون محاسبات استخدام شوند .

۲ - دولت دستگاه تبلیغات صحیح و مرتبی در داخله و خارجه برای توضیح و بیان دعاوی و دلایل ایران بر پا دارد و در عین حال هیئت مختلط و اداره نفت وزارت دارائی و کمیسیونها را مدام در جریان اخبار و اطلاعات لازم بگذارد .

۳ - دستورهای لازم برای تثبیت امنیت و آرامش کامل در خوزستان و کلیه نقاط نفت خیز جنوب صادر شود .

۴ - برای تأمین هر گونه وسائل حفاظت مؤسسات نفت جنوب اهتمام کامل بعمل آید .

۵ - پیش بینی های لازم مالی و سیاسی و انتظاماتی برای موقع تعطیل محتمل و موقت صناعت نفت و بیکاری کارگران و کارمندان و مسائل و پیش آمدهای احتمالی دیگر بعمل آید .

یابده تذکر داده شود که خود هیئت مختلط هم مستقیماً سو کمیسیونهای قضائی و فنی مرکب از اعضاء محترم دادگستری و قضات و حقوق دانان مبرز و مهندسين مجرب تشکیل داده و از نظریات آنان استفاده کرده است و در اینموقع لازم است از همکاری و مساعی آنان بیاسگذاری بعمل آید .

شاید احتیاج بذکر نباشد که هیئت با وجود تراکم اشتغال از تشکیل دفتر و آرشینو صرفه‌جویی کرده و کلیه امور بحکم وظیفه افتخاری بمهده خود اعضاء هیئت بوده و تمام کارهای مربوط بصورت جلسات و دفتر و ماشین نویسی بمهده دوفتر یعنی آقایان فضل‌الله وجدی و محمد علی مشایخ از کارمندان مجلس و یکنفر ماشین نویس از وزارت دارائی بوده است .

جناب آقای نعتت وزیر هم باوجود اشتغالات زیاددانی همواره با هیئت مختلط همکاری فرموده و چندین بار در جلسات خصوصی هیئت شرکت جستند .

### امور و مسائل جاری و مطالعات

گذشته از مراتب فوق هیئت مختلط با جنبه مشورت و حق نظارت که داشته با يك رشته امور و مسائل جاری و مراجعات سر و کار پیدا نموده و در هر يك از آنها مذاکره و اتخاذ نظر یا تصمیم کرده و نتیجه را برراجع مربوطه ارجاع نموده و در ضمن مطالعاتی هم در پیرامون مسئله نفت بعمل آورده است اینک شه ای از اینگونه کارها بر وجه ذیل عرض میرسد :

۱ - رسیدگی بمراسلات و پیشنهادهای متفرقه که از داخل و خارج مربوط به طرز عمل در راه ملی کردن نفت رسیده .

۲ - رسیدگی به پیشنهادهای اشخاص یا شرکتهای خارجی مربوط به صدور و فروش نفت .

۳ - رسیدگی بمراسلات و مراجعات هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران .

۴ - رسیدگی بمراجعات دولت در باب تدابیر واقدامات و مخابرات و مذاکرات و نظایر آن .

۵ - مطالعه و اظهار نظر در مخابرات و مذاکرات بیامها و مراسلات دولت با ممالک دیگر .

۶ - مطالعات در امور ممالکی مانند مکزیك که صنعت نفت خود را ملی کرده اند نیز در باب صنعت نفت و نزول و کشورهای متحده و سایر مسائل فنی که توسط آقای مهندس حبیبی توضیحات داده شده .

۷ - تنظیم مصاحبه‌های لازم با مخبرین جراید و تهیه جواب سئوالاتی که از ممالک خارج بناوین مختلف فرستاده شده است .

### موضوع اجرای قانون ملی شدن نفت

چنانکه در مقدمه اشارت رفت جلسات اولیه هیئت بطور کلی معروف مباحثه و مطالعه لازم در طرز شروع بعمل اجرای قانون ملی شدن مطابق قانون ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و ادامه آن و دادن نظر مشورتی در این باب بدولت و وجوه مختلف روش کار مورد مذاقه واقع گشت و این امر تاکنون بایه کار هیئت را تشکیل داده است زیرا موضوع

اساسی و مبنای کار هیئت بحکم قانون اجرای نظارت و اعمال حق مشورت در باب عملی شدن قانون ملی شدن است. بعد از اقدامات و توصیه‌های مقدماتی که خلاصه آن مروض افتاد هیئت مستقیماً وارد بحث در عملی کردن قانون گشت و بالطبع در اولین وهله مواجه با ماده دو یعنی لزوم خلع ید شرکت سابق از طرف دولت گردید که لازم بود نظریات مشورتی هیئت در این باب معلوم و بدولت اعلام شود.

بعد از مذاکرات مفصل چنین بنظر رسید که برای تحویل زمامداری شرکت هیئتی سه نفری بنام هیئت مدبره موقت از اشخاصیکه بنظر هیئت ذیصلاحیت تشخیص داده میشود تعیین و باین سمت بدولت پیشنهاد شود در انتخاب آنان از میان حدود سی نفر از سرشناسان کشور که توسط اعضاء پیشنهاد شده بودند قرار شد آنانی انتخاب شوند که هیچیک از اعضاء هیئت مخالفت یا امتناع در رأی بآنان نورزد در نتیجه این روش آقایان معمد بیات، دکتر معمود حسابی و معمود نریمان تعیین و بدولت معرفی شدند ولی چون آقای نریمان پذیرفت و آقای دکتر حسابی استعفا کرد بجای آنان آقایان مهندس بازرگان و دکتر عبدالعسین علی آبادی تعیین شدند تا بعد از مشاوره در مسائل مقدماتی و فراهم آوردن وسائل و تعیین اصول و وظائف و اقدامات که بصورت موادشکانه و چهارگانه تنظیم شد بصوب مقصد و برای اجرای مأموریت حرکت نمایند.

اینک متن مواد شکانه و چهارگانه محتوی مقررات راجع به هیئت مدبره موقت و وظائف آنان:

### مواد شکانه :

- ۱- برای اجرای ماده ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیئتی مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیره موقت از طرف دولت انتخاب میشوند که با نظارت هیئت مختلط انجام وظیفه نمایند.
- ۲- هیئت مزبور دارای کلیه اختیارات لازمه برای اداره امور شرکت اهم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره برداری خواهند بود.
- ۳- مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایران بتصویب نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت سابق نفت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) میباشد.
- ۴- کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه شرکت سابق نفت کماکان بخدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی ایران شناخته میشوند.
- ۵- هیئت مدیره موقت باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفتی بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود.
- ۶- برای اینکه نرخ عادلانه بین المللی تعیین و ضمناً در امر صادرات نفت وقفه و مضیقه‌ای حاصل نشود هیئت مدیره موقت مکلف است بمحض ورود بجزوستان اعلانی در



ایران و خارجه منتشر نماید بدین مضمون که در ظرف مدت یکماه طبق برنامه موجود شرکت سابق نفت در مقابل اخذ رسید خریداران سابق مواد نفتی داده خواهد شد. خریداران در اینصورت مکلفند بدختر هیئت مدیره موقت مراجعه نموده ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را که در مدت مذکور برده اند بدهند و همچنین برای احراز حقوق مذکور در ماده ۷ قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و ترتیب خرید و فروش نفت در آتیه موافقت هیئت مدیره را جلب نمایند. هیئت مدیره موقت اصول توافق با خریداران را برای تصویب بهیئت مختلط پیشنهاد خواهد نمود.

مواد چهار گانه:

### طرح چهار ماده راجع بتشکیل هیئت مدیره موقت و وظائف آن

۱ - هیئت مدیره موقت مرکب از آقایان مهندس بازرگان و دکتر علی آبادی و مهندس بیات بجزد ابلاغ از طرف دولت بخوزستان حرکت مینمایند که طبق مواد ششگانه راجع باجراء ماده (۲) قانون مصوب نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ با نظارت هیئت مختلط عمل نماید.

۲ - در حکم مأموریت هیئت نامبرده که بامضاء جناب آقای نخست وزیر صادر میشود تصریح خواهد گردید که مؤسسات تابع شرکت سابق نفت باید از این تاریخ کلیه دستورالعملهای هیئت مدیره موقت را اجرا نمایند و حکم مزبور و همچنین خبر عزیمت هیئت نامبرده بلافاصله بوسیله رادیو و مطبوعات منتشر خواهد شد.

۳ - در موضوع حقوق و عوارض گمرکی هیئت مدیره موقت نظر خود را با اطلاع دولت میرساند تا دستور مقتضی صادر شود.

۴ - هیئت مدیره موقت باید ترتیبی فراهم نماید که در توزیع داخله خلی وارد نیاید.

در باب ماده سومه واد چهار گانه توضیحات گفته میشود که در بند مذاکرات مربوطه بخلع بد از اقداماتیکه فوری و مقدماتی بنظر میرسد این بود که بامورین گمرکات ابلاغ شود صدور و ورود کالای مربوط بشرکت سابق را مطابق مقررات گمرکی کنترل و تابع قوانین گمرکی سازند ولی بعداً مناسب دیده شد آن موضوع هم جزو تکالیف هیئت مدیره موقت قرار داده شود و طرز اقدام بتشخیص آنان واگذار گردد. هیئت مختلط برای اجرای حق نظارت خود در محل تصمیم گرفت سه نفر از اعضاء خود را بخوزستان بفرستد تا در عملیات اجرائی هیئت مدیره نظارت و با آنان مشاوره و همکاری کنند و برای این منظور آقایان دکتر دفتری و ناصر قلی اردلان و حسین مکی تعیین شدند.

در این ضمن هیئت مرتباً در مسائل حقوقی و اصولی کار مطالعه و مشاوره خود را ادامه میداد و نظریاتی تعیین و بدولت ابلاغ مینمود و گاهی با خود اعضاء دولت مشاوره

و مذاکره میکرد و مخصوصاً مورد مشورت وزارت خارجه واقع میگشت و در مسائلی اتخاذ تصمیم مینمود .

اینک اصولی که هیئت در این مورد اتخاذ نموده بطور خلاصه ذکر میشود :

۱ - قانون ملی شدن صناعت نفت در ایران حق مسلم ملت ایران و لازمه حاکمیت ملی و لایتنیر است .

۲ - قرارداد ۱۹۳۳ گذشته از اینک در آن موقع بزور و عنف تحصیل شده است و بالتبیه نافذ نمیتواند باشد بالطبع در مقابل حق حاکمیت ایران کان لم یکن معسوب است .

۳ - در اختلاف بین شرکت سابق و دولت ایران دولت انگلستان بعنوان دولت عنوانی برای مداخله ندارد چون دولت ایران با یک شرکت خصوصی طرف است و اگر اختلافی و دعوائی پدید آمد مرجع صلاحیتدار معاکم داخله و طرفین دعوی دولت ایران و شرکت میتواند باشند نه دولت انگلیس .

۴ - در عین مسلم بودن این امر مراتب هیئت مختلط علاقه داشت کار بهره برداری در مدت مذاکرات نخواهد و هر نوع اهتمام بعمل آید تا کارمندان و کارگران و کارشناسان خارجی بر سر کار خود بمانند حتی با این نظر مورد تشویق واقع شوند نیز بعد از وضع خلع بد بنیاسات شرکت تا آنجا که مخالف با قانون ملی شدن نباشد مقررات شرکت سابق کماکان مرعی و مجری گردد چنانکه این تصمیم در مواد شکایته و چهارگانه مزبور در فوق هم منعکس است .

علت تصریح اصول فوق زمره ای بود در اخبار خارجه که دولت انگلستان و شرکت سابق در صدد شکایت از ایران در معاکم بین المللی و تقاضای حکمیت هستند مؤید این قول نامه مورخ ۱۷ اردیبهشت ماه شرکت سابق بوزارت دارائی و تذکاریه ای بود که در ۲۶ اردیبهشت ماه از طرف دولت انگلستان توسط سفیر کبیر ایران در لندن مقرون بهمین مضامین و با استناد بقرارداد غیر نافذ ۱۹۳۳ داده شد و مورد مذاقه هیئت مختلط واقع گشت و جواب مفصل تهیه شد ولی چون در همین حال صحبت آمدن هیئتی از طرف شرکت سابق برای مذاکرات بیان آمد دولت بامید پیدا شدن راه تفاهم از استعجال در فرستادن جواب خودداری نمود . در همین تاریخ بیانیه ای نیز از طرف وزارت خارجه کشورهای متحده امریکا در جراید انتشار یافت که طرفین را دعوت بمذاکرات و حل اختلافات میکرد این پیام هم مورد مطالعه کامل هیئت مختلط واقع گشت و در جوابی که توسط وزارت خارجه درسی ام اردیبهشت ماه داده شد آمال ملی ایران و قانون ملی شدن نفت و انتظارات ملت ایران از ملت آزاد بخواه امریکا توضیح گردید .

در خلال این احوال چون لازم بود هیئت مدیره موقت برای اجرای عمل خلع بد از شرکت بیست مأموریت حرکت نمایند جناب آقای وزیر دارائی در ملاقاتی که روز چهارشنبه هشتم خرداد ماه با نماینده شرکت نمود مقاصد دولت را در اجراء قانون ابلاغ و ضرب الاجلی برای جلب نظر آن شرکت تعیین کرد و این مذاکرات منجر بحاضر شدن شرکت باعزام یک هیئت نمایندگی برای مذاکرات گردید درین بین هیئت مدیره

موقت در تاریخ ۱۵ خرداد و سه روز بعد هیئت نظارت برای عمل‌بوظایف خود باهواز حرکت کردند ضمناً برای اینکه در مقاصد ملت ایران سوء تفاهم روی ندهد و انتشارات و اخبار گوناگون خارجی موجب انحراف افکار نگردد مصاحبه‌ای از طرف رئیس هیئت مختلط در تاریخ دوم خرداد ماه با مطبوعات بعمل آمد و مطالب مربوط بقاصد مشروع ملی ایران و رد اسناد مصادره غیرقانونی اموال متعلق بشرکت سابق و وظائف هیئت مختلط و نبودن خصومت بین دولتین ایران و انگلیس و اهتمام ایران بعد اعلای بهره برداری و استفاده از کارمندان خارجی شرکت سابق و حاضر بودن ایران بفروش نفت بفریداران سابق و نظایر این مطالب با تمام وضوح بیان شد بلافاصله جناب آقای نخست وزیر هم آمال ملی ایران را در مصاحبه‌ای دیگر بیان و مخصوصاً به موضوع تقرو فاقدر ایران جلب توجه خاص کردند و حق مسلم ایران را در ملی کردن نفت و نظردولت را نسبت باستفاده از کارمندان خارجی و فراهم آوردن وسائل تشویق آنان یک بار دیگر تصریح فرمودند .

بالاخره شرکت سابق حاضر شد هیئتی برای مذاکره با دولت ایران بتهران کسبل دارد و هیئتی تحت ریاست آقای جکسن روز ۲۰ خرداد ماه وارد تهران و از فردای آنروز مذاکرات بین طرفین شروع شد و روز سه‌شنبه ۲۸ خرداد ماه پیشنهاد های شرکت بواسطه هیئت مزبور تقدیم شد ولی پیشنهاد های مذکور از طرف هیئت نمایندگی دولت قابل قبول و قابل تألیف با قوانین ملی شدن تشخیص داده نشد و چون شرط ادامه مذاکرات قبول شدن قوانین ملی شدن قرار داده شده بود بحکم ضرورت همان شب مذاکرات قطع و دو روز بعد نمایندگان شرکت از تهران حرکت کردند .

بمجرد انقطاع مذاکرات هیئت مدیره موقت که ۱۵ خرداد ماه باهواز حرکت کرده بودند از طرف دولت مأمور شدند خلم ید را که شروع کرده بودند مطابق دستور هائی که داده شد توسعه دهند و تکمیل کنند و هیئت مدیره با نظارت نمایندگان هیئت مختلط عملیات مقدماتی ذیل را انجام دادند :

۱ - هیئت مدیره موقت بعمارن مرکزی شرکت در خرمشهر انتقال یافته بود زمام امور را بدست گرفت .  
 ۲ - بدیران و کارکنان شرکت سابق اخطار شد تحت اوامر هیئت موقت کار خود را ادامه دهند .

۳ - مهندسین ایرانی که بهمراهی هیئت اهزام شده بودند بوظائف خود در دستگاه نفت گماشته شدند .

۴ - بفریداران نفت در تعقیب اعلان قبل اخطار شد تقاضای خود را به هیئت مدیره موقت تسلیم دارند و در مقابل نفتی که بکشتی ها بارگیری میشود بشرکت ملی نفت ایران رسید بدهند

۵ - باداره گمرکات دستور های لازم داده شد .

۶ - بکارشناسان و کارمندان و کارگران خارجی اخطار شد کار و خدمت خود

۷ - بکلیه کارمندان و کارگران ایرانی اخطار شد نسبت بخارجیان نهایت مهر و محبت را اجرا دارند .

۸ - کلیه در آمد حاصله از فروش نفت شرکت ملی ایران بحساب مخصوصی در بانک ملی ایران و شعبات آن گذاشته شد . هیئت مختلط وظیفه خود میداند در اینموقع از هیئت محترم اعزام - بجنوب و از مهندسین و مشاورین آنان که با نهایت جدیت و با وجود ناراحتی های فراوان به خدمات مهم خود ادامه دادند و می دهند صمیمانه قدردنایی کنند .

با این مقدمات عمل خلع ید انجام شد ولی مدیران و کارکنان انگلیسی بزمامداری هیئت مدیره ایرانی معترض شدند .

و از آن طرف هم متصدبان حمل و نقل نفت برای خریداران سابق از دادن رسیدی که تقاضا میشد خودداری کردند وبالضروره عملیات بهره برداری نفت دچار اختلال و وقفه شد .

در نتیجه این پیش آمد و بمنظور روشن کردن اوضاع و دادن گزارش دو نفر از اعضای هیئت نظارت یعنی آقایان دکتر متین دفتری و اردلان در تاریخ ۱۲ تیرماه از جنوب برگر آمدند و توضیحات لازم را دادند و در باب تکمیل خلع ید و پیش بینی های مقننی از آن جمله تأمین کار و زندگی کارگران که بواسطه خوابیدن تدریجی کاردر مؤسسات نفت واقع شدنی بود مذاکرات و مشاورات بعمل آمد و هر يك از آقایان اردلان و دکتر متین دفتری در مجلس شورای ملی و مجلس سنا گزارش دادند در این انناهیئت مختلط بار دیگر بدولت پیشنهاد نمود اهتمام مجدد برای نگاهداشتن و تشویق کارکنان خارجی بعمل آید و در موضوع سهیل حمل نفت بخارج کوشش شود و دولت برای اطلاع عمومی در داخله و خارجه مجدداً اعلام دارد که ایران با تمام قوا مایل بادامه کار بهره برداری نفت است و با کمال حسن نیت حاضر است کارکنان خارجی یا کلیه مزایا نگاهداری کند . در این ضمن هیئت مشغول مطالعه در باب شکایت مجدد دولت انگلستان بدادگاه بین المللی بمنوان اقدامات تأمینی و حفظ جریان بهره برداری در جنوب بمطالعات لازم پرداخت و با وجود فرصت بسیار کوتاهی که از طرف دادگاه داده شده و مقرر شده بود بعد از پنج روز یعنی در تاریخ نهم تیرماه محاکمه بعمل آید هیئت مختلط نظر خود را در باب عدم صلاحیت دادگاه برای مداخله در اختلاف بین دولت و يك شرکت خصوصی بت بار دیگر بدولت اعلام کرد و جواب مفصلی روی این اساس در حدود وقت بسیار محدود از طرف دولت تپیا و توسط آقای دکتر شایگان در ۸ تیرماه بلاهه ارسال شد و چون دادگاه قبل از تعیین صلاحیت خود در تاریخ سیزدهم تیرماه قرار صادر کرد و در آن قرار اعاده وضع قبل از خلع ید شرکت سابق را پیشنهاد نمود و این امر بالطبع با قانون ملی شدن نفت مخالف و اجرای آن غیر مقدور بود بعد از معالعات لازم تصمیم اتخاذ شد که قرار دادگاه رد شود و دولت ایران از مسئولیت قهره دوم ماده ۱۳۲ اساسنامه

دادگاه بین الملل راجع بقضات اجباری کناره گیرد این تصمیم اجرا شد و عیناً توسط وزارت خارجه باطلاع آقای تریگولی دبیر کل ملل متحد رسید در ضمن دولت دستور داد برای مخابرات اهواز هم هیئت رئیسه ایرانی تعیین شود و در باب نفت کرمانشاه و توزیع داخله بعد از مشاوره در هیئت مختلط آقای مهندس بلالی با دستورهای لازم از طرف دولت بکرمانشاه اعزام شد و آقای مهندس شقائی بعنوان ناظر عالی شرکت ملی نفت ایران در رأس توزیع داخله در مرکز منصوب شدند و مطابق اصل قبول شده مقرر شد در این امر هم از کارمندان شرکت سابق استفاده شود.

بلافاصله بعد از ارسال جواب رد قرار دادگاه و اجسرای تصمیم دولت پیامی از حضرت رئیس جمهوری امریکا که پیام دومی ایشان بود در همان تاریخ یعنی ۱۷ تیرماه بعنوان جناب آقای نخست وزیر رسید قسمت اول آنکه مربوط بقراردادگاه بود بواسطه دیر رسیدن پیام منتفی بود ولی قسمت دوم پیام که علاقه دولت و ملت امریکارا نسبت بمنافع ایران نشان میداد و پیشنهاد شده بود در صورت موافقت دولت ایران یکی از دوستان و مشاوران رئیس جمهوری که از رجال نامی و بصیر امریکا است یعنی جناب آقای هرین برای مشاوره و کمک در حل اختلاف فیما بین دولت و شرکت بطور غیر رسمی و به طریق دوستانه بتهران بیابند. چون حسن نیت امریکائیها نسبت بایران همواره در گذشته و حال بثبوت رسیده است بهلاوه دولت ایران بشرط ملی شدن نفت و تحقق آمال ملی از هیچگونه اقدام در راه حل اختلاف امتناع نداشته و ندارد پیشنهاد صادقانه رئیس جمهوری را حسن تلقی کرد و هیئت مختلط هم بعد از ملاحظه جوانب امر این عمل را سودمند تشخیص داد لذا در پیام جوایه صمیمانه و دوستانه ای که جناب آقای نخست وزیر ۲۰ تیرماه بحضرت رئیس جمهوری امریکافرستاد آمدن آقای هرین را بتهران کمک و مشاوره لازم و نیز بمنظور مطالبه در اوضاع اقتصادی ایران حسن استقبال نمود و در نتیجه آقای هرین از امریکا حرکت و صبح ۲۳ تیرماه وارد تهران شد و بلافاصله بییشگاه اعلیحضرت هابون شاهنشاه شرفیاب شدند و بعداً از جناب آقای نخست وزیر ملاقات کردند و پس از مبادله نظریات کلی حاضر بودن خود را برای شروع بکار اعلام داشتند. هیئت مختلط که اهمیت زیادی بآمدن و مشاوره و کمک جناب آقای هرین قائل است بنا بعقیده خود و صلاحدید دولت بیدرنگ چهار نفر از اعضای خود یعنی آقایان دکتر شایگان و دکتر شفق و صالح و دکتر متین دفتری را برای ملاقات و مذاکره های مشورتی بامعظمه انتخاب و تعیین کرد و این سو کمیسیون چهارگانه بلافاصله با آقای هرین تعیین وقت و ملاقات نمود و اصول مذاکرات در قضیه اختلافات بین دولت و شرکت آغاز شد. تاکنون پنج جلسه در صاحبقرانیه انعقاد یافته و در مطالب مختلف مذاکرات بعمل آمده است.

هیئت لازم می داند اظهار دارد که سو کمیسیون در شخص آقای هرین صداقت و خیرخواهی و بصیرت و علاقه خاص قابل تقدیری تشخیص داده و در نتیجه این ملاقاتها عقیده پیدا کرده است که معظمه نسبت بمنافع حیاتی و حق حاکمیت ملت ایران علاقه قلبی دارد و با کمال حسن نیت می کوشد اختلاف فیما بین با حسن وجوه مرتفع گردد و

که نه حقی از حقوق مشروع ملت ایران ضایع گردد و نه اختلافات ادامه یابد و در ضمن رفع اختلاف با شرکت سابق روابط دوستی بین دولتین ایران و انگلستان هم تأیید و تشدید گردد.

هم اکنون که آقای هرین تازه از مسافرت سه روزه خود بلندن بتهران بازگشته است امیدواری زیاد است که با موافقت و قبول رسمی و علنی دولت انگلستان با اصل ملی شدن نفت ایران مطابق فورمولی که آقای هارین تسلیم شده بود و با آمدن هیئتی جدید از انگلستان بمنظور تجدید مذاکرات مشکلات فعلی برطرف خواهد شد و ملت ایران با رفاه و آزادی زندگانی فردی و اجتماعی خود را ادامه خواهد داد.

در خاتمه چنانکه ملاحظه میفرمایند با اینکه در تمام این مدت هیئت مختلط ساعتی فراغت و راحت نداشته و مدام مشغول ادای وظائف مرجوعه بوده است هنوز از وظائف خطیری که قانون بآن محول کرده تنها در قسمتی موفق شده و بحکم و ضرورت مساهی عمده را صرف مدلول ماده ۲ یعنی موضوع خلع ید که تحقق مواد دیگر منوط به تحقق آن است نموده و در ضمن اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و آئین نامه اعزام محصلین ایرانی را برای فراگرفتن رشته های مختلف مربوط به صناعت نفت با همکاری اهل فن تهیه کرده است.

هنوز وظائف عمده مانند نظارت در رسیدگی دعاوی طرفین و حساب شرکت از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ باینطرف و بهره برداری و مسائل دیگر مرتبط با این موضوعها که ممکن است پیش بیاید باقی مانده نیز مقتضی است هیئت در مذاکراتی که ضلاً در جریان است وظیفه نظارت خود را انجام دهد.

کلیه مسائل فوق باید در موقع خود بیدرنگ مورد توجه و مطالعه هیئت قرار گیرد بنا بر این هیئت مختلط لازم می داند بموجب ماده ۹ قانون سه ماه دیگر تمدید تقاضا نماید تا بتواند بکارهای خطیر و وظائف سنگین خود ادامه بدهد و بپسوندن الله تعالی بارو سفیدی و سر بلندی از عهده آن برآید.

در ضمن تذکر می دهد که در جلسه اخیر هیئت یعنی روز چهارشنبه ۹ مرداد ماه آقایان دکتر رضا زاده شفق بعنوان منبر هیئت در مجلس سنا و دکتر عبدالله معظی بعنوان منبر در مجلس شورای ملی انتخاب و تعیین شدند.

## گزارش آقای نخست‌وزیر به مجلس شورای ملی راجع به شناسائی ملی شدن صنعت نفت از طرف دولت انگلیس و شرکت سابق نفت در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۳۰

در سیام خرداد ماه گذشته اینجانب گزارش مشروح مذاکرات دولت ایران را با هیئت نمایندگی اعزامی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران به عرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده و توضیح دادم که با آنکه دولت طی یادداشت هشتم خرداد ماه ۱۳۳۰ صریحاً قید کرده بود که دولت ایران فقط در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت حاضر به مذاکره است هیئت نمایندگی شرکت سابق پس از چندین بار استمهال ساعت هشت پمداز ظهر سه شنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۳۰ در کاخ نخست‌وزیری یادداشت غیرمنتظره‌ای که بکلی میان باقوانین راجع بملی شدن صنعت نفت بود تسلیم نمود و بدین جهت دولت ایران از ادامه مذاکرات خودداری کرد و دو روز بعد نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت به انگلستان بازگشتند و ملافاصله دستور خلع بد صادر و بموقع اجراء گذاشته شد .

در هفتم تیرماه جناب آقای سفیر کبیر امریکا نامه‌ای از طرف حضرت ترومن رئیس جمهور کشور های متحده آمریکا باینجانب تسلیم نمود که پس از اظهار علاقه بعمل اختلاف پیشنهاد فرموده بودند جناب آقای اورل هرین را بنماینده‌گی مخصوص خود به ایران روانه کنند تا درباره این مسئله با اینجانب و دولت ایران مذاکره پردازند .

اینجانب با اظهار تشکر از حسن نیت ایشان اطلاع دادم چنانچه حق ملی ما مطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت مورد موافقت واقع شود دولت ایران حاضر است بلافاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره شود و ورود نماینده حضرت رئیس جمهوری را استقبال نماید .

در تعقیب این پیام ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه بیست و سوم تیر ماه جناب آقای اورل هرین وارد تهران شدند و صبح روز بیست و چهارم تیر ماه با این جانب ملاقات و مذاکره کردند و در تعقیب آن مذاکره و مذاکرات بعدی از طرف هیئت دولت بوزیر دارائی و از طرف هیئت مختلط با آقایان دکتر متین دقتری و دکتر رضا زاده شفق و دکتر شایگان و اللهبیار صالح اعضاء آن هیئت ماموریت داده شد که با آقای هرین وارد مذاکره شوند . در نتیجه این مذاکرات در جلسه دوشنبه سی و یکم تیرماه هیئت هیئت وزیران و هیئت مختلط که در منزل اینجانب تشکیل گردید فرمول ذیل طرح و مورد تصویب قرار گرفت و بعنوان نظریه قطعی دولت ایران با آقای هرین تسلیم شد .

هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت در جلسه دوشنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۰ منعقد در منزل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر فرمول ذیل را تصویب نمودند :

اولا - در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود .

ثانیا - دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بطهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

ثالثاً - مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلا درج میشود :

د بنام سعادت ملت ایران و بنظور کمک بنامین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد .

برای مزید استحضار آقای هرین يك نسخه از یاد داشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان رسید .

رابعاً - دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود .





روزدوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۲۰ جلسه مشترک هیئتوزیران و هیئت مختلط در منزل جناب آقای دکتر

هدق نخست وزیر انعقاد پانف و بعد از مذاکرات خصل نصیبات ذیل انجام گردید که در مذاکرات

امروز عصر با آقای هرین نماینده مخصوص حضرت رئیس جمهوری امریکا بر طبق آن عمل شود .

(۱) فرمولی که با پد آتای هرین تسلیم شود از فرار ذیل خواهد بود :

(۱) در صورتیکه دولت انگلیس بگوکات از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن

صنعت نفت در ایران را بستاند دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بگوکات از طرف

شرکت سابق وارد مذاکره نمود .

(۲) دولت انگلستان قبل ازا مزام نمایندگان بظهران موافقت خود را بگوکات از طرف

شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

(۳) خصوصاً از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص

نفت مجلس شورای ملی تصویب شده در قانون مورخه ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است

و متن آن ذیلا درج میشود :

(۱) بنام سعادت ملت ایران و منظور کنگ پشامین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میمانیم

که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف

استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد .

(۲) در موقع مذاکره با آقای هرین همین تعریف اصل ملی شدن صنعت در ماده نسبی

با اطلاع ایشان برسد تا بعد اسوه ظاهری در مذاکرات حاصل نشود و نیز یاد آوری را که نمایندگان

Large handwritten signatures and notes on the right side of the document, including the name 'دکتر' (Dr.) and 'نخست وزیر' (Prime Minister).

Small handwritten signature or note at the bottom left corner.



اکنون متن یادداشت نمایندگان شرکت سابق نفت که مورد قبول دولت ایران واقع نشد برای استحضار قرائت میشود:

### یادداشت

در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارائی روز هشتم خرداد به نماینده شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده نماید و حاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافعی با اصل ملی شدن نفت نباشد.

اینک شرکت میخواهد بلادرنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده بدینوسیله ثابت کند که مایل است هرچه زودتر یک ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید. بنا بر این هیئت نمایندگی از طرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد. این مبلغ مساعده ای خواهد بود از بابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهایی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد بود با این تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود. همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژوئیه به بعد هر ماه مبلغ سه میلیون لیره تا وقتی که ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم. در جلسه قبل اینجناب اظهار کردیم که ما با حفظ کامل کلیه حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان معترم طریقه رضایت بخشی پیدا کنیم که حسن اداره صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد. بنظر شرکت چنین میرسد که ممکن است بر اساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود:

دارائی ایرانی شرکت به یک شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور در ازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبور را به شرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده ای مدیر ایرانی در هیئت مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد. عملیات بخش در ایران به شرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارائی موجود بآن شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت.

شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آنرا بعنوان یک قدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید.

ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارائی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند توجه کامل قرار داده ایم. اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان بود که از تاریخ ۲۹ اسفند ماه شرکت بایستی مجموع در آمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرضی الطرفین برای



جلسه فوق العاده دولت ساعت ده بعد از ظهر روز دوشنبه سی و یکم نوبت / ۱۳۴۰  
 در منزل آقای دکتر مهدق تشکیل گردید ابتدا آقای صالح گزارش ملاقات نمایندگان  
 هیئت مختلط آقای وزیر ارانی را با مسرر هممان نماینده رئیس جمهوری امریکا  
 توضیح داده و گفتند که متن صورت جلسه صبح که بایشان داده شد قبول کردند  
 مفاد آن را با اطلاع دولت انگلستان برسانند در اینک دولت انگلستان نهل از اعزام نمایندگان  
 خود قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید سوم آقای هرمن  
 اضافه کرده اند که : « من بدولت انگلیس صورت جلسه هیئت دولت را اطلاع میدهم  
 و بآنها میگویم که دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون ناآنجا که مربوط  
 به نافع انگلیس است وارد مذاکره شود »  
 جلسه اخیر پیشنهادی آقای هرمن مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقای وزیر راه بمجلسه  
 تلفن این موافقت را با نشان اسلام نمودند .

Handwritten signatures and notes in Persian script. The notes include:  
 - "بند بگویم نافع برقی تمام است" (I will say that electricity is completely beneficial)  
 - "بسته به جهت رسم است" (It depends on the formal reason)  
 - "دو نفر حضور دارند در این معاهده بزرگ نافع" (Two people are present in this large beneficial treaty)  
 - "بزرگ بگفتن و بعد که گرفت چنین جواب" (Big to say and then got such an answer)  
 - "شکست خوردن بگویم نافع دولت تمام" (I will say that the government's success is complete)  
 - "ماده دوم" (Article 2)  
 - "دانشگاه" (University)  
 - "مجلس" (Parliament)

پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد . ما يك چنین پیشنهادی را نمیتوانیم قبول کنیم . هیئت برای مذاکره به ایران آمده است و بعقیده ما عنوان يك چنین تقاضایی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیرموجهی است . بعلاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شد که يك چنین تقاضایی نه از لحاظ تجارتي مسکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است .

آقای هرین داوطلب شدند که شخصا این فرمول را با اطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین منظور روز جمعه چهارم مرداد با هواپیمای بلدن حرکت کردند و روز ششم مرداد ماه نامه زیر از طرف دولت انگلستان توسط سفارت کبرای آن دولت در تهران بدولت ایران تسلیم شد :

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پیشنهاد دولت ایران را برای مذاکره بین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف شرکت نفت انگلیس و دولت ایران و برای بحث مطالبی که مورد علاقه متقابل دولتین است توسط آقای هرین دریافت داشته است .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است از این دعوت استفاده نماید لکن دولت ایران باین نکته توجه خواهد نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با منتهای حسن نیت وارد مذاکره خواهد شد و مذاکرات مزبور فقط در صورتی میتواند بصورت رضایت بخش جریان یابد که کنشی که در حال حاضر در جنوب موجود است تسکین و تخفیف یابد .

با این اطمینان که دولت ایران این حقیقت را تشخیص میدهد و با همان روح وارد مذاکره خواهد شد هیئتی بریاست یکی از وزراء کابینه فوراً حرکت خواهد کرد . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت میبشناسد .

عصر روز ششم مرداد ماه از طرف سفارت کبرای امریکا پیشنهاد شد که دولت در صورت موافقت پاسخی بمضمون زیر توسط آقای هرین برای دولت انگلستان بفرستند . دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلستان طبق پیشنهادی که توسط آقای هرین تسلیم گردیده هیئتی با ایران اعزام میدارد . دولت ایران تمایل به رفع تانسیون در جنوب را از نقطه نظر دولتین و بنفع توفیق مذاکرات مطلوب تشخیص میدهد و دولت ایران با همان روح حسن نیتی که دولت انگلستان ابراز داشته است وارد مذاکره خواهد شد .

ولی پیشنهاد فوق مورد موافقت دولت ایران قرار نگرفت زیرا آن صحبت از وجود کنشی در خوزستان شده بود که دولت ایران قبول میکرد آنرا رفع کند و ممکن بود از ابهام این کلمه استفاده کرده و آنرا چنین تعبیر کنند که تمام عملیات مربوط

به خلع ید درخوزستان باعث وجود حالت تانسیون شده و دولت ایران قبول کرده است که برای رفع این حالت وضع را بحال اولیه برگرداند . بدین جهت شب دوشنبه هفتم مرداد در جلسه هیئت دولت و هیئت مختلط نفت بجای نامه‌ای که پیشنهاد شده بود نامه‌ای بدین مضمون تهیه و ارسال گردید :

دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ ( مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بجناب آقای هرین داده بود دولت پادشاهی انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت می‌شناسد و انتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود . و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیئت را بسمت وکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره بادولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد و در همین حال هیئت مزبور راجع به طریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع متقابل دو کشور است بادولت ایران وارد مذاکره شود . دولت ایران معتقد است که تانسیون درخوزستان وجود ندارد و یقین دارد شناسائی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با روح صمیمیت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بآن اشاره شده جریان یابد .

فردای آن شب یعنی روز هفتم مردادماه مطابق پاسیام ژوئیه ۱۹۵۱ از طرف جناب آقای سفیر کبیر آمریکا یادداشتی بدین مضمون برای اینجناب رسید :

سفارت کبیر ای آمریکا - تهران  
۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱

بخدت وزیر عزیز م

الساعه تلگراف فوری از آقای هرین دریافت نمودم . ایشان متذکر شده اند که تصور نمیکنند بتوانند پیامی را که بمن تسلیم فرمودید بدولت انگلستان تسلیم نمایند . ایشان تصور نمیکنند که پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات بنماید . آقای هرین پیشنهاد میکند که جنابجالی و همکارانتان شاید بتوانند تجدید نظر در جواب پیشنهادی دولت انگلستان که اهمیت فوق العاده دارد بفرمایند . ایشان اطمینان دارند که در صورتی که جواب دولت ایران بازبان رضایت بخش تری تنظیم گردد اقدامات لازمه برای اعزام فوری یک مسیون دولتی انگلیسی مقدور است .

با اطمینانی که بتوجه مخصوص جنابالی در این موضوع دارم و اطمینانی که بملاقه دولت شما برای پیدانمودن راه حل مناسبی در موضوع نفت دارم صادقانه امیدوارم که خواهید توانست در پیام دشب خود تجدید نظر فرمایید .

هانری اف - گریدی



دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هریس  
داده محده از طرف خود و کمپانی سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران  
قبول کرده و هبنتی برای مذاکره با ایران اعزام میدارد - دولت ایران بمنظور  
کامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق  
کرده و با همان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود مذاکرات  
وارد خواهد شد .

Handwritten signatures and notes in Persian script, including names like "مهندس" (Engineer), "دکتر" (Doctor), and "معاون" (Assistant), along with various initials and dates.

که بلافاصله اینجانب نامه زیر را در پاسخ آقای سفیر کبیر آمریکا برای ایشان فرستادم :

### سفیر کبیر عزیزم

در جواب یادداشت هفتم مرداد ماه ۱۳۳۰ ( ۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱ ) محترماً اشعار میدارد بسیار خوشوقت میشوم اگر از جناب آقای هرین سؤال فرمایند کدام جمله از بیانی که در جواب ایشان در شب گذشته بوسیله جنابعالی بلندن مغایره شده ایجاد محذور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تسهلی در افتتاح باب مذاکرات نینماید و بنابراین از تسلیم آن بدولت انگلستان خودداری فرموده اند .  
موقع را برای تجدید احترامات مغتنم بمشارد .

### نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

روز بعد آقای هارین با هوایسا با بران مراجعت نمودند .

سه روز بعد از آن یعنی روز جمعه یازدهم مرداد ماه آقای میدلتن کاردار سفارت در وزارت امور خارجه حضور یافته و نامه ای بضمون ذیل بآقای وزیر امور خارجه تسلیم نمودند :

### سفارت کبیر ای انگلیس - تهران

۱۱ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱۰۰

### آقای وزیر

بر حسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آن دولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیما بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوع های مربوطه بمنافع متقابل دولتین توسط مستر هارین دریافت نموده است .  
۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است فرمول مزبور را مورد استفاده قرار داده و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود با کمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتواند بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگر اینکه



تسکینی در محیط فعلی داده شود .

بر طبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبور را در نظر میگیرد و ما نیز با همان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسپونی که بریاست یکنفر وزیر کابینا خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود .

۳ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول مینمایند .

موقع را مفتنم شمرده احترامات فائمه خود را تجدید مینمایم .

جی • اچ • میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی

وزارت امور خارجه شاهنشاهی - تهران

همان وقت در پاسخ این نامه نامه ای بدین مضمون از طرف آقای وزیر امور خارجه با آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان تسلیم شد :

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۲

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ شماره ۱۰۰ اشعار میدارد دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هرین داده شده از طرف خود و کمپانی سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول کرده و هیتی برای مذاکره با ایران اعزام میدارد . دولت ایران بنظور کامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق کرده و با همان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود بنذاکرات وارد خواهد شد .  
موقع را برای تجدید احترامات فائمه مفتنم می شمارد .

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان طی نامه دیگری بدین مضمون دولت انگلستان را برای اعزام هیتی بریاست آقای استوکس مهر دار سلطنتی تهران با اطلاع آقای وزیر امور خارجه رسانیدند :



دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که بر طبق لایحه مورخه دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۲۰ -  
 ( مطابق ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۱ ) که به جناب آقای هرمین داده بود دولت پادشاهی انگلستان  
 از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران بر حسب  
 می نماید و انتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی  
 گذارده شود . و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هبنتی را به سمت و کالست  
 از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار تهران اجراء دارد در  
 همین حال هبنت مزبور راجع به طبقه اجرای نامین تا آنجا که مربوط به مناقضتقابل دو کشور  
 است با دولت ایران وارد مذاکره شود دولت ایران معتقد است که تا سیمونی در خوزستان وجود  
 ندارد و حقین دارد شناسائی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود  
 خواهد آورد تا با روح صمیمت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بآن اشاره شده جریان یابد .

بزرگواران

دولت ایران

دولت انگلستان

دولت ایران

دولت انگلستان

دولت ایران

دولت انگلستان

دولت ایران

دولت انگلستان

## سفارت کبرای انگلستان . تهران

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۱

### جناب آقای وزیر

افتخار دارم که بر قومه آن جناب مبنی بر قبول دولت شاهنشاهی ایران بابتکه وارد مذاکره بادولت پادشاهی انگلستان بوکالت شرکت نفت ایران و انگلیس و بحث در قضایای مورد علاقه دو دولت بشوند اشاره نمایم .

۲ - از دولت متبوعه خود دستور یافته ام که مراتب زیر را باستحضار آن

جناب برسانم :

دولت متبوعه این جانب در نظر دارد هیئت بریاست جناب استوکس مهر دار سلطنتی بهمراهی مشاورین ذیل اعزام بدارد .

سردونالد فرگسون . جی . سی . بی . و دکتر و . ال . ناتال عضو وزارت سوخت و نیرو و مستر فلت عضو خزانه داری و جناب پی . ای . دمزیاتم عضو وزارت خارجه . ضمناً پنج نماینده هم از شرکت نفت ایران و انگلیس و چهار منشی بمعیت این هیئت خواهند بود .

۳ - بطوریکه معین شده حرکت این هیئت در ساعت یانزده روز جمعه سوم اوت خواهد بود و در حدود ساعت هفده و نیم شب چهارم اوت بوقت محلی وارد تهران خواهند شد .

موقع را برای تقدیم احترامات فائقه مغتنم می شمارم .

جی . ایچ . هیدلتن

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی - تهران  
در پاسخ این نامه آقای وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران طی نامه ذیل دعوت کردند که این هیئت در مدت توقف خود در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند :

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۰

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۵۹۱ شماره ۱۰۱ اشعار میدارد که دولت شاهنشاهی از آمدن هیئت بریاست جناب آقای استوکس خوشوقت است و بوسیله این

نامه دعوت مینماید که هیئت مذکور در مدت توقف در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند و جناب آقای سناتور جواد بوشهری وزیر راه را بست میهماندار این هیئت معرفی مینماید .

موقع را برای تجدید احترامات فائمه منتتم می شمارد .

**وزیر امور خارجه - باقر کاظمی**

آقای میدلتن  
کاردار سفارتگیری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان  
آقای کاردار سفارت گیری ایران دعوت را از طرف دولت متبوعه خود طی  
نامه ای بدین مضمون پذیرفتند :

**سفارت گیری انگلستان - تهران**

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۲

**جناب آقای وزیر**

افتخار دارم که وصول یاد داشت مورخ سوم اوت آن جناب را مبنی بر دعوت مهر دار سلطنتی و همراهان بعنوان میهمان دولت شاهنشاهی ایران هنگام توقف هیئت نمایندگی انگلستان در تهران اعلام دارم .

۲ - از دولت متبوعه خود دستور دارم که قبولی دولت پادشاهی انگلستان را نسبت باین دعوت ملاحظت آمیز باستحضار آن جناب رسانیده و تشکر صمیمانه دولت پادشاهی انگلستان را برای این مهمان نوازی تقدیم دولت شاهنشاهی ایران نمایم .  
موقع را برای تجدید احترامات فائمه منتتم می شمارم .

**جی • اچ • میدلتن**

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی  
بعلاوه مراسله دیگری از طرف آقای کاظمی وزیر امور خارجه با آقای کاردار  
سفارت گیری انگلستان بشرح ذیل نوشته شده است :

**وزارت امور خارجه**

شماره ۲۷۲۰۴

بازدهم مرداد ۱۳۳۰

**آقای کاردار**

با نهایت احترام اینک صورت مجلس هیئت وزراء مشتمل بر فورمولیرا که در

تاریخ ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۰ بجناب آقای اوول هرین داده شده و در نامه‌شما شماره ۱۰۰ مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ و جواب اینجناب مورخه یازدهم مرداد ۱۳۳۰ شماره ۱۷۲۰۲ بآن اشاره گردیده لطفاً برای مزید استحضار ارسال میدارد .  
موقع را برای تجدید احترامات فائده منتهم میشمارد

### وزیر امور خارجه — باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای اعلیحضرت پادشاه انگلستان

این بود جریان اقداماتی که از بدو ورود مستر هرین تا با امروز در باره رفع اختلافات مربوط به ملی شدن صنعت نفت در ایران صورت گرفته است .  
اینجناب وظیفه خود میدانم در این موقع در این مجلس از زحمات و مساعی مجداتۀ ایشان در این باره صمیمانه اظهار تشکر کنم زیرا حد اقل نتیجه‌ای که تا کنون از کوششهای ایشان گرفته شده این است که بر اثر مذاکرات دولتین دعوای ۴۲ سال امتیاز معادن نفت جنوب که ده سال آن مربوط باآخر مدت قرار داد داری تا سال ۱۹۶۱ و ۳۲ سال دیگر در نتیجه تمدید قرارداد مزبور تا ۱۹۹۳ است بکلی خاتمه یافته . امیدوارم مساعی ایشان تا باآخر به نتیجه برسد و با حسن نیت طرفین کلیۀ تمدید قرارداد اشکالات موجود بر اساس حق مشروع ایران حل شود .

بخشنامه بکلیه نمایندگان گیهای ایران درخارج

در تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۳۰

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات

شماره ۱۷۷۵۶/۳۷۵۹

مورخه ۱۳۳۰/۵/۱۷

متن اعلامیه هرین فرستاده مخصوص حضرت نرومن رئیس جمهوری امریکا که در ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه یازدهم مردادماه جاری طی مصاحبه مطبوعاتی در اختیار خبرنگاران خارجی گذارده شد ذیلا جهت اطلاع و تکمیل پرونده آن نمایندگان درج میشود .

د من بینهایت خوشوقتم از اینکه دولتین ایران و انگلیس مسواقت کرده اند

که مذاکرات خود را درباره موضوع ملی شدن صنعت نفت ایران مجدداً آغاز نمایند .  
دولتین مزبور هر کدام با کمال حسن نیت حاضر بنظر شما کرده شده اند . من اطمینان  
کامل دارم که در نتیجه آن کشور ایران خواهد توانست تمایلات ملی خود را به بهترین  
و جبهی عملی سازد و در عین حال از وسائل مهم فنی و حمل و نقل و فروش صنعت بین المللی  
نفت حداکثر استفاده را بنماید .

حل این مسائل باعث خواهد شد که ایران بتواند برنامه های مهم و مفصل خود  
را بنظور بسط و توسعه اقتصادیات کشور بوجه احسن بموقع اجرا بگذارد .

دولت امریکا باینگونه برنامه های اصلاحی بینهایت علاقمند است و طبق  
تقاضای دولت ایران در حدود توانائی خود بنظور تسریع اجرای اینگونه برنامه ها که  
برای بهداشت و رفاه و سعادت ملت ایران ضرورت کامل دارد از لحاظ فنی به ایران  
کمک خواهد کرد .

وقتیکه آقای نرومن رئیس جمهوری امریکا از من تقاضا کرد که بایران پیام  
منظورش این بود که تا آنجا که برایم میسر است سعی کنم که بین دو دولت ایران و  
انگلیس درباره نفت توافق نظر و سازش حاصل کنم .

من از اینکه دولتین ایران و انگلستان هر دو مساعی من را حسن استقبال نموده اند  
بی نهایت تشکر دارم و مخصوصاً از پذیرائی گرم و مهمان نوازی صمیمانه دولت و ملت  
ایران سپاسگذارم .

# غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۹	اول	دیروز	زائد است
۱۱۰	چهارم	امروز	» »
۱۱۳	اول	دیروز	» »
۱۳۲	اول	پریشب	» »
۱۵۹	در تیر	تیر ماه	خرداد ماه
۱۵۶	در تیر	خرداد ماه	تیر ماه
۱۵۹	سوم	امروز	زائد است
۲۷۹	در تیر	مرداد ماه	تیر ماه
۳۷۹	۷ و ۶	—	زائد است





اگر مع شنیدن نعت نعت نزار گایت در ملک  
 سزا باید از آن که اول این مثنوی را گوید  
 گرد و آن کس ریش را درین ذکر خنیا است هر روزی  
 در خانه جناب امای نریمان <sup>خان</sup> بخورد اول در عصری  
 چشمه با حضور آن رانان که او عقرب نموده <sup>علیه</sup>  
 در در تمام عودت هر گاه بی با این جناب حتی اگر آن اولی <sup>از</sup>  
 آن بزرگوار زنده باشد <sup>د</sup> که هر روز



انتشارات  
راستین

**IRANBOOKS, INC.**

کتابفروشی ایران در واشنگتن

8014 OLD GEORGETOWN RD. BETHESDA, MD. 20814 USA

(301) 986-0079